

کیمهان

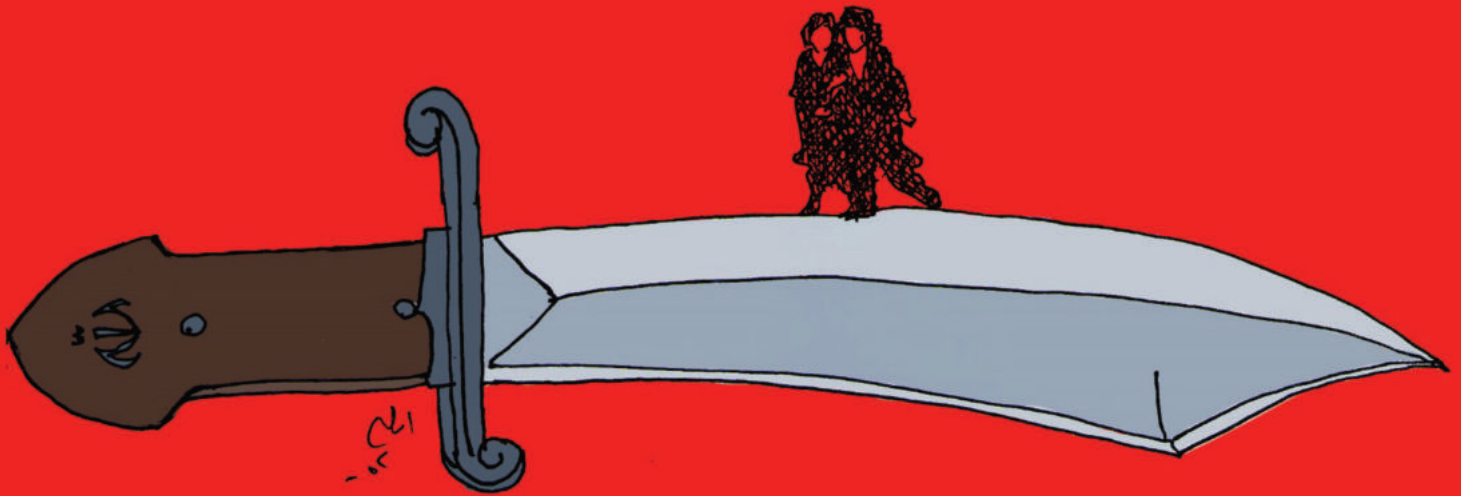
۴۳۴

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۲۸ مهرماه تا ۴ آبان ماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال چهارم - شماره ۱۹۰۰



عوضش امنیت

داریم؟!!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

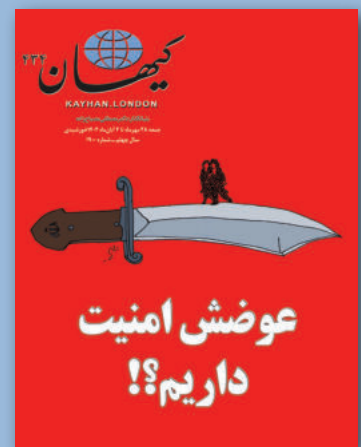
www.kayhan.london

سال چهارم

کیهان شماره ۱۹۰۰ (۴۳۴)

جمعه ۲۸ مهرماه تا ۴ آبان ماه ۱۴۰۲

۲۰ تا ۲۶ اکتبر ۲۰۲۳



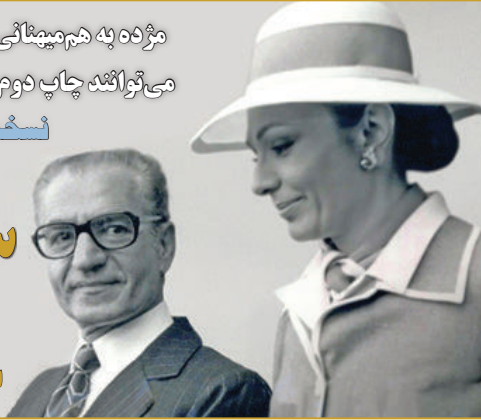
مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

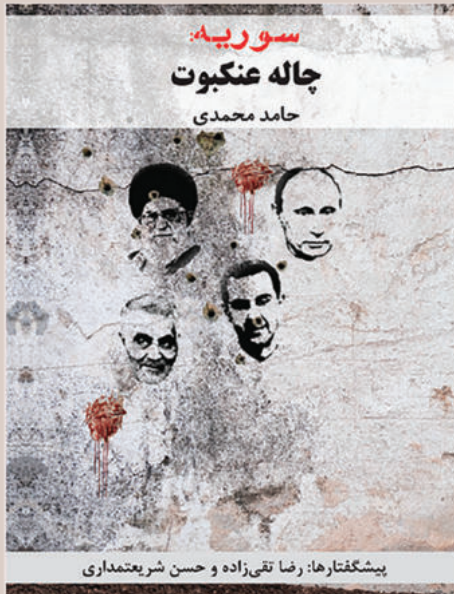
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۴۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیهان

* فهرست مطالب *

۴	سرمقاله - شاخص ترین زن تاریخ معاصر ایران / الاهی بقراط
۴-۵	عوضش امنیت داریم؟! / روشنگر آسترکی
۶-۷	شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»: درمان ضروری سرطان ترور بسم... /
۷	شادباش گروهی از فعالان سیاسی به مناسبت زادروز شهبانو فرح پهلوی... /
۸	الاهی بقراط در نشست «اندیشکده مسائل ایران»: مشروطه و ملی گرایی و پهلوی... /
۹	شهریار آهی در گفتگو با کیهان لندن: خامنه‌ای می‌خواست حرفش را ثابت... /
۱۰-۱۱	مهدی حاجتی کنشگر سیاسی در نشست «اندیشکده مسائل ایران»... /
۱۱	سیلی می‌زنیم، گاز می‌گیریم، قندان... / خیراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	آخرین روزها، پابان سلطنت و درگذشت شاه (۳۵) / دکتر هوشنگ نهاوندی
۱۴	آیابی بی‌نتانیا هو از این بحران عبور می‌کند؟ / بهرام فرّخی
۱۵	جمهوری اسلامی گشودن جبهه‌های جدید علیه اسرائیل را محکمی زند... /
۱۶	گزارش ویژه: رضارسانی؛ این چه عدالتی است؟! / فیروزه نور دستروم
۱۷	یک سردفتر دار در گفتگو با کیهان لندن / فیروزه نور دستروم
۱۸	نشست مشترک سازمان اوقاف و اطلاعات سپاه (ساس) در مورد ضرورت... /
۱۹	کارزار «یهودی ستیزی» حامیان گروه‌های تروریستی فلسطینی در آلمان... /
۲۰-۲۱	قتل داریوش مهرجویی و همسرش با چاقو... /
۲۲-۲۳	پاری ماچ: برای بسیاری از کارشناسان اطلاعاتی، رژیم ایران پشت حمله مرگبار... /
۲۳	فرهنگ و هنر برای آزادی... /
۲۴	مخالفت شورای امنیت با قطعنامه پیشنهادی روسیه برای «آتش بس» در غزه... /
۲۵	بایدن به نتانیا هو قول داد آمریکا از اسرائیل در جنگ با تروریست‌های حماس... /
۲۶	الکساندر لو کاشنکو: غرب نوک پیکان جنگ خاورمیانه را به سوی ایران... /
۲۶-۲۷	تداوم فشارهای امنیتی و اجتماعی به بهانه «حجاب»... /
۲۸-۲۹	محکومیت و کیل خانواده مهسا امینی به زندان و مجازات تکمیلی... /
۲۹	اعطای جایزه ساخاروف ۲۰۲۳ اتحادیه اروپا به «مهسا امینی» و جنبش... /
۳۰	سینمای مهاجر ایران در جشنواره لندن... / احمد رأف
۳۱	لایحه حجاب و عفاف در شورای نگهبان رد می‌شود؟!... /
۳۲	رافائل گروسی: نباید در رابطه با اتمی شدن ایران مثل کره شمالی... /
۳۲-۳۳	هشدار جمهوری اسلامی به اسرائیل از طریق سازمان ملل... /
۳۳	حمله پهبادی به پایگاه آمریکایی عین الاسد در عراق همزمان با ادامه جنگ... /
۳۴-۳۵	آمار جدید از مهاجرت پزشکان از ایران... /
۳۵-۳۶	ادامه حذف فله‌ای اساتید از آموزش عالی... /
۳۶-۳۷	ترور بسم نیابتی جمهوری اسلامی آماده جنگ با اسرائیل... / احمد رأف
۳۸-۳۹	عدالت به سبک جمهوری اسلامی؛ افزایش چهار برابری تعداد میلیونرهای ایرانی و... /
۳۹	شوگ به بازار دلار با تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران... /
۴۰-۴۱	ادامه کاهش سرعت و کیفیت اینترنت در ایران... /
۴۱	تایمز اسرائیل: دولت بایدن به اسرائیل فشار می‌آورد تا آغازگر جنگ... /
۴۲	تداوم بحران کمبود دارو و تهدید جان بیماران... /
۴۳	«تروما»ی ناشی از تصادفات رانندگی، سال گذشته ۱۷ هزار ایرانی... /
۴۴	پس از گذشت ۶ سال از زلزله در کرمانشاه، دانش آموزان بسیاری... /
۴۵	توافق جمهوری اسلامی و حماس برای ادامه همکاری... /
۴۶	هجوم دوباره ریزگردها به سیستان و بلوچستان... /
۴۷	فقر در سیستان و بلوچستان؛ کودکان به جای مدرسه راهی بازار کار... /
۴۸	رجز خوانی فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران برای اسرائیل... /
۴۸-۴۹	کمبود ۱۵ هزار معلم در سیستان و بلوچستان و ترک تحصیل ۵۵۵۶ هزار کودک... /
۵۰	پشت جلد - عکس هفته / شهبانو در ۲۲ مهر ۱۴۰۲ هشتاد و پنج ساله شد

بازنشر
بازنشر



عوضش امنیت داریم؟!

شاخص‌ترین زن تاریخ معاصر ایران



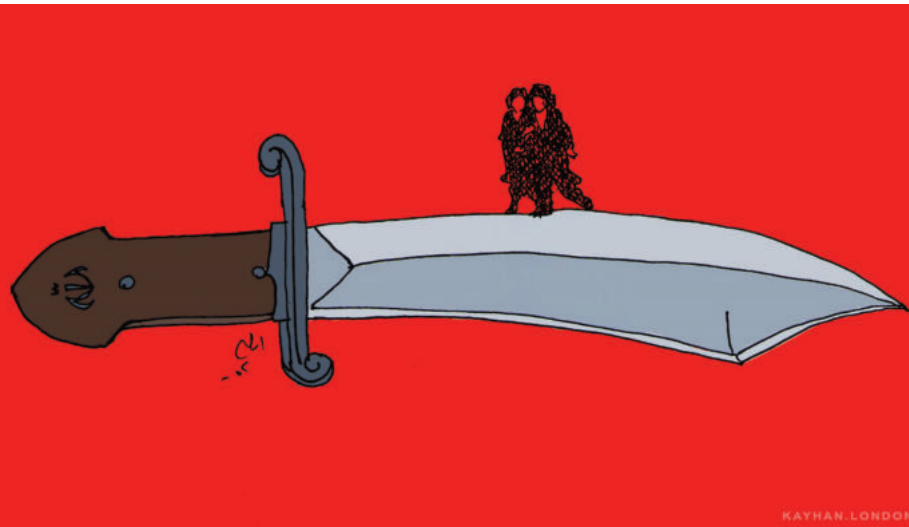
پنج سال قبل به مناسبت هشتاد سالگی شهبانو فرح در ۲۲ مهرماه ۱۳۹۷ به نکته‌ای اشاره کردم که یک نقطه عطف در نقش سیاسی و اجتماعی زنان ایران به شمار می‌رفت: قرار گرفتن تاج نیابت پادشاهی بر سر یک زن در جامعه‌ای پدرسالار که پادشاه طبق قانون اساسی، برای داشتن «فرزند ذکور»، به دو ازدواج ناکام مجبور شده بود.

آن تاجگذاری بسی فراتر از یک مراسم تشریفاتی و یک اعلان جنگ در دفاع از حقوق زنان جامعه‌ی پدرسالار و روحانیت مرتجع به شمار می‌رفت که رهبر اعتراضاتش، خمینی، با حق رأی زنان نیز مخالف بود چه برسد به پادشاهی یک زن! آنهم زنی خودآگاه، تحصیلکرده، هنرمند، هنرناس و هنرپرور؛ زنی باهوش و آراسته و زیبا و ایران‌دوست که هزار درصد در نقطه مقابل «زنان» ملایان قرار داشت.

حالا پنج سال بعد، با از سر گذراندن خیزش‌هایی که اوج آن آغاز انقلاب ملی ۴۰۱ شد، این مطلب را به عنوان زنی می‌نویسم که این بخت را داشت تا کودکی و آغاز جوانی را در دورانی غیر از جمهوری اسلامی سپری کند و خیلی زود به این نتیجه برسد که انسان‌ها را بر اساس عملکرد و آنچه در خدمت به هم‌نوع انجام می‌دهند می‌بایست سنجید.

نقش عینی شهبانو فرح به عنوان زنی که از امکانات لازم برای خدمتگزاری برخوردار بوده نیز در همین چارچوب قابل سنجش است. وی چه پیش از تاجگذاری و چه پس از آن، از امکاناتش در خدمات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بهره گرفت که موزه هنرهای زیبا و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تنها دو نمونه‌ی شاخص هستند. این موضوع از جمله بیانگر اینست که آنچه دو نظام پیش و پس از انقلاب اسلامی ۵۷ را از هم متمایز می‌کند، نقش حکومت و جامعه است که تغییر یافت: در نظام پادشاهی مشروطه، این حکومت نبود که مانع رشد و ترقی جامعه می‌شد؛ بلکه جامعه‌ی تحت تأثیر قرن‌ها استبداد سیاسی و مذهبی بود که در مقابل اصلاحات پهلوی مقاومت می‌کرد؛ جامعه‌ای که ناآگاهی و عقب‌ماندگی آن منبع تغذیه‌ی ملایان و ارتجاع سرخ و سیاه بود؛ حکومت شاه و دولت‌هایش مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حامیان حقوق ملت به ویژه زنان بودند. این جامعه‌ی سنتی، مذهب‌زده و ناآگاه بود که روحانیت مرتجع با تکیه بر اقلیتی از آن می‌توانست سینما آتش بزند و بانک‌ها و کافه‌ها را به آتش بکشد و در مقابل پهلوی ابراز وجود کند و سرانجام تاج شاهی را از سر زنان ایران بردارد و «یا روسری یا توسی» را به آنها تحمیل کند؛ طنز تلخ تاریخ اینکه، زنان در جمهوری اسلامی همواره برای حقوقی مبارزه کرده‌اند که تا پیش از انقلاب ۵۷ از آنها برخوردار بودند و پوشش اختیاری تنها یکی از آنهاست!

همزمان اما نقش‌ها نیز جابجا شد: حکومت کنونی آینه‌ی همان جامعه‌ایست که ملایان را در مقابل پهلوی به قدرت برگشاند. و جامعه‌ی کنونی آینه‌ی حکومت پهلویست که همچنان با ارتجاع سرخ و سیاه روبروست. و در این آینه، شهبانو فرح پهلوی با عملکرد و زندگی عینی خود و تاجی که بر سر زنان کشور نهاده شد، به عنوان شاخص‌ترین زن تاریخ معاصر در صدر جنبش آزادیخواهی زنان ایران قرار دارد.



● آمارها از جمله کشتار مردم توسط خود حکومت، خودکشی، قتل، مرگ در محیط و محل کار نشان می‌دهند شهروندان در ایران زیر سایه جمهوری اسلامی نه تنها رفاه و آسایش و آزادی و آبادی ندارند، بلکه امنیت هم ندارند!

از قتل تا شیوه سلاخی آنها، به قتل‌های زنجیره‌ای دهه ۷۰ خورشیدی از جمله قتل داریوش و پروانه فروهر، و حمید پورحاجی زاده شاعر و دبیر ادبیات و فرزند ۹ ساله‌اش کارون طی روزهای گذشته بارها از سوی کاربران در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده است. موضوعی که حتی برخی رسانه‌های حکومتی از جمله «جمهوری اسلامی» نیز به آن پرداخته‌اند.

آخرین خبر در زمان تنظیم این گزارش از پرونده قتل مهرجویی و همسرش، اظهارات سردار سعید منتظرالمهدی سخنگوی «فراجا» است که بامداد پنجشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۲ گفته عامل اصلی قتل مهرجویی و همسرش دقیقی پیش اعتراف کرد. سردار منتظرالمهدی گفته که «دقایقی پیش قاتل اصلی که جزو دستگیرشدگان قبلی پلیس بود پس از انجام اقدامات فنی و تقاطع‌گیری شناسایی و لب به اعتراف گشود.»

سخنگوی «فراجا» بدون ارائه جزئیات گفته «بازجویی‌ها کهماکان برای شناسایی همدستان و زوایای پنهان این قتل در حال انجام است.» وی وعده داده به زودی اطلاعات تکمیلی ارائه خواهد شد.

آنسوی پرونده یک قتل

جدا از اینکه انگیزه قتل داریوش مهرجویی و همسرش چه بوده و قاتل یا قاتل کیستند، این جنایت حجم ناامنی در کشوری را به تصویر کشیده که یک هنرمند سرشناس با وجود تهدیدهای مکرر پیش از قتل، هیچ حاشیه امن و حمایت‌گر ندارد تا از خطر قطعی و تهدیدات آشکار جان سالم به در ببرد.

ساختار معیوب جمهوری اسلامی حتی ساز و کاری ندارد تا بتواند از جان سرمایه‌های کشور از جمله سرمایه‌های فرهنگی چون مهرجویی که به راحتی در تاریخ سینمای این مرز و بوم تکرار نخواهند شد محافظت کند؛ و البته چه بسا عدم اطمینان به همین ساختار و ارتباطش با تهدیدها بوده که این زوج را در باره پیگیری جدی قانونی تهدیدها مردد یا منصرف کرده است.

قتل تکانه‌دهنده داریوش مهرجویی فیلمساز سرشناس ایرانی و همسر نویسنده‌اش، وحیده محمدی‌فر، طی روزهای گذشته بار دیگر جامعه ایران را در بهت و حیرت فرو برد. علت قتل همچنان برای افکار عمومی مبهم و نامشخص است اما قاتل یا قاتلان با هر انگیزه‌ای مرتکب چنین جنایتی شده باشد/ باشند، همچنان حلقه مفقوده‌ی ماجرا «امنیت» است؛ در کشوری که حاکمان آن خود مهم‌ترین عامل «ناامنی» به شمار می‌روند و شهروندان به اشکال مختلف قربانی عدم «امنیت» از جمله توسط دستگاه‌ها و مأموران امنیتی و انتظامی هستند!

قاتلان در میان ما!

فیلمسازی معروف و همسرش از مدت‌ها پیش مورد تهدید افراد ناشناس قرار می‌گیرند. آنها این موضوع را در اینستاگرام و با وکیل‌شان مطرح و به دنبال نقل مکان از ویلا شخصی در شهرکی نزدیک کرج به تهران هستند اما در فاصله ساعت ۸ تا ۱۰ شامگاه شنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۲، به فیجع‌ترین شکل ممکن با چاقو سلاخی می‌شوند و جان می‌بازند. دختر ۱۸ ساله این زوج هنرمند، کمی بعد از ساعت ۱۰ شب هنگام بازگشت به خانه با پیکر کارآجین و غرق در خون پدر و مادر، یکی در سالن و دیگری در اتاق خواب، روبرو می‌شود و موضوع را به پلیس اطلاع می‌دهد. آنچه آن شب بر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر و دخترشان مونا گذشته شبیه فیلمنامه‌ای تلخ و دهشتناک است که نه بر پرده سینما بلکه در واقعیت و خانه‌ی کارگردان رخ داده است.

طی روزهای گذشته فرضیه‌های مختلفی درباره قاتل یا قاتلان، و انگیزه قتل مطرح شده است. از خصوصیت شخصی تا تسویه حساب سازمانیافته یک جریان درون حکومتی با فیلمسازی که همین چندی پیش در مستندی ساخته «بی‌بی‌سی فارسی» گفته بود «این کلاهی که چهل سال سرمون گذاشتن رو دیگه نمی‌خوام!» وی در همین مستند به همسرش گفته «نترس، بیا روسیتو بردار. دیگه روسری بپوش.»

شبهات قتل مهرجویی و همسرش، از تهدیدهای پیش



استانداردهای ایمنی و عدم نظارت بر فعالیت کارگاه‌ها و کارخانه‌ها است. وزارت کار بی‌تفاوت به آنچه در محیط کار رخ می‌دهد، نظارت و کنترل استانداردهای ایمنی در محیط کار را رها کرده و همین موضوع به تهدید جانی دائم علیه کارگران تبدیل شده است.

در بُعد اقتصادی نیز فقر و فلاکت گسترده از سوی جمهوری اسلامی «امنیت جانی» شهروندان را به سخره گرفته و «انتخاب»ی جز پایان دادن خودخواسته به زندگی برای بسیاری از مردم باقی نگذاشته است. بر اساس جدیدترین آمارهای مربوط به خودکشی در ایران که هفته گذشته و همزمان با «روز جهانی سلامت روان» ارائه شد، خودکشی کامل (منجر به مرگ) در ایران طی ۱۵ سال گذشته با افزایش ۱۰۸ درصدی روبرو شده است. همچنین تعداد موارد خودکشی کامل در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با سال ۱۳۹۹، ۷/۱۲ درصد رشد داشته است.

این موضوع را که داعش به مرزهای ایران وارد نشد و تجاوز و خونریزی نکرد، «منت» بر سر مردم گذاشت که اگر در فقر و فلاکت هستید، «عوضش امنیت دارید!»

هرچند بر اساس ادعاهای جمهوری اسلامی پای داعش هم به ایران باز شد و در چند عملیات تروریستی از جمله دو عملیات در شاهپراغ شیراز جان شهروندان ایرانی را گرفت، اما حتی در ابعاد دیگر هم مردم در ایران «امنیت» ندارند و علت آن چیزی نیست جز خود «جمهوری اسلامی»!

یکی از نشانه‌های امنیت نداشته‌ی مردم در ایران، کشتار و سرکوب وحشیانه شهروندان توسط خود حکومت است. آمارها نشان از جان باخت دست‌کم ۵۷۰ شهروند از جمله ۷۱ کودک در اعتراضات جنبش ملی و در فاصله شهریور تا دی‌ماه ۱۴۰۱، جان باخت ۱۵۰۰ تن در اعتراضات آبان ۹۸، زخمی شدن هزاران شهروند در این اعتراضات به دلیل برخورد گلوله و باتوم بر تن و چشم و سر، از نشانه‌های

ویدئویی که از سوی پلیس از صحنه قتل منتشر شده نیز نشانه دیگری از فشل بودن ساختاری دارد که مسئول ایجاد امنیت در کشور است. در ویدئوی منتشرشده خبرنگار پلیس از حیاط ویلا محل قتل، وارد ویلا شده و نیروهای آگاهی در حال بررسی صحنه جرم هستند. در کمال ناباوری، عوامل خبرگزاری، فرمانده نیروی انتظامی و اعضای تیم پلیس آگاهی بدون رعایت پروتکل‌های حضور در صحنه جنایت، با لباس معمولی بدون پوشش مخصوص با کفش در صحنه در حال رفت و آمد و دستمالی کردن همه چیز هستند! حتی خبرنگار با کفش به محل خون‌آلودی که پیکر داریوش مهرجویی در آن قرار داشته وارد می‌شود! چنین صحنه بلبشویی در حالیست که حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز از تشکیل کارگروه مشترک و ویژه برای پیگیری پرونده این قتل خبر داده است. چنین حضوری در صحنه قتل پرونده‌ای که حساسیت افکار



آمار دیگری که در امرداد امسال منتشر شد نیز نشان می‌دهد طی یک دهه گذشته شمار خودکشی در ایران با افزایش ۴۰ درصدی روبرو شده و بطور متوسط از هر ۱۰۰ هزار ایرانی، ۱۲۵ نفر اقدام به خودکشی می‌کنند. مهمترین انگیزه خودکشی در سال‌های گذشته فقر و مشکلات معیشتی بوده است.

از سوی دیگر به گفته کارشناسان، فقر و بیکاری و افزایش حاشیه‌نشینی نقشی موثر در افزایش بزهکاری‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی دارد که از ریشه‌های بروز ناامنی در سطح جامعه هستند. همچنین بر اساس گزارش‌های مختلف طی سال‌های گذشته آمار نزاع و قتل و دزدی در کشور نیز رو به افزایش بوده است. افزایش این آمارها چه با ریشه‌های اجتماعی- فرهنگی، و چه با ریشه‌های اقتصادی و فقر، در نهایت به سوء مدیریت حکومت در ایجاد توسعه رفاه و امنیت باز می‌گردد.

این آمار و ارقام فقط مشت‌ی نمونه خروار هستند که نشان می‌دهند شهروندان در ایران زیر سایه جمهوری اسلامی نه تنها رفاه و آسایش و آزادی و آبادی ندارند، بلکه امنیت هم ندارند!

روشنک آسترکی

تهدیدی به نام ماشین سرکوب جمهوری اسلامی علیه شهروندان و عدم امنیت تمام‌عیار است.

مرگ و میر گسترده شهروندان در پاندمی کرونا همراه با ممنوعیت واردات واکسن به کشور طی چند ماه، از دیگر ابعاد نبود امنیت ناشی از سیاست‌گذاری‌های حکومت است.

یکی دیگر از نشانه‌های امنیتی که مردم در ایران ندارند، شمار جانباختگان و مجروحان تصادفات رانندگی است که ناامنی جاده‌ها و اتومبیل‌ها از دلایل اصلی آن است. بر اساس آمارهای پلیس راهور در سال ۱۴۰۱ تعداد ۱۹ هزار و ۴۵۰ شهروند در تصادفات رانندگی جان باخته و ۳۷۸ هزار شهروند مجروح شدند. در نوروز امسال نیز طی سه هفته هزار و ۱۶۸ نفر در تصادفات در شهرها و جاده‌ها جان خود را از دست دادند که ۲۸ درصد از این افراد زیر ۱۸ سال بودند.

همچنین در سال گذشته ۱۹۰۰ کارگر در ایران جان خود را در حوادث کاری از دست دادند. این رقم به معنای مرگ ۱۵۸ کارگر در هر ماه و به بیان دیگر مرگ ۲/۵ کارگر در هر روز بر اثر حوادث در محل کار است! عامل اصلی مرگ کارگران و بروز حادثه در محل کار، رعایت نشدن

عمومی نسبت به آن، سبب تشکیل «کارگروه مشترک» شده گویای وضعیت فاجعه‌باری است که در دیگر پرونده‌های جنایی این کشور نیز قطعا در جریان است، و «عدالت» و «کشف حقیقت» را با تردیدهای زیاد روبرو می‌کند!

قتل داریوش مهرجویی و همسرش با پیشینه‌ی تهدیدهایی علیه آنها حتی اگر با انگیزه شخصی و خصومت فردی صورت گرفته باشد به شکل خشنی نبود امنیت در ایران را به نمایش گذاشته است. به همین دلیل است که طی روزهای گذشته بارها و بارها این عبارات مهرجویی و همسرش در مستند بی‌بی‌سی فارسی: «زنده باد آزادی، قاتلین در میان ما هستند؛ باید مواظب باشیم» و همچنین جمله «خواب می‌بینم در سردابه‌های قرون وسطا سلاخی می‌شوم» از فیلم «هامون» بارها و بارها توسط کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی باز نشر شده است.

آمارهایی از «امنیتی که نداریم»!

سال‌ها پیش همزمان با حمله داعش به سوریه، پروپاگاندای حکومتی با سوار شدن بر عبارت «عوضش امنیت داریم» چهار دهه ناکارآمدی مژمن در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فرافکنی کرده و

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»: درمان ضروری سرطان تروریسم در خاورمیانه، تغییر رژیم در ایران است



شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با فاکس نیوز / یکشنبه ۱۵ اکتبر ۲۰۲۳

عوامل اصلی پشت همه این گروه‌های نیابتی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دارد. ما همچنان می‌پرسیم که برای مثال چرا اروپایی‌ها به عنوان متحدان آمریکا، سپاه پاسداران را در لیست تروریستی قرار نداده‌اند؟! این راهی برای فلج کردن رژیم است بجای اینکه به آن قدرت ببخشید! علاوه بر فشار حداکثری، راه حل نهایی چیز نیست که من سال‌ها در مورد آن صحبت کرده‌ام. شما امروز بزرگترین جنگ را بین مردم ایران و این رژیم دارید، مبارزه برای رهایی دوباره، مبارزه برای آزادی. چرا این مهم است؟ زیرا برخلاف این رژیم که شهادت‌طلبی را جشن می‌گیرد و ترور و وحشت را دوست دارد، ما به عنوان یک ملت از همان ارزش‌های آزادی و حقوق بشری حمایت می‌کنیم که شما در آمریکا یا فرانسه یا در سوئد حامی آن هستید. ما متحدان طبیعی شما هستیم اما به کلی فراموش شده‌ایم. اگر می‌خواهید این سرطان را درمان کنید، باید چشم اختاپوس را بیرون بیاورید و نه اینکه فقط با پاهایش مبارزه کنید! راه حل نهایی در تهران و در تغییر رژیم است.

● بله، درک می‌کنم. اما در مورد سایر گروه‌های منطقه چطور؟ شما همین الان شنیدید که مایک پمپئو وزیر امور خارجه پیشین آمریکا درباره اینکه جمهوری اسلامی چقدر به سطح غنی‌سازی برای ساخت سلاح هسته‌ای نزدیک است صحبت می‌کرد. ما همچنین شنیدیم که مایکل مک‌کال رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان درباره اینکه حزب‌الله در حال حاضر ۱۰۰ هزار موشک دارد صحبت می‌کرد. آیا می‌توانید توان حزب‌الله را ارزیابی کنید؟

- این هم نیز دلیلی دیگر برای اینکه در نهایت باید چشم اختاپوس را از بین ببرید چرا که بودجه، حمایت و مشارکت استراتژیک [رژیم] ایران همراه با قدرت‌هایی مثل چین و روسیه در این موازنه و تعیین نتیجه آنچه امروز در خاورمیانه می‌بینیم بسیار مهم است.

بنابراین صرف نظر از اینکه تهران در مورد نیروهای نیابتی‌اش چه می‌خواهد انجام دهد یا شاید حتا تلاش

تهدید جدید و هشدار جدید جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه اگر اسرائیل دست به حمله زمینی بزند، اسرائیل با یک «زلزله ویرانگر» مواجه خواهد شد، چیست؟
- اول از همه، بیایید درک کنیم که چرا در وضعیت کنونی قرار داریم. ذهنیت این رژیم از همان آغاز، رفاه و توسعه نبود بلکه بیشتر ذهنیت توسعه‌طلبی و صدور یک ایدئولوژی از جیب شهروندان خود بود. این بدان معناست که از هر منبعی که در دست دارد برای ادامه سرکوب در داخل و کارزار وحشت و بی‌ثباتی در خارج به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهدافش استفاده می‌کند.

بنابراین هر چیزی که به عنوان پیامد آن می‌بینید، نتیجه یا علائم این سرطان است که از همان اول در تهران شروع شد. وقتی رژیم از جانب جامعه جهانی ضعف آشکار می‌بیند، در نتیجه، جسورانه‌تر از خط قرمزها عبور می‌کند. [رژیم] اکنون در حال آزمایش عزم نه تنها اسرائیل بلکه بقیه جهان است تا ببیند تا چه حد می‌تواند برای به دست آوردن هدفی که در فکرش است جلو برود. این هدف مطمئناً صلح نیست؛ مطمئناً ثبات نیست. آنها به شدت از ایده و چشم‌انداز روابط صلح عربستان سعودی و اسرائیل و «پیمان ابراهیم» احساس تهدید می‌کنند. شما می‌توانید آن را دست‌کم خرابکاری بنامید، اما در بدترین حالت، تلاش برای دامن زدن دوباره به وحشت و بی‌ثباتی است.

● به نظر شما واکنش مناسب از سوی ایالات متحده در حال حاضر چه باید باشد؟

- خوب، اول و مهم‌تر از همه این است که تحریم‌های کنونی را اجرا کنید! ما فشار حداکثری را فراموش کرده‌ایم. من فکر می‌کنم زمان آن فرا رسیده که نه تنها دارایی‌هایی که قرار بود آزاد شوند، دوباره مسدود شوند بلکه دارایی‌های بیشتری نیز باید بلوکه شوند زیرا همه ما می‌دانیم که جمهوری اسلامی اکنون پول بیشتری دارد که البته قرار است از طریق گروه‌های نیابتی‌اش برای کارزار تروریسم خرج کند.

اما مهم‌تر از همه، افزایش بیشتر تحریم‌ها است. یکی از

● «وقتی رژیم از جانب جامعه جهانی ضعف آشکار می‌بیند، در نتیجه، جسورانه‌تر از خط قرمزها عبور می‌کند.»
● «ما همچنان می‌پرسیم که برای مثال چرا اروپایی‌ها به عنوان متحدان آمریکا، سپاه پاسداران را در لیست تروریستی قرار نداده‌اند؟! این راهی برای فلج کردن رژیم است بجای اینکه به آن قدرت ببخشید!»

● «ما به عنوان یک ملت از همان ارزش‌های آزادی و حقوق بشری حمایت می‌کنیم که شما در آمریکا یا فرانسه یا در سوئد حامی آن هستید. ما متحدان طبیعی شما هستیم اما به کلی فراموش شده‌ایم. اگر می‌خواهید این سرطان را درمان کنید، باید چشم اختاپوس را بیرون بیاورید و نه اینکه فقط با پاهایش مبارزه کنید! راه حل نهایی در تهران و در تغییر رژیم است.»

شاهزاده رضا پهلوی روز ۱۵ اکتبر (۲۳ مهرماه) در شبکه «فاکس نیوز» در برنامه «صبح یکشنبه» شبکه فاکس‌نیوز آمریکا به میزبانی ماریا بارتیرومو بار دیگر به رهبران دولت‌های غربی هشدار داد نادیده گرفتن تحریم‌های جمهوری اسلامی باعث تقویت تروریست‌ها در منطقه شده و برای برگرداندن صلح و ثبات به خاورمیانه، تغییر رژیم ایران یک ضرورت است.

در ابتدای این برنامه ماریا بارتیرومو با اشاره افزایش تولید نفت ایران از ۶/۲ میلیون بشکه در روز در ماه آوریل به ۳ میلیون بشکه در روز در ماه اوت اشاره کرد و اینکه دولت باید عملاً تحریم‌های جمهوری اسلامی را نادیده گرفته است و علی‌خامنه‌ای درآمد‌های نفتی را بجای اینکه صرف بهبود شرایط زندگی مردم کند که بسیاری از آنها زیر خط فقر زندگی می‌کنند به سمت تأمین مالی برنامه‌های هسته‌ای و نیروهای نیابتی تروریستی در منطقه هدایت کرده است. وی با این مقدمه پرسش‌های خود از شاهزاده رضا پهلوی را آغاز کرد.

● ولیعهد رضا پهلوی، از اینکه در برنامه ما حضور دارید بسیار سپاسگزارم. آیا می‌توانید بگویید که ارزیابی شما از

شادباش گروهی از فعالان سیاسی به مناسبت زادروز شهبانو فرح پهلوی



● جمعی از فعالان سیاسی مشروطه‌خواه در نامه‌ای مشترک روز ۲۲ مهرماه مصادف با تولد شهبانو فرح پهلوی را به وی تبریک گفتند و از نقش وی در عرصه‌های مختلف از جمله ارتقاء سطح فرهنگ و تاریخ ایران تقدیر کردند.

● در مقدمه این نامه آمده «شهبانو فرح پهلوی! به عنوان جمعی از ایرانیان، فرا رسیدن زادروزتان را به شما، خانواده معظم پادشاهی پهلوی و ملت بزرگ ایران شادباش می‌گوییم و از بن جان آرزومندیم تندرستی و شادابی بر جان و روان شما و دوستداران شما حاکم باشد.»

جمعی از فعالان سیاسی مشروطه‌خواه در نامه‌ای مشترک روز ۲۲ مهرماه مصادف با تولد شهبانو فرح پهلوی را به وی تبریک گفتند و از نقش وی در عرصه‌های مختلف از جمله ارتقاء سطح فرهنگ و تاریخ ایران تقدیر کردند.

متن این نامه به این شرح است:
شهبانو فرح پهلوی!

به عنوان جمعی از ایرانیان، فرا رسیدن زادروزتان را به شما، خانواده معظم پادشاهی پهلوی و ملت بزرگ ایران شادباش می‌گوییم و از بن جان آرزومندیم تندرستی و شادابی بر جان و روان شما و دوستداران شما حاکم باشد.

ایرانیان پیش از هر چیز شما را به ارج و قدری می‌شناسند که به هنر والای ایرانی گذاشتید. واقعیت آن است که ستایشگری نسبت به هنر و فرهنگ اگرچه از دوران رضاشاه بزرگ در پادشاهی پهلوی نمودی پررنگ داشت ولی پیوسته پربرکت حضرتعالی به خانواده پادشاهی و قرارگرفتن در جایگاه شهبانوی ایران، به این نمود، وجه کیفی و نهادی پررنگی بخشید. هزدوستی شما و تلاش‌های شما در این حوزه به جرئت هنر ایران را بیش از پیش در سطح جهان شناساند. شرح اقدامات فرهنگ‌ساز شما گرچه در این مجال نمی‌گنجد اما در شهر هر سو که سر برگردانیم نشان از نشان‌آفرینی‌های شماست.

شما البته که در فرهنگ و هنر خلاصه می‌شدید و در امور سیاسی نیز حضور شما نیک‌آفرینی‌های خاص خویش را داشت. حضور شما در جایگاه نایب‌السلطنه‌ی ایران که یک زن را به جایگاه رفیع سیاسی بر کشانده بود، اگرچه ناشی از نگاه برابری‌جویانه‌ی پادشاهی پهلوی نسبت به زنان و تلاش برای بهبود وضعیت آنان نیز بود، اما در عین حال شهادتی بود بر صلاحیت و کیفیت کم‌مانند حضرتعالی در حوزه تصمیم‌گیری و اهمیت‌بخشی به منافع کلان کشور و ملت که تصمیم‌گیران کشور را به اتخاذ چنین تصمیم نیکی مجاب ساخته بود.

این دو وجه پررنگ فرهنگی و سیاسی، شما را از لزوم حفظ کیفیت بالای زندگی شخصی غافل نساخته بود و از این منظر نیز حضرتعالی نمونه‌ای مثال‌زدنی برای مردان و زنان هستید. گفتن ندارد که مدیریت امور زندگی خانواده پادشاهی در جایگاه همسر و مادر، ایفای نقش مادری برای چهار شاهزاده، تلاش برای استقرار آرامش در خانواده بزرگ پهلوی و لزوم مراقبت از مناسبات درباری، چه اندازه وظیفه‌ی سنگینی بود. بارز است که مدیریت چنین فضایی با کمترین تنش‌های ممکن، از شخصی با ارزشمندترین ویژگی‌های شخصیتی بر می‌آید و شما دقیقاً چنین شخصی بودید.

بر این اساس، اگرچه یادآوری سال‌های تبعید خانواده

→ برای به چالش کشیدن و فشار بیشتر برای گشودن جبهه دوم برای این درگیری... باید ببینیم که آنها به کارزار امروز اسرائیل در دفاع از خود و تلافی این اقدام چه واکنشی نشان خواهند داد. همچنین باید ببینیم پاسخ کشورهای منطقه و جهان به آنها چگونه خواهد بود.

توجه کنید، آنچه اکنون در جریان است، تروریسم است. این یک جنگ با تروریسم است. هر عقل سلیمی در دنیا می‌فهمد تا وقتی شما این عناصر را در بازی داشته باشید، مشکلات آن برای همه خواهد بود. این دیگر فقط مشکل اسرائیل نیست، یا حتا مشکل ایران. این یک مشکل منطقه‌ای و در نهایت بین‌المللی است. راه دیگری برای نگاه کردن به این موضوع وجود ندارد. بنابراین مسئله، اثتلاف بر سر یک خواست مشترک است میان همه آنهاست که می‌خواهند با آن مبارزه کنند.

زمان آن فرا رسیده که در مواضع خود شفاف باشیم؛ شما نمی‌توانید در هر دو طرف دیوار بایستید. شما یا این سمت دیوار هستید یا آن سمت دیوار. من در آنسویی از دیوار ایستاده‌ام که خواهان همبستگی با همه ملت‌ها و جوامع صلح‌دوست است. همان سمتی که می‌دانند با هم می‌توانند صلح و ثبات را به ارمغان بیاورند و ما به روشنی می‌دانیم که دشمنان ما چه کسانی هستند. امیدوارم جهانیان این را بفهمند و بطور شفاف مشخص کنند که امروز در کدام سمت دیوار ایستاده‌اند.

● در مورد قطر و قطری‌ها چه می‌توانید بگویید؟ ما یک به اصطلاح توافق بی‌سروصدایی را داریم که دولت بایدن ادعا می‌کند با قطری‌ها داشته تا شش میلیارد دلار را بطور موقت مسدود کند. با این حال، کمی قبل از شما از مایکل مک‌کال [رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان] شنیدیم که مامشات مداوم [با رژیم] ما را به اینجا رسانده. آیا شما معتقدید که قطری‌ها واقعاً موافقت می‌کنند که مانع دسترسی این پول به جمهوری اسلامی شوند؟

-تا جایی که می‌دانم و اطلاعاتی که تا دیروز داشتم این بوده که قطری‌ها این ادعا را که شش میلیارد دلار دوباره مسدود شده، رد کرده‌اند. پس به نظر نمی‌رسد اینطور باشد. بنابراین ۱۶ میلیارد پول از دارایی‌های مسدود شده [ایران] در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفته؛ بدون تکرار تمام نکاتی که قبلاً در مورد میزان دسترسی جمهوری اسلامی به این درآمدها بیان کردم، حداقل ۹۰ میلیارد. این کمی بیشتر از آن چیزی است که کوین مک‌کارتی رئیس سابق مجلس به آن اشاره کرد. فکر کنم او به ۷۰ میلیارد دلار اشاره کرد. اما به نظرم کمی بیشتر از این است... درآمد تولید نفت و همه موارد دیگر با هم. بنابراین از کنترل خارج شده و از این رو، فکر می‌کنم که اگر می‌خواهید به جزئیات تحریم‌های خاص این دارایی‌ها بپردازید، واقعاً یک قطره از اقیانوس بیکران در برابر بسیاری از سرمایه‌های دیگر است که رژیم می‌تواند به آنها دسترسی داشته باشد. تصویر این واقعیت، بسیار بزرگتر است. به این معنا که اگر رژیم تقویت شود، می‌تواند به کمپین حمایت از نیابتی‌هایش ادامه دهد.

● البته همینطور است...
-اساساً هزینه لازم برای بقای آنها پرداخت شده است! و کاملاً مشخص است که آنها پول‌های دریافتی را برای مردم گرسنه ایران خرج نمی‌کنند. همانطور که بارها قبلاً اشاره کردم، آنها این پول را صرف تأمین بودجه کمپین خود در خارج کشور و البته برنامه هسته‌ای‌شان در داخل خواهند کرد.

● بله، شما قبلاً نیز به این نکته اشاره کرده‌اید. از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتیم قدرداریم. سپاسگزارم ولیعهد.

پادشاهی پس از فتنه ۵۷، یاد شاهدوستان را سخت آزار می‌دهد اما در عین حال نمی‌توانیم خرسندی خود را از حضور پرمهرتان در کنار شاهنشاه آریامهر در سال‌های سخت تبعید پنهان سازیم. ما نبودیم و بر ما پیدا نبود اما ناگفته آشکار و هویداست که حضور شما چه وجه آرام‌بخشی برای پادشاه ایران و فرزندان ارجمند شما داشت.

در همه سال‌های پس از درگذشت پادشاه نیز ذره‌ای از یاد میهن‌باستانی و ملت رنجور ایران غافل نبودید و زندگی شخصی خود را فدای جایگاه رفیع خود ساختید. البته که پادشاه چنین فداکاری بی‌مانندی، محبوبیت بی‌مثال شما در میان ایرانیان است. پیوند عمیق شما و ملت ایران شگفت‌انگیز است و این را چگونه می‌توان تفسیر کرد جز از این طریق که دل شما به دل ملت راه دارد. شما لحظه‌ای از یاد ایران و ایرانیان غافل نبودید. حتی در درگذشت شاهدخت لیلا و شاهپور علیرضا نیز، اندوه سنگین مادرانه‌ی خویش را به رنج بزرگ ملت ایران گره زدید و از مادران جوانان دست‌داده گفتید؛ جوانانی که هر کدام شاهزاده‌ی پدر و مادر خویش بودند.

شهبانوی بی‌مانند ایران! دگرباره فرارسیدن زادروزتان را به شما، به خانواده محترم پادشاهی و ملت بزرگ ایران شادباش می‌گوییم و آرزومند روزی هستیم که حضور شما در خاک تبدیده‌ی ایران، به آن دیار اهورایی رنگی از حلاوت و تازگی بخشد.

جاویدشاه

پاینده ایران

مهر ۲۵۸۲ (۱۴۰۲)

امضا کنندگان:

بابک شکرآبی

روشنک آسترکی

حامد شیبانی‌راد

عبدالرضا احمدی

سعید قاسمی‌نژاد

محمود ابطی

حجت کلاشی

امیرحسین اعتمادی

علیرضا کیانی

لیلی بازرگان

بهزاد مهرانی

وحید بهمین

شاهین نجفی

امین سوفیامهر

الاهه بقراط در نشست «اندیشکده مسائل ایران»: مشروطه و ملی‌گرایی و پهلوی، آلتزاتیو نظام ضدملی و ضدایرانی جمهوری اسلامی



سیاسی تنها زمانی می‌توانند فرصتی برای آزمون ایده‌های خود پیدا کنند که مشروطه یعنی تقسیم قدرت سیاسی در هر نظامی، چه پادشاهی و چه جمهوری، و ملی‌گرایی و میهن‌دوستی را بستری بدانند که در آن می‌توانند ادعاهای خود را تحقق ببخشند و پهلوی را به عنوان بنیانگذار ایران نوین، پشتیبان و حامی خود ببینند و دستاوردهای خودشان بدانند. این را درک کنند که پنجاه سال پیش، نه تنها در یک جامعه مردسالار بلکه در یک جهان مردسالار، شاه فقید تاج پادشاهی و نیابت سلطنت را نه بر سر فقط یک زن بلکه بر سر زنان ایران نهاد! یکی از رویدادهای مهم تاریخی که خار چشم روحانیت مرتجع‌ی بود که خودش را همواره سهیم و نیمه‌ی دیگر سلطنت می‌دانست و انتقام‌اش را با ۵۷ از زنان گرفت.

اندیشه ملی و ملی‌گرایی، یک زیربنای فراگیر و پایدار است و اختراع من و شما و ایرانیان هم نیست! شما به دولت‌های تمام کشورها و جوامع باز که نگاه کنید، جز سوگند به منافع ملی نخورده‌اند! ملی‌گرایی چیزی جز این نیست! از این نظر، چپ و راست و مذهبی و غیرمذهبی و هر تنوع و تفاوت دیگری می‌توانند ملی و یا ضدملی باشند. در ملی‌گرایی مدرن و پایبندی به منافع ملی، چه در آلمان و فرانسه باشید یا آمریکا و کانادا، چه در کشورهای اسکاندیناوی باشید یا ژاپن، سه اصل خدشه‌ناپذیر وجود دارد: تمامیت ارضی کشور، قوانین و مناسبات متکی بر اصول دموکراسی و حقوق بشر و صندوق رأی به عنوان ابزار حفظ آنها. ملی‌گرایی برخلاف نظراتی که مدافع یک گروه یا یک طبقه یا قوم یا مذهب یا هر چیز دیگر هستند، مدافع منافع همه‌ی اینهاست. از همین رو فراگیرترین چتر است که می‌تواند همه ملت را در بر بگیرد و نه نهاد بلکه نماینده‌ی عینی این جریان فراگیر در شرایط کنونی کسی جز شاهزاده رضا پهلوی نیست. آلتزاتیو جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت ایدئولوژیک و مذهبی و ضدملی و ضدایرانی چیزی جز ملی‌گرایی و مشروطه و پهلوی و ایران نوین نیست.»

داد که امروز و آینده را به انقلاب مشروطه متصل می‌کند. انقلابی ملی و مترقی که در شرایطی روی داد که ایران دچار مشکلاتی مشابه امروز بود.

اگر دستگاه سلطنت و ملایان در دوران قاجار چنان در هم تنیده بودند که نمی‌شد مرز روشنی بین زندگی انگلی و فساد و وطن‌فروشی و وابستگی هر دو به قدرت‌های آن دوران یعنی روس و انگلیس ترسیم کرد، در سال ۵۷ آن دو به یک دستگاه تبدیل شدند. انقلاب مشروطه پاسخی شایسته به آن شرایط بود که با محدود کردن قدرت استبداد سیاسی و مذهبی و اقدامات دو پادشاه پهلوی به بسیاری از اهداف خود در زمینه آزادی و تجدید رسید. یک ایران نوین که در ۱۳۵۷ با سد کهنگی و ارتجاع متوقف شد.

فکر نمی‌کنم کسی حتا اگر درباره مسیر مشروطه و پهلوی به هر دلیلی عناد داشته باشد، با مسیر قهقهرایی مشروطه و جمهوری اسلامی مخالفت کند.

آنچه ما از دست‌کم پاییز ۹۶ به اینسو در ایران شاهدیم از یکسو تداوم جنبش آزادیخواهی با شعارهای بی‌بدیل و گویاست و از سوی دیگر همان خط و مسیر روشنی را ترسیم می‌کند که امتداد آن به انقلاب مشروطه و پهلوی می‌رسد. اگر بخش مهمی از جامعه این گرایش را نشان می‌دهد، به این دلیل است که مشروطه و پهلوی، تجربه و اندوخته‌ی اثبات‌شده‌ی این کشور است. مشروطه و پهلوی آلتزاتیو جامعه علیه جمهوری اسلامی و همه گرایش‌های فکریست که یا در انقلاب ۵۷ و روی کار آمدن فاشیسم مذهبی نقش داشتند و یا در استمرار آن بطور مستقیم و غیرمستقیم کوشیده‌اند.

گرایش نسل‌های جوان به ایده‌ی مشروطه به عنوان یک ایده‌ی ملی و مدرن که همه ملت و مملکت را در بر می‌گیرد و به پهلوی که در دورانش منافع ملی چراغ راهنمای دولت‌های آن بود، صرفاً هواداری از یک عقیده‌ی سیاسی یا حزبی نیست!

مشروطه و ملی‌گرایی فراتر از هر حزب و گروه و عقیده سیاسی است چرا که همه این احزاب و گروه‌ها و عقاید

«فکر نمی‌کنم کسی حتا اگر درباره مسیر مشروطه و پهلوی به هر دلیلی عناد داشته باشد، با مسیر قهقهرایی مشروطه و جمهوری اسلامی مخالفت کند.»

«مشروطه و ملی‌گرایی فراتر از هر حزب و گروه و عقیده سیاسی است چرا که همه این احزاب و گروه‌ها و عقاید سیاسی تنها زمانی می‌توانند فرصتی برای آزمون ایده‌های خود پیدا کنند که مشروطه یعنی تقسیم قدرت سیاسی در هر نظامی، چه پادشاهی و چه جمهوری، و ملی‌گرایی و میهن‌دوستی را بستری بدانند که در آن می‌توانند ادعاهای خود را تحقق ببخشند و پهلوی را به عنوان بنیانگذار ایران نوین، پشتیبان و حامی خود ببینند و دستاوردهای آن دوران را دستاوردهای خودشان بدانند. این را درک کنند که پنجاه سال پیش، نه تنها در یک جامعه مردسالار بلکه در یک جهان مردسالار، شاه فقید تاج پادشاهی و نیابت سلطنت را نه بر سر فقط یک زن بلکه بر سر زنان ایران نهاد!»

«اندیشه ملی و ملی‌گرایی، یک زیربنای فراگیر و پایدار است و اختراع من و شما و ایرانیان هم نیست! شما به دولت‌های تمام کشورها و جوامع باز که نگاه کنید، جز سوگند به منافع ملی نخورده‌اند! ملی‌گرایی چیزی جز این نیست! از این نظر، چپ و راست و مذهبی و غیرمذهبی و هر تنوع و تفاوت دیگری می‌توانند ملی و یا ضدملی باشند.»

الاهه بقراط روزنامه‌نگار، مترجم و سردبیر کیهان لندن در نشست «اندیشکده مسائل ایران» که ۶ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۴ مهرماه ۱۴۰۲) در لندن برگزار شد با تأکید بر اینکه «انقلاب مشروطه پاسخی شایسته» به شرایط دوران قاجار بود که «با محدود کردن قدرت استبداد سیاسی و مذهبی و اقدامات دو پادشاه پهلوی به بسیاری از اهداف خود در زمینه آزادی و تجدید رسید» افزود که روند آن انقلاب «در ۱۳۵۷ با سد کهنگی و ارتجاع متوقف شد.»

سردبیر کیهان لندن پس از آنکه توضیح داد: «گرایش نسل‌های جوان به ایده‌ی مشروطه به عنوان یک ایده‌ی ملی و مدرن که همه ملت و مملکت را در بر می‌گیرد و به پهلوی که در دورانش منافع ملی چراغ راهنمای دولت‌های آن بود، صرفاً هواداری از یک عقیده‌ی سیاسی یا حزبی نیست!» نتیجه گرفت که ملی‌گرایی «فراگیرترین چتر است که می‌تواند همه ملت را در بر بگیرد و نه نهاد بلکه نماینده‌ی عینی این جریان فراگیر در شرایط کنونی کسی جز شاهزاده رضا پهلوی نیست. آلتزاتیو جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت ایدئولوژیک و مذهبی و ضدملی و ضدایرانی چیزی جز ملی‌گرایی و مشروطه و پهلوی و ایران نوین نیست.»

متن کامل صحبت‌های الاهه بقراط در نشست «اندیشکده مسائل ایران» را در ادامه می‌خوانید.

«با سپاس از دعوت «اندیشکده مسائل ایران» که با تمرکز بر روی ملی‌گرایی می‌خواهد به مسائل ایران بپردازد. این نوع فعالیت‌ها بسیار پیش از اینها می‌بایست به راه می‌افتاد اما دوگانه‌سازی جمهوری اسلامی با «بد» و «بدتر» حتما یکی از دلایل به تعویق افتادن آن است.

فکر می‌کنم در طول چهار دهه‌ای که از انقلاب اسلامی و ارتجاعی ۵۷ گذشته، بهتر می‌توان خطوطی را تشخیص

شهریار آهی در گفتگو با کیهان لندن: خامنه‌ای می‌خواست حرفش را ثابت کند که رابطه با اسرائیل «قمار روی اسب بازنده» بود



علی خامنه‌ای در دانشگاه افسری نیروی زمینی ارتش سان می‌بیند / مهرماه ۱۴۰۲

اینطور نیست که اگر بخشی از خاک خودش را از دست بدهد، بماند. ممکن است کل کشور از بین برود. بنابراین باید قدرت بازدارندگی خودش را داشته باشد. نصف پیه‌های موجود در دنیا زمان آلمان نازی کشته شدند. به شدت نسبت به حفظ جان اتباع خودشان حساس‌اند. اصلاً نمی‌توانند بپذیرند در معرض حمله قرار بگیرند.

● یعنی اینکه مقامات اسرائیل ادعا می‌کنند دست به هر اقدامی خواهند زد صرفاً تهدید نیست؟

-بله، چون اسرائیل مجبور است تمام ظرفیت عملیاتی و نظامی حماس را از بین ببرد. نمی‌گویم حماس را از بیخ ریشه‌کن می‌کند تا دیگر چیزی به اسم حماس وجود نداشته باشد البته خیلی‌ها می‌گویند چنین چیزی شاید اتفاق بیفتند. اما حداقل کاری که می‌کند این است که حماس دیگر توان حمله و عملیات نداشته باشد. مهم اینجاست این کار را طوری انجام دهد که تشکیلات خودگردان فلسطینی و حکومت کرانه باختری (PLO) سرچایش بماند. حماس می‌خواهد این تشکیلات از بین برود. چون اگر از بین برود جنگ با فلسطین دائمی خواهد شد زیرا کسی نمی‌ماند که بخواهند با آن صحبت کنند. همه راه‌ها از بین خواهد رفت. اینکه چطور عمل کنند که توان عملیات مسلحانه حماس از بین برود و اما کرانه باختری بهم نریزد و منجر به عکس‌العمل انفجاری در آنجا نشود کار شاق اسرائیل خواهد بود که مطمئنم تمام توانشان را به کار می‌برند که چطور این کار را انجام دهند.

مشکل بعد تراکم جمعیت در غزه و فعالیت نیروهای مسلح حماس بین زن و بچه و مردم عادی است، همان «سپر انسانی»؛ این کار مشکلی است. نگرانی از باز شدن جبهه شمال توسط حزب‌الله هم یک مشکل دیگر است. طبق محاسبات خودشان، اسرائیل وقتی در این جنگ موفق است که حماس را در مقایسه با تشکیلات خودگردان خیلی ضعیف کند. نتیجه عکس آن، یعنی پشت کردن کرانه باختری به حکومت خودگردان فلسطینی در پشتیبانی از حماس شکست اسرائیل خواهد بود.

ندارد که نشان دهد رژیم ایران مستقیم در حمله حماس به اسرائیل دخالت داشت. این اصرار بر انکار شواهد برای چیست؟

-آمریکا می‌خواهد مجبور به عمل آنی نشود. اگر بگوید جمهوری اسلامی حمله را انجام داده و مسئولیت کلان با جمهوری اسلامی است، آنوقت مجبور به اقداماتی می‌شود که فعلاً مجبور است برای آن وقت بخرد. وگرنه ممکن نیست پنج هزار راکت از غزه پرتاب شود اما آنجا که به حماس کمک کرده برای واردات قطعات یا ساختن راکت‌ها زیر ضرب نباشد. اصلاً خود مقامات حماس از جمهوری اسلامی برای پشتیبانی در این عملیات تشکر کردند.

● جمهوری اسلامی خودش با ناراضی گسترده و بحران روبروست. چه محاسبه‌ای کرده که از این حمله پشتیبانی می‌کند؟ البته اگر فرض کنیم خودش دخالت مستقیم نداشت!

-خیالشان از اعتراضات راحت شد. البته محاسبه غلط می‌کنند اما باورش‌ان این است که فعلاً اوضاع داخل آرام است. در اوج خیزش سراغ عربستان رفتند و برای عادی شدن روابط اقدام کردند و با آمریکا برسر معامله گروگان‌ها توافق کردند. آنها پول را می‌خواستند که گیرشان آمد. البته احتمال بلوکه شدن مجدد آن کم نیست. خیال کردند که بر اوضاع داخلی مسلط شدند دوباره به طبیعت خودشان برگشتند، اینبار رادیکال‌تر شدند.

● فکر می‌کنید نتیجه این جنگ چه خواهد بود؟ آیا احتمال دارد به سایر نقاط منطقه سرایت کند؟

-واقعاً مشخص نیست. گلوله اول که شلیک شد می‌شود به دقت تعیین کرد که کی و کجا شلیک کرد اما گلوله آخر را نمی‌شود تعیین کرد. خیلی زود است پیش‌بینی کنیم نتیجه این جنگ چه خواهد شد. خیلی به عکس‌العمل طرفین ربط پیدا می‌کند که تا کجا می‌خواهند این جنگ را از نظر جغرافیایی گسترش دهند.

کاری که اسرائیل خواهد کرد کاملاً روشن است. آنها برای بازگرداندن توان بازدارندگی خودشان هر کاری می‌کنند. اسرائیل کشور کوچکی است. مساحت زیادی ندارد. اصلاً

● «الان هم اگر گل حماس از بین برود خامنه‌ای باز هم فکر می‌کند این ضربه به اسرائیل بُرد بود. باز هم باد به غیب می‌اندازد چون انتحاری و آخرزمانی فکر می‌کند».

● «بایدن به هر دو طرف [اسرائیل و عربستان] خیلی فشار آورده است. همه وعده‌های امنیتی ممکن مشابه همان قرارهای امنیتی که در ناتو وجود دارد به عربستان داده و در مقابل می‌خواهد این رابطه زودتر برقرار شود».

-«آمریکا می‌خواهد مجبور به عمل آنی نشود. اگر بگوید جمهوری اسلامی حمله را انجام داده و مسئولیت کلان با جمهوری اسلامی است آنوقت مجبور به اقداماتی می‌شود که فعلاً مجبور است برای آن وقت بخرد».

جمهوری اسلامی به اندازه عمر خود از گروه‌های مسلح فلسطینی برای ضربه زدن به اسرائیل حمایت کرده است. مخالفان حکومت در ایران بارها در تظاهرات شعار دادند «فلسطین را رها کن، فکری به حال ما کن» اما «نابودی اسرائیل» برای آیت‌الله‌ها آرمان به شمار می‌رود.

حکومت طرفداران خود را اینگونه توجیه می‌کند که با نابودی اسرائیل شرایط ظهور مهدی امام دوازدهم فراهم می‌شود. شهریار آهی تحلیلگر سیاسی در گفتگو با کیهان لندن عنوان می‌کند که علی خامنه‌ای آخرزمانی فکر می‌کند و تا زنده است می‌خواهد ثابت کند که در مورد «فروپاشی اسرائیل» اشتباه نکرده است.

● تدارک یک حمله از طرف شبه نظامیان «مقاومت» به

اسرائیل قابل پیش‌بینی بود اما نه با این شدت و خشونت. موارد جنایت بی‌سابقه است. جمهوری اسلامی یا حماس هر کدام که پشت این حمله باشند چرا به سیم آخر زدند؟ -نگرانی عمده حماس و جمهوری اسلامی نزدیک شدن اسرائیل و عربستان است. برای اینکه اگر واقعاً یک قرار صلح بین آنها امضاء و روابط دیپلماتیک عادی بین اسرائیل با سعودی برقرار شود یعنی جهان عرب اسرائیل را پذیرفته است. به ویژه اینکه جو بایدن می‌خواهد روی دست ترامپ بزند و چیزی مهم‌تر از «پیمان ابراهیم» قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تحویل بدهد.

بایدن به هر دو طرف [اسرائیل و عربستان] خیلی فشار آورده است. همه وعده‌های امنیتی ممکن مشابه همان قرارهای امنیتی که در ناتو وجود دارد به عربستان داده و در مقابل می‌خواهد این رابطه زودتر برقرار شود. علی خامنه‌ای گفت «رابطه با اسرائیل قمار و شرط‌بندی روی اسب بازنده است». او اصلاً نمی‌خواست این ادعا فقط در حد حرف یا یک تهدید کلامی بماند. نمی‌خواست خودش با کلام خودش قمار کند. خواست ثابت کند نزدیکی به اسرائیل قمار است که نتیجه آن باخت است. بعد از حمله هم در سخنرانی دانشگاه افسری گفت «این شکست غیرقابل ترمیم است» و «گام بزرگ برای نجات فلسطین است».

الان هم اگر گل حماس از بین برود خامنه‌ای باز هم فکر می‌کند این ضربه به اسرائیل بُرد بوده است. باز هم باد به غیب می‌اندازد چون انتحاری و آخرزمانی فکر می‌کند. برای او مهم نیست حماس چه می‌شود. پیش خودش می‌گوید آنها هم فدای آرمان فلسطین شدند. او تا زنده است همینطور فکر می‌کند.

● مقامات دولت بایدن اصرار دارند هیچ مدرکی وجود

مهدی حاجتی کنشگر سیاسی در نشست «اندیشکده مسائل ایران»:

چه مسیری طی شد؟ بن‌بست‌ها و موانع چه بود و چه باید کرد؟

دستکاری نشده ملت ایران باشند.

انقلاب یک پروژه سیاسی است و نیروی سیاسی مهندس آن دارایی مردم در چنین پروژه‌ای دست نیروی سیاسی امانت است یک امانت ملی و آنچه که باید شکل بگیرد یک دولت ملی متشکل از نیروی سیاسی ملی است. این نیروی سیاسی است که کنار نیروی تکنوکرات توسعه فهم به دولت ملی قوام می‌بخشد و ایران آنقدر فرزند درستکار و فداکار که هم سیاست و هم تکنوکراسی را بشناسد برایش مانده است که بتواند چنین ترکیب اعتماد بخشی را بسازد.

همچنین ضروری می‌دانم که فراتر رفته و عرض کنم که چرا قهرمان سیاسی هم نمی‌تواند الزاماً نیروی سیاسی باشد. سالم‌ترین و شریف‌ترین قهرمان سیاسی را تصور کنید که دست به اقدامی اعتراضی یا فداکارانه زده و امروز قهرمان ملت ایران است اما چیزی از دولت سازی یا الزامات بروکراتیک یک سازمان حداقلی نمی‌داند. به عنوان مثال آیا امکان نشان دادن ایشان بر کرسی فلان وزارتخانه حتی به صورت موقت هم هست؟ اگر پاسخ ما آری است یعنی ما بین عاطفه و منطق سمت عاطفه ایستاده‌ایم و عملاً در ذهن مستعد خالی کردن کرسی‌های کشور از کارشناسان هستیم و این رفتاری ضد توسعه است.

زمین قدردانی از قهرمان فداکار جای دیگریست و هدیه این فداکاری حرمت و احترامی است که بین مردم دارد. یکی از آسیب‌های این دید عاطفی به سیاست این است که این گرایش عاطفی توسط رژیم اسلامی مورد بهره‌برداری هم قرار می‌گیرد. اینگونه که به قهرمان‌سازهای بی‌خطر یا کم‌خطر کمک می‌کند تا بتوانند نیروی سیاسی را که از ضروری‌ترین ارکان لحظه پیروزی و امانت‌دار مردم در لحظه پیروزی است را نگذارد حتی شکل بگیرد یا در صورت وجود رسمیت یابد. حال بماند که لایبالی این قهرمانان اجتماعی گاهی حکومت قهرمانانی را جعل می‌کند که اتفاقاً به جنگ نیروی سیاسی ملی بیاید و نگذارد نیروی سیاسی ملی با جنبش انقلابی ملی پیوند بخورد.

تقریباً همگی می‌دانیم که چشم از غرب می‌بایست برداشت، راه پیروزی ملت ایران نه از دالان‌های غرب که از کوچه‌های منتهی به خیابان پاستور تهران می‌گذرد و راه حل آن یک وعده همگانی و توافق وجدانی جامعه بر یک فداکاری جمعی و ملی است اما ایده پیروزی و دولت موقت کنار رهبری ملی که جامعه به آن اعتماد کرده باشد نمی‌تواند در تهران رخ دهد و رژیم اسلامی اجازه چنین چیزی را نخواهد داد.

چرا که ایده پیروزی که شامل نقشه عملکردی و نحوه تسخیر مراکز حاکمیتی است نیاز به رهبری و هماهنگی تا لحظه پیروزی دارد و نمی‌تواند طراح و استراتژیست‌های آن پس از طرح به چنگ رژیم بیفتند، چرا که مرکز هماهنگی ملی بر سر چنین ایده‌ای بدون متولی خواهد ماند و ما انسجام جمعی‌مان که لازمه پیروزی است را در صورت نبود مرکز هماهنگی از دست می‌دهیم.

ضرورت تدوین نقشه‌ی راه براساس «ایده پیروز شونده»

اما مسئولیت دیگری که بر عهده نیروی سیاسی است تدوین نقشه تحویل و تحول ساختاری در لحظه فروپاشی، نحوه انحلال نهادهای غیر ضروری یا دو الگوی فوری و زماندار، نحوه انضمام نهادهای موجود و الزامی‌سازی، نحوه تأسیس نهادهای ملی که خلاء آن وجود دارد است. در



تظاهرات در تهران / پاییز ۱۴۰۱

دوگانه که از هر دو سر آن سود می‌برند باقی‌مانده، دوگانه‌ای که یا رژیم اسلامی بماند یا در صورت گریز ناپذیر بودن فروپاشی این فروپاشی در خلا قدرت رخ دهد تا ایرانی باقی‌ماند. آنچه که شهروند میهن دوست باید حل کند پذیرش قطعی این موضوع است که داشتن رهبر ملی الزامی است. یک سال گذشته می‌بینید که از طرح‌های دستکاری شده امنیتی تا آماج رسانه‌های چند میلیون دلاری تا دستکاری در شبکه‌های اجتماعی تا لابی‌های تحت پوشش اندیشکده و ژست حقوق بشری، همگی در حال تخطئه امکان رهبری و فروپاشی عنصر مهم اعتماد در ذهن جامعه در آستانه انقلابی ملی بوده‌اند. رژیم اسلامی و همزیستان ارگانیک پنجاه‌هفتی آنها دریافته‌اند که چه چیز نباید شکل بگیرد، اما برخی از ما همچنان در حال تردیدیم که چه چیزی باید شکل بگیرد. این تردید آینده ایران را تباہ خواهد کرد به ضرورت ملی می‌بایست بر خواست‌های شخصی غلبه کنیم و از این تردید خارج شویم و بحران اعتمادی که جمهوری اسلامی علیه آلت‌ناتیو ممکن و ملی‌اش دامن زده و می‌زند را حل کنیم.

همچنین اگر اختلافی سیاسی بین نیروهای ایران خواه وجود دارد به فردای دموکراتیک ایران محول کنیم این واگذاری به آینده کمترین دستاوردش این خواهد بود که ملت ایران یک بار دیگر آزادی و توسعه را در میهن عزیزمان تجربه خواهند کرد. اصرار بر عدم واگذاری به آینده و عدم اعتماد به رای ملت ایران نشانه خوبی برای نیروی سیاسی نیست. این نشان می‌دهد که دچار اضطراب جایگاه اجتماعی خویش است. این یعنی آزادی و توسعه که راهش با از خود گذشتگی نیروی سیاسی هموار می‌شود گروگان اضطراب‌های چنین نیرویی به بن‌بست رسیده است. از این اضطراب عبور کنید. این اضطراب زمین بازی دشمنان ایران خواهد شد.

باید دانست که پرداختن به ایده پیروز شونده و لحظات نگران‌کننده فروپاشی و تحویل و تحول قدرت چیز نیست که وظیفه نیروی سیاسی است و این یک وظیفه اخلاقی و ملی است. همچنین می‌بایست دست از تحویل پروژه سیاسی به سلبریتی‌ها کشید آنها اگر وظیفه‌ای ملی و اخلاقی برای خود قائلند می‌توانند برخلاف برخی رسانه‌های فارسی زبان صدای

- مهدی حاجتی کنشگر سیاسی در نشست «اندیشکده مسائل ایران» که اکتبر ۲۰۲۳ (مهرماه ۱۴۰۲) در لندن برگزار شد با تأکید بر اینکه برای گذار از جمهوری اسلامی «داشتن رهبر ملی الزامی است» گفت «جمهوری اسلامی و همزیستان پنجاه‌هفتی آن در تمام این سال‌ها بر این تلاش بوده که خارج از ایران را از اعتبار بیندازد چون داخل در کنترل سرکوبگرانه آنهاست».

- «رژیم اسلامی و همزیستان ارگانیک پنجاه‌هفتی آنها دریافته‌اند که چه چیز نباید شکل بگیرد، اما برخی از ما همچنان در حال تردیدیم که چه چیزی باید شکل بگیرد. این تردید آینده ایران را تباہ خواهد کرد».

- «ایده پیروزی که شامل نقشه عملکردی و نحوه تسخیر مراکز حاکمیتی است نیاز به رهبری و هماهنگی تا لحظه پیروزی دارد و نمی‌تواند طراح و استراتژیست‌های آن پس از طرح به چنگ رژیم بیفتند، چرا که مرکز هماهنگی ملی بر سر چنین ایده‌ای بدون متولی خواهد ماند و ما انسجام جمعی‌مان که لازمه پیروزی است را در صورت نبود مرکز هماهنگی از دست می‌دهیم».

- «پنجاه‌هفت تنها حاصل چپ‌های کلاشنیکف به دست نبود حاصل سکوت جمعیتی بزرگ از ایرانیان هم بود و امروز به کمک رسانه و دستکاری شبکه‌های اجتماعی که از سال‌ها پیش تدارک آن را دیده بودند با یک طبقه اجتماعی بر ساخته به نحوه دیگری همان جمعیت ساکنان پیشا ۵۷ را بایکوت می‌کنند».

مهدی حاجتی کنشگر سیاسی در نشست «اندیشکده مسائل ایران» که اکتبر ۲۰۲۳ (مهرماه ۱۴۰۲) در لندن برگزار شد با تأکید بر اینکه برای گذار از جمهوری اسلامی «داشتن رهبر ملی الزامی است» گفت «جمهوری اسلامی و همزیستان پنجاه‌هفتی آن در تمام این سال‌ها بر این تلاش بوده که خارج از ایران را از اعتبار بیندازد چون داخل در کنترل سرکوبگرانه آنهاست».

این فعال سیاسی هشدار داد «اگر تسلیم بی‌اعتبارسازی نیروی سیاسی بیرون از ایران شده‌ایم می‌بایست بدانیم که لااقل این یک نقطه را ارزان و دو دستی تقدیم جمهوری اسلامی کرده‌ایم».

متن کامل صحبت‌های مهدی حاجتی در نشست «اندیشکده مسائل ایران» را در ادامه می‌خوانید.

«آنچه برای تک‌تک ما ملت ایران ضروری است که در ذهن تمرین کنیم، نقشه‌گذار از جمهوری اسلامی، مراحل آن و الزامات هر مرحله است و همچنین آمادگی ذهنی و جمعی برای یک فداکاری ملی برای نجات ایران است.

نقشه‌گذار شامل ظهور جنبش انقلابی، تسلط و تثبیت زبان ملی بر پارازیت‌های ضد ایرانی، تثبیت رهبری ملی، تعریف نیروی سیاسی و شناسایی این نیرو، تشکیل دولت موقت ملی، هماهنگی جنبش ملی با نیروهای سیاسی بر سر یک ایده پیروز شونده و الزامات تحقق این ایده و در نهایت نحوه تحویل موقت قدرت به یک دولت موقت شکل گرفته زیر نظر رهبر ملی است.

همگی در یک سال پرچالش دیدیم که تمام تلاش رژیم اسلامی و همزیستان ارگانیک آنها که با بودن جمهوری اسلامی هویت می‌یابند و در نبود آن فاقد اعتبار و هویت می‌شوند اولویت را یک چیز گذاشته‌اند: رهبری سیاسی ملی شکل نگیرد و این

بازنشر

سیلی می‌زنیم، گاز می‌گیریم، قندان...

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۳۷) دی‌ماه ۱۳۸۳



عیسی سحرخیز محل گازگرفتنی را نشان می‌دهد!

گفته پیشاپیش به وی اخطار شده است هرآینه در حوالی مجلس آفتابی شود سام به خانه باز نخواهد گشت.

طبق گزارش ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران، برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که از اظهارات آقای رمضان‌زاده و خط مشی تهاجمی او نسبت به مجلس هفتم سخت برآشفته‌اند، اظهار داشتند که از این پس سخنگوی دولت را به مجلس راه نخواهند داد.

اگر سخنگوی دولت معنی این پیام را درنیافته باشد و مراعات احتیاط نکند، بدو آن رسد که به نماینده سابق بیچار در مجلس اسلامی رسید.

آقای محمد رضائی وکیل بیچار در مجلس ششم که در انتخابات مجلس هفتم جایش را به آقای محمدعلی مغنیا سپرده است در مقام اعتراض به کم و کیف انتخابات و صدور اعتبارنامه و حتی مدرک تحصیلی مغنیا جار و جنجال راه انداخته و خشم نماینده منتخب مردم را برانگیخته بود. از آنجا که آقای محمد رضائی تصور می‌کرد چون در دوره پیش وکیل مجلس بوده در آنجا حق آب و گل پیدا کرده است و می‌تواند بیاید و برود، آقای مغنیا از هیأت رئیسه مجلس خواسته بود مانع از ورود محمد رضائی به محوطه مجلس اسلامی شوند. در نتیجه وقتی علی‌رغم این تذکر، آقای رضائی را در راهروهای مجلس مشاهده کرد جلو چشم نمایندگان و خبرنگاران پارلمانی به وی حمله برد و با مشت و لگد به جانش افتاد.

شخصی به شهری وارد شد. مؤذن را دید که بر مناره ایستاده و کاغذی در دست دارد و از روی نوشته اذان می‌گوید. از او پرسید این چه نوع اذان گفتن است. گفت برو از مجتهد شهر پرسی. رفت پیش مجتهد و سلام کرد. مجتهد از زیر تشکچه‌اش کاغذی درآورد، نگاهی به آن انداخت و گفت: علیکم‌السلام!

یادتان باشد که رهبر انقلاب و بنیانگذار نظام انقلابی عادت داشت بگوید «من سیلی می‌زنم...» و گفته‌اند: الناس علی دین ملوکهم.

هر آن صفت که شه مُلک راست غالب اوقات

همان صفت کند اندر سپاه شاه سرایت

در شورای شهر تبریز، خزانه‌دار شورا که نسبت به هزینه‌های شهرداری معترض بود، هدف عملیات قندان‌پرانی از طرف شهردار تبریز قرار گرفت و چون برخلاف مقررات بازی سرش را دزدید، قندان به خانم لیندا گرامی آذر یکی دیگر از اعضای شورای اسلامی شهر اصابت کرد و سر او را شکست و این خانم برای زخم‌بندی و تشخیص این که مبادا به بیماری هاری مبتلا شده باشد، روانه بیمارستان شد. انقلاب‌شکوهمند اسلامی همه کارگزاران نظام‌راهار کرده‌است. چندی پیش در دادگاه ویژه روحانیت، حجت‌الاسلام آژهای ریاست محترم دادگاه به عیسی سحرخیز روزنامه‌نگار حمله برد و او را گاز گرفت. ظاهراً آقای سحرخیز در محضر مقدس دادگاه حرفهای نامربوط زده بود.

یکی را که به جوانی تجاوز کرده و سپس او را کشته بود گرفتند و به دادگاه بردند. رئیس دادگاه پرسید او چه گناه کرده بود که چنین کردی؟ گفت نامربوط می‌گفت. پرسید مگر با هر کس که نامربوط گفت چنین عملی باید کرد. متهم با نگاهی آنچنانی در قاضی نگریست و گفت جناب رئیس، شما هم دارید نامربوط می‌گوئیدها!

اسماعیل چمنی عضو معترض انجمن شهر تبریز، که قانوناً و شرعاً باید به خانم لیندا گرامی آذر دیه بپردازد، می‌گوید: «در حالی که جلسه شورای اسلامی شهر تبریز به مراحل پایانی خود نزدیک می‌شد، اعتراض مجدد خود را نسبت به عدم اجرای پروژه‌های مصوب شورا به آقای حاجی‌پور شهردار محترم تبریز اعلام کردم که متأسفانه ایشان بدون آنکه پاسخی برای موضوع داشته باشد اقدام به پرتاب قندان روی میز به سمت من کردند که این قندان به خانم گرامی آذر برخورد کرد و منجر شد ایشان به بیمارستان منتقل شوند. البته شهردار تبریز حتی پس از این اقدام ناموفق قصد داشت بشقاب و هر آنچه را که در دم دستش بود به سمت اینجانب پرتاب کند که با ممانعت حاضرین روبرو شد!»

نامربوط گفتن، آنهم در مقام رسمی و نسبت به شخصیت‌های منتخب مردم، سزایش همین است. چنانکه آقای رمضان‌زاده سخنگوی دولت چون نسبت به وکلای محترم ملت در دارالشورای اسلامی جسارت ورزیده و نامربوط

واقع این برنامه آغاز به کار دولت موقت ملی است. این گونه است که در صورت توافق بر ایده پیروزی، امکان تسخیر شده طبق نقشه تصرف و تسخیر تدوین شده در ایده پیروزی به صورت تدریجی به دولت موقت ملی تحویل می‌گردد.

این میان اساسی‌ترین نقطه که منجر به به هم خوردن توازن قوا و فروپاشی نیروی نظامی به عنوان رکن قدرت و تمکین این نیرو به رهبری ملی خواهد شد، جایی است که نیروی نظامی تسلیم به اراده فداکارانه ملت می‌شود. این مهم‌ترین رکن پیروزی ملت بر جمهوری اسلامی است و درست در این نقطه است که نیروی نظامی باید بداند به چه کسی قرار است به عنوان رهبر ملی تمکین کند درست این نقطه است که تن دادن به یک رهبر ملی را تبدیل به یک الزام میهن‌دوستانه می‌کند. این رژیم و همزیستان پنجاه‌هفتی آن در تمام این سال‌ها بر این تلاش بوده که خارج از ایران را از اعتبار بیندازد چون داخل در کنترل سرکوبگرانه آنهاست. اگر تسلیم بی‌اعتبارسازی نیروی سیاسی بیرون از ایران شده‌ایم می‌بایست بدانیم که لااقل این یک نقطه را ارزان و دو دستی تقدیم جمهوری اسلامی کرده‌ایم. هر نیرویی که به ایران، ملتش و به پرچم ملی شیر و خورشید وفادار است می‌تواند قابل اعتماد باشد. جامعه ایران آنقدر فریب را تجربه کرده است که توان تشخیص چنین نیروهای وفاداری را داشته باشد.

در پایان قصد دارم به ضرورت به چیزی که شاید خوشایند برخی نباشد بپردازم. می‌دانیم که جمهوری اسلامی و همدستان پنجاه‌هفتی با دستکاری در تاریخ و فرهنگ این دو مفهوم را دچار برساختگی کرده اند یعنی آنچه را که به کمک سال‌ها قرنطینه محتوایی جامعه ایران و بعدها با نفوذ همدستانشان در رسانه فارسی زبان و همچنین با تسلط بر شبکه اجتماعی دامن زدن با حقیقت جامعه ایران همخوانی ندارد و تسری یافتگی این برساختگی تاریخی فرهنگی به جامعه منجر به برساختگی یک طبقه اجتماعی به نام طبقه متوسط فرهنگی شده است که کارکرد خواسته و ناخواسته‌اش برای حکومت، کنترل، تولید و گاهی جعل نیروی سیاسی در قامت قهرمان شده است و کارکرد این قهرمانان رسماً مانع ساخت، به رسمیت شناختن و ضرورت وجود نیروی سیاسی ملی و پیوند آن به نیروی اجتماعی ملی شده است.

باید خط‌های ضدملی از اعتبار بیفتند

پنجاه‌هفت تنها حاصل چپ‌های کلاشیکف به دست نبود حاصل سکوت جمعیتی بزرگ از ایرانیان هم بود و امروز به کمک رسانه و دستکاری شبکه‌های اجتماعی که از سال‌ها پیش تدارک آن را دیده بودند با یک طبقه اجتماعی برساخته به نحوه دیگری همان جمعیت ساکنان پیشا ۵۷ را بایکوت می‌کنند. ضروری است که این دیوارهای بایکوت را بشکنیم و هر فرد و یا رسانه‌ای که خطی ضد منافع ملت ایران را پیش برده است را از اعتبار بیندازیم. این بی‌اعتباری را سینه به سینه نقل کنیم تا دستانی که به قیمت خون آن بچه‌ها یکدیگر را یافته اند مستحکم تر یکدیگر را در آغوش کنند.

همه ما بویژه آنهایی که چون بنده نسبت به وضعیت موجود احساس تقصیر می‌کنند باید شجاعت اخلاقی آنرا بیابیم که نسبت به گذشته خویش قضاوت کنیم و بر بخش‌هایی که منجر به ایجاد یا تداوم رنج ملت ایران شده است یا نهیم، حتی اگر آنچه بر آن می‌پاییم باورهای سیاسی‌مان باشد و حتی اگر باعث شود برابر دوستانمان قرار بگیریم. این قضاوت سختگیرانه اخلاقی کمترین فداکاری ما برای نجات ایران است. چرا که اصرار بر درستی آنچه که هست و آنچه که گذشت، ما و آینده را تباہ خواهد کرد.

پاینده ایران

جاوید محسن شکاری آن شجاع به دار جنایت آویخته»

در حاشیه خاطرات دکتر نهاوندی:

تلاش آمریکا برای مبادله شاه با گروگانها

دیکتاتور پاناما به معامله شرم‌آور فدا کردن شاه در مقابل آزادی گروگانها آلوده شده بود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۳۵)

دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاه‌های پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاه‌های پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

در خاطرات دکتر هوشنگ نهاوندی خواندیکه بده - بستان شرم‌آوری در پشت پرده برای استرداد شاه ایران به رژیم انقلابی در برابر آزادی گروگانهای آمریکایی جریان داشت. نهاوندی نوشته است «کارتر حاضر بود مادرش را بفروشد و گروگانها را خلاص کند چون تنها به این وسیله می‌توانست شانس موفقیت خود را در انتخابات افزایش دهد». همیلتون جردن رئیس دفتر و مشاور جیمی کارتر که در این ماجرا نقشی فعال داشت، در خاطرات خود حقایق بسیاری را فاش کرده است. او با قیافه مبدل به پاریس سفر کرد تا با نماینده خمینی (حسن حبیبی) که از تهران آمده بود گفتگو کند. دو وکیل فرانسوی از دوستان صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه برای جوش دادن «معامله» دوندگی می‌کردند. ژنرال عمر تریخوس دیکتاتور پاناما نیز دست‌اندرکار ماجرا بود.

در زیر قسمتی از خاطرات همیلتون جردن را که شرح مسافرت او به پاناما و دیدار با شاه و مذاکره با ژنرال تریخوس با هدف ممانعت از سفر شاه به مصر و ترک پاناماست می‌خوانید.

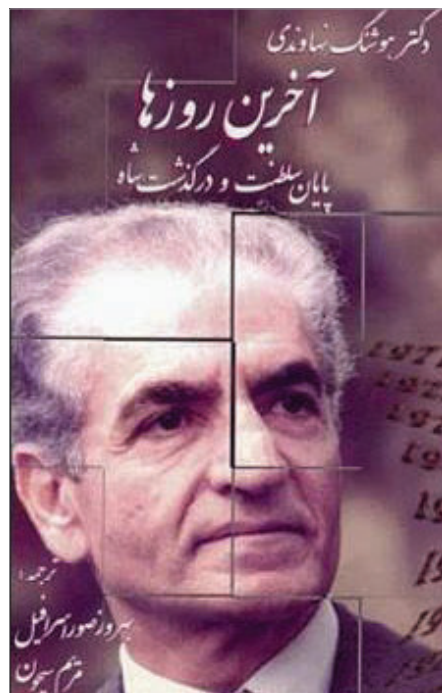
بالاخره پرواز کردیم و در فاصله سی هزار پایی بالای خلیج مکزیک به حرکت درآمدیم. پس از یک ساعت که از مسافرتمان می‌گذشت، صدای انفجاری به‌گوشمان رسید. هواپیما به طرف پایین سرازیر گردید، کابین پر از دود، و کف هواپیما آنقدر گرم شد که حرارت را از زیر کفهایمان حس می‌کردم.

این بار خلبان مجبور نبود به دیدن من بیاید زیرا وقتی هواپیما دوباره صاف شد، من به داخل اتاق خلبان پریدم و پرسیدم چه اتفاقی افتاده بود؟ به من گفته شد: «احتمالاً چیز مهمی نبود». ولی من حرف آنها را باور نکردم زیرا اکنون ما در فاصله کمی از آب پرواز می‌کردیم و هر دو خلبان نگران به‌نظر می‌رسیدند. وقتی آنها دیوانه‌وار دنبال خرابی می‌گشتند فکر کردم ممکن بود خودش باشد. لزومی نداشت که دیگر درباره شاه یا گروگانها، کندی یا بازپرس ویژه نگران باشم. ما فقط در خلیج محو می‌شدیم و آنها احتمالاً حتی ما را پیدا هم نمی‌کردند.

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر



خلبان و کمک خلبان با سرعت کار می‌کردند. می‌دانستم که وجودم در اتاق خلبان باعث حواس‌پرتی آنها می‌شود. بنابراین به جای خودم بازگشتم. ولی از گرمای وحشتناک و تصور در آب افتادن، خیس عرق شده بودم. به‌طور وحشتناکی احساس بی‌پناهی می‌نمودم. آرنی و من با حالتی عصبی با یکدیگر صحبت می‌کردیم. دکتر ریچ را بیدار کردم و حادثه‌ای را که رخ داده بود برایش شرح دادم. او با خونسردی گفت که کاری نمی‌تواند بکند و دوباره به‌خواب رفت. از منطق و تسلط بر نفس او هم متعجب و هم متفرف شده بودم.

ما به‌طرف نیواورلئان برگشتیم و وقتی نور چراغهای شهر از دور نمایان شد، احساس راحتی بیشتری کردم. من هرگز

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می‌رساند.

از راه رفتن روی زمین بیشتر از آن لحظه‌ای که از پله‌های هواپیما در فرودگاه نیو اورلئان بیرون پریدیم لذت نبرده بودم. ما به منتظر ماندن در فرودگاه عادت کرده بودیم. هواپیمای دیگری برای ما درخواست شد و ظرف یکی دو ساعت آمد. اکنون حدود ۲ و ۳۰ دقیقه بامداد بود. چهارده ساعت پیش ما واشنگتن را ترک کرده بودیم و به‌جز پرواز به هوستون و توقف یکساعته در آنجا تمام مدت باقیمانده را در انتظار هواپیما و سپس بازگرداندن آن گذرانده بودیم. با حالتی خسته و کلافه و متوحش از انفجار، سوار هواپیمای چهارم شدیم. چند گلاس مشروب خوردیم و درباره بخت بدمان صحبت کردیم.

آرنی گفت: واقعاً نمی‌توانم تصور کنم که عنوان روزنامه‌ها چنین باشد: «همیلتون جردن در کوششی برای رهایی گروگانها در حادثه سقوط هواپیما مرد»، و سپس در صفحه سی و چهار نوشته شود: «یکی از مقامات ناشناس وزارت امور خارجه و یک پزشک ارتش هم کشته شدند».

جواب دادم: کور خواندی، نه آرنی، عنوان روزنامه‌ها اینطور خواهد بود: «جردن سقوط می‌کند و دویت مایل را برای رسیدن به ساحل شنا می‌نماید». و در زیر عنوان درشت نوشته می‌شود: «دو نفر دیگر غرق شدند».

پس از مدتی که به این ترتیب خود را سرگرم کردیم، نورمن ریچ و آرنی به‌خواب رفتند و من دوباره به فکر افتادم و نگران شدم. پیش خود اندیشیدم، ما تقریباً در این پرواز کشته شدیم. حد اقل چیزی که شاه می‌تواند انجام دهد این است که اثر جراحی خودش روی گروگانها را در نظر بگیرد. ولی شاید برای او مهم نباشد.... ممکن است آدم غمزه‌ای که من در لکلند دیدم به همان اندازه که منتقدین وی می‌گویند سرد، بی‌تفاوت، و حتی ظالم باشد.

ما در ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه بامداد در فرودگاه پاناما به زمین نشستیم. امبلر بیچاره که با هر خبری درباره زمان جدید رسیدن ما از خواب بیدار شده، دوباره به رختخواب برگشته بود، برای استقبال در فرودگاه بود. او ما را مستقیماً به خانه خودش در لاکریستا که خانه سفیر آمریکا در پاناما بود برد. این خانه، سفیدرنگ بود و روی چمن سبز زیبایی در

می‌روم و سعی می‌کنم او را در رودریاستی بگذارم و می‌گویم که احساساتم جریحه‌دار شده است. به او می‌گویم که مدت سه ماه می‌بازنش بودم و سعی داشتم دوستش هم بشوم و اکنون شایعاتی به گوشم خورده که او ناراضی است و می‌خواهد پاناما را ترک کند. از او می‌پرسم که چرا ناراضی است و کمی هم خود را آزرده‌خاطر نشان می‌دهم. اگر او واقعاً از بازگردانیده شدن می‌ترسد، در آن صورت هم راه نفوذ در او را می‌دانم.»

در حالی که چوپو سرگرم ترجمه پیام توریخوس بود، ژنرال بلند شد و در اتاق شروع به قدم زدن کرد. می‌توانستم حدس بزنم که واقعاً آماده کار بود. او ناگهان ایستاد. دستش را به علامت خداحافظی کمی تکان داد و از اتاق به راهرو رفت و سپس از در ورودی خارج شد. همراهان وی که افراد امنیتی و پزشکان پانامایی بودند، با عجله بیرون دویدند تا به وی برسند.

امبلر گزارش داد که: «آرمایو دو بار برای تعیین زمان رفتن شما به دیدار شاه تلفن کرده است.»

با ناراحتی گفتم: «عجیب است. نمی‌دانم چرا آنها این همه مشتاق دیدن من هستند.»

امبلر به شوخی گفت: «شاید می‌خواهند مشکل ملاقات با شما را از سر راه بردارند تا بتوانند آماده رفتن شوند.»

پاسخ دادم: «احساس می‌کنم که آنها می‌خواهند مرا ببینند تا درخواستشان مبنی بر گرفتن اجازه ورود به ایالات متحده را به من بگویند. وقتی در لکلند شاه را نقل مکان دادم، اشتباه بزرگی مرتکب شدم. فکر می‌کردم گروگانها به زودی آزاد می‌شوند و آنقدر نگران بیرون بردن او از کشور بودم که بازگشت دوباره وی به ایالات متحده را ساده می‌انگاشتم. بر اساس قرارداد، او صرفاً باید مدعی شود که به دلایل پزشکی نیاز به بازگشت دارد.»

ارنی اضافه کرد: «تمام این خرابکاریها هم به همین دلیل شروع شد.»

ماس پیشنهاد کرد: «بیا بید به ساختمان سفارت برویم تا به تلفن ایمن و تلکس دسترسی داشته باشیم. آنجا جای بهتری برای کار کردن است. من راننده را می‌فرستم تا لوید را مستقیماً پس از رسیدن به پاناما به آنجا بیاورد.»

ما به طبقه بالای سفارت رفتیم و در دفتر امبلر نشستیم و بقیه صبح را صرف برنامه‌ریزی برای حمله کردیم.

وقتی لوید به دفتر امبلر وارد شد، در حال دست دادن با همگی گفت: «تقریباً داشتم به اینجا نمی‌رسیدم. یکی از موتورهای هواپیما وقتی که هواپیما به زمین نشست، خراب شد.»

به او گفتم: «این را می‌توانیم به سایر رویدادها اضافه کنیم» و ماجراهای خودمان را برایش تعریف کردم.

کاتلر گفت: «وقتی برگشتیم باید جریان را به هارولد (براون) اطلاع بدهیم.»

به آنها اطمینان دادم که «دیگر هرگز با افزایش بودجه دفاعی مخالفت نخواهم کرد» و همه خندیدیم.

من درباره ملاقاتمان با دوبیکی، درباره اعتقاد امبلر که شاه مصمم به رفتن به مصر بود، و درباره پیشنهاد توریخوس مبنی بر نگاه داشتن اجباری شاه در پاناما با کاتلر صحبت کردم. لوید حیرت زده از تهدید توریخوس دلخور شده بود. «این فقط، یک حرف است، مگر نه؟ او واقعاً این کار را نمی‌کند، مگر نه؟»

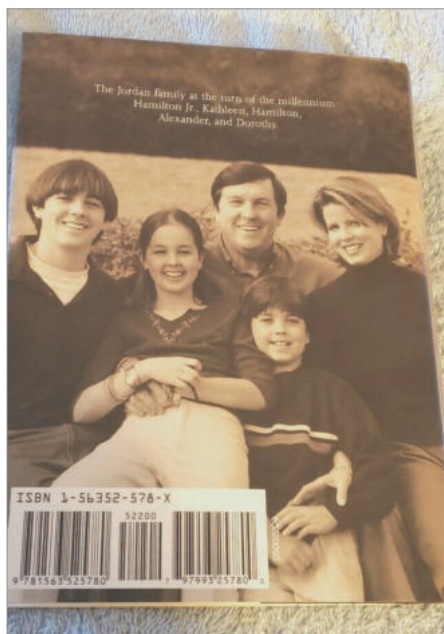
امبلر گفت: «ژنرال را هرگز دست کم نگیرید. اگر برایش سر تکان بدهیم یا فقط به او چشمک بزنیم، این کار را خواهد کرد.»

«موافقم، ولی آیا خنده‌دار نیست که فکر کنیم توریخوس به شاه بگوید که نمی‌تواند برود؟» (ادامه دارد)

که پزشکان به‌تنهایی از عهده حل این مشکل برآیند.»
ما چند لحظه‌ای را در سکوت گذرانیدیم، سپس توریخوس گفت: «من هر کاری که شما بخواهید می‌کنم. فقط به من بگویید چه بکنم. ما می‌توانیم بگذاریم شاه برود یا او را اینجا نگاه داریم. من حتی اگر خودش هم نخواهد می‌توانم وادارش کنم که بماند. من روی این پادشاه مطالعه کرده‌ام. او به هیچکس به‌غیر از خودش اهمیت نمی‌دهد. او حق ندارد زندگی ۵۳ نفر دیگر را به‌مخاطره بیندازد. تنها چیزی که برای من مهم است کمک به رئیس جمهوری کارتر برای حل مسأله گروگانها می‌باشد.»

از گفتار تند ژنرال علیه شاه و پیشنهاد وی برای مجبور کردن شاه به انجام عمل جراحی در پاناما متعجب شده بودم. فکر کردم این شدیدترین سیاستی است که می‌توان اجرا کرد، ولی حقیقت این است که ما در یک جهنم زندگی می‌کنیم. از طرف دیگر، این که شاه علیرغم میل خودش در پاناما نگاه‌داشته شود، برای شاه بسیار وحشتناک خواهد بود. ولی توریخوس شوخی نمی‌کرد. من می‌خواستم از پیشنهاد سخاوتمندانه وی تشکر نمایم و در عین حال او را از این کار بازدارم. «اول بهتر است سعی کنیم او را در اینجا نگاه‌داریم و پس از آن نگران این باشیم که اگر او برای رفتن اصرار بورزد چه کنیم.»

توریخوس گفت: «موافقم. مردان عمل معمولاً موفق می‌شوند. مردان غیر فعال اغلب اوقات به انتظار وقوع حادثه خوبی می‌نشینند، ولی آن حادثه هرگز اتفاق نمی‌افتد.»



پشت جلد کتاب خاطرات همیلتون جردن

برنامه شما چیست؟»

«امروز صبح به لوید کاتلر تلفن کردم. او در راه است و ما می‌خواهیم بعد از ظهر امروز با شاه ملاقات کنیم. این ملاقات می‌تواند اولین و آخرین شانس ما برای تغییر دادن عقیده او باشد.»

توریخوس سری تکان داد و سیگار کوبایش را در دهان چرخانید. پس از مکث طولانی، با صدایی به هیجان آمده تندتند شروع به صحبت کرد: «ما باید برای آرام کردن او پیش از دیدار با شما کاری بکنیم. در باره پزشکان نگران نباشید، من آنها را به‌راه می‌آورم. پیش از پایان روز به دکتر دوبیکی رسماً تلفن خواهد شد و از وی دعوت به‌عمل خواهد آمد تا به پاناما برگردد. سپس من به دیدار شاه

بالای تپه‌ای مشرف به شهر پاناما قرار داشت. هر وقت که من این خانه قدیمی زیبا با سقفهای بلند، بادبزنهای برقی، و گیاهان گرمسیری را می‌دیدم، احساس می‌کردم که قهرمان یکی از داستانهای گراهام گرین بودم.

جمعه ۲۱ مارس ۱۹۸۰

پس از چند ساعت خواب ناراحت، امبلر مرا بیدار کرد. او گفت اتفاقاتی در شرف روی دادن بود. بهتر بود شروع به کار می‌کردم.

امبلر گفت: «الان من با توریخوس صحبت کردم و او دارد به دیدن شما می‌آید.»

پرسیدم: «اینجا؟» زیرا می‌دانستم که آمدن به خانه سفیر آمریکا برای ژنرال غیر عادی بود.

«بله، ممکن است درباره برنامه‌های شاه شنیده باشد. چیز زیادی از آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد از چشم توریخوس پنهان نمی‌ماند.»

ما سیاستمان را با هم بررسی کردیم. هدف اصلی این بود که شاه در پاناما برای عمل جراحی باقی بماند. گفتم: «ولی برای این کار، ما باید ابتدا از همکاری پزشکان پانامایی برخوردار شویم و سپس باید شاه را به ماندن تشویق کنیم.» امبلر پرسید: «اگر او در رفتن اصرار بورزد چه می‌شود؟ من فکر می‌کنم در این مورد عزم راسخ دارد.»

«ما نمی‌توانیم بگذاریم چنین اتفاقی بیفتد. باید راهی برای نگاه داشتن او در اینجا بیابیم.»

کمی بعد، توریخوس همراه چوپو و دکتر کارلوس گارسیا پزشک مخصوص خودش و یکی از چهره‌های اصلی در سازمان پزشکی پاناما به خانه ماس آمد. دکتر ریچ و گارسیا با یکدیگر شروع به صحبت کردند و توریخوس هم از من خواست که در کتابخانه به وی بپیوندم. او، من، و چوپو در صندلیهای حصیری پر از بالش نشستیم.

گفتم: «پاپا ژنرال، ما مشکلاتی داریم. به ما اطلاع رسیده است که شاه تصمیم به ترک پاناما و رفتن به مصر دارد.»

وقتی چوپو این مطالب را ترجمه می‌کرد توریخوس متعجب شده بود. پرسید: «آیا حتم دارید؟»

«بله، می‌دانیم که درست است. تأیید مصریها را هم در این باره داریم.»

توریخوس در حالی که یک سیگار کوبایی که اسم خودش روی آن نوشته شده بود به دهان می‌گذاشت، گفت: «این برای همه بسیار بد است، برای گروگانها، برای شاه، و حتی برای پاناما.» سپس به چوپو که کبریتی برای روشن کردن سیگار توریخوس در دست داشت رو کرد و گفت: «برای تغییر دادن عقیده او چه باید بکنیم؟»

«ما باید از پزشکان شروع کنیم. من در راه پاناما در هوستون توقف کردم و با دکتر دوبیکی صحبت نمودم. او

در صورت اجبار در اینجا عمل جراحی را انجام خواهد داد ولی نقش فعالی را در تشویق شاه برای اقامت در اینجا بازی نخواهد کرد. اگر پزشکان پانامایی از دوبیکی برای انجام عمل جراحی دعوت کنند و احتمالاً روی دعوت آنها فکر خواهد کرد. در آن صورت شاه احساس بهتری در مورد ماندن در اینجا خواهد داشت.»

وقتی چوپو پیام مرا ترجمه می‌کرد، می‌توانستم بگویم که توریخوس مشغول فکر کردن بود.

توریخوس گفت: «پزشکان جانوران غریبی هستند که مهارت زیاد و خودپرستی بسیار دارند.»

پاسخ دادم: «من روی پزشک شدن فکر کرده بودم.»
او در جواب گفت: «خودپرستی شما به‌تنهایی کفایت می‌کند.» و از این شوخی لذت بسیار برد. آنگاه افزود: «من می‌توانم پزشکان پانامایی را به‌راه بیاورم ولی اطمینان ندارم

آیا بی بی نتانیاهاو از این بحران عبور می کند؟



بازدید بنیامین نتانیاهاو از یگان‌های ارتش اسرائیل مستقر در مرز با غزه / اکتبر ۱۴۰۲

علاقه‌ای به کشیده شدن جنگ در دیگر کشورها و گروه‌های دیگر، به درگیری ندارند و در صدر آنها ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپا می‌باشند که بارها سخنگوی رسمی این دولت‌ها نقش ایران را در شروع جنگ انکار کرده‌اند.

مباران فرودگاه‌های سوریه توسط اسرائیل و فرود اجباری وزیر خارجه رژیم به لبنان و اظهارات جنگ طلبانه او، گویا در حال حاضر اسد را از ورود به جنگ معاف کرده است، ولی حزب‌الله منتظر وقایع ساعات آینده است تا تحرکات کوچک خود را تبدیل به یک حمله تمام عیار علیه مواضع اسرائیل کند. سازمان‌های حقوق بشری و همچنین «واتیکان» و سازمان ملل با اظهارات خود سد راه بزرگی برای ورود نیروهای زمینی اسرائیل به غزه به شمار می‌روند.

کشورهای اروپایی که در مواقع بحران به تنهایی تصمیم می‌گیرند و دیگر نشانه‌ای از همبستگی و اتحادیه اروپا و تصمیم‌های جمعی در آن نیست دیپلماسی‌های ملی خود را برای نجات شهروندان گروگان گرفته خود توسط حماس فعال کرده‌اند که به نوعی بده و بستان با دولت‌های عربی منطقه بشمار می‌رود!

پس از محکوم کردن احتمال حمله زمینی اسرائیل به باریکه غزه از طرف دولت‌های اروپایی، دولت‌های اسلامی و عربی هم بار دیگر صحبت از راه حل دو دولت مستقل در فلسطین می‌کنند و بطور خاص عربستان سعودی هم امتیازات بیشتری برای برقراری روابط دیپلماتیک با تل‌آویو خواستار شده است.

آیا راه حل بازگشت آب و برق و باز گشودن کریدورهای انسانی در غزه می‌تواند وسیله‌ای برای آزادی و بازگشت گروگان‌های اسرائیلی و دیگر کشورها به دامن خانواده‌های خود باشد؟ اینها تصمیمات آتی دولت ائتلاف ملی در ساعات آینده است.

آیا تمامی این فشارها بر دولت نتانیاهاو از خارج و عدم همکاری یائیر لاپید رهبر اپوزیسیون و حملات روزنامه «هاآرتص» به دولت در داخل موجب تزلزل بیشتر موقعیت نتانیاهاو و دولت در روزهای آینده خواهد شد؟

* بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است

حمایت از تشکیل دولت ائتلافی در اسرائیل و جلوگیری از گسترش جنگ.

به تدریج در تلویزیون کشورهای اروپایی که در ۸۴ ساعت نخست فقط از کشتار تروریست‌ها صحبت می‌شد، اکنون از طرفداران تروریست‌ها هم دعوت به عمل می‌آید تا نقطه نظرهای خودشان را با مردم در میان نهند و در ضمن علیه حملات اسرائیل به غزه سخن‌پرانی و بار دیگر اسرائیل را به اشغالگری محکوم کنند. غافل از اینکه در غزه گروه حماس حکومت می‌کند و قوانین شریعت را که مورد قبول اکثریت مردم فلسطین هم نیست به اجرا در می‌آورد. از کمک‌های جهانی بخصوص اروپا و آمریکا بهره‌مند هستند و بجای کار و فعالیت بسان بقیه کشورهای جهان به کار تونل سازی برای انباشت و ترافیک پنهانی اسلحه مشغول هستند و دانشگاه غزه را به کارگاه موشک و مپ‌سازی تبدیل کرده و تمام این فعالیت‌ها در زیر چشم «NGO» های اروپایی و غربی که در حال کمک‌های انسانی به مردم «بی‌دفاع» غزه هستند، انجام می‌شود و جالب اینکه آب و برق و ارتباطات منطقه هم را اسرائیل باید تأمین کند.

پرسش اصلی این است که اسرائیل برای گوشمالی و حذف گروه‌های تروریستی چه باید بکند که مورد شماتت افکار عمومی جهان و دولت‌ها قرار نگیرد؟

شکی نیست که دولت نتانیاهاو و وزرای کلیدی آن پس از پایان بحران به احتمال زیاد در دادگاه‌های این کشور دموکرات به جرم سهل‌انگاری و غافلگیر شدن مجهزترین ارتش خاورمیانه بازخواست و محاکمه خواهند شد.

دولت نتانیاهاو از این موضوع آگاه است و قصد دارد تا امکانش هست با دست پر به این دادگاه برود، احتمالاً با نابودی حماس و رهبران در غزه.

محبوبیت نتانیاهاو در میان ایرانیان هم که بسیار بالا بود و حتی بعضی گروه‌های سیاسی انتظار مباران مناطق کلیدی سپاه پاسداران در کشور را از او داشتند، با اظهارات دونالد ترامپ مبنی بر عدم همکاری نتانیاهاو برای کشتن سلیمانی و با هوش خطاب کردن حزب‌الله لبنان وارد فاز جدیدی شده است. همه طرف‌های بحران از واقعیت کمک‌های ایران به حماس و راه اندازی این جنگ اطلاع کامل دارند ولی هیچ

● بهرام فرخی تحلیلگر سیاسی معتقد است حضور آنتونی بلینکن در تل‌آویو دو پیام مشخص برای اسرائیل داشت: حمایت از تشکیل دولت ائتلافی در اسرائیل و جلوگیری از گسترش جنگ.

● «پرسش اصلی این است که اسرائیل برای گوشمالی و حذف گروه‌های تروریستی چه باید بکند که مورد شماتت افکار عمومی جهان و دولت‌ها قرار نگیرد؟»

● «سازمان‌های حقوق بشری و همچنین «واتیکان» و سازمان ملل با اظهارات خود سد راه بزرگی برای ورود نیروهای زمینی اسرائیل به غزه به شمار می‌روند.»

● بهرام فرخی* - فقط یک هفته از حملات تروریست‌های حماس به اسرائیل گذشته، ولی گویا در اخبار و مدیا از آن صحنه‌های وحشتناک، دلخراش و نفرت انگیز سلاخی مردم غیرنظامی توسط تروریست‌های حماس مدت‌ها می‌گذرد و جای خود را به تظاهرات علیه اسرائیل و حمایت از گروه‌های فلسطینی داده است.

کم و بیش مصاحبه با نزدیکان گروگان‌های اسرائیلی که در اسارت حماس هستند در خیرها شنیده و دیده می‌شود، ولی از آن حمایت‌های بی‌دریغ احزاب سیاسی و دولت‌های دموکراتیک دیگر خبری نیست.

این وضعیت تا کی می‌تواند ادامه پیدا کند، تا کی اسرائیل می‌تواند حمایت و همدردی مردم دنیا را به همراه داشته باشد وقتی در حال بمباران غزه از زمین و هوا و دریاست؟ همانطور که پیش‌بینی می‌شد پس از چند روز، دولتی با ائتلاف مخالفین در اسرائیل روی کار آمد و با استقبال دولت بایدن هم روبرو شد. دولت‌های عربی منطقه هم پس از محکوم کردن لفظی حملات تروریستی حماس، طبق روال پنج دهه اخیر مقصر اصلی را اسرائیل معرفی کردند.

دولت قطر هم، که سیاست مماشات با هر دو طرف نزاع را بخشی از سیاست خارجی خود می‌داند، پس از پذیرایی از «برادران مسلمان تروریست» در هتل‌های لوکس دوحه، این بار پیشنهاد میانجیگری برای رهایی گروگان‌ها از دست تروریست‌ها در غزه را ارائه داده است.

رژیم اسلامی هم که مغز متفکر حمله و حامی مالی، سیاسی و تسلیحاتی گروه حماس و جهاد اسلامی بشمار می‌رود و روی نفاق و درگیری در بین دولت و مخالفین نتانیاهاو از یک سو و عدم همراهی دولت دموکرات بایدن از دولت راست‌گرای اسرائیل از سوی دیگر، حساب جدا باز کرده بود و روز جمعه را برای دیدن واکنش امت مسلمان علیه دولت صهیونیستی، «روز همبستگی با فلسطین» نامیده است، گویا هیچ نگرانی از بلوکه شدن دو باره شش میلیارد دلار هدیه دولت بایدن در بانک‌های قطر را ندارد.

حکومت طبق سنت همیشگی خود مصداق آن ضرب‌المثل که «سنگ را انداخته و دست خودش را پنهان کرده» به تمامی نمایندگان سیاسی خود در کشورهای جهان دستور داده که نقش رژیم اسلامی را در این حملات وحشیانه انکار نمایند و رئیس دفتر خامنه‌ای در جواب کسانی که آدرس «سر مار» را در خیابان پاستور تهران داده‌اند از آن با نام «عصای موسی» یاد می‌کند که دیگر مارها را می‌بلعد.

دولت بایدن طبق پیش‌بینی‌های قبل زیر فشار افکار عمومی بلافاصله کمک‌های نظامی خود را به اسرائیل فرستاده و دو ناو هواپیمای خود را به سواحل شرقی مدیترانه اعزام کرد و وزیر خارجه ایالات متحده به تل‌آویو رفت. حضور بلینکن دو پیام مشخص برای اسرائیل دارد:

جمهوری اسلامی گشودن جبهه‌های جدید علیه اسرائیل را محک می‌زند؛ اما چرا کار آسان نیست؟



دیدار حسین امیرعبداللہیان با بشار اسد رئیس‌جمهوری رژیم سوریه / مهرماه ۱۴۰۲

منابع غربی تهدید جمهوری اسلامی برای «گشودن جبهه جدید علیه اسرائیل» را جدی گرفتند. تحلیلگران می‌گویند جمهوری اسلامی پس از معامله شش میلیارد دلاری با دولت بایدن بر سر گروگان‌ها دچار اعتماد به نفس کاذب شد. حکومت مواضع دوگانه در قبال حمله حماس اتخاذ کرده است. از یک سو مقامات حکومت دائم بر حمایت‌های همه جانبه از حماس صحبت می‌کنند اما در نهایت علی‌خامنه‌ای مدعی می‌شود که ایران دخالتی نداشته است. این روش به آنها کمک می‌کند از مسئولیت جنایت‌هایی که حماس در اسرائیل کرد شانه خالی کنند.

مشکل اساسی که جمهوری اسلامی با آن روبه‌روست بحران اجتماعی و اقتصادی داخلی است که با آن دست به گریبان است. از سوی دیگر حکومت نتوانسته به جز طیف اقلیتی از هواداران نظام سایر اقشار مردم را برای ضرورت حمایت از گروه‌های فلسطینی را مجاب کند. بنابراین پیامدهای هرگونه دخالت مستقیم یا غیرمستقیم حکومت در این جنگ به تشدید بحران‌های داخلی ایران دامن خواهد زد.

حسین سلامی فرمانده سپاه می‌گوید ضعف بزرگ اسرائیل «عمق کم» آن است. وی در نماز جمعه گفت «وقتی خطوط اول دفاعی اسرائیل در برابر تهاجم از هم می‌پاشد خط دوم کجاست و نقطه توقف کجاست؟» اما ضعف جمهوری اسلامی نیز کاهش شدید میزان پایگاه اجتماعی نظام است. ورود به منازعات نظامی یا حتا تحمل پیامدهای وضعیت‌های بحرانی بدون «توجیه ملی» هزینه‌های حکومت را سنگین‌تر خواهد کرد. به این وضعیت باید ضعف تکنولوژی‌های نظامی جمهوری اسلامی در مقابل اسرائیل را نیز افزود.

جمله مصر و عربستان چندان تحت تأثیر درخواست‌های جمهوری اسلامی نیستند.

برخی از دولت‌ها مثل لبنان، سوریه و عراق در حد و اندازه اقدام مستقیم علیه اسرائیل نیستند اما می‌توانند فضای آن کشورها را برای تاخت و تاز سپاه پاسداران و مأموریت‌های حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق بازتر کنند.

به نظر می‌رسد حکومت برنامه‌هایی برای گشودن جبهه جدید علیه اسرائیل داشته باشد. مأموریتی که چاشنی آن می‌تواند تهدید برای نیروهای آمریکایی در منطقه هم باشد. در همین ارتباط حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران در خطبه‌های پیش از نماز جمعه تهران ۲۱ مهرماه پیام‌های مشخصی داده است. وی گفته بود «امروز این آمریکاست که مدیریت حمله به فلسطینی‌ها را در غزه انجام می‌دهد که البته کار بسیار خطرناکی است. نسخه آمریکایی، هیچ داری درمان بخشی برای حل این مسئله ندارد و همانطور که نسخه آمریکایی در سوریه، یمن، افغانستان و عراق نتوانست راه‌گشا باشد، این نسخه برای رژیم صهیونیستی نیز محکوم به شکست است.»

اسرائیل مستقیم و با واسطه به سایر دولت‌های اسلامی منطقه و همچنین رهبران گروه‌های شبه نظامی از جمله حسن نصرالله پیام داده که درگیر این جنگ نشوند. اگرچه هنوز هیچ کدام از نیابت‌ها به طور مستقیم به عملیات علیه اسرائیل نپیوستند اما امیرعبداللہیان روز شنبه ۲۲ مهرماه در یک نشست خبری دو مسئله را مطرح کرد: (۱) این مقاومت است که برای آتش بس احتمالی شروط تعیین می‌کند و (۲) رهبران مقاومت از انسجام عالی برخوردارند و دست همه روی ماشه شلیک است.

● طرفداران حکومت در شبکه‌های اجتماعی ابراز امیدواری کردند که با سفر امیرعبداللہیان به سوریه در مرزهای جولان جبهه‌های دیگر علیه اسرائیل باز شود. وزیر خارجه جمهوری اسلامی در همین سفر ادعا کرده بود «گشوده شدن جبهه جدید علیه اسرائیل منتفی نیست».

● امیرعبداللہیان در یک نشست خبری دو مسئله را مطرح کرد: (۱) این مقاومت است که برای آتش بس احتمالی شروط تعیین می‌کند و (۲) رهبران مقاومت از انسجام عالی برخوردارند و دست همه روی ماشه شلیک است.

● مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی از جمله ابراهیم رئیسی در تماس با سران کشورهای مسلمان و عرب خواهان همکاری آنها در مقابله با اسرائیل شده‌اند. بعضی از این کشورها از جمله مصر و عربستان چندان تحت تأثیر درخواست‌های جمهوری اسلامی نیستند.

● حسین سلامی فرمانده سپاه می‌گوید ضعف بزرگ اسرائیل «عمق کم» آن است. اما ضعف جمهوری اسلامی کاهش شدید میزان پایگاه اجتماعی نظام است. ورود به منازعات نظامی یا حتا تحمل پیامدهای وضعیت‌های بحرانی بدون «توجیه ملی» هزینه‌های حکومت را سنگین‌تر خواهد کرد.

همزمان با ادامه جنگ میان اسرائیل و گروه تروریستی حماس، وزیر خارجه جمهوری اسلامی که در یک تور منطقه‌ای به بغداد و بیروت سفر کرده بود به دمشق رفت و با بشار اسد رئیس‌جمهوری رژیم سوریه دیدار کرد.

این سفر پس از آن صورت گرفت که اسرائیل، دقایقی بعد از برخاستن هواپیمای حامل امیرعبداللہیان از تهران، باند فرودگاه حلب و دمشق را هدف قرار داد.

دبیر دوم سفارت جمهوری اسلامی در لبنان روز جمعه ۲۱ مهرماه گفت، «اسرائیل تصور می‌کند اگر فرودگاه دمشق و حلب را بزند می‌تواند جلو دیپلماسی انقلابی جمهوری اسلامی را بگیرد اما وزیر خارجه پس از دیدار با مقامات ارشد لبنان و فلسطین، از مرز زمینی لبنان وارد سوریه شد.» این هشتمین سفر امیرعبداللہیان به دمشق پس از انتصاب وی به عنوان وزیر خارجه جمهوری اسلامی است.

طرفداران حکومت در شبکه‌های اجتماعی ابراز امیدواری کردند که با سفر امیرعبداللہیان به سوریه، در مرزهای جولان جبهه‌های دیگر علیه اسرائیل باز شود. وزیر خارجه جمهوری اسلامی در همین سفر ادعا کرده بود «گشوده شدن جبهه جدید علیه اسرائیل منتفی نیست».

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در دیدار با فیصل المقداد همتای سوری خود تأکید کرد «سوریه همواره به عنوان یکی از خطوط مقدم در محور مقاومت نقشی اساسی در حمایت از فلسطین، زنان کودکان و غیرنظامیان و محور مقاومت داشته است.»

مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی از جمله ابراهیم رئیسی در تماس با سران کشورهای مسلمان و عرب خواهان همکاری آنها در مقابله با اسرائیل شده‌اند. بعضی از این کشورها از

گزارش ویژه؛ رضا رسایی جوان پیرو آیین یارسان محکوم به اعدام: این چه عدالتی است!؟

زاری می‌کنند. شب گذشته نزدیک به پنجاه نفر در خانه آنها بودند، مراسم گرفتند و نذر کردند، مادر رضا رسایی از شدت گریه و شیون برای پسرش دچار مشکل تنفسی شده است، تمام شهرستان صحنه انگار خاک مرده پاشیده‌اند، همه مردم ناراحتند، همه سعی می‌کنند به خانه آنها بروند و در آنجا با خانواده رضا رسایی همدردی کنند و یا در شبکه‌های اجتماعی عکس او را منتشر می‌کنند چون همه مردم صحنه می‌دانند رضا بی‌گناه است و چون مدرک از اتهام او هم وجود ندارد انتظار چنین حکمی هم وجود نداشت. این حکم بی‌نهایت ناعادلانه است و نمی‌دانم قاضی پرونده او از روی کدام علم این حکم ناعادلانه را صادر کرده است.»

در جریان این پرونده، ده نفر بازداشت شدند اما نهادهای امنیتی کشته شدن نادر بیرامی را به رضا رسایی نسبت دادند در حالی که هیچ مدرک مستندی علیه او وجود ندارد.

فرد آگاه به پرونده رضا رسایی احتمال می‌دهد یکی از دلایل صدور حکم اعدام برای این جوان پیرو آیین یارسانی، تلافی‌جویی از پسر دایی او باشد که یک فعال مدنی است، چون در زمان کشته شدن بیرامی، پسر دایی رضا رسایی در زندان و در اعتصاب غذا بسر می‌برد و طبیعتاً رضا نگران حال او بود. از سوی دیگر چند روز قبل از مراسم ۲۷ آبان ماه و سالگرد کشته شدن سید خلیل عالی نژاد نیروهای امنیتی از رضا رسایی خواسته بودند برود و تعهد بدهد که در این مراسم شرکت نمی‌کند اما او توجهی به این موضوع نمی‌کند. البته گرایش‌های مذهبی خانواده رضا هم بی‌تأثیر نیست چون با اعدام یک نفر از مردم شهر که خانواده شناخته شده‌ای هم هستند باعث می‌شود در بین مردم هراس ایجاد شود و در مراسم سال‌های آینده شرکت نکنند و کم کم این مراسم را تعطیل کنند.

در همین حال یکی از شهروندان ساکن در شهرستان صحنه در ارتباط با درگیری خانوادگی سرهنگ پاسدار نادر بیرامی فرمانده اطلاعات سپاه شهرستان صحنه به کیهان لندن می‌گوید: «بیرامی دو همسر داشته که همسر اول او حدود یک سال با بیرامی اختلاف داشت، همسر دوم او هم ظاهراً نامزد یکی از اقوام بیرامی بوده که باعث درگیری خانوادگی و دشمنی بوده‌است. نام همسر دوم سرهنگ بیرامی در شکایت‌نامه موجود است اما هیچوقت به این موضوع در پرونده اشاره نشده است.»

عضو نزدیک به خانواده رضا رسایی در مصاحبه‌ای که سال گذشته با «کیهان لندن» داشت با اشاره به اینکه محمدمهدی کرمی یکی از اعدام شدگان اعتراضات انقلابی مردم، از شهروندان کرد و آیین یارسان بوده توضیح داده بود: «پیروان دین یارسان یا اهل حق پس از پیروزی انقلاب اسلامی افراد زیادی را از دست داده‌اند. در سال‌های اخیر برخی از آنها در اعتراض به فشارها و آزارهای جمهوری اسلامی و برای شنیده شدن صدای اعتراض اهل یارسان در ایران اقدام به خودسوزی در ملاء عام کردند.»

«اهل حق» یا «یارسان» از جمله اقلیت‌های دینی در ایران هستند که نه تنها از بسیاری از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم‌اند بلکه آیین آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی جزو ادیان به رسمیت شناخته شده نیست. علی‌خامنه‌ای، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی و بهجت، حکم به کافر و نجس بودن یارسان‌ها داده‌اند.



رضا رسایی

پرونده این جوان یارسانی به کیهان لندن می‌گوید: «قاضی پرونده محمد رسول حق نجاتی در حالی که مدرک و شاهدهی علیه رضا رسایی نیست، حکم اعدام علیه وی صادر کرده؛ در حالی که پزشکی قانونی نتوانسته نظر قطعی بدهد و در تمامی بخش‌های این حکم نوشته «محمتم»، یا «می‌تواند با آلات جارحه دیگری هم اتفاق افتاده باشد». واقعیت این است که رضا رسایی در هیچکدام از فیلم‌های درگیری مشاهده نشده و حتی یک فیلم یا عکس یا مدرک معتبر علیه او وجود ندارد، حتی در اعترافات اجباری که از رضا رسایی گرفته‌اند نوشته شده رضا از پشت ضربه زده که ضربات پشت کشنده نبوده و پزشک قانونی این را تأیید کرده که ضربه پشت کشنده نبوده و فقط یک ضربه از جلو کشنده بوده حتی بر اساس اعتراف اجباری که خودشان خواستند و از رضا رسایی گرفتند باز هم رضا نباید حکم قصاص می‌گرفت.»

این فرد آگاه به پرونده رضا رسایی ادامه می‌دهد: «شاهدهی داریم که نظامی است و در دادگاه شهادت داده که وقتی به سرهنگ پاسدار بیرامی رسیده مشاهده کرده که از جلوی سینه و پشت پا خونریزی داشته و بعد زمانی که نیمه‌جان بوده و ضربه کشنده وارد آمده، ربطی به رضا رسایی ندارد.» وی در ادامه توضیح می‌دهد: «دو روز پیش حکم اعدام از داخل زندان به رضا رسایی اعلام شد، متأسفانه روحیه خوبی ندارد. به خانواده‌اش گفته است مگر می‌شود بدون مدرک و دلیل یکی بگویم من دوست دارم با علم خودم بگویم این فرد قاتل است! این چه عدالتی است!؟»

به گفته این فرد آگاه، «رضا رسایی و خانواده او بیست روز مهلت اعتراض دارند که به این حکم اعتراض کنند و اعتراض به دیوان عالی کشور برود، اگر دیوان عالی حکم را رد کند به شعبه دیگری در کرمانشاه بر می‌گردد و اگر تأیید کند متأسفانه باید شاهد اعدام این جوان بی‌گناه باشیم.»

او با توصیف ناراحتی بسیار خانواده رضا رسایی افزوده که «از صبح تا شب مادر و دیگر اعضای فامیل رضا رسایی بر سر و صورت خود می‌زنند و برای این جوان اشک و

● دو روز پیش، حکم اعدام از داخل زندان به رضا رسایی اعلام شد. او به خانواده‌اش گفته است مگر می‌شود بدون مدرک و دلیل یکی بگویم من دوست دارم با علم خودم بگویم این فرد قاتل است! این چه عدالتی است!؟

● یک فرد آگاه به پرونده این زندانی سیاسی می‌گوید: «رضا رسایی و خانواده او بیست روز مهلت اعتراض دارند که به این حکم اعتراض کنند؛ اگر دیوان عالی حکم را رد کند به شعبه دیگری در کرمانشاه بر می‌گردد و اگر تأیید کند متأسفانه باید شاهد اعدام این جوان بی‌گناه باشیم.»

● قاضی پرونده محمد رسول حق نجاتی در حالی که مدرک و شاهدهی علیه رضا رسایی نیست، حکم اعدام را صادر کرده است. رضا رسایی در هیچکدام از فیلم‌های درگیری مشاهده نشده و حتی یک فیلم یا عکس یا مدرک معتبر علیه او وجود ندارد.

فیروزه نوردستروم- (غلام) رضا رسایی متولد ۵ اسفند ۱۳۶۷ فرزند آخر یک خانواده یارسانی در شهرستان صحنه استان کرمانشاه به‌اتهام قتل سرهنگ پاسدار نادر بیرامی فرمانده اطلاعات سپاه شهرستان صحنه به قصاص نفس محکوم شده است.

رضا رسایی دارای مدرک کارشناسی مدیریت بازرگانی است که پیش از بازداشت و زندانی شدن به حرفه ژنوبرداری و فروش عسل اشتغال داشت.

پیشتر در ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ یک عضو نزدیک به خانواده این جوان پیرو آیین یارسان اهل صحنه کرمانشاه با اشاره به کشته شدن سرهنگ پاسدار نادر بیرامی در جریان مراسم ۲۷ آبان ماه در سالگرد کشته شدن سیدخلیل عالی نژاد در شهرستان صحنه به کیهان لندن گفته بود: «این مراسم، امسال به خاطر انقلاب «زن زندگی آزادی» شعارهای مردم سیاسی‌تر بود و تعداد زیادی از مردم صحنه در این تجمع شرکت کردند، البته چند روز قبل از برگزاری این مراسم، از طرف سازمان اطلاعات سپاه (ساس) با رضا تماس گرفتند و او را احضار کردند تا از او تعهد بگیرند که در آن مراسم شرکت نکند اما رضا قبول نکرد و رفت.»

این عضو نزدیک به خانواده گفته بود که رضا در آن مراسم فقط یک پوستر از تصویر پسر دایی‌اش خیرالله حق جویان زندانی سیاسی در دست داشت و برای آزادی او شعار می‌داد که: «خیرالله حق جویان را آزاد کنید!»

حدود یک هفته پس از آن، رضا رسایی در سوم آذر ۱۴۰۱ صرفاً به دلیل حضور در تجمع اعتراضی به اتهام مشارکت در ضرب و جرح نادر بیرامی توسط مأموران بازداشت شد.

این فرد آگاه به پرونده رضا رسایی گفته بود: «پس از کشته شدن بیرامی فرمانده سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در صحنه، رضا رسایی به کرج رفت و در سوم آذرماه در کرج دستگیر و به کرمانشاه منتقل شد. او را هر روز به اطلاعات کرمانشاه بردند و شکنجه کردند بطوری که به دلیل شکنجه‌های روحی و جسمی زیاد به شدت وزن کم کرد، تمامی انگشت‌های پا و دنده‌های او را شکستند تا وی را مجبور به اعتراف کنند که در قتل بیرامی مشارکت داشته است.»

اکنون یک فرد آگاه به پرونده رضا رسایی با اشاره به اینکه این زندانی سیاسی پس از گذشت یازده ماه هنوز از درد ناحیه کتف دچار ناراحتی است در مورد آخرین وضعیت

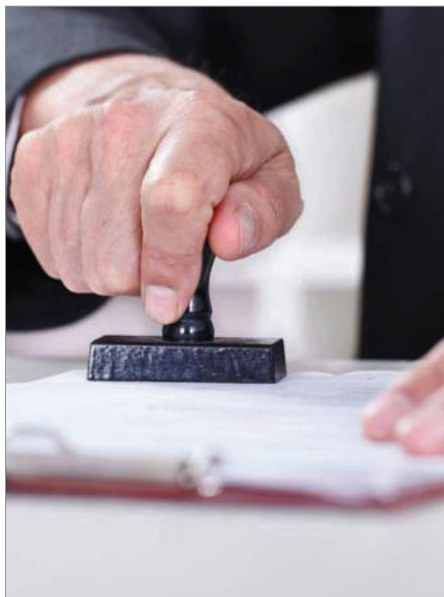
یک سردفتر در گفتگو با کیهان لندن: دستگاه‌های دولتی برای تنظیم یک سند رهنی دو سه میلیارد تومانی بیش از ۴۸ میلیون دریافت می‌کنند

از نوع، تعداد و نوع معاملات و اینکه صاحبان املاک چه کسانی هستند، همه این موارد در قسمت ویژه‌ای از سازمان ثبت قابل دسترسی است. من نشنیده‌ام که ادارات کل در شهرستان‌ها نیز به این اطلاعات دسترسی داشته باشند. سازمان ثبت هم که زیر نظر قوه قضائیه است.»

چندی پیش دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرد که مصوبه اعتبار اسناد رسمی به زودی در مجمع تشخیص مصلحت تعیین تکلیف می‌شود. این دفتردار تأیید می‌کند و می‌گوید: «این موضوع مدتی است که بعد از سخنرانی خامنه‌ای در مورد بی‌اعتبار کردن اسناد عادی و اعتبار بخشیدن به اسناد رسمی مطرح شده است.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۶ تیرماه سال جاری در دیدار با رئیس و مسئولان و جمعی از کارکنان قوه قضائیه معاملات غیررسمی اموال غیرمنقول را از علل بزرگ فساد دانست و بر لزوم سلب اعتبار از اینگونه معاملات تأکید کرد. این حقوقدان ساکن تهران معتقد است: «پیش از انقلاب، مطابق قانون ثبت، در صورت وجود سند رسمی، رسیدگی به سند عادی در دادگاه مسموع نبود. بعد از انقلاب، شورای نگهبان این ماده را خلاف شرع دانست و به این ترتیب با قولنامه بارها منزلی را می‌فروختند و یا در فروش منازل نیمه‌ساخته و پیش‌فروش، کلی مشکلات پیش می‌آمد و آمده که حتماً بر آن آگاهی دارید. مدتی است که باز این موضوع مطرح شده که وجود قولنامه مشکلات فراوانی ایجاد کرده ولی فقهای قم زیر بار این موضوع نمی‌روند که قولنامه را در برابر سند رسمی بی‌اعتبار بدانند و این صحبت‌های اخیر آملی لاریجانی در همین خصوص است و بعد از آنکه خامنه‌ای بر سند رسمی تأکید کرد. البته بررسی‌ها و گفتگوها شروع شده و حتی مجمع تشخیص مصلحت نظام بجای «بطان» قولنامه‌نظر به درج عبارت «عدم نفوذ» آن داد و بحث‌ها هنوز ادامه دارد. ولی قولنامه‌ها موجب بروز مشکلاتی شده است. نظر سازمان ثبت این است که پس از توافق طرفین بر معامله به دفترخانه رهنمون شده و معامله رسمی و تعهد به انتقال تنظیم گردد.»

وی در مورد میزان حق‌التحریر دفاتر اسناد رسمی توضیح می‌دهد: «این حق‌التحریر چیزی نیست که دفتر آن را تعیین کنند، بلکه مطابق قانون و بر اساس مبلغ اسمی سند رسمی تعیین می‌گردد و دفترخانه در این خصوص نقشی ندارد. حق‌التحریرهای میلیاردری برخی اسناد، بیشتر در تهران تنظیم می‌شود و تهران تمامی ایران نیست و البته این گونه اسناد نیز در همه دفاتر تهران تنظیم نمی‌گردد و نزد دفاتری خاص که معمولاً با قدرت ارتباط دارند انجام می‌شود. اصولاً در خصوص اسناد دولتی دفتر اسناد از سال ۵۶ و بر اساس مصوبه هیأت وزیران مکلف به پیروی از دستورالعمل تقسیم اسناد دولتی و بانکی شدند که در این خصوص نیز همیشه تخلف‌هایی صورت می‌گرفته مثلاً دفتری که ارتباطاتی داشته سقف تحریر تقسیم اسناد را رعایت نمی‌کرده و مشکلی هم برایش پیش نمی‌آمده. البته این را باید دانست که دفاتر از مراکز خصوصی هستند و همه هزینه‌ها با خودشان است و فقط از حیث مقررات تابع سازمان ثبت هستند. ولی همانگونه که گفته شد، حق‌التحریر تابع مبلغ سند است که آن را نیز قانون هر چهار سال یکبار تعیین می‌کند که اکنون هم چندین سال است که این قانون به درستی رعایت نشده و مطابق نرخ تورم حق‌التحریر تعیین نمی‌شود.»



که دفاتر فقط مأمور وصول آنها هستند اما به حساب سند و دفترخانه گذاشته می‌شود در حالی که نفعی برای دفاتر ندارد.»

به گفته وی الکترونیک شدن از حیث دقت بیشتر و سرعت و استفاده از امکانات جنبی تنظیم سند فوایدی دارد ولی عملاً دفاتر اسناد رسمی را به صفا اپراتور تبدیل کرده است. علاوه بر اینکه بطور مجانی بانک اطلاعاتی دولت را تکمیل می‌کنند و به این ترتیب به محلی برای وصول وجوه بیشتر تحت عناوین مختلف برای دولت شده‌اند بدون آنکه مردم از این موضوع با خبر باشند. مثلاً برای تنظیم یک سند رهنی دو سه میلیارد تومانی حدود ۵۰ میلیون تومان دریافت می‌شود که بیش از ۴۸ میلیون آن برای دستگاه‌های دولتی مثل ثبت و دارائی است! این حقوقدان در ادامه توضیح می‌دهد: «از سوی دیگر ثبت الکترونیک اسناد وابسته به چندین عامل مانند اینترنت، دستگاه پرداخت، اتصال به سازمان ثبت، اتصال به شبکه استعلام ملک و... است که قطع شدن هر یک از این عوامل، موجب عدم امکان تنظیم سند می‌شود، به عبارت دیگر همان مشکل همیشگی زیرساخت‌ها و تمامی این مسائل بر عهده دفاتر گذارده می‌شود و در نتیجه مشکل مردم در دفاتر بروز پیدا می‌کند. در حالی که دفاتر اسناد رسمی در این خصوص تقصیری ندارند! با وجود راهکارهای مختلفی که برای حل مشکلات داده شده مانند امکان تنظیم آفلاین سند و سپس انتقال اطلاعات یا واریز وجوه متعاقب تنظیم سند در صورت قطع شدن دستگاه دریافت وجه، کارشناسان ناوارد به امور دفاتر از همکاری در این خصوص و رفع مشکلات خودداری می‌کنند.»

این دفتردار ساکن تهران ادامه می‌دهد: «برخی از همکاران عدم رسیدگی به این مشکلات را ناشی از این مسئله می‌دانند که پیش از تشکیل ثبت و تنظیم رسمی اسناد، این امور در دست روحانیون بود و اینک آنان به دنبال از بین بردن این نهاد هستند، این موضوع نیز ریشه در عدم باور روحانیون به قانون و ضدیت با مشروطه دارد.»

این حقوقدان در پاسخ به این پرسش که آیا دولت بر روند فعالیت‌ها و تبادل اطلاعات در مراحل الکترونیک نظارت دارد، می‌گوید: «بله، در سازمان ثبت کلیه اطلاعات ثبت می‌شود.

● «الکترونیک شدن ثبت اسناد، دفاتر اسناد رسمی را در عمل به صفا اپراتور تبدیل کرده؛ علاوه بر اینکه بطور مجانی بانک اطلاعاتی دولت را تکمیل می‌کنند و به این ترتیب به محلی برای وصول وجوه بیشتر تحت عناوین مختلف نیز برای دولت تبدیل شده‌اند.»

● «برخی همکاران عدم رسیدگی به این مشکلات را ناشی از آن می‌دانند که پیش از تشکیل ثبت و تنظیم رسمی اسناد، این امور در دست روحانیون بود و اینک آنان به دنبال از بین بردن این نهاد هستند و ریشه در عدم باور روحانیون به قانون و ضدیت با مشروطه دارد.»

فیروزه نوردستروم - یک سردفتر با تأکید بر اینکه وکلای دادگستری و سردفتران در ایران روزگار خوبی ندارند قانون تسهیل کسب و کار و دفاتر اسناد رسمی را قانون بسیار نادرستی دانست و تأکید کرد: «تصویب این قانون، باعث شده است تا دو شغل وکالت و سردفتری که هر دو حافظ و نگهبان حقوق مردم هستند به «کسب و کار» تقلیل پیدا کنند و حتی زمره‌هایی شنیده شده که قرار است دفاتر اسناد رسمی را زیر نظر وزارت اقتصاد قرار دهند.»

این دفتردار ساکن شهر تهران در ادامه گفتگوی خود با کیهان لندن اضافه می‌کند: «برخلاف سال‌های گذشته که بسیاری از گزینش‌ها در این دو پست با سختگیری مواجه بود دو سالی می‌شود که مقامات دولتی شعارهایی سر می‌دهند که این دو صنف، انحصارطلبی می‌کنند؛ در حالی که این ادعا کاملاً نادرست است، با توجه به اینکه کیفیت علمی در دانشگاه‌های سراسر کشور کاهش پیدا کرده و در نتیجه بر سطح سواد فارغ‌التحصیلان هم اثر گذاشته بنابراین اگر این دو شغل در اختیار افراد ناوارد و گاه غیرصالح قرار بگیرد معلوم نیست چه وضعیتی در این صنف ایجاد خواهد شد.»

در دوران اپیدمی کرونا فعالیت بیشتر دفاتر اسناد رسمی در ایران به شکل الکترونیک ادامه پیدا کرد. در همین ارتباط دفتردار ساکن تهران با اشاره به بررسی اخبار و نظرات موافق و مخالف درباره تنظیم و ثبت سند در دفاتر اسناد رسمی به شکل الکترونیک می‌گوید: «تنظیم یک سند وابسته به وجود عوامل و زیرساخت‌های مختلفی است، از سوی دیگر زیرساخت‌ها و وضعیت اینترنت در ایران مناسب نیست، بنابراین تنظیم سند در ایران بسیار مشکل شده، اغلب از دو سه روز تا یک هفته سامانه‌ها قطع هستند و ادارات دولتی با برون‌سپاری که انجام داده‌اند این مسئولیت‌ها را به گردن دفاتر یا وکلا می‌اندازند، بدون اینکه دولت و قوه قضائیه پاسخگو باشد این تغییرات، اول، موجب سقوط جایگاه دفاتر اسناد رسمی و وکلای در بین مردم شده؛ دوم، موجب گسترش فساد و افزایش ناکارآمدی هم شده است. همچنین این روند عملاً موجب کسری شدید درآمد دفاتر و بیکار شدن کارمندان شده که پیامدهایی نظیر استعفا یا تقاضای بازنشستگی پیش از موعد سردفتران را در پی داشته است.»

این حقوقدان، کاهش اعتبار اسناد رسمی و رو آوردن مردم به اسناد عادی و در نتیجه افزایش اختلافات بین مردم و همچنین تلبار شدن پرونده‌ها در دادگاه‌ها را از دیگر پیامدهای الکترونیک شدن مراحل تنظیم و ثبت سند در دفاتر اسناد رسمی کشور عنوان می‌کند و می‌گوید: «در حال حاضر دولت وجوه زیادی را بابت تنظیم سند در دفاتر دریافت می‌کند

نشست مشترک سازمان اوقاف و اطلاعات سپاه (ساس) در مورد ضرورت مقابله با تهدیدات علیه «بقاع متبرکه»



نشست فرماندهان سپاه در هتل ارم (وابسته به سازمان اوقاف)

«پاکسازی» مدیران و کارکنان اوقاف که روحیه جهادی ندارند تأکید کرد و نسبت به هدف قرار گرفته شدن اماکن متبرکه با پهلاد یا از طریق «بیوتوریزم» هشدار داد و تأکید کرد که برای افزایش ضریب امنیتی باید در این اماکن پایگاه‌های بسیج دایر کرد.

وی در پایان نیز به حمله حماس به اسرائیل اشاره کرد و گفت از نظر اطلاعاتی، حفاظتی و نظامی ضربه‌ای که به اسرائیل وارد شده، ترمیم‌پذیر نیست. وی ادعا کرد نزدیک به ۴۰۰ نفر از نظامی‌های اسرائیلی در این حمله کشته شدند. حسن کریمی مدیرکل اداره اوقاف تهران با هشدار نسبت به اینکه «دشمن تلاش می‌کند در بقاع متبرکه اقدام به ایجاد ناامنی کند» گفت: «همه نهادهای امنیتی در تلاش هستند تا فضای امن را در بقاع متبرکه به وجود آورند اما به دلیل بعضی غفلت‌ها رخنه‌هایی به وجود آمده و بعضاً امنیت این مکان‌ها به خطر افتاده است.»

در سال‌های اخیر موارد به آتش‌کشیده شدن مراکز دینی و مذهبی و چند امامزاده یا حوزه‌های علمیه تشدید شده است. همچنین ضعف‌های امنیتی سبب شده که در دو مورد مشکوک طی یک سال دو بار به مقبره «شاهچراغ» در شیراز حمله مسلحانه شود. برخی تحلیلگران معتقدند عوامل حکومتی در این نوع تهدیدات دخالت دارند.

البته موضوع لزوم دفاع از اموال و دارایی‌های اداره اوقاف و اماکن متبرکه در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی تا زگی ندارد. پس از تظاهرات سراسری آبان ۹۸ در همین ارتباط «یگان حفاظت آستان قدس» تشکیل شد. ابراهیم رئیسی که آن زمان دادستان کل دادگاه ویژه روحانیت بود گفته بود «دلیل تشکیل این مجموعه، پیگیری قانونمند فعالیت‌هایی است که صبغه انتظامی دارند و یکی از مأموریت‌های ما حفظ اماکن متبرکه از هرگونه آسیب است زیرا همیشه این اماکن مورد طمع افراد شرور و شیاد قرار دارد.»

«دوقطبی‌سازی» در جامعه هستند و برای فتنه خود که در سال ۱۴۰۱ و در قالب جنگ ترکیبی ایجاد کردند، همه توان خود را به کار گرفتند.

وی در ادامه افزود، «دشمن نمی‌تواند به براندازی نظام فکر کنند و برای سال جاری به بی‌ثبات‌سازی با هدف تضعیف نظام و شکستن اقتدار نظام فکر می‌کنند.»

این مقام اطلاعاتی با بیان اینکه «بقاع متبرکه و اوقاف یکی از سنگرهای مقابله با دشمنان است» به «مسائل امنیتی»



پاسدار سیاری معاون رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران

بقاع متبرکه اشاره کرد و گفت «به تهاجمی عمل کردن و روحیه جهادی نیاز ضروری داریم.»
سیاری در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت

● شماری از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در سالن همایش «هتل ارم» تهران جلسه برگزار کردند. محور سخنان پاسدار سیاری معاون سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در این نشست لزوم «پاکسازی» مدیران و کارکنان فاقد روحیه جهادی، به کار گرفتن ظرفیت «بقاع متبرکه» برای اقدامات تهاجمی و همچنین اهمیت دفاع از این اماکن در برابر پهلادها بود.

● وی در بخشی از سخنان خود گفت «دشمنان نمی‌توانند به براندازی نظام فکر کنند و برای سال جاری به بی‌ثبات‌سازی با هدف تضعیف نظام و شکستن اقتدار نظام فکر می‌کنند.»

● این مقام اطلاعاتی با بیان اینکه «بقاع متبرکه و اوقاف یکی از سنگرهای مقابله با دشمنان است» به «مسائل امنیتی» بقاع متبرکه اشاره کرد و گفت «به تهاجمی عمل کردن و روحیه جهادی نیاز ضروری داریم.»

● حسن کریمی مدیر کل اداره اوقاف تهران با هشدار نسبت به اینکه «دشمن تلاش می‌کند در بقاع متبرکه اقدام به ایجاد ناامنی کند» گفت: «همه نهادهای امنیتی در تلاش هستند تا فضای امن را در بقاع متبرکه به وجود آورند اما به دلیل بعضی غفلت‌ها رخنه‌هایی به وجود آمده و بعضاً امنیت این مکان‌ها به خطر افتاده است.»

شماری از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز سه‌شنبه ۲۵ مهرماه در سالن همایش «هتل ارم» تهران وابسته به سازمان اوقاف جلسه برگزار کردند.

محور سخنان در این نشست لزوم «پاکسازی» مدیران و کارکنان فاقد روحیه جهادی، به کار گرفتن ظرفیت «بقاع متبرکه» برای اقدامات تهاجمی و همچنین اهمیت دفاع از این اماکن در برابر تهدیدات پهلادها بود.

سخنران اصلی این مراسم سردار پاسدار مهدی سیاری معاون رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) بود و یحیی رحیم صفوی مشاور نظامی علی خامنه‌ای و احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی، حسین اشتری فرمانده سابق نیروی انتظامی و علی‌اکبر صالحی وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی نیز مهمان ویژه آن بودند.

یکی از مسائلی که سیاری به آن پرداخت «کارکرد وقف در امنیت، فرهنگ و اقتصاد» بود و با اشاره به تهدیدات چندوجهی که نظام با آن روبروست ضرورت «ایجاد پایگاه‌های بسیج در اماکن متبرکه» را توجیه کرد.

وی با اشاره به خیزش ضدحکومتی مردم در سال ۱۴۰۱ توضیح داد که پس از روی کار آمدن بایدن، در کنگره آمریکا موضوع «براندازی جمهوری اسلامی» به صورت جدی مطرح شد اما نمایندگان آمریکا به «امکان نداشتن این مسئله» اعتراف کردند.

سیاری سپس گفت، «ستاد نفوذ یعنی سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی فتنه ۱۴۰۱ را طراحی کردند، به زعم آنها نظام جمهوری اسلامی دارای سه ساحت مردم‌سالاری، دین‌داری و کارآمدی است، آنها می‌دانستند که ساحت پرقدرد جمهوری اسلامی دین‌مداری است و فتنه خود را بر روی این مسئله استوار کردند.»

معاون سازمان اطلاعات سپاه (ساس) همچنین هشدار داد دشمنان روی «حجاب» تمرکز کردند و به دنبال

کارزار «یهودی ستیزی» حامیان گروه‌های تروریستی فلسطینی در آلمان به سبک نازی‌ها؛ رژیم ایران استقبال می‌کند!

توصیه شده روی نشان دادن اینکه یهودی هستند اصرار نکنند. از جمله از پوشیدن کلاه سنتی کپیا خودداری کنند. هرچند دولت آلمان رسماً برگزاری تظاهرات در حمایت از گروه تروریستی حماس را ممنوع کرده اما حامیان حماس در سطح شهر دست به اقدامات تحریک‌آمیز می‌زنند. حامیانی که در میان آنها از هر کشوری به ویژه از ترکیه و دیگر کشورهای خاورمیانه دیده می‌شود و طرفداران جمهوری اسلامی نیز در آنها نقش فعال دارند.

اینهمه در حالیست که رسانه‌ها و مقامات حکومتی در ایران از به راه افتادن کارزار یهودی‌ستیزی در کشورهای اروپایی استقبال می‌کنند. از مقامات سیاسی گرفته تا مراجع تقلید شیعه مدام در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود از مسلمانان سراسر دنیا خواسته‌اند در حمایت از حماس دست به کار شوند.

در برخی دیگر از شهرهای آلمان نیز وضعیت عادی نیست. به گزارش «دیلی میل» اشتفان کرامر رئیس اطلاعات داخلی در ایالت «تورینگن» هشدار داد که احتمال دارد طرفداران افراطی حماس «حملات قابل توجهی را علیه نهادها و شهروندان یهودی و اسرائیل انجام دهند».

جامعه یهودیان مونیخ در خبرنامه خود نکته‌های امنیتی را برای اعضای این جامعه در نتیجه‌ی تشدید درگیری‌ها در منطقه خاورمیانه منتشر کرده و از آنها خواسته تا نمادها و نشانه‌های مذهبی را به نمایش و در دسترس نگذارند.

موج یهودی‌ستیزی به سایر شهرهای اروپا نیز کشیده شده است. در مادرید روی دیوار یک کنیسه «ستاره داود» را خط زدند و نوشته‌اند: «فلسطین آزاد!»

در فرانسه به عنوان خانه بزرگترین جامعه یهودی اروپا ۵۰ نفر به دلیل اقدانات یهودی‌ستیزانه بازداشت شدند. ژرالد دارونین وزیر کشور فرانسه در یک برنامه تلویزیونی گفت: «موارد زیادی از افرادی در مقابل کنیسه‌ها گزارش شده که یهودیان را تهدید می‌کنند.» وی افزود: «ما پهبادهای دارای دوربین را شناسایی کرده‌ایم که وارد محوطه بازی مدرسه‌ها شده‌اند.»

در این میان، اگرچه برای جمهوری اسلامی به راه افتادن موج یهودی‌ستیزی یک فرصت بی‌نظیر به شمار می‌رود و مقامات رژیم سال‌هاست تلاش می‌کنند «امت اسلامی» را حول نابودی اسرائیل متحد کنند، اما همزمان اسرائیل هرگز با چنین حمایت فراگیری در افکار عمومی کشورهای پیشرفته جهان روبرو نبوده است. از ژاپن و آمریکا تا اروپا، سیاستمداران مواضع آشکار خود را علیه جنایات گروه‌های تروریستی فلسطینی اعلام کرده و تجمعات و تظاهرات همبستگی با مردم اسرائیل برگزار می‌شود که در بسیاری از آنها ایرانیان با پرچم شیروخورشید نقشی پررنگ دارند.

تعدادی از سیاستمداران در آلمان و سایر کشورهای اروپایی درخواست محدود کردن پناهندگان فلسطینی و اعراب را مطرح کرده و برخی دیگر حتی خواستار اخراج آنها شده‌اند. روزنامه آلمانی «بیلد» در گزارشی نتایج یک نظرسنجی را اعلام کرده است که بر اساس آن، بیش از ۷۰ درصد از مردم این کشور معتقدند اسرائیل حق دارد از خود در برابر گروه تروریستی حماس دست به اقدام نظامی بزند و تنها ۱۱ درصد مخالف آن هستند. روزنامه «بیلد» چنین نظری را در ارتباط با حق دفاع نظامی از موجودیت خود توسط اسرائیل، نتیجه‌ای «کوبنده» خوانده است.



«اشتولپرشتاین» (Stolperstein) قطعات موزاییک برنجی هستند که روی آنها اسامی یهودیان ساکن همان خیابان‌ها که خانه و اموال‌شان مصادره و خودشان به اردوگاه‌های مرگ اعزام و کشته شده‌اند، حک شده است

پلیس آلمان تدابیر امنیتی را به ویژه در مناطقی که ساکنان عرب و مسلمان در آنها بیشتر هستند، افزایش داده است. در میادین و چهارراه‌های پر رفت و آمد نیروهای انتظامی مستقر شده‌اند. گشت‌های پلیس در بعضی مناطق که پاتوق جوانان عرب و ترک است بیشتر شده و محافظت از اماکن و مراکز مرتبط با یهودیان تقویت شده است.

رُن پروسور سفیر اسرائیل در آلمان نسبت به احتمال «ظهور نوعی غزه در خاک آلمان» هشدار داده است. وی در مصاحبه با شبکه ZDF گروه‌های فلسطینی فعال در آلمان از جمله «صامدون» را متهم به سوء استفاده از دموکراسی کرد و از دولت آلمان خواست با تحرکات ضدیهودی از جمله دیوارنویسی‌های یهودی‌ستیز مقابله کنند. پروسور تأکید کرد «بسیاری از شهروندان یهودی در آلمان از اینکه خانه‌هایشان را ترک کرده و به خیابان بروند بیم دارند».

اذیت و آزار یهودیان بی‌درنگ یادآور جنایاتی است که به ویژه از نیمه دهه ۱۹۳۰ میلادی به صورت سازمانیافته در آلمان توسط حزب «ناسیونال سوسیالیست» و هواداران آن با همین علامت‌گذاری‌ها و تهدیدات مشابه آغاز شد و به اردوگاه‌های مرگ و جنگ جهانی دوم و در پایان به سقوط رژیم هیتلری انجامید البته پس از آنکه میلیون‌ها تن قربانی نازیسم و فاشیسم شدند.

در این میان، شماری از مقامات آلمانی خواستار تعطیل مراکزی شده‌اند که سال‌هاست سرویس‌های اطلاعاتی آلمان در مورد فعالیت‌های ضدامنیتی آنها هشدار می‌دهند. رئیس کمیته کنترل دستگاه‌های اطلاعاتی پارلمان آلمان خواستار تعطیلی مرکز اسلامی هامبورگ شده است. این مرکز سال‌هاست تحت نفوذ جمهوری اسلامی قرار دارد.

بعضی دستگاه‌های دولتی و ادارات در برلین برای نشان دادن حمایت خود از یهودیان پرچم‌های اسرائیل را برافراشته‌اند اما همزمان برخی تحلیلگران نسبت به تشدید انگیزه‌های یهودی‌ستیزانه در بعضی مناطق پایتخت آلمان از جمله «نوی‌کلن» هشدار داده‌اند. به یهودیان ساکن این مناطق یا آنهایی که محل کارشان نزدیک این منطقه است

● اگرچه برای جمهوری اسلامی به راه افتادن موج یهودی‌ستیزی یک فرصت بی‌نظیر به شمار می‌رود و مقامات رژیم سال‌هاست تلاش می‌کنند «امت اسلامی» را حول نابودی اسرائیل متحد کنند، اما همزمان اسرائیل هرگز با چنین حمایت فراگیری در افکار عمومی کشورهای پیشرفته جهان روبرو نبوده است.

● پلیس آلمان تدابیر امنیتی را در برلین به ویژه در مناطقی که ساکنان عرب و مسلمان در آنها بیشتر هستند، افزایش داده است. در میادین و چهارراه‌های پر رفت و آمد نیروهای انتظامی مستقر شده‌اند. گشت‌های پلیس در بعضی مناطق که پاتوق جوانان عرب و ترک است بیشتر شده و محافظت از اماکن و مراکز مرتبط با یهودیان تقویت شده است.

● در برخی دیگر از شهرهای آلمان نیز وضعیت عادی نیست. به گزارش «دیلی میل» اشتفان کرامر رئیس اطلاعات داخلی در ایالت «تورینگن» هشدار داد که احتمال دارد طرفداران افراطی حماس «حملات قابل توجهی را علیه نهادها و شهروندان یهودی و اسرائیل انجام دهند».

● روزنامه آلمانی «بیلد» در گزارشی نتایج یک نظرسنجی را اعلام کرده است که بر اساس آن، بیش از ۷۰ درصد از مردم این کشور معتقدند اسرائیل حق دارد از خود در برابر گروه تروریستی حماس دست به اقدام نظامی بزند و تنها ۱۱ درصد مخالف آن هستند. روزنامه «بیلد» چنین نظری را در ارتباط با حق دفاع نظامی از موجودیت خود توسط اسرائیل، نتیجه‌ای «کوبنده» خوانده است.

پس از حمله مرگبار حماس به اسرائیل ده‌ها نفر از فلسطینی‌های ساکن کشورهای اروپایی این جنایت فجیع را جشن گرفتند. سپس آنها پس از عملیات نظامی اسرائیل در دفاع از خود علیه تروریست‌ها در چندین شهر اروپایی از جمله لندن، پاریس، برلین، استکهلم دست به اعتراض زدند و با پلیس درگیر شدند.

در برلین پایتخت آلمان فدرال و قلعه‌ی تاریخی رژیم هیتلری اما اوضاع کمی متفاوت است. طرفداران گروه تروریستی حماس مانند سال‌های دور که در خاطرات آلمانی‌ها چون صفحات سیاه حک شده است، کارزار ضدیهودی به راه انداخته‌اند. در چند محله بر دَره‌های ورودی خانه‌های یهودی‌ها، عین دوران نازی‌ها، با «ستاره داود» علامت‌گذاری شده است. چند شهروند یهودی نیز به پلیس گزارش دادند که پیام‌های تهدیدآمیز دریافت کرده‌اند. در شرایطی که هفتاد و هشت سال پس از پایان جنگ دوم جهانی، مردم و دولت آلمان خود را موظف می‌دانند نسبت به نسل‌کشی یهودیان در آلمان نازی حساس باشند، باور اینکه دوباره موجی از تهدید علیه شهروندان یهودی به راه افتاده بسیار سخت است.

در کوچه و خیابان‌های شهر برلین در مقابل بسیاری از خانه‌ها بر پیاده‌روها سنگ‌گرفش‌های برنجی یا «اشتولپرشتاین» یادمان دورانی است که یهودیان قربانی سیاست‌های نژادپرستانه رژیم هیتلری شدند. خانه‌هایی که متعلق به یهودیان آلمانی بود اما با بی‌رحمی مصادره شده و ساکنان آنها، از زن و مرد و پیر و جوان و کودک، به اردوگاه‌های مرگ اعزام شدند. مشابه همان جنایاتی که گروه تروریستی حماس علیه مردم اسرائیل مرتکب شده است.

قتل داریوش مهرجویی و همسرش با چاقو ارائه جزییات از سوی رئیس دادگستری البرز



داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی فر در صحنه‌ای از مستند «الماس در گام لامینور» ساخته‌ی حسن صلحجو که قرار بود به مناسبت ۸۵ سالگی مهرجویی در ۱۷ آذرماه ۱۴۰۲ به نمایش درآید

به نام «الماس ۳۳» را که فیلمی بسیار پرهزینه بود ساخت. او در سال ۱۳۴۸ با همکاری غلامحسین ساعدی فیلمنامه «گاو» را از روی یکی از داستان‌های کوتاه مجموعه «عزاداران بیل» ساعدی نوشت و ساخت. این فیلمساز پس از انقلاب ۵۷ در ایران به فرانسه مهاجرت کرد اما بعد از مدتی به کشور بازگشت و به فعالیت هنری خود ادامه داد. داریوش مهرجویی عضو پیوسته‌ی فرهنگستان هنر بود و در سال ۱۳۹۳ جایزه شوالیه ادب و هنر فرانسه از سوی سفیر فرانسه به او اهدا شد.

تشیع پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر؛ تا کنون ۱۰ مظنون در پرونده قتل این زوج دستگیر شدند

● مونا دختر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر بدون حجاب اجباری در مراسم تشییع آنها در مقابل تالار رودکی تهران حضور یافت و در بخشی از سخنان خود گفت: قاتلان به قول پدرم در میان ما هستند. ● سخنان مرضیه برومند در این مراسم که خطاب به مقامات حکومتی گفت «با ما خوب باشید، ما با اسرائیل و رژیم صهیونیستی هم می‌جنگیم» با «هو» و شعار «نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران» از سوی حضار روبرو شد. ● بر اساس آخرین اخبار منتشر شده، با دستگیری دو مظنون در نقطه صفرمرزی، تعداد مظنونان دستگیر شده در پرونده قتل داریوش مهرجویی به ۱۰ نفر رسیده است.

پیکر داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی فر امروز در تهران تشییع و در قطعه هنرمندان «بهشت زهرا» به خاک سپرده شد. با دستگیری دو مظنون در نقطه صفرمرزی، تعداد مظنونان دستگیر شده در پرونده قتل داریوش مهرجویی به ۱۰ نفر رسیده است.

حادثه توسط نیروهای پلیس در دست بررسی است. همچنین شواهدی از احتمال سرقت وجود دارد اما در مورد اینکه اتباع غیرایرانی در این جنایت نقش داشته‌اند هنوز شواهدی در دست نیست. به گزارش روزنامه «اعتماد» وحیده محمدی فر هفته گذشته، پانزدهم مهرماه، در صفحه اینستاگرام خود از تهدید شخصی ناشناس و همچنین سرقت وسایل‌شان خبر داده بود. شماری از کاربران تاریخ این پست همسر داریوش مهرجویی را مربوط به سال گذشته می‌دانند.

هر چند صفحه اینستاگرام وحیده محمدی فر خصوصی است و در اسکرین‌شات منتشر شده درباره تهدید به قتل با چاقو، تاریخ مشخص نیست، اما همسر داریوش مهرجویی پانزدهم مهرماه امسال در گفتگو با روزنامه «اعتماد» تأیید کرده بود که یک فرد ناشناس با چاقو پشت شیشه خانه آنها ظاهر شده، آنها را تهدید کرده و بعد گریخته است. او همچنین گفت: «البته مدتی پیش هم یکسری وسایل از جمله سنتور مربوط به فیلم سنتوری را از خانه ما سرقت کردند که در حال حاضر وکیل همسرم پیگیری کارهای قانونی این موضوع است.»

داریوش مهرجویی متولد سال ۱۳۱۸ و از کارگردان‌های موج نوی سینمای ایران است که فیلم‌های مطرحی همچون هامون، دایره مینا، گاو، اجاره‌نشین‌ها، سارا، پری، لیلا، مهمان مامان و سنتوری را ساخته است.

او در هفده سالگی به سینما علاقه‌مند شد و همین علاقه سبب شد او زبان انگلیسی بیاموزد. مهرجویی تحصیلات دبیرستان را در تهران تمام کرد و یک سال در هتل آتلانتیک مدیر شد. در سن بیست سالگی برای ادامه تحصیل به کالیفرنیا رفت. او در ابتدا به خواندن سینما روی آورد اما کمی بعد به فلسفه تغییر رشته داد و در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه یوسی‌ال‌ای کارشناسی فلسفه گرفت.

داریوش مهرجویی پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاهف سردبیری نشریه پارس ریویو در لس آنجلس را به عهده گرفت و سال بعد به تهران آمد و در سال ۱۳۴۶ نخستین فیلم خود

● قتل داریوش مهرجویی و همسرش در شهرک زیبادشت منطقه فرخ آباد در شهرستان فردیس در حوالی ساعت ۲۰:۳۰ دقیقه الی ۲۲ شب روی داده است.

● وحیده محمدی فر هفته گذشته، پانزدهم مهرماه، در صفحه اینستاگرام خود از تهدید شخصی ناشناس و همچنین سرقت وسایل‌شان خبر داده بود.

● رئیس کل دادگستری استان البرز: دختر مرحوم مهرجویی حدود ۲۲:۲۵ به منزل پدرش می‌رسد و زنگ منزل را می‌زند و با توجه به اینکه کسی جواب نمی‌دهد با کلید در را باز و وارد منزل شده و متوجه قتل می‌شود.

داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان به همراه همسرش وحیده محمدی فر شب گذشته در ویلای شخصی‌شان در زیبادشت فردیس با ضربات چاقو به قتل رسیدند. هنوز انگیزه قاتل یا قاتلان از این جنایت مشخص نیست.

داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی شب گذشته به همراه همسرش وحیده محمدی فر با حمله فرد یا افراد ناشناس با ویلای شخصی‌شان در زیبادشت مشکین‌آباد فردیس کرج به قتل رسیدند. علت جانباختن آنها برخورد ضربه چاقو به گردن و اعضای بدن عنوان شده است.

حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز صبح امروز یکشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۲ به خبرنگاری «مهر» گفته که «روز گذشته قتل داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان به همراه همسرش خانم وحیده محمدی فر در ویلای شخصی واقع در زیبادشت فردیس رخ داده است.»

حسین فاضلی هریکندی افزوده که «طبق اظهارات مونا مهرجویی، پدرش حدود ساعت ۲۰:۵۰ روز شنبه مورخ ۲۲ مهرماه به وی که در جهانشهر کرج بوده پیام می‌دهد که برای شام به منزل بیاید. دختر مرحوم مهرجویی حدود ۲۲:۲۵ به منزل پدرش می‌رسد و ابتدا زنگ منزل را می‌زند و با توجه به اینکه کسی جواب نمی‌دهد با کلید در را باز و وارد منزل می‌شود و مشاهده می‌کند که پدر و مادرش با ضربات چاقو یا جسم برنده دیگر به نواحی گردن به قتل رسیده‌اند.»

رئیس کل دادگستری استان البرز در ادامه گفته که «با توجه به تماس دختر مقتولین با پلیس، موضوع به اطلاع بازپرس ویژه قتل می‌رسد. با صدور دستور قضائی، بلافاصله دادستان فردیس به همراه بازپرس ویژه قتل و تیم ویژه بررسی صحنه جرم در محل قتل حاضر شدند.»

فاضلی هریکندی افزوده که به بازپرس ویژه قتل دادرسی عمومی و انقلاب فردیس، دستورات قضائی لازم جهت بررسی موضوع و شناسایی و بازداشت متهمان به پلیس آگاهی استان البرز صادر شده است.

محسن امیریوسفی رئیس کانون کارگردانان خانه سینما که از ساعت ۲:۳۰ بامداد یکشنبه ۲۲ مهرماه به همراه وحید موساییان و دانش اقباشاوی از اعضای شورای مرکزی کانون در محل حادثه حضور یافته بود نیز به خبرنگاری «ایستا» گفته که «ترجیح می‌دهم جزییات این جنایت توسط نیروی انتظامی و دادستانی اعلام شود اما اطلاعاتی که در اینجا کسب کردیم، حاکی از آن است که دختر آقای مهرجویی ساعت ۱۰ شب به منزل برگشته و متوجه این فاجعه شده است.»

رئیس کانون کارگردانان خانه سینما شب گذشته افزوده بود که پیکر مقتولان به پزشکی قانونی منتقل شده و محل

گفته بود به خاطر اینکه آن خانه دیگر امنیت ندارد، قصد دارند هفته بعد آن را ترک کنند.

این وکیل دادگستری با طرح احتمال آشنا بودن قاتل افزوده که «مرحوم محمدی فر هفته قبل اسناد و مدارک داخل گاوصندوق را به خانه یکی از بستگانش برده بود. به همین خاطر گاوصندوق خالی بود و از آنجا سرقت نکرده بود. به

بر اساس آخرین اخبار منتشر شده، با دستگیری دو مظنون در نقطه صفرمرزی، تعداد مظنونان دستگیر شده در پرونده قتل داریوش مهرجویی به ۱۰ نفر رسیده است.

حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز امروز چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲ درباره آخرین روند تحقیقات پرونده قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر گفت که

پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر امروز چهارشنبه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲ در مراسمی با حضور گسترده هنرمندان و دیگر شهروندان تشییع شد. این مراسم ساعت ۱۰ بامداد از مقابل تالار رودکی آغاز و سپس پیکر این فیلمساز و همسرش در قطعه هنرمندان «بهشت زهرا» به خاک سپرده شد.

این مراسم با سخنان بهرام رادان بازیگر سینما آغاز شد. او که نقش اول فیلم «سنتوری» از ساخته‌های داریوش مهرجویی را بر عهده داشت، از حضار خواست به احترام ورود پیکر مهرجویی و همسرش برخاسته و سکوت کنند.

مونا دختر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر روز چهارشنبه ۲۶ مهرماه بدون حجاب اجباری در مراسم تشییع آنها در مقابل تالار رودکی تهران حضور یافت و در بخشی از سخنان خود گفت: «قاتلان به قول پدرم در میان ما هستند.» اشاره وی به ویدئوی کوتاهی است که به تازگی از داریوش مهرجویی و همسرش منتشر شده و وی در آن می‌گوید: «قاتلان میان مان؛ باید مواظب باشیم!»

مسعود کیمیایی نویسنده و کارگردان سینما، بهمن فرمان‌آرا نویسنده و کارگردان، فرهاد آبیض بازیگر تئاتر از دیگر سخنرانان این مراسم بودند.

علی مصفا بازیگر سینما نیز در این مراسم با حضور در جایگاه، پیام فریاد جواهریان همسر سابق داریوش مهرجویی و صفا مهرجویی پسر داریوش مهرجویی را که مقیم فرانسه است خواند.

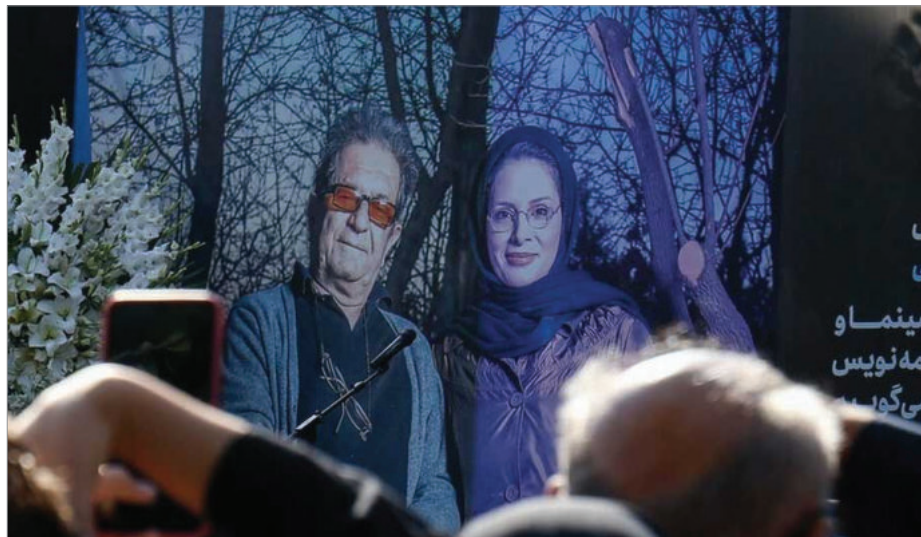
فریاد جواهریان طراح صحنه و همسر سابق داریوش مهرجویی در این پیام نوشته: «چطور می‌توانم از شفتگان داریوش تشکر کنم. چگونه چنین مرگ هولناکی برای داریوش و وحیده رقم خورد؟ دم به این خوش است که نسلی جدید فیلم‌هایت را کشف می‌کند و معنای خاص خود را از آن پیدا می‌کند. چند سال است مشغول نوشتن خاطراتی هستیم. خاطراتی که در آن خشم هم بود، ولی حالا دیگر خشمی وجود ندارد و چه حیف که در هفت ماه گذشته با داریوش قهر بودم، نمی‌شود اینطور بدون خداحافظی بروی. دم پیش موناست که یک‌شبه تنها شد. پیش صفا و مریم که چطور پدرشان را از دست دادند.»

در این مراسم همچنین مرضیه برومند کارگردان و صدایشی سینما و تلویزیون پشت تریبون رفت و طی سخنانی گفت: «ما همه ماندیم در این سرزمین چون مردم و خاک و این سرزمین را دوست داریم. با ما خوب باشید، ما با اسرائیل و رژیم صهیونیستی هم می‌جنگیم.»

این بخش از سخنان مرضیه برومند که تکرار تبلیغات جمهوری اسلامی بود با هو کشیدن حضاران و شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» از سوی مردم روبرو شد.

احمدرضا درویش، محمد مهدی عسگرپور، داریوش فرهنگ، رضا درمیشیان، مسعود کرامتی، محمد علی نجفی، علی مصفا، جعفر پناهی، محمد رسول اف، همایون ارشادی، حسن پورشیرازی، پارسا پیروزفر، غزل شاکری، دانش اقباشاوی، محسن امیریوسفی، مسعود کیمیایی، بهمن فرمان‌آرا، سیروس الوند، بهرام رادان، حبیب دهقان‌نسب، مانی حقیقی، مازیار میری، هانیه توسلی، محمدرضا دلپاک، ابوالحسن داودی، مرتضی شایسته، همایون اسعدیان، مسعود اطیابی از جمله هنرمندانی بودند که در این مراسم حضور داشتند.

داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ به همراه همسرش وحیده محمدی فر با حمله فرد یا افراد ناشناس به ویلای شخصی‌شان در زیبادشت فرخ آباد کرج به قتل رسیدند. علت جان باختن آنها برخورد ضربه چاقو به گردن و اعضای بدن عنوان شده است.



مراسم تشییع پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر / تالار رودکی / تهران / چهارشنبه ۲۶ مهر ۲۰۲۳

نظر می‌رسد قاتلان قربانیان را غافلگیر کرده و ابتدا با چوب به سر مهرجویی زده که کشنده نبوده و بعد با چاقو دو ضربه به گردنش زده و مرحوم محمدی فر را در اتاقش با چاقو کشته است.»

بر اساس خبرهایی که تا کنون منتشر شده، داریوش مهرجویی، همسرش و دخترش مدتی پیش به فرانسه سفر کرده بودند. آنها چند روز پیش از بازگشت به ایران از طریق نگاهیانی شهرک‌شان متوجه می‌شوند فردی که برای نگهداری از خانه‌شان در باغ حضور داشت، دفتر کار داریوش مهرجویی را بدون هماهنگی برای اقامت خواهرش در نظر گرفته و حتی وسایلی را نیز به این دفتر منتقل کرده است. با درخواست همسر داریوش مهرجویی از نگاهیانی شهرک، این فرد و خواهرش از خانه بیرون می‌شوند اما پس از بازگشت خانواده مهرجویی به ایران مشخص می‌شود دو سنتور به یادگار مانده از فیلم «سنتوری» نیز ناپدید شده است. این دو سنتور با حک نام و عکس بهرام رادان و داریوش مهرجویی روی آنها، ارزش بسیار بالایی داشتند.

برخی خبرگزاری‌های داخلی این فرد را از جمله مظنونان پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش معرفی کرده‌اند. بر اساس گزارش‌ها، موضوع سرقت دو سنتور از سوی وحیده محمدی فر با وکیل خانواده مطرح و فرد مظنون به سرقت شناسایی شده اما با توجه به اینکه آن فرد از آشنایان وحیده محمدی فر بوده، خانواده مهرجویی تصمیم گرفتند شکایتی مطرح نکنند و قرار بر این شد که در جلسه‌ای با حضور وکیل، سنتورها با کدخدانمندی از این فرد گرفته شود. این فرد اما بر سر قرار حاضر نشد و تماس‌های مکرر مهرجویی را هم بی‌پاسخ گذاشت و در نهایت تلفن‌اش را از دسترس خارج کرد. قتل تکانه‌دهنده داریوش مهرجویی و همسرش با واکنش‌های زیادی روبرو شده است. برخی معتقدند این قتل نشان از ناامنی در کشور دارد که حتی یک هنرمند مشهور نیز در زیر سایه تهدیدهای آشکار و عدم امنیت جان می‌بازد و برخی دیگر فرضیه قتل‌های سازمانیافته مانند قتل‌های زنجیره‌ای را مطرح می‌کنند.

«در رسیدگی به پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش تا کنون ۱۰ نفر بازداشت شده‌اند که تحقیقات از آنها از سوی بازپرس ویژه و پلیس آگاهی استان البرز در حال انجام است.» به گفته حسین فاضلی هریکندی «در پرونده‌های قتل که قاتل در صحنه جرم دستگیر نشده و ناشناس است، به منظور کشف جرم و شناسایی قاتل یا قاتلان فرضیه‌های مختلفی درخصوص علل و انگیزه‌های قتل مطرح و بررسی می‌شود و اشخاصی که به هر نحوی می‌توانند انگیزه قتل داشته باشند حسب مورد و مطابق مقررات با دستور مقام قضایی احضار یا بازداشت و از آنها تحقیق می‌شود.»

رئیس کل دادگستری استان البرز همچنین گفته که «در راستای اجرای دستور رئیس قوه قضاییه مبنی بر بهره‌گیری از کلیه امکانات جهت شناسایی سریع قاتل یا قاتلان مرحوم داریوش مهرجویی و همسرش خانم وحیده محمدی فر، کارگروه ویژه پیگیری این پرونده با مسئولیت رئیس کل دادگستری استان البرز و با عضویت فرمانده فراجا و رئیس پلیس آگاهی استان البرز، دادستان مرکز استان، معاون پیگیری پرونده‌های خاص دادگستری کل استان البرز، رئیس دادگستری و دادستان فردیس و بازپرس ویژه پرونده تشکیل شده است.» قتل داریوش مهرجویی و همسرش در حالی اتفاق افتاده که آنها پیشتر از مورد تهدید قرار گرفتن خود خبر داده بودند. وحیده محمدی فر هفته گذشته، پانزدهم مهرماه، با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرام خود از تهدید شخصی ناشناس و همچنین سرقت وسایل‌شان خبر داده بود.

همسر داریوش مهرجویی همزمان در گفتگو با روزنامه «اعتماد» تأیید کرده بود که یک فرد ناشناس با چاقو پشت شیشه خانه آنها ظاهر شده، آنها را تهدید کرده و بعد گریخته است. او همچنین گفته که «البته مدتی پیش هم یکسری وسایل از جمله سنتور مربوط به فیلم سنتوری را از خانه ما سرقت کردند که در حال حاضر وکیل همسرم پیگیری کارهای قانونی این موضوع است.»

فرهنگ سروری وکیل داریوش مهرجویی گفته که داریوش مهرجویی روز جمعه و دو شب پیش از وقوع قتل به وکیلش

پاری ماچ: برای بسیاری از کارشناسان اطلاعاتی، رژیم ایران پشت حمله مرگبار هفتم اکتبر به اسرائیل قرار دارد



تانک‌های ارتش اسرائیل در مرز لبنان

و مشاور چندین دولت غربی نیز گفته: «یک ضد حمله از سوی ایران قابل پیش‌بینی است. اسرائیل در غزه متوقف نخواهد شد و رژیم ایران و فرماندهی سپاه پاسداران را وادار خواهد کرد که به خاطر تحریک به قتل حداقل ۱۴۰۰ اسرائیلی تاوان بدهد.»

به گفته‌ی این کارشناس، «ایران به دو طریق واکنش نشان خواهد داد: حمله متعارف با موشک یا پهپاد علیه اهدافی در داخل اسرائیل و یا علیه تأسیسات نفتی در خلیج فارس. همچنین آنها به کشتی‌های در تنگه هرمز حمله خواهند کرد.» از سوی دیگر، فردریک انسل کارشناس جغرافیای سیاسی-منطقه‌ای خاورمیانه و نویسنده کتاب «راه‌های قدرت» (اودیل ژاکوب، ۲۰۲۲) تحلیل می‌کند: «حزب‌الله به سطح بالایی از تعصب معروف است اما نه به سفاقت!»

وی می‌افزاید «حمایت بی قید و شرط واشنگتن از اسرائیل، آن را در انتظار نگه می‌دارد. آمریکا می‌داند که تل آویو می‌تواند جبهه دوم را نگه دارد؛ این جانور وحشی زخمی است، اما توانایی ضربه زدن را دارد و در اینصورت هیچ خویشتنداری نشان نخواهد داد.»

امیر حمیدی کارشناس ایرانی-آمریکایی و مامور سابق سازمان مبارزه با مواد مخدر ایالات متحده که اکنون با سمت مشاور یکی از بهترین کارشناسان روش‌های عملیاتی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود، معتقد است: «۹۹ درصد شواهد نشان می‌دهد حمله خونین حماس به دستور تهران بوده است.»

این سرهنگ سابق که در سرویس‌های اطلاعاتی ارتش اسرائیل خدمت می‌کرده، افزوده: «حزب‌الله عنصر

امام خمینی: امیدوارم یک دولت بزرگ اسلامی به همه دنیا غلبه کند

امام خمینی روز گذشته در دیدار هفتگی که از کویت به تهران آمده است، اظهار امیدواری کرد، همه ملت‌های اسلام که بواسطه تشبیهات سوء اجانب متفرق شده‌اند همه باهم شوند و یک دولت بزرگ اسلامی، تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه کند.

وین از ملت خودم و از همه ملتهای مسلم می‌خواهم که اکتال به خدا بکنند، در همه کارها اکتال به خدا بکنند، فخرت‌ها در مقابل خدا هیچ است. قوه‌ها در مقابل قوه الهی نابود است. اگر اکتال به خدا بکنید غلبه بر هر چیز می‌کنید. پیغمبر اسلام با آن که یک نفر بود در مقابل همه دشمنان، با اکتال به خدا غلبه کرد. پسر همه و وقتی وارد مسکه شد، مکانی که او را آنقدر زجر داده بودند پیروز شد و با فتح و با نصر بود و دنیا را روشن کرد. نهضت رسول اکرم نهضت انسانی و الهی بود. دولت فدرتهای دیگری نبود که شیطان است و برای منافع شخصی و دولت داری است و به خاطر اینها قیام و آدمکشی می‌کند. اینها اینطور نبودند. قدرت الهی دنبال او بود، تلمیحات الهی بود. گنه سنگنهائی گنه سبسه سنگرسی و بتجرسی و آتش‌پرستی و بدتر از اینها مثلا بودند اینها را موجد کرد و نور و پرچم توحید را بر همه مسالک اسلام سایه‌افکن کرد چون اکتال او به خدا بود. و جبرئیل امین پشت سرش بود شما هم اکتال به خدا کنید تا جبرئیل امین پشت شما راه باشد. فرشتگان با شما همراه باشند. من امیدوارم که همه ملتهای اسلام که بواسطه تشبیهات سوء اجانب متفرق شده‌اند و در مقابل هم قرار گرفته‌اند بهار شوند و همه باهم شوند. یک دولت بزرگ اسلامی یک دولت زیر پرچم الهی تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه کند.

■ Kayhan; 26 February 1979

غافلگیری را از دست داده است. بنابراین، من فکر می‌کنم که موضع آن، مانند موضع جمهوری اسلامی ایران، عبارت است از تلاش برای کشاندن اسرائیل به چرخه واکنش‌هایی که منجر به یک جنگ عمومی می‌شود، چیزی که اسرائیل با آن مخالف است.»

اولیویه گویتا کارشناس فرانسوی-آمریکایی ضد تروریسم

● کارشناسان می‌گویند که می‌تواند ملامت عملیات خود را تشدید کرده و حتی احتمال حملات علیه فرانسه یا ایالات متحده را افزایش دهند. تهران دقیقا چقدر نفوذ دارد؟

● امیر حمیدی کارشناس ایرانی-آمریکایی و مامور سابق سازمان مبارزه با مواد مخدر ایالات متحده که اکنون با سمت مشاور یکی از بهترین کارشناسان روش‌های عملیاتی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود، معتقد است: «۹۹ درصد شواهد نشان می‌دهد حمله خونین حماس به دستور تهران بوده است.»

● یک منبع نزدیک به اطرافیان خامنه‌ای به پاری ماچ می‌گوید: «در فرانسه و ایالات متحده هسته‌های تروریستی وجود دارد و تعداد زیادی از مسلمانان با حضور فعال رژیم ایران در کشور شما، منتظر دستور تهران هستند که می‌خواهد غرب را برای نجات حماس تحت فشار قرار داده و هم عزم خود را در این درگیری نشان دهد و هم دیگر نیابتی‌هایش را امیدوار کند.»

روزنامه «پاری ماچ» در یک گزارش تحلیلی به وضعیت جنگ حماس با اسرائیل و نقش جمهوری اسلامی در آن پرداخته است. به نوشته‌ی این روزنامه، سیرت زیهوی رئیس مرکز تحلیل و آینده‌نگری آما واقع در نوار مرزی شمالی اسرائیل و لبنان و مسئول سنجش افکار و مشاهدات حرکات حزب‌الله می‌گوید: «به مدت ۱۰ روز، ما با حملات روزانه و همچنین تلاش‌های نفوذی مواجه بوده‌ایم.»

فرهنگ و هنر برای آزادی



هستند که از شروع جنبش آزادیخواهانه در کنار مردم ایستادند و همچنان در زندان اسیرند.

همچنین در روزهای نخست جنبش ملی ۴۰۱ شمار زیادی از چهره‌های فرهنگی و بازیگران تئاتر و سینما در اعتراض به سرکوب مردم معترض با ارسال پیام در رسانه‌های اجتماعی و با برداشتن حجاب اجباری از خیزش سراسری حمایت کردند. سرکوب و بازداشت این هنرمندان، واکنش برخی هنرمندان محافظه‌کار و عافیت‌طلب را نیز که سکوت کرده بودند برانگیخت.

حالا در نخستین سالگرد جنبش ملی ایرانیان، موج اخراج استادان دانشگاه نیز به مجموعه‌ی سرکوب‌ها اضافه شده و همزمان احضار و بازداشت هنرمندان، نویسندگان، دانشجویان و فعالان سیاسی و مدنی شدت گرفته است. مهدی یراحی خواننده پاپ از جمله بازداشت شدگان اخیر است که به «جرم» اجرای ترانه «روسریتو» بازداشت شده است. این روزها زنان و دختران بسیاری با ترانه‌ی وی، موها را پریشان کرده و می‌رقصند و ویدئوهای خود را در رسانه‌های اجتماعی پخش می‌کنند.

فشار بر هنرمندان و فرهنگیان و جامعه علمی و دانشگاهی ایران از سوی جمهوری اسلامی با این امید واهی صورت می‌گیرد که روز مهسا و سالگرد جنبش آزادیخواهانه ملی ایرانیان پشت سر گذاشته شود و همه چیز «آرام» گیرد! غافل از اینکه آنچه در متن و بطن جامعه‌ی ایران جریان دارد قصد ندارد تا رسیدن به هدف خود متوقف شود: برای ایران! برای آزادی!

دشوار است.»

پاری ماچ در ادامه می‌نویسد، در فرانسه، اخوان المسلمین ۱۹۰۱ انجمن حقوقی در هر یک از مناطق ما دارد. گزارش مرکز آما در نهم ژوئن ۲۰۲۱ به حضور حداقل دو مرکز مذهبی مرتبط با حزب الله در فرانسه هشدار داد که می‌تواند «به عنوان سکوی بالقوه برای فعالیت‌های تروریستی در خاک اروپا عمل کند»؛ تهدیدی که در حال حاضر سرویس‌های ضد تروریسم فرانسه بطور ویژه آن را جدی می‌گیرند.

هنر همواره یکی بهترین راه‌های انتقال فکر، اندیشه و فرهنگ در جامعه است.

در طول اعتراضات سراسری پس از قتل حکومتی مهسا امینی هنرمندان گمنام بسیاری اغلب در داخل کشور تصاویر کشته‌شدگان این اعتراضات، نمادها و آرمان‌های آنان را با طراحی پوستر، ساخت سرود، موسیقی و ویدئوکلیپ، نقاشی و آثار تجسمی به تصویر کشیدند و این اعتراضات را در هنر اعتراضی به اشکال مختلف زنده نگاه داشتند.

از موسیقی و آواز و سرود تا خونین کردن در و دیوار کلاس‌های درس و نقاشی و انیمیشن، این آثار مفاهیم اعتراضی را در کوتاه‌ترین شکل به مخاطب منتقل کرده‌اند. ترانه معروف «برای» یکی از تاثیرگذارترین آثار هنری این اعتراضات است که شروین حاجی‌پور آن را با الهام از توییت‌های شهروندان ایرانی تنظیم و اجرا کرد. این ترانه به سرعت در سراسر جهان نیز پخش شد و به زبان‌های مختلف و توسط گروه‌های متفاوت اجتماعی از دانش‌آموزان مدارس تا هنرمندان مشهور اجرا شد و در نهایت جایزه «گرمی» را در بهمن ۱۴۰۱ دریافت کرد.

بسیاری از هنرمندان و چهره‌های فرهنگی که انتخاب کردند در کنار ایران و مردم باشند در طول این اعتراضات بارها تحت فشار قرار گرفته و زندانی شدند. از جمله هنرمند «برای» که به «جرم» همین آهنگ هفتم مهرماه ۱۴۰۱ دستگیر و پس از پنج روز با قرار وثیقه آزاد شد. هنرمندانی چون توماج صالحی خواننده رپ اعتراضی و سامان یاسین (صیدی) رپر جوان کرمانشاهی دو هنرمندی

به عنوان شریک مطیع آمریکا، و همچنین نزدیک به اسرائیل و به عنوان سنگر دشمنی با اسلام تلقی می‌شود. بنابراین تمایل رژیم ایران برای ضربه زدن به آن بیشتر است. اما نباید اراده و ظرفیت را با هم اشتباه بگیریم. و من نمی‌دانم تهران می‌تواند به کدام شبکه‌های شیعه تکیه کند، جدا از سلول‌هایی که سی سال خاموش بوده‌اند. تعداد معینی از گروه‌ها، اعم از عرب یا ترک، نزدیک به سلفی‌ها وجود دارد و به همین دلیل فعال کردن آنها برای رژیم‌ایران شاید دشوار باشد. اما باید مراقب باشیم زیرا سنجش توانایی‌های آن

به گفته وی «جمهوری اسلامی در شرایطی که اکثریت مردم با آن مخالف‌اند و ورشکسته است، برای بقای خود از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و به دلیل ناخشنودی از نزدیک شدن اسرائیل به عربستان دست به هرگونه اقدامی می‌زند تا این روند را متوقف کند.»

در مسیر گسترش درگیری‌ها

به هر حال حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به اسرائیل، اگر از مسیر خارج نشده باشد، حداقل به تعویق افتاده است. این کارشناس معتقد است که ملاها شرایط را برای درگیری گسترده‌تر در خاور نزدیک و میانه آماده می‌کنند و «حزب‌الله با ابزاری بیشتر از آنچه تا این زمان استفاده می‌کرده به اسرائیل حمله خواهد کرد.»

امیر حمیدی یادآوری می‌کند: «حماس با گروگانگیری مانند گذشته، با رژه در خیابان‌ها، با اجرای اعدام در ملاء عام، رفتاری مانند داعش دارد. یک ایده مشترک بین این سازمان‌ها وجود دارد: پایبندی آنها به تئوری‌های سازمان اسلامی اخوان‌المسلمین.»

این سازمان اسلامی که در سال ۱۹۲۸ توسط یک معلم و متکلم مصری به نام حسن البنا (پدربزرگ تاروق رمضان) تأسیس شد، هدف نهایی‌اش ایجاد یک خلافت جهانی است. حماس در منشور خود که در سال ۱۹۸۸ نوشته شده است، ادعا می‌کند که بخشی از این جنبش است که تعدادی از مدیران القاعده و داعش را نیز تشکیل می‌دهد: «ما بال‌های اخوان‌المسلمین هستیم.»

اخوان‌المسلمین همچنین سنگ بنای ایدئولوژیک آیت‌الله خمینی در دهه ۱۹۵۰ میلادی است: سازمان مخفی «فدائیان اسلام» که خود را شاخه شیعه و ایرانی اخوان‌المسلمین معرفی می‌کرد. علی خامنه‌ای رهبر رژیم اسلامی، نواب صفوی از رهبران «فدائیان اسلام» را «الهام‌بخش انقلاب اسلامی» می‌داند.

آیا سازمان اخوان‌المسلمین، کلید ایدئولوژیک پیوندهای ملاهای شیعه و سازمان‌های تروریستی سنی است؟

یکی از ماموران سابق اطلاعاتی که در پرونده ایران کار کرده است، تأیید می‌کند: «مجموعه‌ای از افراد و سلول‌های اسلامی وجود دارد، حتی در فرانسه، که توسط تهران کنترل می‌شوند و در هر لحظه قابل فعال شدن هستند. این امر تا افرادی که به نظر می‌رسد هوادار نظریات القاعده هستند نیز گسترش می‌یابد، اما آنها نمی‌دانند که واقعیت اهداف آمران بالادست آن‌ها چیست. این تهدید باید با جدیت مورد توجه قرار گیرد؛ شماری از سرویس‌های اطلاعاتی غربی آن را دست کم گرفته‌اند.»

پاری ماچ می‌افزاید، یکشنبه گذشته، یک منبع بلندپایه ایرانی و نزدیک به اطرافیان علی خامنه‌ای، از طریق پیام‌های رمزگذاری شده، خطر حملات را به ما هشدار داد: «در فرانسه و ایالات متحده هسته‌های تروریستی وجود دارد و تعداد زیادی از مسلمانان با حضور فعال رژیم ایران در کشور شما، منتظر دستور تهران هستند که می‌خواهد غرب را برای نجات حماس تحت فشار قرار داده و هم عزم خود را در این درگیری نشان دهد و هم دیگر نیابتی‌هایش را امیدوار کند.»

ما از این منبع که در گذشته اطلاعات محکمی در اختیار ما قرار داده است، پرسیدیم تروریست‌هایی که ادعا می‌شود کشور ما را تهدید می‌کنند با چه کسانی مرتبط هستند؟ او پاسخ داد: «حزب الله و القاعده». وی افزود: «رژیم ایران آماده است.»

فردریک انسل کارشناس جغرافیای سیاسی- منطقه‌ای خاورمیانه در همین ارتباط می‌گوید: «فرانسه از سوی تهران

مخالفت شورای امنیت با قطعنامه پیشنهادی روسیه برای «آتش‌بس» در غزه



شورای امنیت سازمان ملل متحد

او همچنین گفت: «ما نمی‌توانیم به این شورا اجازه دهیم که به طور ناعادلانه تقصیر را گردن اسرائیل بیاندازد و حماس را به خاطر ظلم و ستم چندین دهه‌ای آن بهانه قرار دهد.» مقامات غربی در اینکه جمهوری اسلامی پشتیبان حملات تروریستی حماس علیه اسرائیل است اتفاق نظر دارند. آنها تلاش‌های تازه‌ای به کار بسته‌اند تا با فشار یا مذاکره با جمهوری اسلامی از تشدید جنگ در غزه جلوگیری شود.

به گزارش رویترز، یوکو کامیکاوا وزیر خارجه ژاپن، روز سه‌شنبه ۱۷ اکتبر گفت، ژاپن در حال آماده شدن برای مذاکره با ایران در مورد جنگ اسرائیل با حماس است. وی افزود که این کشور ۱۰ میلیون دلار کمک اضطراری برای غزه ارائه خواهد کرد. کامیکاوا با اشاره به اینکه وضعیت غزه را «با نگرانی» زیر نظر دارد به خبرنگاران گفت: «من در آخرین مراحل آماده‌سازی برای گفتگوی تلفنی با امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه ایران هستم.»

وی همچنین عنوان کرد که در حال حاضر حدود ۹۰۰ شهروند ژاپنی در اسرائیل و سرزمین‌های فلسطینی هستند. هیدکی مورای معاون دبیر کابینه نیز گفت که دولت قصد دارد تا نیمه دوم این هفته آنها را با هواپیماهای نظامی ژاپنی تخلیه کند.

ژاپن که ریاست دوره‌ای «گروه هفت» را به عهده دارد پیش از این تلاش‌هایی را برای پیشبرد مذاکرات اتمی میان جمهوری اسلامی و آمریکا آغاز کرده بود. ژاپن به عنوان عضو غیردائم شورای امنیت با قطعنامه پیشنهادی روسیه برای آتش‌بس در غزه مخالفت کرد. آمریکا، بریتانیا و فرانسه نیز این قطعنامه را وتو کردند.

برای تصویب قطعنامه در شورای امنیت دست کم ۹ رأی موافق لازم است با این شرط که هیچ‌کدام از پنج عضو دائم آن پیشنهاد را وتو نکنند.

متن پیش‌نویس خواستار آتش‌بس بشردوستانه، آزادی همه گروگان‌ها، امکان ارسال کمک‌های امدادی و تخلیه امن غیرنظامیان شده بود.

واسیلی نبنزیا نماینده دائم روسیه در سازمان ملل متحد با ابراز تأسف از مخالفت شورای امنیت در تصویب قطعنامه، «نیت خودخواهانه بلوک غرب» را مقصر دانست. او گفت که هیئت کشورهای غربی «اساساً بر امیدهای جهانی برای پایان دادن به خشونت توسط شورا ضربه زدند.»

وی افزود: «این رأی نشان داد که کشورهایی از پایان دادن به خشونت و ارائه کمک‌های بشردوستانه حمایت می‌کنند و کشورهایی که جلوی پیام واحد برای منافع صرفاً خودخواهانه و سیاسی را می‌گیرند.»

نبنزیا بدون اشاره به حمله نظامی روسیه علیه اوکراین ادعا کرد: «به شدت نگران فاجعه انسانی بی‌سابقه در غزه و خطر بسیار بالای گسترش درگیری هستیم.»

لیندا توماس گرینفیلد نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل، در این نشست گفت که کشورش نمی‌تواند از پیش‌نویس قطعنامه روسیه حمایت کند زیرا به این ترتیب تروریسم حماس نادیده گرفته شده و به قربانیان بی‌احترامی می‌شود. وی افزود: «روسیه با ناتوانی در محکومیت حماس، از یک گروه تروریستی که غیرنظامیان بی‌گناه را مورد خشونت قرار داده پشتیبانی می‌کند. این ظالمانه، ریاکارانه و غیرقابل دفاع است.»

● چین، گابن، موزامبیک، روسیه و امارات به این قطعنامه رأی مثبت دادند و فرانسه، ژاپن، بریتانیا و آمریکا با آن مخالفت کردند. شش کشور آلبانی، برزیل، اکوادور، غنا، مالت و سوئیس نیز رأی ممتنع دادند.

● واسیلی نبنزیا نماینده دائم روسیه در سازمان ملل متحد با ابراز تأسف از مخالفت شورای امنیت در تصویب قطعنامه پیشنهادی، بدون اشاره به حمله نظامی روسیه علیه اوکراین و کشتار شهروندان غیرنظامی آن کشور، گفت «به شدت نگران فاجعه انسانی بی‌سابقه در غزه و خطر بسیار بالای گسترش درگیری هستیم.»

● لیندا توماس گرینفیلد نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل در این نشست گفت که «ما نمی‌توانیم به این شورا اجازه دهیم که به طور ناعادلانه تقصیر را گردن اسرائیل بیاندازد و حماس را به خاطر ظلم و ستم چندین دهه‌ای آن بهانه قرار دهد.»

● یوکو کامیکاوا وزیر خارجه ژاپن امروز سه‌شنبه ۱۷ اکتبر گفته در حال آماده شدن برای مذاکره با ایران در مورد جنگ اسرائیل با حماس است. وی افزود که این کشور ۱۰ میلیون دلار کمک اضطراری برای غزه ارائه خواهد کرد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد دوشنبه ۱۶ اکتبر (۲۴ مهرماه) با قطعنامه پیشنهادی روسیه برای «آتش‌بس» در غزه مخالفت کرد.

چین، گابن، موزامبیک، روسیه و امارات به این قطعنامه رأی مثبت دادند و فرانسه، ژاپن، بریتانیا و آمریکا با آن مخالفت کردند. شش کشور آلبانی، برزیل، اکوادور، غنا، مالت و سوئیس نیز رأی ممتنع دادند.

بایدن به نتانیاهو قول داد آمریکا از اسرائیل در جنگ با تروریست‌های حماس حمایت می‌کند



این اولین دیدار بایدن با نتانیاهو در اسرائیل در دوران ریاست جمهوری اوست / چهارشنبه ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳

می‌خواهد در ملاقات با نتانیاهو و کابینه امنیتی اسرائیل درباره استراتژی و سرعت عملیات علیه حماس اطلاعات دریافت کند. کربی گفت که این سفر در حالی انجام گرفته که اسرائیل برای حمله زمینی به غزه آماده می‌شود و بایدن می‌خواهد درباره اهداف و برنامه‌های روزها و هفته‌های آینده بیشتر بداند.

این مقام کاخ سفید همچنین توضیح داد: «بایدن چند سوال سخت مطرح خواهد کرد... به عنوان یک دوست، به عنوان یک دوست واقعی.»

در ادامه این گزارش آمده «بایدن قول حمایت از اسرائیل در جنگ علیه حماس را داده است و انتظار می‌رود که اواخر این هفته از کنگره بخواهد بودجه لازم را برای کمک‌های نظامی بیشتر به اسرائیل فراهم کند.»

بایدن همچنین امیدوار است اطلاعات بیشتری در مورد تلاش‌ها برای یافتن و آزاد کردن گروگان‌هایی که در جریان حملات اسیر شده‌اند، به دست آورد.

دولت بایدن به اسرائیل و مصر توصیه کرده تا اجازه دهند غذا، آب و دارو وارد غزه شود و غیرنظامیان از آن خارج کنند. اینهمه در حالیست که رهبران مصر و اردن «آوارگان فلسطینی» را خط قرمز خود اعلام کرده و گفته‌اند که حاضر به پذیرش «آوارگان فلسطینی» در کشورهای خود نیستند. ملک عبدالله دوم که به آلمان سفر کرده طی سخنانی به صراحت «آوارگان فلسطینی» را «خط قرمز» اعلام کرد و گفت که هیچ پناهنده فلسطینی اجازه ورود به مصر یا اردن را نخواهد داشت. وی تأکید کرد که به این وضعیت می‌بایست در داخل خود غزه رسیدگی شود.

به تل‌آویو سفر کرد. جو بایدن در جریان دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، گفت که از انفجار مرگبار بیمارستان در غزه «عمیقاً متأسف و خشمگین» است. وی افزود «به نظر می‌رسد اسرائیل مقصر نیست و این کار توسط طرف مقابل انجام شده است.»

بایدن ساعاتی پس از انفجار در بیمارستان «المعدانی» (الاهلی) غزه دستور داده بود یک تیم امنیتی در مورد این موضوع تحقیق کند.

به گزارش «ای‌بی‌سی نیوز» رئیس جمهوری آمریکا به نتانیاهو گفت «می‌خواستم به اسرائیل بیایم تا مردم آنجا و تمام دنیا بدانند که ما در کنار اسرائیل هستیم.» وی همچنین تأکید کرد «ما می‌خواهیم مطمئن شویم که اسرائیل آنچه را که برای پاسخ به حملات حماس نیاز دارد، در اختیار دارد.» وی افزود که حماس «نمایند همه مردم فلسطین نیست» و «تنها رنج را برای آنها به ارمغان آورده است.»

بایدن همچنین خطاب به نتانیاهو گفت: «آقای نخست‌وزیر، به درستی گفتید حماس از داعش بدتر است و جهان متمدن باید برای شکست حماس متحد شود.»

راديو ملی آمریکا (NPR) گزارش داد «بایدن در ابتدا قصد داشت پس از تل‌آویو در امان، پایتخت اردن توقف کند تا با ملک عبدالله پادشاه اردن، عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر و محمود عباس رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطین درباره کمک‌های بشردوستانه به غزه دیدار کند. اما این قسمت از سفر لغو شد.»

جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی کاخ سفید درباره سفر بایدن به اسرائیل گفته رئیس جمهوری آمریکا

● جو بایدن در جریان دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، گفت که از انفجار مرگبار بیمارستان در غزه «عمیقاً متأسف و خشمگین» است. وی افزود که «به نظر می‌رسد اسرائیل مقصر نیست و این کار توسط طرف مقابل انجام شده است.»

● بایدن خطاب به نتانیاهو گفت: «آقای نخست‌وزیر، به درستی گفتید حماس از داعش بدتر است و جهان متمدن باید برای شکست حماس متحد شود.»

● راديو ملی آمریکا (NPR) گزارش داد «بایدن در ابتدا قصد داشت پس از تل‌آویو در امان، پایتخت اردن توقف کند تا با ملک عبدالله پادشاه اردن، عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر و محمود عباس رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطین درباره کمک‌های بشردوستانه به غزه دیدار کند. اما این قسمت از سفر لغو شد.»

● همزمان ملک عبدالله دوم که به آلمان سفر کرده طی سخنانی به صراحت «آوارگان فلسطینی» را «خط قرمز» اعلام کرد و گفت که هیچ پناهنده فلسطینی اجازه ورود به مصر یا اردن را نخواهد داشت. وی تأکید کرد که به این وضعیت می‌بایست در داخل خود غزه رسیدگی شود.

● جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی کاخ سفید درباره سفر بایدن به اسرائیل گفته رئیس جمهوری آمریکا می‌خواهد در ملاقات با نتانیاهو و کابینه امنیتی اسرائیل درباره استراتژی و سرعت عملیات علیه حماس اطلاعات دریافت کند.

رئیس‌جمهوری آمریکا برای اعلام حمایت از اسرائیل روز چهارشنبه ۲۶ مهرماه با وجود شرایط پر تنش منطقه

الکساندر لوکاشنکو: غرب نوک پیکان جنگ خاورمیانه را به سوی ایران گرفته است



دیدار مخبر با لوکاشنکو در مینسک / مهرماه ۱۴۰۲

تداوم فشارهای امنیتی و اجتماعی به بهانه «حجاب»؛ دانشجویان دختر همچنان هدف سرکوب در دانشگاه‌ها

● تهدید و فشار بر دانشجویان دختر، در ادامه دیگر موج‌های سرکوب در دانشگاه‌ها از جمله اخراج، تعلیق و تبعید دانشجویان و همچنین اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری اساتید دانشگاه شکل گرفته است.

● برای ترخیص اتومبیل‌های توقیف شده به بهانه «حجاب» که در پارکینگ‌های شهر انباشته شده‌اند، یک جریان دلالی نیز به راه افتاده که هزینه ترخیص آنها را به دو تا هفت میلیون تومان رسانده است!

● سخنگوی قوه قضائیه یازدهم امرداد اعلام کرده بود که بیش از ۲ هزار و ۲۰۰ پرونده قضایی با موضوع «کشف حجاب» طی ۴ ماه تشکیل شده است.

با تداوم روند محدود ساختن دانشجویان به بهانه «حجاب» شماری از دختران دانشجو نامه‌های تهدیدآمیز از حراست دریافت کرده‌اند. در برخی دانشگاه‌های کشور نیز گشت‌های چندنفره متشکل از ماموران حراست و نیروهای لباس شخصی فعال شده‌اند.

محدود ساختن دانشجویان و تشدید فشارهای امنیتی در دانشگاه‌ها ادامه دارد و فعالان دانشجویی از افزایش فشار بر دانشجویان دختر در روزهای گذشته خبر می‌دهند.

کانال تلگرامی شوراهای صنفی دانشجویان کشور در خبری با عنوان «نامه غیررسمی برای تهدید دانشجویان در سربرگ‌های رسمی» نوشته که «امروز ۲۳ مهرماه دست‌کم ۲۰ نفر از دانشجویان دختر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه «علامه طباطبایی» هنگام ورود به دانشکده از مأمورین حراست نامه‌هایی را دریافت کرده‌اند که علیرغم نگارش در سربرگ رسمی دانشگاه «علامه طباطبایی» هیچکدام شماره نامه و تاریخ نداشته است.»

در ادامه این خبر آمده که «به نظر می‌رسد تحویل فله‌ای و خارج از قاعده قانونی مکاتبات دانشگاهی این نامه‌ها، تنها به منظور تهدید و ارباب دانشجویان صورت گرفته است.»

تهدید و فشار بر دانشجویان دختر، در ادامه دیگر موج‌های سرکوب در دانشگاه‌ها از جمله اخراج، تعلیق و تبعید دانشجویان و همچنین اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری اساتید دانشگاه شکل گرفته است.

از دیگر ابعاد افزایش سرکوب‌ها در محیط دانشگاه مستقر شدن نیروهای لباس شخصی و گشت ارشاد اسلامی ←

نفت و محصولات پتروشیمی به صورت تهازری سند همکاری امضاء کردند.

جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی و آندری ریباکوف مدیرعامل شرکت دولتی «بل‌نفت‌خیم» بلاروس روز سه‌شنبه ۲۵ مهرماه در حاشیه دیدار محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی با رومان گولاوچنکو نخست‌وزیر بلاروس در شهر مینسک این تفاهمنامه را امضاء کرد.

مخبر دزفولی در دیدار با نخست‌وزیر بلاروس گفت، «ارتقای روابط سیاسی طی دو سال گذشته بین ایران و بلاروس باید به منافع اقتصادی و تجاری دو دولت-ملت منجر شود و می‌توان سطح مبادلات تجاری و اقتصادی را به یک میلیارد دلار در سال افزایش داد.»

رژیم ایران و بلاروس که هر دو از روسیه در جنگ این کشور علیه اوکراین پشتیبانی می‌کنند به دنبال ارتقاء روابط در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی هستند. یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های آنها برقراری پروازهای مستقیم دائمی است.

پیش از این مهدی صفری معاون اقتصادی وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته بود که روش جدیدی جهت تسهیل صدور ویزا برای فعالان تجاری طراحی خواهد شد. وی تسهیل فرایند صدور ویزای دو کشور را مقدمه‌ای برای برقراری خطوط هوایی و پرواز مستقیم بین ایران و بلاروس دانست.

همچنین گفته شد طرفین برای حذف «دوزبلاخ» (هزینه‌های استفاده کامیون‌ها از جاده‌ها) توافق کرده‌اند. در ماه‌های اخیر منابع اوکراینی گزارش دادند که جمهوری اسلامی قصد ایجاد یک کارخانه تولید پیهاد در بلاروس را دارد. در همین ارتباط یک هیأت نظامی نیز از ایران به آن کشور سفر کرده تا مقدمات کار را فراهم آورد. روزنامه «کی‌یف‌پست» به نقل از تحلیلگران غربی نوشت، بلاروس به دنبال توافق جمهوری اسلامی برای تولید پیهاد در یک کارخانه در منطقه «گومل» در جنوب شرقی این کشور نزدیک مرز اوکراین است.

● مخبر دزفولی معاون اول رئیسی به مینسک سفر کرده است. لوکاشنکو رئیس جمهوری بلاروس که متحد نزدیک پوتین است گفته «غرب نوک پیکان جنگ خاورمیانه را علیه ایران گرفته و تهران و مینسک باید همکاری نزدیکتری برای مقابله با حملات غرب داشته باشند.»

● لوکاشنکو همچنین گفته «شما وضعیت بلاروس را می‌دانید. این تقریباً همان وضعیتی است که شما در آن هستید. فشاری که بر کشورهای ما وارد می‌شود بی‌سابقه است.»

● جمهوری اسلامی و بلاروس که هر دو با تحریم‌های بین‌المللی روبرو هستند برای صدور خدمات فنی مهندسی نفت و محصولات پتروشیمی به صورت تهازری سند همکاری امضاء کردند. مقامات تهران تلاش می‌کنند پرواز مستقیم بین ایران و بلاروس برقرار شود.

الکساندر لوکاشنکو می‌گوید بلاروس و ایران باید از «نزدیک» با یکدیگر برای مقاومت در برابر تهاجم غرب همکاری کنند.

به گزارش ایرنا رئیس جمهوری بلاروس سه‌شنبه ۲۵ مهرماه به محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی که به مینسک سفر کرده نسبت به اقدامات «کشورهای غیردوست» مانند ایالات متحده از جمله برای درگیر کردن جمهوری اسلامی هشدار داد.

وی تأکید کرد: «غرب در حال هدایت نوک پیکان جنگ خاورمیانه علیه ایران است و تهران و مینسک باید همکاری نزدیکتری برای مقابله با حملات غرب داشته باشند.»

لوکاشنکو در ادامه افزود: «شما وضعیت بلاروس را می‌دانید. این تقریباً همان وضعیتی است که شما در آن هستید. فشاری که بر کشورهای ما وارد می‌شود بی‌سابقه است. اما شما قبلاً یاد گرفته‌اید که تا حدودی در برابر این امر مقاومت کنید و تجربه شما برای ما بسیار مهم است.»

جمهوری اسلامی و بلاروس که هر دو با تحریم‌های بین‌المللی روبرو هستند، برای صدور خدمات فنی مهندسی

در دانشگاه‌های کشور است.

کانال تلگرامی «خبرنامه امیرکبیر» از «افزایش گشت امنیتی در محیط دانشگاهی» گزارش داده و با اشاره به «افزایش برخوردها در فضای آکادمیک کشور» نوشته که «کمتر از یک ماه از بازگشایی دانشگاه‌ها می‌گذرد اما برخوردها در فضای آکادمیک افزایش یافته است! در روزهای اخیر، گشت‌های چندنفره متشکل از نیروهای حراست و نیروهای لباس شخصی در سطح دانشگاه با دانشجویان برخوردهای جدی داشته‌اند.»

این گزارش افزوده که روز شنبه ۲۲ مهرماه نیز «چندین گشت امنیتی در محیط‌های دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک تهران) به برخورد با دانشجویان به دلیل آنچه که کنار هم نشست دختر و پسر (مختلط نشستن)، پوشش غیراسلامی و بد پوششی، کوتاهی شلوار و جلو باز بودن مانتو و داشتن پیرسینگ، عنوان شده است پرداخته‌اند!»

«خبرنامه امیرکبیر» تأکید کرده که «آزار و اذیت دانشجویان با پوشش غیراسلامی و مزاحمت برای آنها، بخشی از پروژه «اسلامی سازی دانشگاه‌ها» در ایران است.»

شوراهای صنفی دانشجویان نیز پیشتر از «خفت‌گیری و ایجاد مزاحمت به بهانه تذکر حجاب» برای دانشجویان دختر در خیابان‌های اطراف برخی خوابگاه‌های دانشگاه نوشیروانی بابل خبر داده بود. تشدید فضای امنیتی به بهانه «حجاب» تنها مختص دانشگاه‌ها نیست و در سطح شهرها نیز روندی مشابه در جریان است. استقرار نیروهای آتش به اختیار در کنار نیروهای پلیس برای تذکر درباره حجاب، ارسال پیامک‌های تذکر و جریمه به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری و توقیف اتومبیل شهروندان به ویژه در کلانشهرها به شکل گسترده در جریان است.

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضائیه یازدهم امرداد امسال اعلام کرده بود که بیش از ۲ هزار و ۲۰۰ پرونده قضایی با موضوع «کشف حجاب» طی ۴ ماه تشکیل شده است. به گفته مسعود ستایشی، از مجموع پرونده‌های حجاب و عفاف ۸۲۵ فقره منجر به محکومیت و ۳۴۴ فقره منع تعقیب و ۱۶۷ نفر از متهمین برائت صادر شده است.

روزنامه «هم‌میهن» در شماره امروز، دوشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۲، در مطلبی با عنوان «پارکینگ‌ها مشغول کارند» با اشاره به افزایش روند توقیف اتومبیل‌ها به بهانه «حجاب» نوشته حالا برای ترخیص اتومبیل‌های توقیف شده که در پارکینگ‌های شهر انباشته شده‌اند، یک جریان دلالتی نیز به راه افتاده که هزینه ترخیص خودرو را به دو تا هفت میلیون تومان رسانده است!

در این گزارش آمده که «در چندماه گذشته، برخورد با خودروها در موضوع حجاب کسب‌وکاری پررونق ایجاد کرده؛ کسب و کاری که بخشی از آن در مقابل ساختمان پلیس امنیت عمومی از طریق موتوری‌ها تشکیل شده، بخشی در پارکینگ‌ها و بخشی هم در خیابان از طریق جرثقیل‌ها و یدک‌کش‌ها.»

این گزارش در ادامه نوشته «بطور متوسط هر توقیف خودرو با یدک‌کش بیش از دو میلیون تومان هزینه بر می‌دارد؛ از این دو میلیون تومان، یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان برای یدک‌کش یا همان جرثقیل، هر شب ۸ تا ۱۰ هزار تومان برای توقیف خودرو در پارکینگ، هزینه ۳۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومانی برای پیدا کردن جای خالی در برخی از پارکینگ‌ها و هزینه رفت و آمدها برای ترخیص خودرو. حالا به همه اینها باید دلالتی‌هایی که برای پیدا کردن جای پارک یا ترخیص خودرو زودتر از موعد صورت می‌گیرد را هم اضافه کرد که از ۵۰۰ هزار تومان تا ۷ میلیون تومان است. حتی اینکه در پارکینگ روی ماشین توقیف‌شده چادر



کشیده شود هم تعرفه جداگانه‌ای گرفته می‌شود.»

بر اساس این گزارش هرچند در فروردین امسال پلیس اعلام کرد «خودروهایی که قانون حجاب را رعایت نکرده باشند، به مدت ۱۵ روز بطور سیستمی توقیف می‌شوند و چنانچه در این مدت کشف حجابی در خودرو ثبت نشود، خودرو بعد از مدت ۱۵ روز رفع توقیف می‌شود» اما به گفته اغلب افرادی که برای پیگیری روند ترخیص اتومبیل‌شان به پلیس امنیت عمومی مراجعه می‌کنند می‌گویند که برایشان پیامکی نیامده تا بخواهند اعتراضی داشته باشند یا حتی از ماجرا با خبر شوند.

اینهمه در حالیست که پرونده جنجالی و پرحاشیه‌ی عفاف و حجاب که جریمه‌ها و تشدید فشارهای امنیتی و اجتماعی به بهانه عدم رعایت حجاب اجباری در آن گنجانده شده، هنوز از سوی شورای نگهبان مورد تأیید قرار نگرفته و به قانون تبدیل نشده است!

لایحه حجاب و عفاف بهار امسال از سوی قوه قضائیه به دولت ارائه و با تصویب پسرعت در دولت رئیسی، برای بررسی به مجلس شورای اسلامی ارائه شد. در مجلس شورای اسلامی این لایحه از دست نمایندگان خارج و بررسی آن به کمیسیون قضایی و حقوقی سپرده شد. این کمیسیون پیشنهاد رفتن لایحه حجاب و عفاف زیر اصل ۸۵ قانون اساسی را مطرح و نمایندگان مجلس شورای اسلامی با آن موافقت کردند. بر این اساس لایحه بدون بررسی در صحن علنی و در نظر گرفتن نظر همه نمایندگان تنها از سوی چند عضو کمیسیون حقوقی و قضایی بررسی و مستقیم به شورای نگهبان رفت.

یک هفته پس از آنکه سخنگوی شورای نگهبان گفته بود شورای نگهبان در بررسی لایحه حجاب و عفاف از هیچ ایرادی چه از نظر قانون اساسی و چه از نظر شرعی چشم پوشی نمی‌کند، روزنامه «اعتقاد» در گزارشی با اشاره به ایرادات قانونی این لایحه، دلائل رد و بازگردانده شدن لایحه به مجلس شورای اسلامی را بر شمرده است.

هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان هفته گذشته در نشست خبری عنوان کرد که «مصوبه مجلس درباره لایحه عفاف و حجاب الان در نوبت بررسی در شورای نگهبان است و بعد از اتمام بررسی‌ها، نتیجه آن را اعلام خواهیم کرد.» سخنگوی شورای نگهبان تأکید کرده بود که «بر اساس

قانون اساسی، تفاوتی بین مصوباتی که در صحن مجلس به تصویب می‌رسد و مصوباتی مانند لایحه عفاف و حجاب که بر اساس ترتیبات اصل ۸۵ (بررسی در کمیسیون به جای صحن مجلس) بررسی و تصویب می‌شود، وجود ندارد و هر دو باید در شورای نگهبان بررسی شود. این موضوع موافقان و مخالفان زیادی دارد و در این مدت در شورای نگهبان و پژوهشکده این شورا سعی کردیم جلسات متعددی را با کسانی که درباره این لایحه نکاتی داشتند، برگزار کنیم تا ابعاد موضوع برای ما روشن شود.»

روزنامه «اعتقاد» در شماره امروز شنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۲ در مطلبی با عنوان «چرا شورای نگهبان باید لایحه حجاب را رد کند؟» موارد قانونی نقض شده در لایحه حجاب عفاف را مورد بررسی قرار داده و با استناد به سخنان هادی طحان نظیف نوشته که انتظار می‌رود شورای نگهبان همانطور که سخنگوی آن نیز تأکید کرده «نکات کارشناسان را بررسی کند» و «همانند هر طرح و لایحه دیگری از هیچ ایرادی در مصوبات چشم‌پوشی نکند.»

در این گزارش آمده که فارغ از موضع‌گیری سیاسی و جناحی نسبت به این لایحه یا رویکردهای مختلف ایدئولوژیک در قبال مسئله حجاب، این لایحه دارای ایرادات شکلی بررسی و تضاد آن با قوانین است.

گزارش روزنامه «اعتقاد» با برشمردن موارد نقض قانونی در شیوه بررسی و تصویب لایحه حجاب و عفاف، این لایحه را نیازمند رد توسط شورای نگهبان و بازگرداندن به مجلس شورای اسلامی دانسته است. اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد اراده‌ی بالاتر از اراده نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا همه اعضای شورای نگهبان برای تصویب و اجرایی شدن این لایحه، روند آن را پیش می‌برد.

در زمان بررسی لایحه در مجلس شورای اسلامی نیز بسیاری از نمایندگان در نطق‌هایی در صحن علنی و همچنین گفتگو با رسانه‌های داخلی ایرادات قانونی بررسی و تصویب لایحه را برشمردند و رویکرد مجازات‌محور این لایحه در برابر موضوع حجاب را سبب تشدید فاصله میان مردم و حکومت ارزیابی کردند. با اینهمه لایحه توسط چند عضو کمیسیون قضایی و حقوقی، و با حمایت سردار پاسدار محمد قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، تصویب و به شورای نگهبان ارسال شد.

محکومیت وکیل خانواده مهسا امینی به زندان و مجازات تکمیلی اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» برای وکالت؟!



با توجه به سن ایشان که در آستانه ۷۳ سالگی هستند به حداکثر مجازات آنهم به خاطر مصاحبه هایی که به منزله جرم نیست جای تعجب دارد.»

علی رضایی گفته است که «این محکومیت به جهت برداشت‌های غیرحقوقی از متن مصاحبه‌ها صادر شده است» و با وجود اینکه صالح نیکبخت «تمایلی به اعتراض و تجدیدنظرخواهی» ندارد، اما وکیل‌اش با ابراز امیدواری نسبت به نقض حکم در مرحله بعدی، گفته که برای تجدیدنظرخواهی اقدام خواهد کرد.

صالح نیکبخت نیز امروز چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲ در گفتگو با روزنامه «اعتماد» درباره ریشه‌های این حکم و چرایی باز شدن چنین پرونده‌ای گفته که «بنده را متهم کردند که در گفتگو با روزنامه «اعتماد» از عبارت قتل استفاده کرده‌ام! در حالی که در گفتگوی مورد بحث اشاره کردم «چون پرونده زیر نظر دایره جنایی در حال بررسی است، بنابراین ذیل عناوین قتل قرار دارد.» این موارد مجموعاً باعث ایجاد پرونده‌ای علیه من شد.»

وکیل خانواده مهسا امینی گفته ۴ الی ۵ بار به ستاد خبری وزارت اطلاعات احضار شده است: «به من تأکید شد که با رسانه‌های خارجی صحبت نکنم. به این دلیل هیچ گفتگویی از من با رسانه‌های خارجی وجود ندارد. یا بیانیه صادر می‌کردم یا اینکه با روزنامه «اعتماد» گفتگو می‌کردم. اما در شرایطی که مسئولان امنیتی کشور از من خواسته بودند با رسانه‌های داخلی ارتباط داشته باشم از مصاحبه من با روزنامه «اعتماد» اعلام جرم شد و نهایتاً حکم یک سال زندان برای من صادر شد. البته رسانه‌های خارجی بیانیه‌ها و گفتگوهای من با رسانه‌های داخلی را بازتاب می‌دادند که ارتباطی به من ندارد.»

او همچنین گفته مصاحبه‌های سال‌های گذشته او با رسانه‌ها نیز به عنوان مصادیق در این پرونده گنجانده شده و به این ترتیب اشد مجازات برای او صادر شده است: «سایر مصاحبه‌هایی که به عنوان مستند جرم من آمده به سال ۹۸ باز می‌گردد. یعنی از بهار ۹۸ تا بهار ۱۴۰۲ را دربر می‌گیرد.

۲ مورد به موضوع مهسا و ۷ مورد هم به سایر

روزنامه اعتماد در خصوص تشریح روند رسیدگی به پرونده مرگ مهسا امینی را به عنوان یکی از ادله انتساب جرم به عنوان فعالیت تبلیغی علیه نظام تلقی کرده و او را به خاطر این مصاحبه‌ها محکوم کرده است.»

علی رضایی با اشاره به محکومیت وکیل خانواده مهسا امینی به بالاترین مجازات جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام،



گفته که «در دادگاه به دفاعیات مطرح شده در جلسه رسیدگی توجهی نشده است. به عنوان یک شخص حقوق خوانده بر این نکته تأکید می‌کنم که هیچ جمله‌ای در مصاحبه‌های ایشان که بیانگر تبلیغ علیه نظام باشد، وجود ندارد و این محکومیت به جهت برداشت‌های غیرحقوقی از متن مصاحبه‌ها صادر شده است.»

وکیل صالح نیکبخت همچنین با اشاره به در نظر گرفتن حداکثر مجازات برای این وکیل دادگستری گفته که «دادگاه بر اساس ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی حداکثر مجازات مقرر که یک سال است را برای ایشان در نظر گرفته که

● صالح نیکبخت طی پرونده‌سازی نهادهای امنیتی محاکمه و به یک سال زندان و دو سال منع استفاده از فضای مجازی به عنوان «مجازات تکمیلی» محکوم شده است. ● وکیل صالح نیکبخت: دادگاه حداکثر مجازات مقرر را برای ایشان در نظر گرفته که با توجه به سن ایشان که در آستانه ۷۳ سالگی هستند، حداکثر مجازات آنهم به خاطر مصاحبه هایی که به منزله جرم نیست جای تعجب دارد.

● صالح نیکبخت پرونده‌ای را که علیه او تشکیل شده سیاستی کلی در وزارت اطلاعات برای «خاموش کردن صدای وکلا» ارزیابی کرده و از تغییر برخوردهای وزارت اطلاعات با وکلا خبر داده است.

صالح نیکبخت وکیل خانواده مهسا امینی به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال زندان و مجازات‌های تکمیلی محکوم شده است.

صالح نیکبخت وکیل پایه یک دادگستری و استاد دانشگاه که وکالت خانواده مهسا امینی در پرونده قتل دخترشان را به عهده داشته طی پرونده‌سازی نهادهای امنیتی محاکمه و به یک سال زندان و دو سال منع استفاده از فضای مجازی به عنوان «مجازات تکمیلی» محکوم شده است.

از جمله مصادیق اتهام وارد شده به این وکیل پایه یک دادگستری انجام مصاحبه با رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور عنوان شده است.

علی رضایی وکیل صالح نیکبخت درباره علت اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» درباره موکل‌اش گفته که «ایشان ۹ فقره مصاحبه داشته‌اند که تمام این مصاحبه‌ها پرینت گرفته شده و جزو ضمائم و مستندات پرونده است. مصاحبه درباره پرونده مرگ خانم مهسا امینی، مصاحبه درباره کولبران، تشریح آزادی یک زندانی و... به عنوان مستندات در پرونده قرار داده شده بود.»

این وکیل دادگستری توضیح داده که «مصاحبه‌ها و اظهار نظرهای موکل من بر اساس وظیفه قانونی وکیل بوده و نه جرم است و نه موکل چیزی غیر از این گفته، اما دادگاه انقلاب بدون توجه به اظهارات قانونی موکل، مصاحبه او با

اعطای جایزه ساخاروف ۲۰۲۳ اتحادیه اروپا به «مهسا امینی» و جنبش زن، زندگی آزادی



دیوید مک البستر رئیس کمیته سیاست خارجی پارلمان اروپا نیز درباره این جایزه گفته که انتخاب مهسا امینی و جنبش زن، زندگی، آزادی به معنی «به رسمیت شناختن مبارزه شجاعانه آنها برای حقوق زنان» است.

مبلغ جایزه ۵۰ هزار یورو است و مراسم اهدای این جایزه، در ۱۳ دسامبر ۲۰۲۳ میلادی در مقر پارلمان اروپا در شهر استراسبورگ برگزار خواهد شد.

ویلیا نونیز اسکورسیا و اسقف کاتولیک رولاندو آلوارز دو تن از فعالان حقوق بشر در نیکاراگوئه و سه زن از لهستان، السالوادور و آمریکا که در مبارزه برای رسیدن به حق «سقط جنین رایگان، ایمن و قانونی» فعالیت می‌کنند از دیگر نامزدهای جایزه امسال ساخاروف بودند.

همچنین ایلان ماسک، کارآفرین آمریکایی، نیز برای «محکوم کردن عملکرد مدیریت قبلی توییت که برای آزادی بیان کاربران مضر بود» نامزد جایزه ساخاروف امسال شده بود اما نام او از فهرست نامزدهای نهایی حذف شد.

پرستو حکیم، مرضیه امیری و مطیع‌الله ویسا، سه فعال در زمینه آموزش از کشور افغانستان هم در میان نامزدهای اولیه این جایزه حقوق بشری بودند که نام آنها نیز از فهرست نامزدان نهایی حذف شد.

بر اساس گزارش پارلمان اروپا حزب «مردم اروپا» مهسا امینی و زنان ایران را نامزد دریافت این جایزه کرده بود و حزب سوسیالیست‌ها و دموکرات‌ها و همچنین حزب «احیای اروپا» نیز مهسا امینی و جنبش «زن زندگی آزادی» را به عنوان نمایندگان مبارزه برای احقاق حقوق زنان در ایران معرفی کردند. در زمان اعلام سه نامزد نهایی این جایزه نماینده حزب سوسیال دموکرات آلمان در پارلمان گفته بود: «جایزه ساخاروف نه تنها یک جایزه نمادین در روز مراسم اهدای آن، بلکه یک تعهد سیاسی است. تعهد پارلمان به اینکه در طولانی مدت در حمایت از اهداف دریافت‌کنندگان آن بماند و همانطور که در پیمان حقوق بشر اتحادیه اروپا آمده، به صورت خستگی‌ناپذیر از آنها پشتیبانی کند.»

در سال ۲۰۱۲ جعفر پناهی فیلمساز و نسرین ستوده وکیل و فعال حقوق بشر، دو ایرانی دیگری بودند که این جایزه را بطور مشترک دریافت کردند. سال گذشته نیز این جایزه به مردم اوکراین داده شد.

● اتحادیه اروپا امروز پنجشنبه ۱۹ اکتبر ۲۰۲۳ برابر با ۲۷ مهرماه ۱۴۰۲ «مهسا امینی» و جنبش «زن، زندگی، آزادی» در ایران را برنده جایزه حقوق بشری «ساخاروف» امسال اعلام کرد.

● مبلغ جایزه ۵۰ هزار یورو است و مراسم اهدای این جایزه، در ۱۳ دسامبر ۲۰۲۳ میلادی در مقر پارلمان اروپا در شهر استراسبورگ برگزار خواهد شد.

● رئیس کمیته سیاست خارجی پارلمان اروپا درباره این جایزه گفته که انتخاب مهسا امینی و جنبش زن، زندگی، آزادی به معنی «به رسمیت شناختن مبارزه شجاعانه آنها برای حقوق زنان» است.

جایزه حقوق بشری «ساخاروف» اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۳ به «مهسا امینی» و جنبش «زن زندگی آزادی» اهدا شد. اتحادیه اروپا امروز پنجشنبه ۱۹ اکتبر ۲۰۲۳ برابر با ۲۷ مهرماه ۱۴۰۲ «مهسا امینی» و جنبش «زن، زندگی، آزادی» در ایران را برنده جایزه حقوق بشری «ساخاروف» امسال اعلام کرد. این جایزه که مبلغ آن پنجاههزار یورو است برای گرامیداشت یاد آندری ساخاروف از مخالفان حکومت اتحاد جماهیر شوروی، در دسامبر سال ۱۹۸۸ توسط پارلمان اروپا بنیان نهاده شد.

این جایزه به افراد حقیقی یا حقوقی که زندگی خود را وقف دفاع از حقوق بشر و آزادی اندیشه می‌کنند اهدا می‌شود.

روبرت متسولا رئیس پارلمان اروپا نیز امروز همزمان با اعلام برنده این جایزه در استراسبورگ فرانسه طی سخنانی گفت: «ما روز ۱۶ سپتامبر، اولین سالگرد کشته شدن مهسا امینی در ایران را گرامی داشتیم. پارلمان اروپا مفتخر است که در کنار مردم شجاعی است که در ایران به مبارزه برای برابری، عزت و آزادی ادامه می‌دهند. ما در کنار کسانی هستیم که، حتی در زندان، به تلاش برای حفظ جنبش زن، زندگی و آزادی ادامه می‌دهند.» روبرتا متسولا افزود که «پارلمان اتحادیه اروپا با انتخاب مهسا امینی و مردم ایران به عنوان برندگان جایزه ساخاروف برای آزادی اندیشه در سال ۲۰۲۳ میلادی، مبارزاتشان را به یاد می‌آورد و همچنان به ادای احترام به همه کسانی که بهای داشتن آزادی را پرداختند، ادامه می‌دهد.»

رئیس پارلمان اروپا همچنین افزود که شعار «زنان، زندگی، آزادی» به فریادی برای همه کسانی تبدیل شده است که از برابری، کرامت و آزادی در ایران دفاع می‌کنند.

→ موارد ارتباط دارد. دو مورد از این ۷ مورد مربوط به مصاحبه من با بی‌بی‌سی و محکوم کردن حمله ترکیه به خاک کشور سوریه و نقض حاکمیت این کشور است! در حالی که بسیاری از رسانه‌های دیگر ایران هم حمله ترکیه به سوریه را محکوم کرده بودند اما چون پای محکومیت ما در میان است این محکومیت بدل به جرم شده است. به این دلیل بالاترین میزان جرم که یکسال حبس است به من داده شده است.»

صالح نیکبخت اما موضوع محکومیت و پرونده‌ای که علیه او تشکیل شده را فراتر از پرونده مهسا امینی و سیاست کلی در وزارت اطلاعات برای «خاموش کردن صدای وکلا» ارزیابی کرده و از تغییر برخوردهای وزارت اطلاعات با وکلا می‌گوید: «قبلا اغلب برخوردها محترمانه بود؛ وقتی استدلال می‌کردیم و توضیح می‌دادیم، آقایان قانع شده و تلاش می‌کردند مشورت و راهنمایی‌هایی به ما منتقل کنند. اما در ماه‌های اخیر، نحوه برخوردها و رفتارها با وکلا تغییر کرده است. مسئولان انگار تلاش می‌کنند صدای وکلا خاموش شود و صحبتی نکنند. اگر شما متن رای دادگاه مرا بخوانید متوجه می‌شوید چه رخداد عجیبی شکل گرفته است.»

این حقوقدان و استاد دانشگاه معتقد است عدم استقلال دستگاه قضایی و تضعیف وکلا ابعاد خسارت‌بار زیادی حتی در حوزه اقتصادی و تجارت خارجی ایران به همراه خواهد داشت. او توضیح داده که «اگر در آینده هم روابط ایران با کشورهای دیگر بهبود یابد و نیاز به مبادلات تجاری، صادرات، واردات و... وجود داشته باشد، فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران سایر کشورها زمانی حاضر به سرمایه‌گذاری و شراکت در ایران می‌شوند که نهادهای مستقل حقوقی و قضایی در ایران وجود داشته باشد. با یک چنین فشارهایی روی نهاد وکالت شک نکنید که هیچ شرکت خارجی، کارتل اقتصادی و سرمایه‌گذاری حاضر به ورود به ایران و سرمایه‌گذاری در کشورمان نخواهند بود.»

به گفته صالح نیکبخت «زمانی می‌توان دادگستری و دستگاه قضایی را مستقل محسوب کرد که دو طرف معادلات و مناقشات، وکیل داشته باشند، بحث و گفتگو و تبادل نظر داشته باشند و نهایتاً رای نهایی صادر شود و حقیقت نمایان شود. هیچ کشوری از کشف حقیقت هر اندازه هم که در ظاهر تلخ باشد ضرر نمی‌کند. فشار روی نهاد وکالت باعث زیر سوال رفتن عدالت در ایران می‌شود.» همانطور که صالح نیکبخت توضیح داده فشارهای امنیتی و تشکیل پرونده قضایی علیه او که شش ماه پس از قتل مهسا امینی آغاز شده، تنها مورد فشار بر وکلا در ماه‌های گذشته نبوده است.

بر اساس آمارهای اعلام شده از آغاز اعتراضات جنبش ملی و در فاصله هفته آخر شهریورماه ۱۴۰۱ تا پایان پاییز آن سال، دست کم ۴۴ وکیل دادگستری در ایران بازداشت شدند. اکثر وکلای بازداشت شده، پرونده معترضان و فعالان سیاسی و مدنی بازداشت شده را به عهده داشتند، و یا در اظهاراتی با معترضان ابراز همسویی و نسبت به سرکوب گسترده شهروندان اعتراض کرده بودند.

همچنین دست کم ۳ زن وکیل، مریم آروین، نرگس خرمی فرد و محبت مظفری، در ماه‌های پس از اعتراض‌ها به طرز مشکوکی جان باختند که هیچ تحقیق جنایی مستقلی درباره علت و چگونگی مرگ آنها انجام نگرفته است.

در ادامه تلاش جمهوری اسلامی برای محدود کردن وکلا و از بین بردن استقلال قوه قضاییه، مجلس شورای اسلامی نیز گرفتن حق صدور مجوز وکالت از کانون وکلا و سپردن آن به وزارت اقتصاد را مصوب کرد که با اعتراضات گسترده وکلا روبرو شده است.

سینمای مهاجر ایران در جشنواره لندن



صحنه‌ای از فیلم «سلولوئیدهای زیرزمینی»

لندن حضور داشت که البته نتوانست جایزه‌ای کسب کند. فیلم قبلی این کارگردان با عنوان «جوی» در سال ۲۰۱۸ میلادی در جشنواره لندن اکران شد و توانست جایزه بهترین فیلم را از آن خود سازد و اتریش را در اسکار نمایندگی کند. سودابه مرتضایی با مستند «در بازار سکس» شهرت یافت. مستندی که سیغه یا «عقد متعه» را به عنوان «در پشتی» ورود به منطقه‌ی ممنوعه‌ی برقراری رابطه‌ی جنسی بین زن و مرد در جمهوری اسلامی معرفی می‌کند.

«آبه‌های زمینی» با کارگردانی مشترک علی عسگری و علیرضا خاکی که در آخرین جشنواره کن در بخش «نوعی نگاه» برای اولین بار اکران شد هم یکی دیگر از فیلم‌هایی است که در جشنواره فیلم لندن امسال حضور داشت. اگرچه این فیلم در داخل ایران ساخته شده، ولی علی عسگری پس از بازگشت از جشنواره کن با مشکلات بسیاری از جمله ممنوع‌الخروجی و بازجویی‌های مکرر مواجه شد. این فیلم ۹ داستان از مواجهه روزانه‌ی شهروندان با مناسبات تمامیت‌خواه سینمایی نظام را روایت می‌کند. در این فیلم شهروند در مقابل کسانی قرار می‌گیرد، که اگرچه چهره آنها دیده نمی‌شود ولی بیانگر خواست‌های حکومتی هستند که می‌خواهد در هر زمینه از زندگی آنها دخالت کند. شهروندان ولی در مقابل اعمال خواست‌های نظام مقاومت می‌کنند. خلاصه، می‌توان این فیلم را روایت خیزش زن، زندگی، آزادی دانست.

شیرین نشاط سینماگر و هنرمند سرشناس ایرانی-آمریکایی هم با آخرین ویدئوآرت خود در جشنواره لندن حضور داشت. این ویدئو که «خشم» نام دارد دو پرده رو در روی هم، تنهایی و اسارت یک زن در دستان نیروهای امنیتی را روایت می‌کند. ویدیوئی سیاه و سفید که بخش‌هایی از آن از «جمهوری سالو» هنرمند شناخته شده ایتالیایی پیتر پائولو پازولینی الهام گرفته است.

دوستداران سینمای ایران در جشنواره فیلم لندن فرصت یافتند نسخه ترمیم شده یکی از بهترین فیلم‌های سینمای ایران، «غریبه و مه» از بهرام بیضایی را ببینند. «غریبه و مه» به قول خود بهرام بیضایی، پیشگویی انقلاب ۵۷ است: جایی که غریبه‌هایی غیرانسانی، وحشیانه حمله می‌کنند تا هر نوع تمدن و دستاورد بشری را از بین ببرند.

دخترکی که تا قبل از اینکه مقنعه و روسری و روپوش به تنش کنند، در دنیای خود مشغول رقص است و نمی‌فهمد چرا ناگهان باید محجبه ظاهر شود. اگرچه حجاب اجباری در این فیلم برای دخترکی ۸ ساله است، ولی به خوبی امتناع و انزجار دختران و زنان ایرانی از این پوشش اجباری و غیراختیاری را به بیننده غیرایرانی منتقل می‌کند. آزاده نوائی این فیلم کوتاه را که در آمریکا ساخته شده به مهسا امینی و زنان ایران تقدیم کرده است. کارهای قبلی این کارگردان که در سال ۲۰۰۹ میلادی به آمریکا مهاجرت کرده و با «تفلیکس» همکاری دارد نیز دیدنی هستند، از جمله «برده زرد». در بخش مسابقه فیلم‌های مستند «سلولوئیدهای زیرزمینی» ساخته احسان خوشبخت کارگردان ایرانی-بریتانیایی اکران شد. فیلمی که شخصیت جالبی چون احمد جورقانیان، فیلم‌باز معروف را که در تمامی سال‌های بعد از انقلاب نسخه‌های سی و پنج میلی‌متری و شانزده میلی‌متری فیلم‌ها را دور از چشم دولت جمع‌آوری و نگهداری می‌کرد به تصویر می‌کشد. احمد جورقانیان که به خاطر این آرشپو و ۵۰۰۰ فیلمش چندین بار هم بازداشت و برای مدت کوتاهی زندانی شد، در اردیبهشت ۱۳۹۲ در تهران درگذشت. این فیلم به تمام کارگردانان سال‌های قبل از انقلاب تقدیم شده است که انقلاب ۵۷ صدای آنها را حذف کرد.

«می‌نویسم» و «خابور» هم دو مستند کوتاه دیگر بودند که در جشنواره فیلم لندن اکران شدند. «می‌نویسم» فیلمی تجربی است که لیلی کهن‌دل به جشنواره فیلم لندن آورد. انیمیشنی که در آن کلمات به دنبال دنیایی بهتر هستند و در این راه تلاش دارند داستان‌هایی را روایت کنند که این آرزو را به واقعیت تبدیل کند. «خابور» نویسه فتح‌الله‌زاده با استفاده از عکس‌های قدیمی بیننده را به دیدن آنچه از «تل حلاف» باقی مانده است می‌برد. «تل حلاف» در کناره رود خابور، شهری است با قدمت ۸ هزار ساله در حومه راس‌العین در سوریه امروز، که در سال ۱۹۱۱ میلادی توسط باستان‌شناسان آلمانی کشف شد و حفاری آن هنوز ادامه دارد. این شهر زمانی بخشی از امپراتوری آشور بوده است. سودابه مرتضایی فیلمساز ایرانی-اتریشی با «اروپا» محصول مشترک اتریش و بریتانیا در بخش رقابتی جشنواره

● جشنواره لندن با نام «جشنواره‌ی جشنواره‌ها» شناخته می‌شود چون دستچینی از فیلم‌های مهم‌ترین جشنواره‌های اروپایی (کن، ونیز و برلین) را به بازدیدکنندگان ارائه می‌دهد. این جشنواره نیز امسال در حمایت از جنبش «زن، زندگی، آزادی» هیچ فیلمی را که در ایران با مجوز ساخته شده باشد در برنامه قرار نداد و در عوض میزبان فیلم‌های کارگردانان مهاجر ایرانی و با فیلم‌هایی بود که در جمهوری اسلامی مجوز اکران دریافت نکرده‌اند.

● «سلولوئیدهای زیرزمینی» ساخته احسان خوشبخت کارگردان ایرانی-بریتانیایی شخصیت احمد جورقانیان، فیلم‌باز معروف را به تصویر می‌کشد که در تمامی سال‌های بعد از انقلاب نسخه‌های سی و پنج میلی‌متری و شانزده میلی‌متری فیلم‌ها را دور از چشم دولت جمع‌آوری و نگهداری می‌کرد.

● «سلولوئیدهای زیرزمینی» ساخته - علاوه بر فیلم‌های جدید، دوستداران سینمای ایران در جشنواره فیلم لندن فرصت یافتند نسخه ترمیم شده یکی از بهترین فیلم‌های سینمای ایران، «غریبه و مه» از بهرام بیضایی را ببینند. «غریبه و مه» به قول خود بهرام بیضایی، پیشگویی انقلاب ۵۷ است: جایی که غریبه‌هایی غیرانسانی، وحشیانه حمله می‌کنند تا هر نوع تمدن و دستاورد بشری را از بین ببرند.

احمد رأفت - جشنواره فیلم لندن که توسط انستیتو فیلم بریتانیا برگزار می‌شود، مهم‌ترین جشنواره سینمایی این کشور است که امسال از ۴ تا ۱۴ اکتبر (۱۲ تا ۲۲ مهر) برای شصت و هفتمین بار برگزار شد. این جشنواره با نام «جشنواره‌ی جشنواره‌ها» شناخته می‌شود چون دستچینی از فیلم‌های مهم‌ترین جشنواره‌های اروپایی (کن، ونیز و برلین) را به بازدیدکنندگان ارائه می‌دهد.

جشنواره فیلم لندن نیز در پیامد حرکت اعتراضی «زن، زندگی، آزادی» امسال هیچ فیلمی را که در ایران با مجوز ساخته شده باشد در برنامه قرار نداد و در عوض میزبان فیلم‌های کارگردانان مهاجر ایرانی و با فیلم‌هایی بود که در جمهوری اسلامی مجوز اکران دریافت نکرده‌اند.

«پائیز شیدا» بدون شک مهم‌ترین فیلم یک کارگردان ایرانی‌تبار است که در جشنواره فیلم لندن به نمایش درآمد. این فیلم را نورا نیاسری کارگردان جوان ایرانی-استرالیایی ساخته و نقش اصلی آن را زر امیرابراهیمی ایفا می‌کند. «پائیز شیدا» با الهام از داستان زندگی خود فیلمساز به عنوان یک کودک در دهه نود میلادی ساخته شده و داستان زنی است که با کودک خردسالش از خشونت خانگی و شوهری خشن گریخته و در یک مرکز امن نگهداری از زنان قربانی خشونت زندگی می‌کند.

زر امیرابراهیمی در این فیلم یکی از بهترین بازی‌هایش را ارائه می‌دهد. کارگردان نیز تلاش کرده و تا حد زیادی نیز موفق شده است احساسی و شعاری با مسئله خشونت خانوادگی برخورد نکند و بیشتر روی رابطه این کودک خردسال با مادر و پدرش تمرکز داشته باشد.

فیلم کوتاه «ریزو» ساخته آزاده نوایی نیز با زبان تصویری ساده‌ای قدم به دنیای یک دختر ۸ ساله می‌گذارد که مادرش او را به مغازه‌ای برده تا برای جشن تکلیف اجباری مدرسه که جمهوری اسلامی آن را مانند برخی مراسم مذهبی و ایدئولوژیک حکومتی دیگر باب کرده است، برایش مقنعه، روسری و روپوش تهیه کند.

لایحه حجاب و عفاف در شورای نگهبان رد می‌شود؟



● در گزارش «اعتماد» آمده که فارغ از موضع‌گیری سیاسی و جناحی نسبت به این لایحه یا رویکردهای مختلف ایدئولوژیک در قبال مسئله حجاب، این لایحه دارای ایرادات شکلی بررسی و تضاد آن با قوانین است.

● «اعتماد» به تصویب لایحه بر مبنای اصل ۸۵ قانون اساسی پرداخته و نوشته که در متن قانون اساسی آمده که «در موارد ضروری» مجلس اختیار استفاده از این موضوع را دارد.

لایحه حجاب و عفاف در حالی برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شده که برخی معتقدند این لایحه جدا از برداشتهای ایدئولوژیک درباره حجاب و عفاف، دارای ایرادات قانونی است و شورای نگهبان باید آن را به مجلس بازگرداند. یک هفته پس از آنکه سخنگوی شورای نگهبان گفته بود شورای نگهبان در بررسی لایحه حجاب و عفاف از هیچ ایرادی چه از نظر قانون اساسی و چه از نظر شرعی چشم‌پوشی نمی‌کند، روزنامه «اعتماد» در گزارشی با اشاره به ایرادات قانونی این لایحه، دلایل رد و بازگرداندن شدن لایحه به مجلس شورای اسلامی را بر شمرده است.

هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان هفته گذشته در نشست خبری عنوان کرد که «مصوبه مجلس درباره لایحه عفاف و حجاب الان در نوبت بررسی در شورای نگهبان است و بعد از اتمام بررسی‌ها، نتیجه آن را اعلام خواهیم کرد.»

سخنگوی شورای نگهبان تأکید کرده بود که «بر اساس قانون اساسی، تفاوتی بین مصوباتی که در صحن مجلس به تصویب می‌رسد و مصوباتی مانند لایحه عفاف و حجاب که بر اساس ترتیبات اصل ۸۵ (بررسی در کمیسیون به جای صحن مجلس) بررسی و تصویب می‌شود، وجود ندارد و هر دو باید در شورای نگهبان بررسی شود. این موضوع موافقان و مخالفان زیادی دارد و در این مدت در شورای نگهبان و پژوهشکده این شورا سعی کردیم جلسات متعددی را با کسانی که درباره این لایحه نکاتی داشتند، برگزار کنیم تا ابعاد موضوع برای ما روشن شود.» روزنامه «اعتماد» در شماره امروز شنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۲ در مطلبی با عنوان «چرا شورای نگهبان باید لایحه حجاب را رد کند؟» موارد قانونی نقض شده در لایحه حجاب عفاف را مورد بررسی قرار داده و با استناد به سخنان هادی طحان نظیف نوشته که انتظار می‌رود شورای نگهبان همانطور که سخنگوی آن نیز تأکید کرده «نکات کارشناسان را بررسی کند» و «همانند هر طرح و لایحه دیگری از هیچ ایرادی در مصوبات چشم‌پوشی نکند.»

در این گزارش آمده که فارغ از موضع‌گیری سیاسی و جناحی نسبت به این لایحه یا رویکردهای مختلف ایدئولوژیک در قبال مسئله حجاب، این لایحه دارای ایرادات شکلی بررسی و تضاد آن با قوانین است. همچنین با اشاره به تغییرات زیادی که کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در لایحه حجاب و عفاف ایجاد کرده بود از جمله افزایش مواد آن از ۱۵ ماده به ۷۲ ماده، آمده که «تشدید مجازات‌ها و درج موارد جدید با واکنش‌های زیادی مواجه شد، اما مساله‌ای که پیش از نگاه محتوایی در این باره مورد توجه است، حرکت فراقانونی کمیسیون قضایی و حقوقی در افزایش مواد این لایحه بود و «تغییرات قابل توجه کمی» نخستین ایراد شکلی قانونی در بررسی این لایحه در مجلس یازدهم و کمیسیون قضایی و حقوقی، آن است که از اساس لایحه را از حیز انتفاع ساقط و لایحه دولت و قوه قضاییه را به طرح تبدیل کرده است.» این گزارش تأکید کرده که بر اساس نرْم قانونگذاری، عرف

برای بازگرداندن مصوبه به مجلس مورد استناد قرار بگیرد. این گزارش افزوده که مسئله بار مالی در رابطه با تلفیق اصل ۸۵ و اصل ۷۵ نیز در لایحه حجاب و عفاف تخلف محرز روی داده است. شورای نگهبان در تفسیر اصل ۸۵ تأکید دارد که چنانچه تصویب چنین قانونی موجب تحمیل بار مالی بر کشور شود، مطرح کردن آن طرح در کمیسیون‌ها خلاف اصل ضرورت است. این تفسیر به روشنی نشان می‌دهد که علاوه بر ایرادات جدی لایحه مذکور در مورد بار مالی که تناقض جدی با اصل ۷۵ قانون اساسی دارد، شیوه تصویب طرح عفاف و حجاب برخلاف تفسیر شورای نگهبان از اصل ۸۵ قانون اساسی است و شورای نگهبان از هر طرف که این مصوبه را از نظر شکلی بررسی کند با تناقضات جدی شکلی موضوع با اصول قانون اساسی مواجه خواهد شد. تناقضاتی که تنها راه قانونی مقابل این مصوبه را بازگشت به مجلس قرار می‌دهد. گزارش روزنامه «اعتماد» با برشمردن موارد نقض قانونی در شیوه بررسی و تصویب لایحه حجاب و عفاف، این لایحه را نیازمند رد توسط شورای نگهبان و بازگرداندن به مجلس شورای اسلامی دانسته است. اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد اراده‌ای بالاتر از اراده نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا همه اعضای شورای نگهبان برای تصویب و اجرایی شدن این لایحه، روند آن را پیش می‌برد.

در زمان بررسی لایحه در مجلس شورای اسلامی نیز بسیاری از نمایندگان در نطق‌هایی در صحن علنی و همچنین گفتگو با رسانه‌های داخلی ایرادات قانونی بررسی و تصویب لایحه را برشمردند و رویکرد مجازات محور این لایحه در برابر موضوع حجاب را سبب تشدید فاصله میان مردم و حکومت ارزیابی کردند. با اینهمه لایحه توسط چند عضو کمیسیون قضایی و حقوقی، و با حمایت سردار پاسدار محمد قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، تصویب و به شورای نگهبان ارسال شد. از سوی دیگر محورهای اساسی لایحه حجاب و نگاه تدوین‌کنندگان آن در برابر «بی‌حجابی» نیز از مدتها پیش در سطح جامعه و مدارس و دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی در حال پیگیری و اجرا است. صدور بخشنامه‌ها و دستور العمل‌هایی با موضوع حجاب و پوشش و تفکیک جنسیتی از مدتها پیش در دانشگاه‌ها و سازمان‌های مختلف ابلاغ می‌شود.

روند قانون‌نویسی و البته ضوابط مستخرج از اصول مختلف قانون اساسی و نظریات شورای نگهبان و قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، مجلس شورای اسلامی مجاز به تغییر لوائح دولت و افزایش میزان و حجم آن تا سقف ۵ درصد است. با این استدلال آنچه در مورد لایحه حجاب و عفاف در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس صورت گرفته و البته در صحن علنی مجلس نیز تصویب شده، تغییرات این لایحه توسط مجلس ۱۰۰ برابر نرم معمول و قانونی است.

روزنامه «اعتماد» در بخش دیگری از این گزارش به تصویب لایحه «عفاف و حجاب» بر مبنای اصل ۸۵ قانون اساسی و پذیرش آن از سوی اکثریت اعضای مجلس شورای اسلامی پرداخته و نوشته که در متن قانون اساسی قید شده است که «در موارد ضروری» مجلس اختیار استفاده از این موضوع را دارد، اما این موارد ضروری چه دایره‌ای دارند و از اساس بر چه مبنایی مساله ضرورت برای مجلس محرز می‌شود؟

حسین بیات حقوقدان و عضو هیئت‌مدیره انجمن علمی حقوق اساسی ایران در اینباره گفته که «در اصول دیگری از قانون اساسی نیز از عبارت اضطرار و ضرورت استفاده شده است. مثلاً در اصل ۷۹ که درباره حکومت نظامی است از شرایط اضطراری سخن گفته است. در اصول دیگری نیز از این واژه استفاده شده است. شرایط اضطراری را قانون اساسی تعریف نکرده است. اصل ۸۵ نیز مشخص نکرده است که موارد ضروری که بر اساس آن مجلس می‌تواند قانونگذاری را به کمیسیون‌های داخلی تفویض کند، چیست.»

این حقوقدان در ادامه افزوده که اصل ۸۵ قانون اساسی ناقض دموکراسی و فرآیند قانونگذاری شفاف و پاسخگو در قوه مقننه نیست. اما باید این اصل را به موارد ضروری و شرایط استثنایی و خاص محدود کرد.»

منتقدان بررسی لایحه حجاب و عفاف بر مبنای اصل ۸۵ قانون اساسی معتقدند این عمل به معنی آن است که مردم در جریان مباحث مهم مرتبط با زندگی‌شان قرار نمی‌گیرند. تأکید متن اصل قانون اساسی بر «ضرورت» با اصل ۸۵ شدن لایحه حجاب و عفاف در تضاد است به این معنی که هیچ ضرورتی برای بررسی غیرعلنی این لایحه و ارسال آن به کمیسیون قضایی و حقوقی وجود نداشت و همین استدلال می‌تواند

هشدار جمهوری اسلامی به اسرائیل از طریق سازمان ملل: در صورت ادامه عملیات در غزه، در جنگ مداخله می‌کنیم

● دو منبع دیپلماتیک به آکسیوس گفته‌اند ایران از طریق سازمان ملل به اسرائیل پیام داده که خواهان تشدید بیشتر جنگ میان حماس و اسرائیل نیست، اما در صورت ادامه عملیات اسرائیل در غزه در این جنگ دخالت خواهد کرد.

● حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در بیروت با تور ونسلند فرستاده سازمان ملل در خاورمیانه دیدار کرد. ونسلند از امیرعبداللهیان خواست کمک کند تا از سرایت درگیری در غزه و اسرائیل به سایر مناطق خاورمیانه جلوگیری کند.

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفته می‌خواهد برای آزادی غیرنظامیانی که توسط حماس در غزه گروگان گرفته شده‌اند، کمک کند.

● گیلعاد اردان سفير اسرائیل در سازمان ملل در واکنش به دیدار هماهنگ‌کننده ویژه سازمان ملل در امور خاورمیانه با حسین امیرعبداللهیان خطاب به او در توییتی نوشت: «فراموش نکنید پس از دست دادن با او، خون نوزادان اسرائیلی را از دستانتان بشوید».

در شرایطی که ارتش اسرائیل آماده انجام عملیات زمینی در نوار غزه علیه تروریست‌های حماس است، پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد جمهوری اسلامی از طریق سازمان ملل به اسرائیل پیام داده است که در صورت ادامه حملات به غزه، در جنگ مداخله خواهد کرد.

دو منبع دیپلماتیک به آکسیوس گفته‌اند ایران روز شنبه ۱۴ اکتبر (۲۲ مهرماه) به اسرائیل پیام داده که خواهان تشدید بیشتر جنگ حماس و اسرائیل نیست، اما در صورت ادامه عملیات اسرائیل در غزه در این جنگ دخالت خواهد کرد.

این پایگاه خبری نوشت اگر جمهوری اسلامی مستقیم یا غیرمستقیم درگیر این جنگ شود، نبرد بین حماس و اسرائیل به یک جنگ منطقه‌ای تبدیل می‌شود، به عنوان مثال از طریق یک گروه شبه‌نظامی در سوریه یا با حمایت از حزب‌الله برای پیوستن کامل به جنگ.

جمهوری اسلامی در شرایطی از طریق سازمان ملل به اسرائیل پیام فرستاده که دولت بایدن در تلاش است تا ایران و حزب‌الله را از پیوستن به جنگ باز دارد. این هفته، ایالات متحده یک ناوگروه رزمی را به منطقه اعزام کرد.

حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز شنبه در بیروت با تور ونسلند فرستاده سازمان ملل در خاورمیانه دیدار کرد. ونسلند از امیرعبداللهیان خواست کمک کند تا از سرایت درگیری در غزه و اسرائیل به سایر مناطق خاورمیانه جلوگیری کند.

رافائل گروسی: نباید در رابطه با اتمی شدن ایران مثل کره شمالی شکست بخوریم



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی / عکس: رویترز

جلوگیری از وقوع این مشکل به کار بگیریم و باید در اینباره بحث کنیم که در موضوع ایران چه اتفاقی در حال روی دادن است و چه کاری می‌توان انجام داد تا از تبدیل ایران به کشوری که دارای توانایی‌هایی است که می‌تواند با آنها به تولید سلاح هسته‌ای اقدام کند، جلوگیری کنیم. به ویژه آنکه پیش از این شاهد شکست این موضوع در کره شمالی بودیم.» گروسی این حرف را دو سال پیش نیز تکرار کرده بود اما دولت‌های غربی با اتکاء به «راه حل دیپلماتیک» در متوقف کردن تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی در سیاست‌های خود ناکام ماندند. بر اساس آخرین گزارش سه‌ماهه آژانس، جمهوری اسلامی اکنون به اندازه کافی اورانیوم غنی‌شده با غلظت ۶۰ درصدی برای ساخت سه سلاح اتمی در اختیار دارد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین در گفتگو با ایران بر سر موضوعاتی از جمله شناسایی منشاء ذرات اورانیوم یافت شده در دو سایت اعلام‌نشده، نصب مجدد تجهیزات نظارتی حذف‌شده و لغو مجوز برخی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به بن‌بست رسیده است.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران اظهارات رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را «بازی در زمین صهیونیست‌ها» خوانده است. این در حالیست که جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر اقدام به اخراج شماری از بازرسان آژانس کرده است. محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی گفته بود اینکه بازرسان آژانس دوباره بیایند از داخل مکان‌های هسته‌ای «اطلاعات دریاورند» و فشار ایجاد کنند جریان‌سازی و رفتار سیاسی است.

برخی تحلیلگران معتقدند جنگ گروه تروریستی حماس علیه اسرائیل و افزایش تنش‌ها در خاورمیانه، جمهوری اسلامی را در دستیابی به تسلیحات اتمی راسخ‌تر می‌کند. چهره‌های برجسته سیاسی در آمریکا از جمله جمهوریخواهان و مخالفان رژیم جمهوری اسلامی دولت بایدن را متهم می‌کنند که با سرازیر کردن پول‌های بلوکه شده به جیب آیت‌الله‌ها و با نادیده گرفتن تحریم‌های جمهوری اسلامی به تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی و هسته‌ای و همچنین سرکوب مردم ایران کمک کرده است.

● خبرگزاری رویترز گزارش داده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از زمانی که کره شمالی بازرسان این نهاد را در سال ۲۰۰۹ اخراج کرد، به تأسیسات اتمی این کشور دسترسی مستقیم ندارد و پیشرفت‌های هسته‌ای پیونگ‌یانگ را از راه دور از جمله از طریق تصاویر ماهواره‌ای رصد می‌کند. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کنفرانس سالانه کنترل تسلیحات وزارت خارجه آمریکا در پیامی ضبط شده با اشاره به شکست جامعه بین‌المللی در مقابله با اتمی شدن کره شمالی هشدار داد ما باید تمام توان خود را برای جلوگیری از تکرار این مشکل در مورد ایران به کار بگیریم.

● خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران اظهارات رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را «بازی در زمین صهیونیست‌ها» خوانده است.

رافائل گروسی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هشدار داده که جهان نباید در ارتباط با برنامه اتمی جمهوری اسلامی ایران نیز مانند کره شمالی، که بازرسان آژانس را اخراج و سلاح هسته‌ای تولید کرد، شکست بخورد.

خبرگزاری رویترز سه‌شنبه ۱۷ اکتبر (۲۵ مهرماه) گزارش داد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از زمانی که کره شمالی بازرسان این نهاد را در سال ۲۰۰۹ اخراج کرد، به تأسیسات اتمی این کشور دسترسی مستقیم ندارد و پیشرفت‌های هسته‌ای پیونگ‌یانگ را از راه دور از جمله از طریق تصاویر ماهواره‌ای رصد می‌کند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دسترسی منظم به تأسیسات هسته‌ای در ایران را دارد اما از آنجا که «برجام» طی پنج سال گذشته فرسوده شده است، تجهیزات نظارتی اضافه‌شده تحت این توافق به دستور رژیم ایران برچیده شده و آژانس دیگر نمی‌تواند بازرسی‌های فوری را در سایت‌های اعلام‌نشده انجام دهد.

رافائل گروسی در کنفرانس سالانه کنترل تسلیحات وزارت خارجه آمریکا در پیامی ضبط شده گفت: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چشم و گوش جامعه بین‌المللی در ایران است و به شدت نگران برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی هستیم.» وی در این پیام تأکید کرد، «ما باید تمام توان خود را برای

حمله پهپادی به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد در عراق همزمان با ادامه جنگ حماس و اسرائیل



پایگاه هوایی عین‌الاسد محل استقرار شماری از یگان‌های ارتش آمریکا در عراق

آلمانی را به مکان امن منتقل کردند. ویدئوها و تصاویری که از این رویداد منتشر شده نشان می‌دهد هیأت دیپلماتیک آلمان در حالی که صدای ممتد آژیر به گوش می‌رسد به سرعت هواپیما را ترک می‌کنند و با کمی فاصله روی زمین دراز می‌کشند.

حمله به پایگاه عین‌الاسد در حالیکه علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی گفت «آنطوری که اطلاعات متعدد به ما می‌گوید، سیاست جاری این روزها، یعنی همین هفته‌ی اخیر داخل رژیم صهیونیستی را آمریکایی‌ها دارند تنظیم می‌کنند؛ یعنی سیاست‌گذار، آنها هستند و این کارهایی که دارد انجام می‌گیرد سیاست آمریکایی‌ها است. آمریکایی‌ها مسئولیت خودشان را مورد توجّه قرار بدهند؛ مسئولند.» شبیه همین حرف‌ها را علی سیستانی مرجع تقلید شیعه عراقی نیز بیان داشت.

قابل توجه اینکه پیش از آن، حسین امیرعبداللهیان ضمن تهدید اسرائیل به «اقدام پیشدستانه» از حمله به یک بیمارستان صحبت کرد! امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در یک مصاحبه زنده تلویزیونی روز دوشنبه ۲۴ مهرماه با این ادعا که اسرائیل در غزه از بمب‌های فسفوری استفاده کرده، مدعی شد که «همین الان بیمارستان تخصصی کودکان غزه با بمب‌های فسفوری مورد هدف قرار گرفت و تمام کودکانی که در بیمارستان بستری بودند به شهادت رسیدند!» وی سپس این کشور را تهدید به «اقدام پیشدستانه» کرد و با ابراز تمایل تلویحی نسبت به ورود مستقیم در جنگ گفت «اگر امروز از غزه دفاع نکنیم فردا باید در شهرهای خودمان با این بمب‌ها مقابله کنیم!»

اینهمه در حالیکه با ادامه جنگ میان حماس و اسرائیل پرواز هواپیماهای شناسایی و پشتیبانی آمریکا و بریتانیا در منطقه افزایش پیدا کرده است. هرچند به نظر می‌رسد فشارهای بین‌المللی باعث شده تا ارتش اسرائیل فعلاً وارد غزه نشود اما جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان وفادار به تهران به شدت فعالیت‌های تحریک‌آمیز خود را افزایش داده‌اند.

● مقامات آمریکایی در گفتگو با رویترز در حالی از بیان اینکه چه کسی مظنون به حمله به بیمارستان غزه است خودداری کرده‌اند که اسرائیل انفجار در بیمارستان «الاهلی» را ناشی از پرتاب نافرجام موشک توسط گروه «جهاد اسلامی» فلسطین اعلام کرده و عکس‌ها و ویدئوهایی را نیز در همین ارتباط منتشر کرده است اما «جهاد اسلامی» مسئولیت آن را که جزو جنایات جنگی به شمار می‌رود رد می‌کند.

● با ادامه جنگ میان اسرائیل و حماس، نیروهای آمریکایی در منطقه به دلیل افزایش تهدیدات از سوی گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در حالت آماده‌باش قرار دارند.

● گفته شده جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا برای اعلام حمایت از اسرائیل قصد سفر به تل‌آویو را دارد.

● ساعاتی پیش از حمله پهپادی به پایگاه عین‌الاسد علی‌خامنه‌ای در یک سخنرانی گفت «آنطوری که اطلاعات متعدد به ما می‌گوید، سیاست جاری این روزها، یعنی همین هفته‌ی اخیر داخل رژیم صهیونیستی را آمریکایی‌ها دارند تنظیم می‌کنند؛ یعنی سیاست‌گذار، آنها هستند و این کارهایی که دارد انجام می‌گیرد سیاست آمریکایی‌ها است.»

دو مقام آمریکایی به رویترز گفتند که ارتش ایالات متحده مستقر در عراق بامداد چهارشنبه ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) حمله پهپادی به پایگاه عین‌الاسد را خنثی کرد.

این مقامات که نخواستند نامشان فاش شود، از بیان اینکه چه کسی مظنون به این حمله است خودداری کردند، اما این حمله در شرایطی صورت گرفته که با ادامه جنگ میان اسرائیل و حماس، نیروهای آمریکایی در منطقه به دلیل افزایش تهدیدات از سوی گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در حالت آماده‌باش قرار دارند.

به گفته همین مقامات، پهپادهای انتحاری که تعداد آنها دو فرزند بود پیش از اصابت به پایگاه عین‌الاسد رهگیری و منهدم شدند.

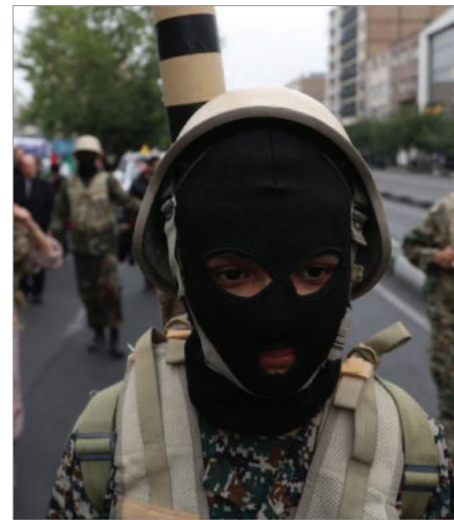
این حمله پس از آن اتفاق افتاد که پس از اصابت موشک به یک بیمارستان در غزه صدها نفر کشته و زخمی شدند. حماس ادعا کرد که اسرائیل این بیمارستان را هدف قرار داده است اما ساعاتی پس از آن ارتش اسرائیل ویدئوهایی را منتشر کرد که نشان می‌دهند یکی از راکت‌ها که از غزه شلیک شد روی این بیمارستان فرود آمد.

اسرائیل انفجار در بیمارستان «الاهلی» را ناشی از پرتاب نافرجام موشک توسط گروه «جهاد اسلامی» فلسطین اعلام کرده و عکس‌ها و ویدئوهایی را نیز در همین ارتباط منتشر کرده است اما «جهاد اسلامی» مسئولیت آن را که جزو جنایات جنگی به شمار می‌رود رد می‌کند.

در این میان، جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا برای اعلام حمایت از اسرائیل قصد سفر به تل‌آویو را دارد. رویترز می‌نویسد این حملات نشان داد که سفر بایدن به منطقه تا چه اندازه خطرناک است.

در همین ارتباط اولاف شولتز صدراعظم آلمان که سه‌شنبه شب ۲۵ مهرماه قصد ترک اسرائیل را داشت، پس از اعلام وضعیت قرمز (هشدار موشکی) مجبور به ترک هواپیمای خود شد. تیم اسکورت و تأمین به سرعت وی و دیپلمات‌های

وزیر خارجه جمهوری اسلامی پاسخ داد که ایران نمی‌خواهد درگیری میان حماس و حزب‌الله به یک جنگ منطقه‌ای تبدیل شود و می‌خواهد برای آزادی غیرنظامیانی که توسط حماس در غزه گروگان گرفته شده‌اند، کمک کند. وی همچنین تأکید کرد که ایران برای خود خطوط قرمز دارد. به گفته این منابع، اگر عملیات نظامی اسرائیل ادامه پیدا کند و به ویژه اگر اسرائیل به وعده خود مبنی بر حمله زمینی به غزه عمل کند جمهوری اسلامی مداخله خواهد کرد.



یک نیروی بسیج در راهپیمایی حکومتی حمایت از فلسطین در تهران / رویترز ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳

کرد. به گفته این منابع، ونسلند این پیام را به تزاچی هانگی مشاور امنیت ملی اسرائیل و دیگر مقامات اسرائیل رسانده است.

دفتر ونزلند تأیید کرد که او روز شنبه با امیرعبداللهیان دیدار کرده و گفت که آنها درباره «تلاش‌های دیپلماتیک برای آزادی گروگان‌ها، کاهش تنش و جلوگیری از سرایت درگیری به سایر نقاط منطقه» گفتگو کردند.

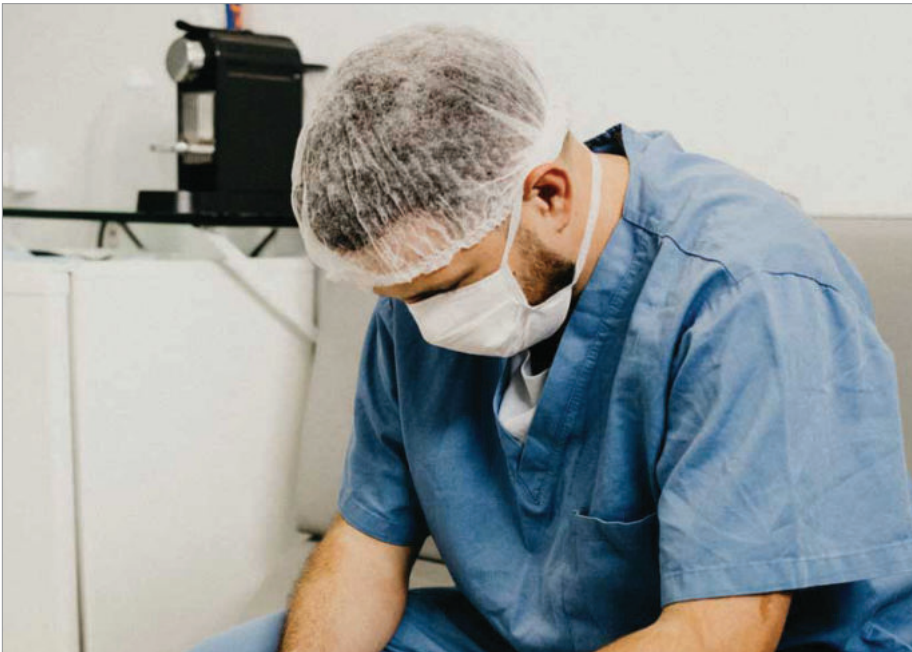
دفتر نخست‌وزیر اسرائیل از اظهار نظر در این باره خودداری کرد. وزارت خارجه ایران بلافاصله به درخواست برای اظهار نظر پاسخ نداد.

امیرعبداللهیان در دیدار با حسن نصرالله گفته بود «اگر حملات متوقف نشود احتمال گشوند جبهه‌های جدید علیه اسرائیل وجود دارد. وی همچنین تهدید کرده بود «هر قدمی که مقاومت بردارد، زلزله‌ای بزرگ برای اسرائیل ایجاد می‌کند.»

گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل در واکنش به دیدار هماهنگ‌کننده ویژه سازمان ملل در امور خاورمیانه با حسین امیرعبداللهیان خطاب به او در توییتی نوشت: «فراموش نکنید پس از دست دادن با او، خون نوزادان اسرائیلی را از دستانتان بشوید.»

همچنین حساب دفتر نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد در پستی در شبکه اجتماعی «X» نوشت اگر حملات اسرائیل «فوراً متوقف نشود، وضعیت ممکن است از کنترل خارج شود و عواقب گسترده‌ای داشته باشد.» اسرائیل پس از حمله شنبه گذشته حماس به اسرائیل به بیمارانش شدید نوار غزه ادامه داده است. خشونت همچنین در امتداد مرز اسرائیل و لبنان و در کرانه باختری اشغالی افزایش یافته است. تاکنون بیش از ۱۳۰۰ اسرائیلی و ۲۲۰۰ فلسطینی کشته شده‌اند.

آمار جدید از مهاجرت پزشکان از ایران سالانه ۱۰ هزار کادر پزشکی کشور را ترک می‌کنند



● یک استاد دانشگاه با ارائه آمار ۱۰ هزار نفری از مهاجرت سالانه کادر پزشکی گفته «عدد و رقم‌های مهاجرت وحشتناک است و هر هفته که سراغ یکی از همکاران را می‌گیریم می‌فهمیم مهاجرت کرده است.

● «برای پزشکان پیامک ارسال می‌شود که اگر ۵۵ سال به بالا نداشته باشید به راحتی در آلمان پذیرش می‌شوید.»
● اشکالات و محدودیت‌هایی قانونی، تعرفه‌های درآمدی، و کاهش امید به آینده بخش درمان از دلائل مطرح شده از سوی این متخصص درباره افزایش انگیزه مهاجرت پزشکان است.

در ادامه موج مهاجرت نیروی انسانی از ایران، یک پزشک و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی با ارائه آمار جدیدی از مهاجرت سالانه ۱۰ هزار کادر پزشکی از کشور خبر داده است.

عوض حیدرپور متخصص بیهوشی و استاد دانشگاه در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» با ارائه آمار ۱۰ هزار نفری از مهاجرت کادر پزشکی از کشور در هر سال گفته «عدد و رقم‌های مهاجرت وحشتناک است، ما هر هفته که سراغ یکی از همکاران را می‌گیریم با خبر می‌شویم مهاجرت کرده است.»

این نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی گفته که «برای پزشکان پیامک ارسال می‌شود که اگر ۵۵ سال به بالا نداشته باشید به راحتی در آلمان پذیرش می‌شوید، پزشکی که ۵۵ سال سن داشته باشد تقریباً ۲۰ سال تجربه کار دارد، آن وقت با مهاجرت آن‌ها یک تجربه این چنینی به راحتی گیر کشورهای دیگر می‌افتد.»

عوض حیدرپور با اعلام اینکه «بهترین نیروهای پیراپزشکی» با موج پزشکان دارند از کشور مهاجرت می‌کنند، افزوده است: «اگر جای وزیر بهداشت بودم و هر روز این تعداد پزشک مهاجرت می‌کرد استعفا می‌دادم. این دلیل را برای استعفا مطرح می‌کردم که شرایطی فراهم است که من نمی‌توانم استادان را در دانشگاه نگه دارم، حالا آقایان هرطور هست می‌خواهند پست و صندلی‌شان را نگه دارند.»

به گفته این استاد دانشگاه بخشی از دلایل مهاجرت پزشکان اشکالات و محدودیت‌هایی قانونی است. او گفته «ما قانونی به نام هیئت علمی تمام وقت جغرافیایی داریم، این قانون یعنی اینکه اگر کسی استاد دانشگاه شد از صبح تا آخر وقت باید در اختیار دانشگاه باشد و حق ندارد مطب داشته باشد یا این که خارج از مرکزی که در آنجا استخدام شده است کار کند، حتی بعضی مواقع آن قدر سختگیری می‌کنند که اجازه نمی‌دهند این پزشکان به دیگران نظر مشورتی بدهند؛ نمی‌شود به یک استاد دانشگاه گفت شما سی الی چهل سال حق نداری مطب داشته باشی.»

بخش دیگری از مشکلات پزشکان از دید عوض حیدرپور به تعرفه‌های درآمدی آنها بر می‌گردد: «بعضی مواقع پزشکان درخصوص دستمزدها استدلال می‌کنند که ما تکریم نمی‌شویم و به ما بی احترامی می‌شود، مثلاً حق ویزیت یک پزشک متخصص در مطب کمتر از تکنسینی است که برای تعمیر آبگرمکن به خانه فردی می‌رود، پزشکان در این وضعیت احساس می‌کنند مورد بی‌حرمتی قرار گرفته‌اند.»
«کاهش امید به آینده بخش درمان» از دیگر دلائل مطرح

رضا لاری‌پور سخنگوی سازمان نظام پزشکی ایران هم دوازدهم شهریورماه اظهار داشته بود که «مهاجرت جامعه پزشکی» نسبت به سال‌های قبل از کرونا «افزایش دو برابری» داشته و ایران اکنون به ۵ قاره جهان پزشک «صادر» می‌کند.

روزنامه «هم‌میهن» در شماره چهارم مهرماه در گزارشی به کشیده شدن موج مهاجرت از کشور که به استادان دانشگاه و مدیران حوزه بهداشت رسیده پرداخته است.

بر اساس این گزارش در موج برکناری اساتید باسابقه دانشگاه، استادان دانشگاه‌های علوم پزشکی هم در امان نمانده و برخی از آنها با وجود داشتن سابق علمی قابل توجه در کشور یا با بازنشستگی‌های اجباری مواجه‌اند یا فضا برای ماندن‌شان مهیا نیست. از سوی دیگر مدیران برخی حوزه‌های پزشکی هم ماندن را به رفتن ترجیح داده‌اند.

این گزارش برای نمونه تأکید کرده که از مدیر اداره سلامت وزارت بهداشت تا مدیر گروه اپیدمیولوژی، مدیر مرکز کارآزمایی بالینی و مدیران مرکز تحقیق اعتبار در برخی دانشگاه‌های علوم پزشکی از ایران مهاجرت کرده‌اند.

بخش دیگری از این گزارش تأکید کرده که حمید سوری رئیس پیشین کمیته کشوری اپیدمیولوژی کووید ۱۹ و عضو پیشین هیئت علمی گروه اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی» نیز پس از ماه‌ها خانه‌نشینی، در نهایت مهاجرت کرده است.

محمد رئیس‌زاده رئیس کل سازمان نظام پزشکی نیز امرداد امسال با هشدار نسبت به مهاجرت جامعه پزشکی گفته بود که اُفت آموزش، نقش بزرگی در انهدام احترام به جامعه پزشکی داشت و بی‌شک یکی از دلایل این موج گسترده مهاجرت پزشکان در همین دو مورد، یعنی احترام اجتماعی و وضع اقتصادی، خلاصه می‌شود.

حسین آخانی یکی دیگر از اساتید دانشگاه تهران نیز به تازگی از مهاجرت ۵۰ عضو هیئت علمی در دانشگاه

شده از سوی این متخصص درباره مهاجرت پزشکان است. او به ادعاهای دولت درباره تولید دارو و واقعیت موجود اشاره کرده و می‌گوید: «چند روز قبل رئیس جمهور مجدد اعلام کرد که ۹۵ درصد از داروهای مورد نیاز کشور، در داخل ساخته می‌شود، به‌نظر ایشان با مفهوم ساخت دارو آشنا نیست، ما پودر داروها را در بشکه‌های ۱۰۰ کیلویی یا ۵۰ کیلویی وارد کشور می‌کنیم، بعد این‌جا آن را فرموله می‌کنیم، یعنی با آب و مواد نگهدارنده ترکیب می‌کنیم، به قرص که تبدیل شد بسته‌بندی می‌کنیم و می‌فروشیم، حا آیا ادعای این چنینی درست است؟»

او همچنین خطاب به وزیر بهداشت گفته که «وزیر بهداشت مدتی قبل گفت که کودکان زیر ۷ سال باید رایگان درمان شوند، آقای وزیر شما که این حرف را به صورت تبلیغاتی می‌گویید اگر فردا روزی یک کودک به دلیل نداشتن پول درمان نشد چه؟ این شکلی اعتمادسازی می‌کنیم؟ نکته مهم در این سخنان این است که مردم و جامعه پزشکی را نسبت به آینده بخش سلامت بی‌اعتماد کردند و بی‌اعتماد می‌کنند.»

مهاجرت نیروی متخصص در ایران از پزشک و مهندس تا کارگران ماهر و حرفه‌ای به سرعت در حال افزایش است و هشدارهای زیادی را در پی داشته است. مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ناامیدی افراد نسبت به زندگی خود و فرزندان‌شان در ایران از جمله انگیزه‌های اصلی مهاجرت است.

در این میان مهاجرت کادر درمان آماری تکانه‌دهنده را به خود اختصاص داده است و بسیاری از کارشناسان معتقدند که این روند نظام درمان ایران را در آینده نزدیک با بحران‌هایی جدی روبرو کرده است. شهلا خسروی، مشاور وزیر بهداشت و درمان جمهوری اسلامی نوزدهم شهریورماه به خبرگزاری «ایسنا» گفته بود که «۱۲ هزار ماما» در بخش درمان و «۸ هزار ماما» نیز برای بخش بهداشتی نیاز است.

ادامه حذف فله‌ای اساتید از آموزش عالی

۳۲ هزار استاد دانشگاه آزاد اخراج شدند



کسی به عنوان حق‌التدریس با دانشگاه همکاری نکند.» با اینهمه دانشجویان ترم یک و دو دکترا که اکنون به جای اساتیدی با یک یا دو دهه سابقه تدریس استخدام شده‌اند بر اساس قوانین استخدامی دانشگاه آزاد دارای مدرک کارشناسی ارشد شناخته شده و حق استخدام نداشته‌اند!

در ماده سه تبصره یک بخشنامه سال ۱۳۹۷ سازمان مرکزی دانشگاه آزاد آمده که «تدریس دارندگان مدرک کارشناسی ارشد در واحدهای جامع (کامل‌ترین واحدهای مجموعه دانشگاه آزاد) ممنوع است. تدریس دارندگان مدرک کارشناسی ارشد، صرفاً در دروس عملی و کارگاهی دوره کردانی و کارشناسی با مجوز معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی واحد جامع بلامانع است.»

بر اساس این بخشنامه، دانشجوی ترم اول یا دوم مقطع دکتری، دارنده مدرک کارشناسی ارشد محسوب می‌شود و اجازه تدریس در هیچ یک از واحدهای جامع دانشگاه آزاد (جز در درس‌های عملی و کارگاهی) را ندارد. اما اکنون در روند حذف اساتید دانشگاهی، این قانون نادیده گرفته شده و دانشجویان ترم یک و دو دکترا استخدام شده‌اند.

حذف اساتید از نظام آموزش عالی که با اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری از دانشگاه‌ها در جریان است، بخشی از روند سرکوب در دانشگاه‌هاست که از سال گذشته و همزمان با پیوستن جنبش دانشجویی به اعتراضات جنبش ملی آغاز شد. در شرایطی که هنوز آمار رسمی از اساتیدی که از دانشگاه‌های دولتی و آزاد حذف شدند منتشر نشده اما گزارش‌های غیررسمی نشان می‌دهد در تابستان امسال بیش از ۱۲۰ استاد دانشگاه حذف شدند. اکنون به نظر می‌رسد در دانشگاه آزاد اسلامی روند حذف اساتید به صورت فله‌ای ادامه دارد. جدا از دانشجویان ترم یک و دو مقطع دکترا، شماری از نیروهای «ارزشی» و «حکومتی» نیز در دانشگاه‌های دولتی به جای اساتید حذف شده، استخدام شده‌اند؛ از جمله امیرحسین ثابت مجری شبکه افق و از همفکران

● از ابتدای مهر امسال ۳۲ هزار استاد حق‌التدریسی از واحدها و رشته‌های مختلف این دانشگاه حذف شده و به جای آنها ۲۰ هزار دانشجوی ترم اول یا دوم مقطع دکتری دانشگاه آزاد استخدام شدند.

● دانشجویان ترم یک و دو دکترا که به جای اساتیدی با یک یا دو دهه سابقه تدریس استخدام شده‌اند بر اساس قوانین استخدامی دانشگاه آزاد دارای مدرک کارشناسی ارشد شناخته شده و حق استخدام نداشته‌اند!

● حذف اساتید که با اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری از دانشگاه‌ها در جریان است، بخشی از روند سرکوب در دانشگاه‌هاست که همزمان با پیوستن جنبش دانشجویی به اعتراضات جنبش ملی آغاز شد.

حذف اساتید دانشگاه از نظام آموزش عالی کشور که از ماه‌ها پیش با اخراج، تعلیق و بازنشستگی اجباری آغاز شده همچنان ادامه دارد. بر اساس آخرین آمارها ۳۲ هزار استاد حق‌التدریسی دانشگاه آزاد در سه هفته نخست مهرماه از تدریس در این دانشگاه حذف شدند.

روزنامه «اعتماد» گزارش داده که از ابتدای مهر امسال ۳۲ هزار استاد حق‌التدریسی از واحدها و رشته‌های مختلف این دانشگاه حذف شده و به جای آنها ۲۰ هزار دانشجوی ترم اول یا دوم مقطع دکتری دانشگاه آزاد برای تدریس به دانشجویان مقطع کردانی و کارشناسی این دانشگاه جذب شده‌اند. در این گزارش آمده که حذف این تعداد استاد با تصمیم مهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد رخ داده و دانشجویان دکترا که به تازگی استخدام شدند فقط با گذراندن یک دوره آموزشی ۴۰ ساعته با عنوان دوره «مدرسی»، به کرسی استادی در دانشگاه آزاد رسیده‌اند. این دانشجویان در حالی کرسی استادان اخراج شده را اشغال کرده‌اند که با امتیازاتی چون جایزه تحصیلی و تخفیف شهریه نیز روبرو شده‌اند.

شماری از استادان اخراج شده دانشگاه آزاد به روزنامه «اعتماد» گفته‌اند که تنها منبع درآمدشان را از دست داده‌اند در حالی که هیچ فرصت شغلی جدیدی هم در انتظارشان نیست چون اغلب آنها بعد از یک یا دو دهه تدریس در دانشگاه آزاد، از سقف سنی استخدام در هیئت علمی دانشگاه‌ها یا نهادهای دولتی هم رد شده‌اند.

پیش از این و در فروردین امسال مهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد از تغییراتی در ساختار آموزشی این دانشگاه از خرداد ۱۴۰۲ خبر داده و گفته بود: «برنامه اول دانشگاه آزاد برای سال ۱۴۰۲ گفتمان تحول به عنوان یک گفتمان نجات‌بخش و تبدیل دانشگاه مدرک‌پرداز به دانشگاه جامعه‌پرداز و تمدن‌ساز است. در دانشگاهی که استاد آن به دنبال استاد شدن باشد و نه استاد بودن، دانشجوی آن هم به دنبال دکتر شدن خواهد بود و نه دکتر بودن.»

او در ادامه گفته بود که «دانشگاه آزاد دارای ۳۲ هزار عضو هیات علمی و ۳۲ هزار استاد حق‌التدریس است. یکی از برنامه‌های جدی امسال این دانشگاه، خداحافظی با مفهوم حق‌التدریس است. باید همه ارکان دانشگاه تلاش کنند که هیات علمی، یا هیات علمی پیوسته باشد یا هیات علمی وابسته و دانشجویان دکتری به عنوان دستیاران تدریس فعالیت کنند. این منطق امسال دانشگاه آزاد است که تا خردادماه باید همه مقدمات آن حاصل شود تا دیگر

تهران خبر داده و گفته که «شرایط چندان مساعد نیست» و یک نمونه آن بودجه پژوهشی است که در حال حاضر این بودجه به اندازه «چند شب کار کردن در اسنپ» هم نیست.

حسین آخانی گفته که «اگر چه آمار رسمی وجود ندارد، ولی در دانشگاه تهران نزدیک به ۵۰ عضو هیئت علمی رفته‌اند و من خبر موثق دارم که چند برابر آنها در حال تدارک رفتن هستند. اعضای جوانتر هیئت علمی با حقوق ناچیز امکان تداوم زندگی و کار علمی ندارند و طبیعی است از این فرصت‌ها بیشتر استفاده خواهند کرد. عملاً هیچ فارغ التحصیلی از دانشگاه‌های معتبر خارجی تمایل به برگشت به ایران ندارد و اگر هم گاهی این اتفاق می‌افتد دلایل دیگری دارد.»

این استاد دانشگاه گفته شاید کلمه «خروج» اساتید توصیف بهتری از روندی باشد که در دانشگاه‌ها در جریان است و فقط شامل «اخراج» نیست و در برگیرنده مجموعه‌ای از اتفاقاتی است که منجر به اخراج رسمی (که اتفاقاً بسیار کم است)، حذف اداری و گزینشی، اشغال کردن جایگاه‌های هیئت علمی با سهمیه‌ها، محدودیت امکان استخدام، بی‌عدالتی در دادن بودجه و امکانات بخصوص به افراد مستقل، عدم برخورد و حتی حمایت از برخی متقلبان و مقاله‌سازان علمی سال‌هاست باعث خروج و یا حذف و دلسردی بسیاری از استعدادهای دانشگاه‌ها شده است. در این میان دولت مدعی است روند این مهاجرت ناشی از «دیپلماسی بازار کار» است که از سوی دولت سیزدهم در پیش گرفته شده است!

خبرگزاری «ایسنا» ماه گذشته در اینباره نوشته بود که «از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم «دیپلماسی بازار کار» فعال شده و در راستای استفاده از فرصت‌های شغلی موجود در بازار کار بین‌المللی، موضوع اعزام نیروی کار مازاد ایرانی به خارج از کشور به شکل ضابطه مند در دستور کار وزارت کار قرار گرفته است.»

پیشتر نیز خبری در رسانه‌های حکومتی مبنی بر توافق صولت مرتضوی، وزیر کار جمهوری اسلامی با ارمنستان برای اعزام ۱۰۰ هزار نیروی کارگر مورد نیاز این کشور از ایران منتشر شد. محمود کریمی بیانراند معاون وزیر کار نیز اعلام کرده که قرار است سفارت ارمنستان در ایران فهرستی از مشاغل موردنیاز این کشور را اعلام کند و در سفری که به زودی وزیر کار ارمنستان به ایران دارد، تفاهم صورت گرفته بین دو کشور وارد فاز عملیاتی شود.

پیش از این نیز خبرهایی درباره توافق جمهوری اسلامی با کشورهای عراق، قطر و عمان برای اعزام نیروی کار منتشر شده بود. در هفته نخست شهریور امسال نیز خبرگزاری‌های داخلی از برگزاری نشست «هم‌اندیشی و هم‌افزایی به منظور فعال کردن مقوله اعزام نیروی کار به اروپا» با حضور مدیر کل غرب اروپا و مدیر کل دفتر توسعه نهادهای اشتغال و هدایت نیروی کار وزارت کار جمهوری اسلامی خبر داده بودند.

امید ملک مدیر کل دفتر توسعه نهادهای اشتغال و هدایت نیروی کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این نشست اعزام نیروی کار ساده، نیمه ماهر و ماهر مازاد ایرانی و بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی موجود در بازار کار بین‌المللی را جزو برنامه‌های وزارت کار عنوان کرد.

پیشتر نیز محمود کریمی بیانراند معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت کار از «فعال شدن دیپلماسی بازار کار به عنوان سیاست محوری دولت سیزدهم و وزارت کار» خبر داده و «صدور ۵۰۰ ویزای کار برای ایرانیان تا تیرماه امسال توسط کشور قطر» را از نتایج این دیپلماسی عنوان کرده بود.

جبهه پایداری به عنوان استاد درس «انقلاب اسلامی» از نیمسال آینده در دانشگاه صنعتی «شریف» تدریس خواهد کرد. عباس موزون دیگر مجری صداوسیما جمهوری اسلامی نیز قرار است به دانشجویان دانشگاه «شریف» درس «آیین زندگی» بدهد!

اواخر مرداد امسال نیز علی شریفی زارچی عضو هیئت علمی بیوانفورماتیک و هوش مصنوعی دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر) در توثیتی نوشت: «در گروه‌های دانشگاهی سندی منتشر شد که نشان می‌دهد دولت رئیسی مخفیانه فرایند جذب ۱۵۰۰۰ عضو هیات علمی همسو را به صورت سهمیه‌ای، فوری و خارج از چارچوب علمی موجود دانشگاه‌ها آغاز کرده.»

این استاد دانشگاه که چند روز بعد از انتشار این توثیت قربانی روند حذف اساتید دانشگاهی شد، تأکید کرده بود که «این فاجعه یعنی مثلاً تزریق ۱۰۰ نفر به هر دانشگاه علوم پزشکی. سکوت جامعه علمی خیانت به ایران است.» سیاست محدودسازی فضای دانشگاه‌ها به اشکال مختلفی ادامه داشته است. اخراج، تعلیق و ممنوع‌الورود کردن دانشجویان؛ حذف اساتید از نظام آموزش عالی؛ بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی برای تشدید تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها و ایجاد ممنوعیت‌های بیشتر در پوشش دانشجویان دختر پسر از جمله این اقدامات بوده است.

این اقدامات مخالفانی در میان مقامات حکومتی نیز داشته است. برای نمونه غلامرضا نوری قزلجه رئیس «فراکسیون مستقلین» مجلس شورای اسلامی درباره هدف از حذف اساتید منتقد گفته بود که «اگر در یک جمله خلاصه کنم هدف تدوام همان خالص‌سازی است که در حوزه سیاست و قدرت صورت گرفته و الان وارد حوزه فرهنگ و دانشگاه‌ها شده است.»

غلامرضا نوری قزلجه گفته بود که «به هر حال چنین اقداماتی آینده علمی کشور و به تبع آن توسعه و پیشرفت را دچار مشکل خواهد کرد. اینگونه اقدامات مربوط به چند قرن گذشته بوده که دنیا تجربه کرده و از آن برگشته است حال آقایان دارند این مسیرها را طی می‌کنند. به باور من شخص رئیس جمهور مسئول این اقدامات است. ایشان مسئولیت اجرایی دارند و مسئول اجرای قانون اساسی کشور هستند.» او با بیان اینکه «با این فرمان کشور را به جاهای خطرناکی می‌برند» تأکید کرده بود که «من این اقدامات در حوزه فرهنگ و دانشگاه‌ها را خلاف روشن روح قانون اساسی و خلاف روشن اصول مترقی در حوزه‌های کرامت انسانی، آزادی بیان و اندیشه، برابری همه مردم در مقابل قانون می‌دانم.» این نماینده مجلس افزوده بود که «یک جریان افراطی پشت این قضایا وجود دارد که شاید بتوانیم بگوییم یک بخشی از آن جبهه پایداری هستند. ولی به نظرم [جبهه پایداری] تنها نیست بلکه یک جریانی است که فارغ از افکار و احزاب سیاسی که قبلاً آرایش داشتند و مشخص بود، ترکیبی است با پایداری‌ها که جریان افراطی خطرناکی در کشور را تشکیل داده‌اند.»

غلامرضا نوری قزلجه در پاسخ به اینکه کدام جریان با «جبهه پایداری» در ماجرای برخورد با اساتید غیرهمسو در دانشگاه‌ها ترکیب شده گفته بود «باورم این است که صرفاً جبهه پایداری دخیل نیست؛ شاید طیف‌های دیگری هم به دلیل طمع قدرت یا ثروت با آنها همراه شده‌اند یعنی صرفاً یک حزب یا جریان خاصی نیستند.» سخنان این نماینده مجلس مشخص می‌کند که بسته شدن فضای دانشگاه‌ها تصمیمی در سطح وزارت علوم یا سطوح مدیریتی دانشگاه‌ها نیز و در سطح کلان مقامات جمهوری اسلامی در اینباره تصمیم‌گیری شده است.

تروریسم نیابتی جمهوری اسلامی آماده جنگ با اسرائیل

رسماً ۷۰۰ میلیون دلار بودجه از جمهوری اسلامی دریافت می‌کند، اگرچه به این مبلغ باید صدها میلیون دلار دیگر نیز که درآمد حاصل از تولید و قاچاق مواد مخدر و دیگر فعالیت‌های اقتصادی غیر قانونی از جمله کنترل بازار سیاه ارز در لبنان را نیز اضافه کرد. «حزب‌الله» که در فهرست گروه‌های تروریستی ایالات متحده و چندین کشور دیگر قرار دارد، در میان گروه‌هایی که ارتش تروریستی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند بیشترین سلاح را دارد: خمپاره‌انداز، راکت‌های هدایت‌نشده و هدایت‌شونده کوتاه‌برد و دوربرد، موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک، سامانه‌های پیشرفته ضد هوایی، پهپادها و موشک‌های ضد کشتی، از جمله تسلیحاتی هستند که جمهوری اسلامی در اختیار «حزب‌الله» قرار داده است.

حزب‌الله از هفته‌ها قبل از حمله «حماس» به اسرائیل در جریان این تصمیم قرار داشت و با فرستادن نیروهای خود به مرز با اسرائیل ارتش این کشور را مجبور کرد بخش قابل توجهی از نیروهای خود را از غزه به مرزهای شمال منتقل کند. بلافاصله پس از حمله واکنشی ارتش اسرائیل به غزه نیز «حزب‌الله» با اقداماتی نظامی با نیروهای اسرائیلی درگیر شد تا آنها نتوانند نیروهایشان را از مرز با لبنان به غزه منتقل کنند.

در غزه و کرانه باختری تنها «حماس» و «جهاد اسلامی» از حمایت مالی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی برخوردار نیستند. «جنبش مقاومت اسلامی» که با نام اختصاری «حماس» شناخته می‌شود، در سال ۱۹۸۷ فعالیت خود را آغاز کرد. اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی این سازمان در ماه خرداد امسال به تهران سفر کرد و با عالی‌ترین مقامات دولتی و نظامی جمهوری اسلامی ملاقات داشت. در این ملاقات‌ها گفته می‌شود عمدتاً در مورد حمله ۱۵ مهر (۷ اکتبر) گفتگو و تبادل نظر شد و جمهوری اسلامی حمایت کامل خود را از این جنگ در جریان این دیدارها اعلام کرد، اگرچه برخی نیز معتقد هستند که علت سفر اسماعیل هنیه و زیاد نخاله، رهبر «جهاد اسلامی» دیگر گروه تروریستی فعال در غزه، به دعوت جمهوری اسلامی صورت گرفت و پیشنهاد این حمله گسترده به اسرائیل نیز زائیده‌ی اتاق‌های فکر تهران است.

«حماس» بنا بر برخی گمانه‌زنی‌ها سالیانه حدود ۱۰۰ میلیون دلار کمک مالی از جمهوری اسلامی دریافت می‌کند که البته باید کمک‌های تسلیحاتی را نیز به این مبلغ اضافه کرد. «حماس» علاوه بر تهران در ترکیه، لبنان و قطر نیز دارای دفاتری است و عمده رهبران آن از سال‌ها پیش ساکن دوحه هستند. «حماس» برپایه اطلاعاتی که نیروهای امنیتی کشورهای اروپایی در دست دارند دارای سلاح سبک، خمپاره، موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک، موشک‌های ضد هوایی، هواپیماهای بدون سرنشین، پهپاد و راکت‌های غیر هدایت‌شونده کوتاه‌برد و دوربرد است.

اگر جمهوری اسلامی در تشکیل «حماس» نقش نداشت، «جهاد اسلامی» دیگر سازمان تروریستی فعال در باریکه غزه، ساخته و پرداخته نیروی قدس است. «جهاد اسلامی» گروهی است که گفته می‌شود یکی از خمپاره‌هایش که قرار بود در اسرائیل فرود آید، بیمارستانی را در غزه منفجر کرد که حدود ۵۰۰ نفر را کشته است.

ارتش تروریستی و نیابتی جمهوری اسلامی دربرگیرنده سازمان‌هایی در بسیاری از کشورهای منطقه است و برخی از این گروه‌ها در کشورهای غربی نیز دارای شاخه‌های عملیاتی «خاموش» هستند که در هر لحظه می‌توانند فعال شوند و دست به اقدامات تروریستی بزنند.

«حزب‌الله» که در فهرست گروه‌های تروریستی ایالات متحده و چندین کشور دیگر قرار دارد، در میان گروه‌هایی که ارتش تروریستی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند بیشترین سلاح را دارد. این گروه از هفته‌ها قبل از حمله «حماس» به اسرائیل در جریان این تصمیم قرار داشت و با فرستادن نیروهای خود به مرز با اسرائیل ارتش این کشور را مجبور کرد بخش قابل توجهی از نیروهای خود را از غزه به مرزهای شمال منتقل کند.

گروه‌های شیعی عراق نیز در این روزها برای حمله علیه آمریکایی‌ها بسیج شده‌اند. این گروه‌ها دو حمله پهپادی به نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه عین‌الاسد در عراق در روز چهارشنبه انجام دادند.

احمد رأفت - پس از حمله تروریستی حماس به جشنواره موسیقی در اسرائیل و قتل بیش از ۱۲۰۰ نفر و به گروگان گرفتن ۱۹۹ شهروند اسرائیلی و غیراسرائیلی و واکنش ارتش اسرائیل که گفته می‌شود تا کنون بیش از ۳۰۰۰ نفر کشته و بیش از نیم میلیون آواره در غزه داشته است، و همزمان با سفر حسین امیرعبداللہیان به چند کشور منطقه، نیروهای امنیتی برخی کشورهای اروپایی گزارش‌هایی را به دولت‌های متبوع خود مبتنی بر آمادگی گروه‌های تروریستی وابسته به نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی برای انجام عملیات نظامی و تروریستی ارائه داده‌اند. سفارت‌های برخی کشورهای غربی، آمریکا و اسرائیل در بسیاری از کشورها، حتا در خارج از خاورمیانه نبر تهدیدهایی دریافت کرده‌اند که آنها را جدی ارزیابی می‌کنند. ارتش تروریستی و نیابتی جمهوری اسلامی دربرگیرنده سازمان‌هایی در بسیاری از کشورهای منطقه است و برخی از این گروه‌ها در کشورهای غربی نیز دارای شاخه‌های عملیاتی «خاموش» هستند که در هر لحظه می‌توانند فعال شوند و دست به اقدامات تروریستی بزنند. جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته شبکه‌ای از این گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی را در کشورهای هم‌مرز با اسرائیل و یا در نزدیکی آن ایجاد کرده است. گروه‌های این شبکه تروریستی توسط نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آموزش دیده و سلاح و مهمات دریافت می‌کنند. مهم‌ترین و فعال‌ترین این گروه‌ها «حزب‌الله» در لبنان است که به نوعی نقش هماهنگ‌کننده این ارتش نیابتی و تروریستی جمهوری اسلامی را عهده‌دار است.

«حزب‌الله» در سال ۱۹۸۲ میلادی در دفتر علی‌اکبر محتشمی‌پور، سفیر وقت جمهوری اسلامی در دمشق، بنیانگذاری شد. در آزمون هدف از تاسیس حزب‌الله ایجاد شبکه‌ای از شیعیان لبنانی وفادار به جمهوری اسلامی با سیاست‌های افراطی بود. انتخاب حسن نصرالله به رهبری این گروه افراطی و شبه‌نظامی در سال ۱۹۹۲، «حزب‌الله» را تبدیل به عمده‌ترین گروه سیاسی- نظامی وابسته به جمهوری اسلامی کرد. گروهی که از آزمون تا کنون سالیانه



عراق اعلام کردند که این حمله پهبادی، که البته هیچ گروهی تا کنون مسئولیت آنرا به عهده نگرفته است، واکنش به حملات ارتش اسرائیل به غزه بوده است. از جمله گروه‌های عراقی که آمادگی خود را برای «دفاع از فلسطین» اعلام کرده‌اند، می‌توان به «کتاب حزب الله»، گروه شبه‌نظامی نزدیک به جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که آمریکا را در کشتن «مردم بی‌گناه غزه» مقصر می‌داند. احمد الحمیداوی، فرمانده کنونی این گروه، پس از حمله به پایگاه عین‌الاسد گفت آمریکائی‌های «شور باید عراق را ترک کنند، وگرنه طعم آتش جهنم را در دنیا قبل از آخرت خواهند چشید!» ابو مهدی المهندس، بنیانگذار «کتاب حزب‌الله» همراه با قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حمله پهبادی آمریکا در نزدیکی فرودگاه بغداد در سوم ژانویه ۲۰۲۰ ترور شد.

دریافت کرده که گفته می‌شود «حزب‌الله» لبنان برای آنها ارسال کرده است.

یکی از قدیمی‌ترین گروه‌های فلسطینی که هنوز هم اندک فعالیتی دارد و در سال‌های اخیر غایب‌گانی هم به تهران اعزام داشته است «جبهه خلق برای آزادی فلسطین» است که در سال ۱۹۶۷ میلادی توسط جرج حبش، با هدف آزادی فلسطین از طریق مبارزات چریکی بنیانگذاری شد. دفتر مرکزی این گروه که در غزه و کرانه باختری حضور دارد و با وجود ایدئولوژی مارکسیستی با «حماس» اسلامی همکاری دارد، در سوریه است. «جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل» انشعابی از گروه جرج حبش است که در گذشته وابسته به حزب بعث عراق بود ولی امروز مرکزیت آن در سوریه است. «جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل» از بدو تشکیل در فهرست گروه‌های

«جهاد اسلامی» در مقایسه با «حماس» سازمان کوچکتری است که رهبری آن با زیاد نخاله است که در طی سفری به تهران در ماه خرداد با ابراهیم رئیسی و علی خامنه‌ای نیز دیدار داشته است. دفتر مرکزی این گروه البته در جنوب لبنان و در منطقه تحت کنترل «حزب‌الله» است. جهاد اسلامی در سال ۱۹۸۱ میلادی اعلام موجودیت کرد و از همان ابتدا در فهرست گروه‌های تروریستی کشورهای غربی و بسیاری از کشورهای عربی قرار گرفت. از حمله تسلیحاتی که جمهوری اسلامی در اختیار «جهاد اسلامی» قرار داده است می‌توان به خمپاره، موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک، پهباد، موشک‌های ضدهوایی، راکت‌های هدایت نشده کوتاه برد و دوربرد اشاره کرد. جمهوری اسلامی در این سال‌ها با حمایت مالی و تسلیحاتی بسیاری دیگر از گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی



تانک‌های اسرائیل در مرز لبنان / ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳

«سپاه بدر» به رهبری هادی العامری، که شاید آن را بتوان نزدیکترین گروه سیاسی- نظامی عراقی نزدیک به جمهوری اسلامی دانست، بلافاصله پس از حمله «حماس» به اسرائیل گفته بود اگر واشنگتن برای حمایت از اسرائیل مداخله کند، منافع آمریکا در خاورمیانه مورد هدف قرار خواهند گرفت. نقش «سپاه بدر» در عراق مشابه نقش «حزب‌الله» در لبنان است. این گروه اصلی‌ترین سازمان شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی و نیروی قدس در عراق است. این سازمان از ۴۲ گروه شبه‌نظامی تشکیل شده است که مستقیماً مورد حمایت جمهوری اسلامی قرار دارند. «سپاه بدر» در سال ۱۹۸۳ شروع به کار کرد. شاخه نظامی آن به تانک‌های ام-۱۰۱ آبرامز، خودروهای زرهی و همچنین تسلیحات ساخت ایران و شوروی دسترسی دارد.

«عصاب اهل حق» گروهی عراقی است که فعالیت‌هایش در چند سال اخیر به سوریه نیز گسترش یافته است. رهبری این گروه با قیاس خزعلی است که خود را مهم‌ترین متحد جمهوری اسلامی معرفی می‌کند و بارها گفته است که از علی خامنه‌ای فرمان می‌برد و مجری دستورات رهبر جمهوری اسلامی است. این گروه به تسلیحات نفربر زرهی ام-۱۱۳ ساخت ایالات متحده و تسلیحات تولیدی ایران چون تانک سلاح‌های سبک، پهبادها و موشک‌های بالیستیک دسترسی دارد.

تروریستی عمده کشورهای غربی و آمریکا قرار گرفت. «کمیته‌های مقاومت مردمی» گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی در باریکه غزه و کرانه باختری رود اردن را در بر می‌گیرد که در سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی اعلام موجودیت کرد. اعضای کمیته‌های مقاومت مردمی از جمله بنیانگذار آن، جمال عطایا ابوسمهدانه، در گذشته عضو «فتح» و «گردان شهدای الاقصی» بوده است. «گردان شهدای الاقصی» به فرماندهی سالم ثابت در غزه فعال است. این گروه در عملیات تروریستی خود در سال‌های اخیر از سلاح‌های سبک، خمپاره و راکت‌های کوتاه‌برد استفاده کرده است.

در سوریه، جمهوری اسلامی علاوه بر نیروهای اعزامی از سوی پاسداران انقلاب اسلامی، «حزب‌الله» لبنان، «فاطمیون» افغان و «زینیون» پاکستان می‌تواند روی شبه‌نظامیان «گردان عبدالقادر الحسینی» نیز حساب کند. این گروه که به سلاح سبک، خمپاره، موشک‌های ضدهوایی و موشک‌های کوتاه‌برد دسترسی دارد در روزهای گذشته مسئولیت حمله خمپاره‌ای از بلندی‌های جولان در سوریه به خاک اسرائیل را به عهده گرفته است.

گروه‌های شیعی عراق نیز در این روزها برای حمله علیه آمریکائی‌ها بسیج شده‌اند. این گروه‌ها دو حمله پهبادی به نیروهای آمریکائی مستقر در پایگاه عین‌الاسد در عراق در روز چهارشنبه انجام دادند. رهبران گروه‌های شبه‌نظامی در

در باریکه غزه و کرانه باختری رود اردن را نیز به خدمت گرفته است. «جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین» یکی از این سازمان‌های سیاسی- نظامی است که رهبری آن با نایف هواغه است. این گروه که خود را مارکسیست می‌خواند در اواخر دهه ۶۰ میلادی فعالیت‌هایش را آغاز کرد ولی بلافاصله پس از تشکیل جمهوری اسلامی زیر پرچم آن قرار گرفت و شاید یکی از اندک گروه‌های عربی باشد که در جنگ ایران و عراق، رژیم صدام حسین را آغازکننده جنگ خواند. این گروه که دفتر مرکزی آن در دمشق قرار دارد، هم در غزه و هم کرانه باختری فعال است. ستیزه‌جویان این گروه که خود را «فدائی» می‌خوانند مجهز به سلاح سبک، خمپاره و راکت‌های کوتاه‌برد هستند.

فعال‌ترین گروه تروریستی در کرانه باختری رود اردن و مناطق تحت کنترل حکومت خودگردان فلسطین، «عرین الاسود» یا «بیشه شیرها» نام دارد. این گروه در سال ۲۰۲۲ فعالیت‌اش را آغاز کرد و شاخه «حماس» در کرانه باختری به حساب می‌آید. این گروه که رهبری آن با وادی الحلوه است، در یک سال گذشته درگیری‌های بسیاری با ارتش اسرائیل داشته است. در کرانه باختری رود اردن از سال ۲۰۰۰ میلادی «جنبش مجاهدین فلسطین» نیز فعالیت دارد. این گروه نیز که رهبری آن با اسد ابوشریعه است، اخیراً تعدادی خمپاره، موشک‌های ضدهوایی و راکت‌های کوتاه‌برد از طریق اردن

عدالت به سبک جمهوری اسلامی؛ افزایش چهار برابری تعداد میلیونرهای ایرانی و سه برابر شدن فقر مطلق در کشور



افزایش تورم و بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید خانوار، در کنار عدم حمایت واقعی دولت از تنگدست و عدم افزایش عادلانه دستمزدها، سبب افزایش جمعیت زیر خط فقر و همچنین افزایش شاخص فلاکت در ایران شده است.

در این میان کارگران به عنوان یکی از اقشار کم‌درآمد با مشکلات زیادی روبرو هستند. دستمزد کارگران در حالی حدود یک سوم از رقم هزینه معیشت را شامل می‌شود که اکثر آنها مستأجر هستند و درآمد خود را باید برای پرداخت اجاره‌خانه اختصاص دهند.

در همین رابطه وبسایت «اعتماد آنلاین» نوشته که در همه استان‌های کشور اکنون بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد درآمد ماهانه اقشار متوسط و نیازمند، خرج پرداخت اجاره‌خانه می‌شود.

بر اساس این گزارش در پایتخت، یک کارگر برای اجاره‌ی یک آپارتمان ۷۰ متری باید ۳۰۰ میلیون تومان پول رهن جور کند و در بهترین حالت، هر ماه کل حقوقش را برای اجاره خانه به صاحبخانه بدهد؛ این کمترین قیمت در بازار است؛ در واقع ۹ میلیون پایین‌ترین اجاره‌ی ماهانه در تهران است، به شرطی که ۳۰۰ میلیون تومان پول پیش داشته باشید.

به گفته پرویز زعیمی فعال کارگری ساکن رشت جلو افتادن کرایه خانه از دستمزد کارگران فقط محدود به تهران نیست، در همه شهرهای کشور، با حقوق کارگری نمی‌شود اجاره خانه داد.

چنین شرایطی، همانطور که فرشاد مومنی اشاره کرده، سبب شده سهم مواد خوراکی در سبد مصرفی خانوار با کاهش زیادی روبرو شود. فعالان کارگری ماه‌هاست خواستار افزایش رقم دستمزدها هستند اما دولت زیر بار این کار نرفته است.

فرشاد مومنی اقتصاددان نزدیک به جریان اصلاح‌طلب، به تازگی گفته بود که بر اساس داده‌های رسمی از هر سه ایرانی یک نفر به معنای مطلق، فقیر است و برای بقا مشکل دارد. او افزوده بود که برای نخستین بار در ۱۰۰ سال گذشته، در زمان کمتر از سه سال، جمعیت فقیر ایران دو برابر می‌شود.

فرشاد مومنی گفته بود که «ما شرایطی را تجربه می‌کنیم که بر اساس داده‌های رسمی، به تقریب از هر سه ایرانی، یک نفر به معنای مطلق، فقیر است.»

این اقتصاددان افزوده بود که در سال ۱۳۹۰ حدود ۴/۱۹ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر بودند اما در سال ۱۴۰۰ این آمار از ۳۰ درصد عبور کرده است و «گزارش‌های مرکز آمار عنوان می‌کند که ۸۹ درصد فقرای ایران را شاغلین سابق و لاحق، بازنشستگان سابق و شاغلین فعلی، تشکیل می‌دهند.»

او با کتایه به مقامات دولت ابراهیم رئیسی، ادعای رفع فقر و اشتغال را «بزرگترین خیانت به مملکت» دانست و با اشاره به شعارهای تبلیغاتی مقامات جمهوری اسلامی تأکید کرد: «یکی گفت می‌خواهم پول نفت را به سفره مردم بیاورم، اما شاخص فلاکت را دو برابر کرد.»

فرشاد مومنی همچنین از کاهش سهم مواد خوراکی در سبد مصرفی خانوار ایرانی خبر داده و گفته که فائو (سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد) می‌گوید سهم مواد خوراکی در سبد کالای ایرانی‌ها حتی از کره شمالی هم بدتر شده است. من کره‌ی شمالی را از نزدیک دیدم و بدنم لرزید وقتی این مطلب را خواندم. معنای این گزارش این است که خانوارها مرتب منابع کمتری دارند که در بخش آموزش و مصارف فرهنگی و... هزینه کنند و این هشدار بزرگی است.

● جمعیت میلیونرهای ایران، بر اساس دلار، ۲۴۶ هزار نفر است و ایران ۴ برابر ترکیه و ۳ برابر مصر میلیونر دارد. ● افزایش تورم و بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید خانوار، در کنار عدم حمایت واقعی دولت از تنگدست و عدم افزایش عادلانه دستمزدها، سبب افزایش جمعیت زیر خط فقر در ایران شده است. ● در همه استان‌های کشور اکنون بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد درآمد ماهانه اقشار متوسط و نیازمند، خرج پرداخت اجاره‌خانه می‌شود.

در شرایطی که رکود تورمی و کاهش ارزش پول ملی سبب گسترش تعداد افراد دارای فقر مطلق در ایران شده، گزارش دیگری از افزایش چهار برابری شمار میلیونرهای ایرانی حکایت دارد.

گزارش جدید موسسه خدمات مالی و بانکی سوئیس درباره وضعیت ثروت در جهان نشان می‌دهد جمعیت میلیونرهای ایران، بر اساس دلار، ۲۴۶ هزار نفر است و ایران ۴ برابر ترکیه و ۳ برابر مصر میلیونر دارد.

بر اساس آمار این مؤسسه بین‌المللی تعداد افرادی که یک میلیون دلار و بیشتر در ایران ثروت داشته‌اند در سال ۲۰۲۲ به ۲۴۶ هزار نفر رسیده است. جمعیت میلیونرهای ایران در این سال نسبت به سال قبل از آن ۱۰۴ هزار نفر معادل ۷۳ درصد افزایش یافته است. جمعیت میلیونرهای ایران در سال ۲۰۲۱ میلادی بالغ بر ۱۴۲ هزار نفر برآورد شده بود.

همچنین ایران پس از برزیل و در رتبه دوم جهان از نظر افزایش جمعیت میلیونرهای خود در سال ۲۰۲۲ میلادی قرار گرفته است.

این گزارش افزوده جمعیت کل افرادی که در سال ۲۰۲۲ یک میلیون دلار و بیشتر ثروت داشته‌اند، ۵۹ میلیون و ۳۹۱ هزار نفر است و ۹ میلیون و ۷۷۰ هزار نفر از این رقم مربوط به افرادی است که در منطقه آسیا اقیانوسیه از جمله ایران زندگی می‌کنند.

این آمار در حالی مطرح شده که در آنسو گزارش‌ها و آمارهای داخلی حکایت از افزایش پرشتاب تعداد شهروندان گرفتار در «فقر مطلق» دارد.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در اینباره نوشته که «با افزایش تفاوت‌های اقتصادی، جامعه ایران در حال تبدیل شدن به دو طبقه برخوردار و کم‌برخوردار است چراکه در طی دهه‌ها، طبقه متوسط جامعه به تدریج از بین رفته و محدودیت‌های مالی در کشور افراد را به یکی از این دو دسته منتقل کرده است.»

این گزارش عدد ۲۴۶ هزار نفر میلیونر ایرانی را در کنار یکی از آمارهای فقر، یعنی افراد تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد، قرار داده و نوشته که بیش از ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار خانوار با جمعیتی حدود ۱۲ میلیون نفر، تحت پوشش نهادهای حمایتی کمیته امداد و سازمان بهزیستی کشور هستند؛ این آمار است که سال ۱۴۰۰ در روزنامه خراسان منتشر شد. آمار که نسبت به چهار سال قبل خود ۷۲ درصد افزایش داشت. متأسفانه این آمار به روزرسانی نشده است، اما با توجه به افزایش نرخ تورم طی دو سال اخیر، می‌توان حدس زد که این آمار اکنون در چه وضعیتی قرار دارد.

شوک به بازار دلار با تهدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران

ادعای جمهوری اسلامی: در مورد موشک‌های بالستیک هیچ محدودیتی نداریم!



نمایش خیابانی موشک بالستیک «عماد»

تحریم‌های جمهوری اسلامی را محکوم کرد. محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی نیز می‌گوید «بطور طبیعی اگر تروئیکای اروپا به این تعهد خود عمل نکند، یک پیام مخابره می‌شود و آنهم این است که آنها همچنان قابل اعتماد نیستند و نمی‌توان به هیچیک از توافقاتی آنها اعتماد کرد». این اظهارات محمد اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش بیشتر سطح غنی‌سازی اورانیوم توسط رژیم باشد.

در شرایط کنونی این احتمال که جمهوری اسلامی در واکنش به تصمیم اروپا دست به اقدامات تهدیدآمیز بزند دور از ذهن نیست اما پیش‌بینی اینکه محدوددهی این واکنش چقدر باشد با توجه به جنگ حماس و اسرائیل و پشتیبانی تمام‌قد رژیم ایران از گروه‌های فلسطینی آسان نیست. شماری از مقامات تهران پیش از این تهدید کرده بودند در صورت تهدید تحریم‌های تسلیحاتی، دست جمهوری اسلامی بسته نخواهد بود.

علی شمخانی دبیر پیشین شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی اواسط اردیبهشت‌ماه سال جاری گفته بود با تهدید این تحریم‌ها «پیکر کم‌جان برجام به مرگ ابدی» خواهد رفت. تهدید تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی با استقبال آمریکا مواجه شده اما وزارت خارجه روسیه اعلام کرد دیگر از این قطعنامه تبعیت نخواهد کرد.

برخی منابع داخلی گزارش دادند که با تهدید این تحریم‌ها قیمت دلار در بازار تهران ۵۰۰ تومان افزایش پیدا کرد. وبسایت اصولگرایی «مثلت» در گزارشی به «شوک» افزایش قیمت ارز اشاره کرده و نوشته که «قیمت دلار با پیش‌بینی‌های وحشتناکی مواجه شده است. متوسط هفتگی قیمت دلار که در حال افزایش است با این مسئله مواجه شده که در آینده نزدیک ممکن است قیمت بالاتری به خود بگیرد.» بر اساس گزارش روزنامه «دنیای اقتصاد» در بازار تهران قیمت دلار به بیش از ۵۱ هزار تومان و قیمت یورو به بیش از ۵۴ هزار تومان رسیده است.

● وزارت دفاع جمهوری اسلامی در واکنش به تهدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران در بیانیه‌ای اعلام کرد «مستکبران و زورگویان عالم، کینه‌توزانه تلاش می‌کنند با تشدید تهاجم ترکیبی، اتهام‌پراکنی و طرح‌ریزی‌های فتنه‌گرانه، حرکت ایران اسلامی در مسیر پیشرفت را متوقف سازند».

● علی باقری کنی: محدودیتی در فعالیت‌ها و نقل و انتقالات موشک‌های بالستیک نداریم.

● ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه گفته تهدید تحریم‌ها «عملی توأم با سوء نیت» است. محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی نیز گفته اروپا نشان داد «قابل اعتماد نیست».

اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای که سه‌شنبه ۱۷ اکتبر (۲۵ مهرماه) منتشر شد به صورت رسمی اعلام کرد تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی جمهوری اسلامی که قرار بود طبق برجام روز ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) لغو شود به علت «دلایل معتبر» تمدید خواهد شد. در این بیانیه آمده مطابق با مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد و طبق برجام قرار بود این تحریم‌ها لغو شود، اما جمهوری اسلامی تعهدات خود را در برجام نقض کرده است.

منابع وابسته به اتحادیه اروپا پیش از این گفته بودند تهدید تحریم‌های جمهوری اسلامی سه دلیل عمده دارد: استفاده روسیه از پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی علیه اوکراین؛ احتمال انتقال موشک‌های بالستیک ایران به روسیه، و محروم کردن رژیم ایران از مزایای توافق اتمی زیرا جمهوری اسلامی این توافق را نقض کرده است.

وزارت دفاع جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۲۶ مهرماه نسبت به این تصمیم اتحادیه اروپا واکنش نشان داده است. این وزارتخانه در بیانیه‌ای اعلام کرد «مستکبران و زورگویان عالم، کینه‌توزانه تلاش می‌کنند با تشدید تهاجم ترکیبی، اتهام‌پراکنی و طرح‌ریزی‌های فتنه‌گرانه، حرکت ایران اسلامی در مسیر پیشرفت را متوقف سازند».

در این بیانیه تأکید شده «تقویت قابلیت‌های موشکی ایران در راستای رفع نیازمندی‌های دفاعی مشروع و زمینه‌سازی برای اجرای «دفاع از خود» مطابق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد است و وزارت دفاع برای اجرای مأموریت‌های ذاتی خود، مصمم به پیگیری تقویت قابلیت‌های موشکی و تسلیحاتی براساس الزامات دکترین امنیت ملی کشور می‌باشد».

در بخشی از این بیانیه، وزارت دفاع جمهوری اسلامی به دفاع از فلسطین نیز پرداخته و در ادعایی عجیب بارها ناتو را عامل جنگ افروزی معرفی کرده است. وزارت دفاع جمهوری اسلامی همچنین دخالت جمهوری اسلامی ایران در جنگ علیه اوکراین را رد کرده و مدعی شده این اتهام مبتنی بر اطلاعات ساختگی است.

مقامات جمهوری اسلامی: هیچ محدودیتی نداریم!

در این میان، علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد «طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، از امروز ایران دیگر موضوع هیچ محدودیتی مرتبط با نقل و انتقالات مرتبط با موشک‌های بالستیک در شورای امنیت نیست». این در حالیست که ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به اقدام اروپا آن را «نقض صریح تعهدات اتحادیه» و «عملی توأم با سوء نیت» خواند و تهدید

فرامرز توفیقی فعال کارگری نیمه تابستان درباره وضعیت قیمت‌ها و سبد مصرفی اقشار کم‌درآمد گفته بود که «خیلی از گروه‌های کالایی به تدریج از گروه ۲۱ به گروه ۲۲ منتقل شده‌اند و البته خیلی از کالاها به بهانه‌های مختلف گران شده‌اند؛ دام زنده به بهانه‌ی قاچاق گران شده؛ شکر به یک بهانه‌ی دیگر و برنج هم همینطور. افزایش هزینه‌های زندگی برای کارگران، قابل کتمان نیست».

به گفته فرامرز توفیقی «وزیر کار بی‌اعتنا به درخواست ترمیم مزد کارگران می‌گوید آن دستمزدی که ما مصوب کرده‌ایم کف مزد است، کارگر برود خودش با کارفرما چانه‌زنی کند! پس آقای وزیر، نقش شورایی عالی کار چیست: آیا نقش چانه‌زنی بین کارگر و کارفرما ندارد؟ اگر اینطور است، چرا نشست برگزار می‌کنید؟»

این فعال کارگری همچنین به افزایش قیمت گوشت اشاره کرده و گفته بود که گوشت قرمز کیلویی ۵۵۰ هزار تومان است یعنی یک کیلو گوشت قرمز معادل دو روز دستمزد یک کارگر حداقل‌بگیر.

او معتقد است که «هیولای تورم به معیشت ضعیف کارگران حمله آورده است، نمایندگان مجلس نیز در این شرایط سکوت پیشه کرده‌اند و قدمی در راستای احقاق حق کارگران برداشته نمی‌شود و در این میان، برداشته شدن ارز ترجیحی کالاهای خوراکی، ماه‌هاست که مزید بر علت شده به گونه‌ای که کاهش قدرت خرید در نهایت منجر به عدم خرید شده است».

فرامرز توفیقی تأکید کرده بود که «با قیمت‌های فعلی، کارگران نمی‌توانند پروتئین و ویتامین مصرف کنند، فقط مصرف‌کننده‌ی نشاسته و روغن هستند که البته نان هم گران شده است و نشاسته هم دیگر ارزان نیست!»

او همچنین افزوده بود که «خرید گوشت برای کارگر حداقل‌بگیر و بازنشسته‌ای که ۹ یا ده میلیون تومان حقوق ماهانه دارد ممکن نیست؛ وقتی باید دو روز کار کنی و پولش را کامل کنار بگذاری که بتوانی یک کیلو گوشت قرمز بخری و فقط یک وعده غذای پروتئینی برای یک خانواده‌ی چهارنفره فراهم کنی، خرید به امری محال مبدل می‌شود».

حجت میرزایی اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی نیز امردادماه جاری با انتقاد از عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی گفت اقتصاد ایران بعد از انقلاب ۵۷ «یکی از پایین‌ترین نرخ‌های رشد اقتصادی در دنیا» را داشته و در ۱۰ سال گذشته هم میزان رشد اقتصاد کشور «تقریباً به صفر رسیده است».

این اقتصاددان همچنین افزود، از سال ۱۳۹۷ به اینسو «چند اتفاق مهم رخ داده؛ یکی اینکه نرخ رشد تشکیل سرمایه منفی شده و فرار سرمایه تشدید شده و دیگر اینکه جمعیت فقیر ما حداقل دو برابر شده است و در همین سال‌ها به واسطه تورم‌های خیلی بالا، شاخص‌های فقر غذایی و فقر مسکن به وضعیت بی‌سابقه‌ای رسیده است.» روزنامه اینترنتی «فراز» هم دهم امرداد در گزارشی از زیر خط فقر قرار داشت ۳۰ درصد جمعیت کشور خبر داد و تأکید کرد که ۲۷ درصد دیگر از جمعیت کشور نیز شرایطی بسیار نزدیک به فقر دارند، بنابراین نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت کشور یا فقیر مطلق هستند یا با امکانات اولیه حیات زندگی می‌کنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز اعلام کرده که طی یک دهه نرخ فقر در کشور از ۱۹ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است که با در نظر گرفتن جمعیت ۸۶ میلیونی بیش از ۳۰ میلیون ایرانی زیر خط فقر هستند.

ادامه کاهش سرعت و کیفیت اینترنت در ایران مرکز پژوهش‌های مجلس علیه استارلینک!



است. میانگین سرعت اینترنت موبایل جهان از ۴۳/۱۹ مگابیت بر ثانیه، به ۴۷/۸۲ مگابیت بر ثانیه رسیده و میانگین سرعت اینترنت ثابت هم از ۸۲/۷۶ مگابیت بر ثانیه، به ۸۵/۳۱ مگابیت بر ثانیه افزایش یافته است.

بر اساس گزارش اسپدست برای ماه اوت، سرعت اینترنت ثابت در ایران کاهش و سرعت اینترنت موبایل افزایش یافته است. با این حال رتبه ایران هم در اینترنت ثابت و هم اینترنت موبایل کاهش داشته است. سرعت اینترنت موبایل از ۳۱/۳۳ مگابیت گزارش قبلی، به ۳۱/۶۷ مگابیت بر ثانیه افزایش یافته، اما رتبه ایران ۳ پله کاهش یافته و حالا در رتبه هفتاد و پنجم جهان قرار دارد.

بر اساس این گزارش، در ماه سپتامبر سرعت ثابت اینترنت ایران از ۱۱/۹۲ مگابیت بر ثانیه گزارش قبلی، به ۱۱/۶۶ مگابیت بر ثانیه رسیده که همین موضوع باعث کاهش یک پله‌ای رتبه ایران شده است. حالا ایران در رتبه ۱۵۳ فهرست سریع‌ترین اینترنت ثابت جهان قرار دارد.

در حالی که جمهوری اسلامی فیلترینگ شدید و محدودیت‌های زیادی را در رابطه با دسترسی شهروندان به اینترنت آزاد انجام داده اما در آنسو نیز نتوانسته زیرساخت‌های استفاده از اینترنت داخلی را فراهم کند. چنین شرایطی نه تنها استفاده از اینترنت به همراه فیلترشکن را برای مردم پرهزینه کرده بلکه حالا شرکت‌های اینترنتی به دنبال افزایش تعرفه برای خدمات بی‌کیفیت اینترنت نیز هستند. تحقیر جمعی ملت ایران از سوی جمهوری اسلامی: فیلترینگ و قطع اینترنت برای مردم، سیم‌کارت «بدون فیلتر» برای تیم «النصر»

وبسایت «تجارت نیوز» در اینباره گزارش داده که بسیاری از زیرساخت‌های ارتباطی از خارج کشور تامین می‌شود و در چند سال اخیر افزایش نرخ ارز باعث شده که شرکت‌های ارائه دهنده اینترنت نتوانند به آسانی زیرساخت خود را به‌روز رسانی کنند. همین امر باعث شده که اپراتورها از وزارت ارتباطات درخواست افزایش قیمت اینترنت داشته باشند.

مصرف‌کنندگان با مشکل مواجه کرده است. این گزارش افزوده که تا کنون مسئولان این اپراتورها درباره علت قطع مکرر و اختلال اینترنت همراه و اینترنت ثابت هیچ توضیحی ارائه نکرده‌اند.

خبرگزاری «ایسنا» نیز در گزارشی در اینباره نوشته که با گذشت حدود یک سال از تشدید محدودیت‌های اینترنتی [به دلیل اعتراضات جنبش ملی] و در شرایطی که وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرد سرعت اینترنت نسبت به ابتدای فعالیت دولت رئیسی دو برابر شده است، تجربه کاربران حاکی از آن است که از کیفیت اینترنت به ویژه اینترنت همراه اپراتورهای تلفن همراه راضی نیستند و با سرعت پایین داندلود به ویژه آپلود روبرو می‌شوند.

این گزارش افزوده که عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به تازگی دلیل این موضوع را ارتقای شبکه که معمولا در نیمه شب انجام و سبب ایجاد اختلال محدودی در برخی مناطق می‌شود، اعلام کرده است. برخلاف ادعای وزیر ارتباطات دولت سیزدهم محدودیت‌های اینترنتی در همه نقاط کشور و حتی در قلب پایتخت نیز سبب انتقاد کاربران شده است.

از سوی دیگر در روزهای گذشته گزارش‌هایی از کاهش شدید سرعت اینترنت در اواخر شب و تا پاسی از نیمه شب گزارش شده است. وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی در اینباره به رسانه‌های داخلی توضیح داده که «در حال ارتقای شبکه هستیم و این کار معمولاً در نیمه‌شب انجام می‌شود به همین دلیل برخی مناطق حدود ساعت ۱ الی ۲ شب اختلالات محدودی تجربه می‌کنند.»

وبسایت «خبرآنلاین» امروز سه‌شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۲ با استناد به گزارش اسپدست درباره کاهش سرعت اینترنت در شهریورماه امسال از کاهش ادامه‌دار سرعت اینترنت در ایران خبر داده است.

در گزارش اسپدست برای ماه سپتامبر ۲۰۲۳ برابر با شهریور ۱۴۰۲، میانگین سرعت اینترنت ثابت و موبایل در دنیا نسبت به گزارش ماه اوت همین منبع افزایش یافته

● در شرایطی که وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرد سرعت اینترنت نسبت به ابتدای فعالیت دولت رئیسی دو برابر شده است، تجربه کاربران حاکی از آن است که کیفیت و سرعت اینترنت کاهش یافته است.

● در ماه سپتامبر سرعت ثابت اینترنت ایران از ۱۱/۹۲ مگابیت بر ثانیه گزارش قبلی، به ۱۱/۶۶ مگابیت بر ثانیه رسیده که همین موضوع باعث کاهش یک پله‌ای رتبه ایران و قرار گرفتن در رتبه ۱۵۳ شده است.

● مرکز پژوهش‌های مجلس با انتشار گزارشی درباره «اینترنت ماهواره‌ای استارلینک» خواستار «جرم‌انگاری خرید و فروش و بهره‌برداری از تجهیزات و اشتراک بدون مجوز» این نوع اینترنت شده است.

در حالی که کیفیت اینترنت داخلی در ایران به شدت کاهش و هزینه‌های خدمات اینترنتی در حال افزایش است، مرکز پژوهش‌های مجلس با انتشار گزارشی درباره «اینترنت ماهواره‌ای استارلینک» خواستار «جرم‌انگاری خرید و فروش و بهره‌برداری از تجهیزات و اشتراک بدون مجوز» این نوع اینترنت شده است.

کیفیت اینترنت داخلی در ایران به شدت کاهش یافته و کاربران از کاهش شدید سرعت اینترنت در روزهای گذشته شکایت دارند.

وبسایت «اطلاعات آنلاین» نوشته که قطع پی در پی و اختلال در بسته‌های اینترنت ارائه شده از سوی اپراتورهای همراه اول و ایرانسل در گوشی‌های تلفن همراه و سیستم اینترنت ثابت طی دیروز و امروز مشترکان و مصرف‌کنندگان این خدمات را با مشکلاتی روبرو کرده است.

بر اساس این گزارش، طی روزهای اخیر اینترنت ارائه شده از سوی اپراتورهای همراه اول، ایرانسل در تلفن همراه و همچنین اینترنت ثابت اپراتور ایرانسل برخی از مشترکان و مصرف‌کنندگان با اختلال مواجه شده و قطع و وصل‌های مکرر اینترنت، برخی از اپلیکیشن‌های تلفن همراه را نیز از کار انداخته و هرگونه استفاده از آن را برای مشترکان و

تایمز اسرائیل: دولت بایدن به اسرائیل فشار می‌آورد تا آغازگر جنگ با حزب‌الله نباشد



یک جیب متعلق به ارتش لبنان در نزدیک مرز با اسرائیل / عکس: رویترز

پنتاگون قبلاً دو ناو هواپیمابر را به شرق مدیترانه نزدیک اسرائیل اعزام کرده بود تا دشمنان اسرائیل و آمریکا را در منطقه از اقدامات گستاخانه بازدارند.

حزب‌الله از زمان حمله حماس به اسرائیل ده‌ها موشک هدایت‌شونده ضد تانک، راکت و خمپاره به مواضع نظامی اسرائیل و شهرهای اسرائیل شلیک کرده و در عین حال افراد مسلح را برای نفوذ به اسرائیل اعزام کرده است. چندین پهباد نیز بر فراز شمال اسرائیل رهگیری و منهدم شده‌اند.

در این میان لبنانی‌ها هشتگ «#لبنان_لا_یرید_الحرب» (لبنان جنگ نمی‌خواهد) به راه انداخته‌اند. اما حامیان حزب‌الله در این کشور و سایر نقاط دنیا با اقدامات و حرکات تحریک‌کننده از جنگ علیه اسرائیل حمایت می‌کنند. آنها در چند مورد حتا در آمریکا دست به اوباشگری زدند و به شهروندان، سوپرمارکت‌ها و رستوران‌ها حمله کردند.

در درگیری‌های بین حزب‌الله و نیروهای اسرائیلی در مرز دو کشور دست کم پنج سرباز اسرائیلی کشته شدند. تعداد کشته‌های حزب‌الله نیز به ۱۳ نفر رسیده است.

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا به خبرنگاران گفته است که «ایالات متحده به هیچ وجه قصد ندارد سربازانش را وارد میدان جنگ کند»، اما در صورت نیاز «از امنیت و منافع ملی خود محافظت خواهد کرد.»

بر اساس گزارش منابع مختلف منطقه‌ای، حزب‌الله به تشدید تنش‌ها در مرز اسرائیل و لبنان ادامه می‌دهد. اوون آلترمن تحلیلگر سیاسی در مصاحبه با «آی۲۴» گفته «این مقاومت نیست، تا حد زیادی تروریسم است و به این مفهوم آنها احتمالاً اهداف غیرنظامی را هدف قرار خواهند داد.»

با وجود درگیری‌های نسبتاً پراکنده بین حزب‌الله و ارتش اسرائیل همچنان بسیاری کارشناسان معتقدند حزب‌الله همچنان تصمیم برای اقدام همه‌جانبه علیه اسرائیل نگرفته است. حزب‌الله می‌داند درگیری با اسرائیل با هر نتیجه‌ای عمده ظرفیت‌های این گروه را از بین خواهد برد. به ویژه آنکه جمهوری اسلامی به عنوان اصلی‌ترین پشتیبان این گروه در بحران شدید اقتصادی بسر می‌برد و در بلندمدت و در شرایط اضطراری روی پشتیبانی تهران چندان نمی‌شود حساب باز کرد.

● **روزنامه «تایمز اسرائیل»** به نقل از دو «مقام آگاه» گزارش داد که دولت بایدن در خفا از اسرائیل خواسته است که کارزار نظامی علیه حزب‌الله را آغاز نکند، زیرا واشنگتن تلاش می‌کند تا از گسترش جنگ به خارج از غزه جلوگیری کند.

● **لبنانی‌ها هشتگ «#لبنان_لا_یرید_الحرب»** (لبنان جنگ نمی‌خواهد) به راه انداخته‌اند. اما حامیان حزب‌الله در این کشور و سایر نقاط دنیا با اقدامات و حرکات تحریک‌کننده از جنگ علیه اسرائیل حمایت می‌کنند. آنها در چند مورد حتا در آمریکا دست به اوباشگری زدند و به شهروندان، سوپرمارکت‌ها و رستوران‌ها حمله کردند.

روزنامه «تایمز اسرائیل» روز چهارشنبه ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه) به نقل از دو «مقام آگاه» گزارش داد که دولت بایدن در خفا از اسرائیل خواسته است که کارزار نظامی علیه حزب‌الله را آغاز نکند، زیرا واشنگتن تلاش می‌کند تا از گسترش جنگ به خارج از غزه جلوگیری کند.

با این حال این مقامات تصریح کردند که ایالات متحده موافق است که اسرائیل به حملات حزب‌الله در مرزهای شمالی خود پاسخ دهد.

اما حملات ادامه‌دار گروه تروریستی حزب‌الله و این واقعیت که اسرائیل نتوانست حمله حماس از غزه را پیش‌بینی کند، منجر به تشدید بحث‌ها در مورد این شده است که آیا اسرائیل باید آغازکننده نبرد علیه حزب‌الله باشد تا بتواند دست بالا را حفظ کند؟

مقامات می‌گویند که چنین صحبت‌هایی باعث نگرانی ایالات متحده شده است که پیدا و پنهان به حزب‌الله و رژیم ایران هشدار داده که در جنگ علیه اسرائیل دخالت نکنند.

این مقامات می‌افزایند که ایالات متحده به اسرائیل هشدار داده است که در واکنش‌های نظامی خود به حملات حزب‌الله محتاط باشد و توضیح داده که اشتباه ارتش اسرائیل در لبنان می‌تواند جرقه‌ی آتش جنگ بسیار بزرگتری را شعله‌ور کند.

مقامات دولت بایدن در روزهای اخیر اشاره کرده‌اند که اگر حزب‌الله جنگی را علیه اسرائیل آغاز کند، ارتش آمریکا به ارتش اسرائیل در مبارزه با این گروه تروریستی خواهد پیوست.

➔ این گزارش افزوده که با اینکه وزارت ارتباطات لزوم افزایش تعرفه اینترنت را پذیرفته اما تا کنون با این درخواست موافقت نکرده است. مهدی روحانی‌نژاد معاون راهبری سازمان تنظیمات مقررات توضیح داده که «وزارت ارتباطات نیاز به افزایش تعرفه را پذیرفته و در اجرایی شدن آن مصمم است. اما اولویت اول و مهم دولت و حاکمیت افزایش مصرف و سهم ترافیک داخلی در قبال اینترنت است و هرگونه اطلاع و افزایش قیمت باید با مدلی صورت بگیرد که تقویت‌کننده ترافیک داخلی باشد.»

«تجارت نیوز» گزارش داده که تعرفه‌های اینترنت ثابت و تلفن همراه از سال ۱۳۹۵ تاکنون با وجود چند برابر شدن هزینه‌ها، ثابت مانده است؛ وزارت ارتباطات به دنبال ارتقای کیفیت شبکه است، اما از آنجا که سرمایه‌گذاری برای توسعه توسط بخش خصوصی یعنی اپراتورها انجام می‌شود، این شرکت‌ها مطرح می‌کنند که امکان توسعه وجود ندارد، زیرا درآمدها ثابت مانده و هزینه‌ها چند برابر شده است و از وزارت ارتباطات درخواست افزایش تعرفه دارند.

در این میان خبری درباره اینکه قرار است سرویس جدید استارلینک به کاربران امکان دسترسی یکپارچه به مت، صدا (تماس صوتی) و دیتا یا اینترنت را بدهد منتشر شده است. به بیان دیگر، سرویس جدید استارلینک با نام Direct Cell اینترنت ماهواره‌ای را در اختیار تمام گوشی‌های مجهز به LTE در سراسر جهان قرار می‌دهد و عملاً فیلترینگ اینترنت همراه را به کلی بی‌معنا می‌کند.

بر این اساس، کاربران با استفاده از این سرویس می‌توانند در مناطق مختلف از خشکی گرفته تا دریا به شبکه استارلینک وصل شوند و از آن استفاده کنند. سرویس جدید استارلینک ارتباط در مناطق دورافتاده را هم ممکن خواهد کرد.

کارشناسان معتقدند که کاربران در ایران همچنان برای استفاده از این سرویس جدید استارلینک با محدودیت‌هایی برای اتصال مواجه خواهند بود چرا که استارلینک تا حدی به اپراتورهای تلفن همراه محلی وابسته است و حداقل در گام اول راه‌اندازی این سرویس، کاربران از طریق رومینگ میان اپراتور محلی خود و استارلینک به اینترنت ماهواره‌ای متصل می‌شوند.

اینهمه در حالیست که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز با انتشار گزارشی درباره «اینترنت ماهواره‌ای استارلینک» خواستار «جرم‌انگاری خرید و فروش و بهره‌برداری از تجهیزات و اشتراک بدون مجوز» این نوع اینترنت شده است.

در این سند همچنین تخصیص یارانه به شرکت‌های ارائه‌دهنده اینترنت برای عرضه سرویس ماهواره‌ای «مجاز» به شهروندان و ایجاد منظومه «اینترنت بومی» با استفاده از رابطه استراتژیک و دوستانه با ابرقدرت‌های آسیایی چین و روسیه پیشنهاد شده است.

این گزارش که در مورد خدمات اینترنت ماهواره‌ای مدار پایین با مطالعه موردی استارلینک تهیه شده همچنین تاکید کرده که «آشکارسازی و ردیابی محل قرارگیری تریمینال با استفاده از تجهیزات لازم به سادگی ممکن است» از این رو در صورت ممنوعیت کاربران ممکن است استقبال چندانی برای استفاده از آن انجام نشود.

جمهوری اسلامی هرچند می‌کوشد شهروندان ایرانی را از دسترسی به اینترنت آزاد محروم کند اما به نظر می‌رسد پیشرفت علم و تکنولوژی بر اراده‌ی سرکوب مقامات حکومتی غلبه خواهد کرد و در آینده‌ای نزدیک محدودیت دسترسی به اینترنت به آرزویی محال برای مقامات رژیم تبدیل خواهد شد.

تداوم بحران کمبود دارو و تهدید جان بیماران؛ ابراهیم رئیسی: عمر دست خداست!

این بیماری‌ها، داروهایی از گروه نگهدارنده‌ها تجویز می‌شود: «ما نگران بیماری‌ها هستیم که نیازمند مصرف طولانی‌مدت داروهای نگهدارنده هستند و نایاب شدن داروهای اعصاب و روان، به سلامت روان بیمار و جامعه آسیب می‌زند.»

گزارش دیگری که ماه گذشته منتشر شد حکایت از آن داشت که داروهای آبرستین و سرزیم چهار ماه است کمیاب و برای بیماران مبتلا به گوچر یا گوشه مشکل‌ساز شده است. بیماری گوچر یا گوشه (Gaucher)، یک اختلال ارثی است که تجزیه لیپید را دچار مشکل کرده و موجب انباشت چربی در بافت و سلول‌های مختلف بدن می‌شود.

یونس عرب رئیس انجمن تالاسمی ایران نیز خردادماه امسال گفته بود آمار مرگ و میر این بیماری از اردیبهشت سال ۱۳۹۷، رشدی ۶ برابری داشته است و سالانه ۲۶۰ بیمار تالاسمی به دلیل «کمبود و نبود» دارو جان‌شان را از دست می‌دهند.

در مقابل اما مقامات دولت به عنوان مسئول مستقیم تأمین دارو در بی‌تفاوتی و بی‌عملی به سر می‌برند و پاسخ ابراهیم رئیسی به گلایه‌ی بیماران به کمبود و گرانی دارو این بوده که: «عمر دست خداست.»

ابراهیم رئیسی در پاسخ به اعتراضات به کمبود داروهای خاص گفته که «اولا عمر دست خداست، ثانیا خودمان سعی می‌کنیم بسازیم.»

این سخنان رئیسی با واکنش گسترده کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است. یکی از کاربران نوشته رئیسی اطلاعی از آمار حیاتی و تخمین طول عمر بر اساس موارد گذشته ندارد. همین حرف سبب از دست رفتن جان هزاران نفر بخاطر تاخیر در واردات واکسن کرونا شد.

بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت و درمان نیز اوایل شهریورماه با فراقتی درباره مشکلات مردم در تأمین دارو، ادعای صادرات دارو از ایران به ۴۰ کشور دنیا را مطرح کرده است.

یک ماه پیشتر نیز بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که گفته «با وجود تمام مشکلات و تحریم‌ها، ما ۹۹ درصد داروی مصرفی کشور را تولید می‌کنیم؛ البته در زمینه مواد اولیه کار بیشتری داریم. مادر تولید مواد اولیه خوب کار کردیم، ولی لازم است پیشرفت این بخش بیشتر باشد.»

همزمان با ادعای تولید ۹۹ درصد از داروی مورد نیاز کشور در داخل، حسن شکوهی پزشک و فعال صنعت دارویی به «مشرق» گفته که «وقتی گفته می‌شود ۹۷ درصد دارو در داخل کشور تولید می‌شود، یعنی اگر ۱۰۰ واحد دارو در کشور مصرف می‌شود، ۹۷ واحد آن از لحاظ کمی در داخل کشور تولید می‌شود. بخشی از مواد اولیه داروها در داخل کشور تولید و عمده آن از کشورهایی مانند هند یا چین وارد شده و سپس دارو تولید می‌شود که این داروهای تولیدی را تولید داخل می‌نامند.»

محمد عبده‌زاده داروساز و رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران نیز معتقد است که تأمین دارو در یک زنجیره اتفاق می‌افتد که عوامل مختلفی در آن تأثیر دارد. بخشی از این زنجیره به وزارت بهداشت و سیاست‌گذاری‌ها مربوط می‌شود. بخشی به بانک مرکزی مربوط است که عمدتاً شامل مواردی مانند تأمین ارز و نرخ و نوع آن می‌شود.

قسمتی مربوط به بیمه‌ها و تأمین نقدینگی شرکت‌ها و داروخانه‌ها و بدهی دانشگاه‌های علوم پزشکی به شرکت‌های پخش است. قسمتی هم به ساختارهای شرکت‌های داروسازی مربوط می‌شود. عمده مشکلات حوزه دارو مربوط به همین موارد می‌شود.»



تولیدکنندگان داخلی نیز از تخصیص ارز برای واردات مواد اولیه شکایت دارند و می‌گویند ارز اختصاصی از سوی دولت برای واردات مواد اولیه ناکافی است و همین رقم ناچیز نیز به‌موقع تخصیص پیدا نمی‌کند. نایب‌امانی در واردات مواد اولیه دارو در طول سال گذشته به حدی بحرانی شده که بخشی از داروسازی‌ها در آستانه ورشکستگی قرار گرفته و بخشی نیز به خارج از کشور از جمله ترکیه نقل مکان کرده‌اند.

در ماه‌های گذشته اما دولت رئیسی بحران دارو را به شکل بی‌سابقه‌ای گسترش داده بطوری که بیماران مبتلا به بیماری‌های مختلف با تهدید جانی روبرو هستند.

روزنامه «هم‌میهن» روز پنجشنبه ۲۰ مهر در گزارشی به کمبود دارو، درمان‌های مقطعی و کمبود تخت‌های بستری برای بیماران اعصاب و روان در ایران پرداخت و یادآور شد این مشکلات در حالی شدت گرفته که بیشتر این بیماران از محروم‌ترین گروه‌های جامعه هستند. بر اساس این گزارش، حتی اگر داروها در بازار سیاه و آزاد پیدا شود، بسیاری به دلیل فقر، توان خریدشان را با قیمت‌های چندبرابری ندارند.

به گفته متخصصان، بسیاری از بیماران حتی برای هزینه ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومانی خرید داروهای موجودشان نیز به کمک‌های مددکاری نیاز دارند.

پیشتر نیز مهدی صابری عضو کمیته اخلاق انجمن علمی روانپزشکان ایران در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» درباره نایاب شدن داروهای اعصاب و روان گفته بود: «کمبود داروهای اعصاب و روان البته بی‌سابقه نبوده و در برهه‌ای حتی با کمبود داروهای اساسی روانپزشکی مواجه شدیم که ما را با مشکل مواجه کرد. اگر از ۵ نوع داروی ضد اضطراب، یک نوع نایاب شود، می‌توانیم داروهایی با تأثیر مشابه و از رده دیگر را تجویز کنیم، اما وقتی برای کنترل یک بیماری، فقط یک یا دو نوع داروی شاخص و موثر داریم، وقتی همین یک یا دو نوع نایاب شود، چه کنیم؟»

به گفته مهدی صابری، بارها اتفاق افتاده که داروهای اساسی کنترل بیماری‌های اعصاب و روان نایاب شده و مشکل این است که اغلب بیماری‌های روانپزشکی، قابلیت بازگشت دارند و اگر داروی بیمار قطع شود، بیماری عود می‌کند. برای

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی معتقد است منافع عده ای با کمبود دارو گره خورده است.

رئیس قوه قضاییه نیز بر اهمیت نظارت بر حوزه غذا و دارو تاکید کرده گفته لغزیدن در حوزه غذا و دارو بسیار گران تمام می‌شود.

مقامات دولت به عنوان مسئول مستقیم تأمین دارو در بی‌تفاوتی و بی‌عملی بسر می‌برند و پاسخ ابراهیم رئیسی به گلایه‌ی بیماران به کمبود و گرانی دارو این است که: «عمر دست خداست!»

کمبود دارو همچنان تهدیدی جدی علیه جان بیماران در ایران به شمار می‌رود و با گذشت چندین ماه بحران پیاپی در تأمین دارو به ویژه برای بیماری‌های خاص، مقامات دولت همچنان در بی‌عملی بسر می‌برند و ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم نیز می‌گوید «عمر دست خداست!»

گزارش‌ها در ایران حاکی از تداوم بحران تأمین دارو به ویژه داروهای بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص است. رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی معتقد است منافع عده‌ای با کمبود دارو گره خورده است.

حسینعلی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی امروز سه‌شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۲ در گفتگوی تلفنی با برنامه فرامتی شبکه افق، گفته که «متأسفانه بانک مرکزی همکاری لازم با سازمان غذا و دارو را ندارد و رئیس سازمان غذا و دارو هم در جلساتی که با ما داشته است، مدعی است به‌موقع ارز نمی‌دهند.»

حسینعلی شهریاری از تأخیر در تأمین ارز دارو به عنوان یک بیماری مزمن نام برد و درباره اینکه چرا شرایط بحرانی می‌شود و بعد اقدام به واردات فوری دارو می‌شود گفته که «احتمالاً منافع عده‌ای در واردات فوری است.»

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی تأکید کرد که «به نظر می‌آید عده‌ای منتظر هستند که کمبود به وجود بیاید تا واردات اتفاق بیافتد.»

در اظهار نظری کم‌سابقه رئیس قوه قضاییه نیز بر اهمیت نظارت بر حوزه غذا و دارو تاکید کرده و گفته است که لغزیدن در حوزه غذا و دارو بسیار گران تمام می‌شود.

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضاییه امروز سه‌شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۲ در دیدار با مسئولان سازمان غذا و دارو گفته که بدون تردید در امر نظارت‌ها در حوزه غذا و دارو باید از تجهیزات فناورانه روز بهره برد تا تضمین سلامت محصولات این حوزه ارتقا یابد.

رئیس قوه قضاییه در بخش دیگری از سخنان خود گفته که «دیوان عدالت اداری نمی‌تواند مصلحت‌سنجی کند، بلکه باید کاملاً منطبق با قانون حکم کند؛ اینکه شما به عنوان متولیان امر غذا و دارو نسبت به برخی مقولات نظیر نحوه تأسیس داروخانه‌ها و موضوعاتی از این دست نقد و اعتراض دارید، باید همت خود را معطوف و متمرکز بر اصلاح قانون کنید.»

در سال‌های گذشته تولید و واردات دارو متأثر از سوء مدیریت دولت با مشکلات زیادی روبرو بوده است. ارز تخصیصی برای واردات دارو در میان مافیاهای وابسته به حکومت تقسیم و در نهایت داروهای وارداتی به‌موقع و با قیمت منطقی به دست مصرف‌کننده نمی‌رسند. واردکنندگان با جلوگیری از توزیع دارو، سبب افزایش تقاضا شده و در نهایت داروهای وارداتی را با قیمت بالاتر و به صورت قطره‌چکانی به بازار عرضه می‌کنند تا سود بیشتری کسب کنند.

«تروما»ی ناشی از تصادفات رانندگی، سال گذشته ۱۷ هزار ایرانی ۳۰ تا ۴۰ ساله را به کام مرگ فرو برد

یکی از معضلات کشور ما آسیب‌های ناشی از سوانح رانندگی و تروما است.»

در آبان ماه ۱۳۹۳ نیز دبیر علمی قطب تروما و انجمن جامعه جراحان ایران ۳ عامل عمده مرگ و میر در ایران را سرطان، بیماری‌های قلبی و تروما اعلام کرده و گفته بود: «هر ۲۰ دقیقه یک نفر به علت تروما فوت می‌کند چرا که بنا به علت‌های دیگری همچون بعد مسافت، شلوغی خیابان‌ها، گاهی دو و نیم ساعت طول می‌کشد تا بیمار به بیمارستان برسد و چون معمولاً ۳۰ دقیقه اول بعد از تصادف برای تروما منطقه حیاتی محسوب می‌شود، بسیاری از حادثه‌دیدگان را از دست می‌دهیم.»

ترومای روحی در اغلب موارد به خودکشی ختم می‌شود. جدیدترین آمارهای مرتبط با خودکشی در ایران همزمان با «روز جهانی سلامت روان» از افزایش ۱۰۸ درصدی خودکشی کامل (منجر به مرگ) در ایران طی ۱۵ سال گذشته حکایت داشت.

رئیس سازمان روانشناسی و مشاوره (دهم اکتبر) ۱۸ مهرماه، در روز «روز جهانی سلامت روان» و همزمان با هفته سلامت روان در ایران، از افزایش آمار خودکشی در کشور خبر داده و گفته بود که «تعداد موارد خودکشی کامل در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با سال ۱۳۹۹، ۱۲/۷ درصد رشد داشته است. همچنین تعداد موارد خودکشی کامل طی ۱۵ سال از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۴۰۰ حدود ۱۰۸ درصد رشد داشته است. این آمار قابل تأملی است.»

افزایش ۱۰۸ درصدی میزان خودکشی منجر به مرگ در ایران نشان می‌دهد میان نابرابری اقتصادی، بیکاری و تورم، به عنوان عوامل اقتصادی که تبعات اجتماعی آنها فراگیر است، با خودکشی ارتباط مستقیم وجود دارد. اینهمه در حالیست که بر اساس آمارهای رسمی منتشرشده سالانه بیش از ۱۰۰ هزار نفر زیر ۵۵ سال در ایران دچار مرگ زودرس می‌شوند.

بجز تصادفات رانندگی، سرطان و تروما عوامل مختلف دیگری نظیر اعتیاد، آلودگی هوا، سوانح در هنگام کار و خودکشی نیز سالانه شهروندان ایرانی بسیاری را به کام مرگ فرو می‌برد.

روزنامه «سپید» در تیرماه ۱۴۰۱ گزارش داده بود که سالانه ۴ هزار نفر در ایران بر اثر اعتیاد به مواد مخدر جان خود را از دست می‌دهند.

همچنین مقامات وزارت بهداشت آمار قربانیان ناشی از آلودگی هوا در کشور را حدود ۴۱ هزار نفر در سال اعلام کرده‌اند.

از سوی دیگر سالانه ۱۷ هزار نفر در جاده‌های ایران کشته می‌شوند که عمدتاً به دلیل استاندارد نبودن جاده‌ها و همچنین کیفیت نازل اتومبیل‌های تولید داخل است. همچنین سالانه بیش از ۱۰۰۰ کارگر ساختمانی در ایران جان می‌یازند. در کنار همه اینها، سالانه ۱۱۲ هزار نفر در ایران به انواع سرطان مبتلا می‌شوند و این بیماری تا ۱۵ سال آینده علت ۸۰ درصد مرگ و میرها در ایران خواهد بود.

با یک محاسبه ساده بدون در نظر گرفتن آمار خودکشی در ایران می‌توان ادعا کرد سالانه بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی بر اثر عواملی نظیر تصادفات جاده‌ای، آلودگی هوا، سرطان و اعتیاد جان خود را از دست می‌دهند.



فوتی‌های تصادفات تأکید کرد: «ما سالانه چیزی حدود ۶۰۰ الی ۷۰۰ هزار مصدوم ترافیکی داریم در صورتی که پلیس به علت عدم اطلاعات کافی این آمار را بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر اعلام می‌کند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران با اشاره به آمار بالای مرگ و میر ناشی از تروما و آسیب‌های روحی در ایران تأکید کرد: «ایران بعد از سیرالئون دومین کشور جهان از لحاظ میزان حوادث تروما است.»

در همین ارتباط ۶ سال پیش دکتر جواد حاجی میراسماعیل که در کنگره جامع کشوری مدیریت مصدومین ترومایی سخنرانی کرده بود ایران را یکی از کشورهای بلاخیز در تروما دانست.

وی ۵۱ درصد جانبختگان کشور در سال ۹۵ را مربوط به افرادی دانسته بود که در صحنه پیش‌بیمارستانی و بیمارستانی جان خود را از دست داده‌اند و از سوی دیگر هم ۵۱ درصد جانبختگان حوادث ترافیکی در ایران بین سنین ۲۱ تا ۵۰ سال است. به گفته وی براساس آمار پزشکی قانونی در سال ۹۴ بیش از ۱۶ هزار و ۵۰۰ نفر در حوادث ترافیکی جان خود را از دست داده بودند.

میراسماعیل با بیان اینکه ۵۷ تا ۶۰ درصد مرگ ناشی از حوادث جاده‌ای در ایران قبل از رسیدن به بیمارستان رخ می‌دهد متوسط سن قربانیان حوادث جاده‌ای را ۲۴ سال و تعداد معلولیت در سال را ۲۰۰ هزار مورد اعلام کرده بود.

وی با بیان اینکه سالانه هزاران مرگ و میلیون‌ها جرح ناشی از تروماهای مختلف به وقوع می‌پیوندد، توضیح داده بود: «در ایران اگرچه بیماری‌های قلبی- عروقی، اولین عامل مرگ و میر هستند، اما بیشترین عمر از دست رفته در کشور ما در اثر تروماست، چون بیماری‌های قلبی- عروقی بیشتر در افراد مسن روی می‌دهند، ولی ابتلا به تروما معمولاً در افراد جوان اتفاق می‌افتد.»

دکتر حاجی میراسماعیل با استناد به آمار پزشکی قانونی، نیمی از مرگ‌های غیرطبیعی را مربوط به حوادث ترافیکی دانسته و تأکید کرده بود: «در کشور ما مرگ‌های ناشی از حوادث به ترتیب به ترافیک، تروما و سقوط مربوط است و

● به تازگی سرپرست بیمارستان «شهدای هفتم تیر» تهران با اشاره به آمار بالای مرگ و میر ناشی از آسیب‌های روحی در ایران به خبرگزاری ایسنا گفت: «در سایر نقاط دنیا سهم سکنه‌های مغزی و سرطان‌ها در مرگ و میر بالاتر است اما در کشور ما چنین نیست. تروما بیشتر در افراد جوان و مشغول به کار اتفاق می‌افتد و همین موضوع آسیب‌های بیشتری دارد.»

● «ایران بعد از سیرالئون دومین کشور جهان از لحاظ میزان حوادث تروما است.»

۲۶ مهرماه برابر با ۱۷ اکتبر روز جهانی «تروما» نامگذاری شده است. بروز یک آسیب بر اثر حادثه و ضربات و آسیب ناشی از یک واقعه نامعمول یا تصادفات در دسته تروما قرار می‌گیرد یعنی آسیب‌ها و ضربات جسمی و روحی که به دلیل عامل و حادثه خارجی بر بدن وارد می‌آید.

به تازگی سرپرست بیمارستان «شهدای هفتم تیر» تهران با اشاره به آمار بالای مرگ و میر ناشی از آسیب‌های روحی در ایران به خبرگزاری ایسنا گفت: «در سایر نقاط دنیا سهم سکنه‌های مغزی و سرطان‌ها در مرگ و میر بالاتر است اما در کشور ما چنین نیست. تروما بیشتر در افراد جوان و مشغول به کار اتفاق می‌افتد و همین موضوع آسیب‌های بیشتری دارد.»

به گفته سرپرست این بیمارستان، میانگین سنی بروز ترومای ناشی از تصادفات در کشور بین ۳۰ تا ۴۰ سال برآورد می‌شود و در این بین مردان سهم بیشتری در آمارها دارند. وی با بیان اینکه بروز ترومای PTSD (روحی) در زنان بیشتر است، تصریح کرد: این نوع از تروما به راحتی قابل تشخیص نیست.

عبدالهادی دانشی در مورد وضعیت بروز حوادث منجر به ترومای جسمی در کشور اعلام کرد: «سال ۱۳۸۴ حدود ۲۵ هزار نفر در سال مرگ و میر ناشی از حوادث در کشور داشتیم که این آمار اکنون (سال ۱۴۰۱) تقریباً به ۱۷ هزار نفر رسیده است. کاهش آمار نیز به دلیل تلاش نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی و آموزش مردم است. با وجود کاهش آمار اما باز هم باید کاری کنیم که این آمار کاهش‌تری باشد.» او در مورد وضعیت بروز معلولیت‌های ناشی از تروماهای ناشی از حوادث ترافیکی توضیح داد: «معمولاً سه تا چهار برابر آمار مرگ و میر ناشی از حوادث ترافیکی، افرادی هم دچار معلولیت می‌شوند؛ کسانی که به دلیل آسیب به دست و پا و یا ستون فقرات و... حتی نتوانند به کار قبلی خود ادامه دهند.»

در همین ارتباط کمال هادیانفر رئیس پلیس راهور فراجا با بیان اینکه ۴۲ درصد از فوتی‌های تصادفات در بیمارستان‌ها رخ می‌دهد، اعلام کرد: «چرا امکانات موجود در بیمارستان‌ها آنقدر کم است که نتوان تروما را تشخیص داد؟ طرف با طحال پاره به بیمارستان می‌رود اما چون بیمارستان‌ها ابزار تشخیص ندارند و فرد را مرخص می‌کنند، مصدوم یک ساعت بعد فوت می‌کند!»

سعید کریمی معاون درمان وزارت بهداشت در واکنش به اظهارات هادیانفر به وبسایت «حیات» گفت: «پلیس به علت عدم اطلاعات مورد نیاز پزشکی نباید در خصوص مسائل بهداشتی و درمانی اظهار کند، همانطور که ما در حوزه بهداشت و درمان در خصوص مباحث پلیسی اظهار نظر و تحلیل نمی‌کنیم.»

وی با اشاره به تناقض آمارهای پلیس در مورد مصدومان و

پس از گذشت ۶ سال از زلزله در کرمانشاه، دانش‌آموزان بسیاری از روستاها در کانکس درس می‌خوانند



زلزله کرمانشاه / پاییز ۱۳۹۶

در همین ارتباط محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در ۱۹ مهرماه ادعا کرد: «از ۲۳ هزار کلاس درسی که در آغاز سال تحصیلی با مشکل کمبود معلم مواجه بودند، امروز کمتر از سه هزار کلاس درس با این مشکل مواجه هستند.»

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی حمیدرضا خان محمدی در مجموع ۳۰ درصد از ۱۰۴ هزار کلاس درس موجود در کشور نیاز به تخریب، بازسازی، نوسازی و یا مقاوم‌سازی دارد.

هرچند پیشتر گزارش‌هایی درباره نیاز هزاران کلاس درس در کشور به بازسازی و نوسازی و مقاوم‌سازی منتشر شده بود اما «فرونشست زمین» در محدوده شهری علت تازه‌ای برای تخلیه مدارس شده است.

رضا مرتضوی استاندار اصفهان اردیبهشت ۱۴۰۱ از تخلیه یکصد مدرسه در این استان به دلیل فرونشست زمین خبر داده بود.

مجید عبداللهی معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس امرداد امسال گفته بود که دو هزار و ۲۱۵ مدرسه سنگی در ایران شناسایی شده که از این تعداد، دست‌کم هزار و ۵۷۶ مدرسه بالای ۱۰ دانش‌آموز دارند. به عبارت دیگر، طبق آمار این مسئول دولتی، نزدیک به ۱۶ هزار دانش‌آموز در ایران در مدارس سنگی تحصیل می‌کنند.

مجید عبداللهی با ارائه وعده برچیده شدن مدارس سنگی گفته بود که تمرکز بر مدرسی است که بالای ۱۰ دانش‌آموز دارند. او با بیان اینکه بیشتر مدارس سنگی در مناطق روستایی‌اند توضیح داده که این مدارس فاقد خشت و ملات نیستند و کیفیت لازم را دارند.

جدا از مدارس ناپیمنی که ده‌ها هزار دانش‌آموز را در خود جای داده‌اند موضوع خرید نوشت‌افزار و کیف و کفش، مسئله پرداخت شهریه مدارس نیز یکی دیگر از مشکلات بزرگ والدین به شمار می‌رود.

خطرناک عبور می‌کنند. کودکان این روستاها در تلاش برای رسیدن به مدرسه، چاره‌ای جز عبور از بخش‌های کم‌عمق رودخانه ندارند؛ همانجایی که اغلب سرویس مدارس، یعنی وانت‌های قدیمی بی‌جان نیز توانایی عبور از آنها را با این حجم از سرنشین ندارند.

در ارتباط با نوسازی مدارس، قاسم ساعدی نماینده مردم دشت آزادگان و هویزه در مهرماه امسال گفته بود: «بسیاری از مدارس خوزستان در شرایط مطلوبی قرار ندارند و از ابتدایی‌ترین امکانات آموزشی محروم هستند. دانش‌آموزان در برخی از مدارس از داشتن نیمکت محروم هستند و بر روی موکت درس می‌خوانند.»

چندی پیش روزنامه «شرق» در گزارشی از کمبود مدرسه و تأثیر آن بر میزان ترک تحصیل کودکان روستاهای دیشموک در کهگیلویه و بویراحمد به دلیل فقر مالی خبر داده بود. خبرگزاری «ایلنا» نیز در ۲۶ شهریورماه از ترک تحصیل دانش‌آموزان استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل فقر مالی خبر داده و نوشته بود: «۳۷۰۰ توان خرید کتاب درسی و شرایط لازم برای آماده شدن در کلاس‌های درسی جدید خود را ندارند.»

در همین ارتباط چندی پیش ویدئویی در فضای مجازی منتشر شد که نشان می‌داد والدین دانش‌آموزان یک مدرسه ابتدایی در بخش طارم استان قزوین در روز اول مهر ۱۴۰۲ به شرایط بد ساختمان مدرسه اعتراض کرده و نگذاشته بودند که بچه‌هایشان وارد این «مدرسه» شوند.

جدا از مشکلات مرتبط به نوسازی مدارس فرسوده و وجود صدها کپر و کانکس برای تحصیل دانش‌آموزان در سال تحصیلی جاری بازماندن ۴ میلیون دانش‌آموز از تحصیل نیز یکی دیگر از مشکلات آموزش و پرورش در سال تحصیلی جدید اعلام شده است. از سوی دیگر همچنان هزاران کلاس بدون معلم هستند و مدیران و معاونان به دلیل کمبود معلم در کلاس‌های درس حاضر می‌شوند.

● نماینده قصرشیرین، سرپل ذهاب و گیلانغرب در مجلس شورای اسلامی: «بعد از زلزله سال ۹۶ در کرمانشاه، هنوز بسیاری از مدارس بازسازی نشده و در بسیاری از روستاها دانش‌آموزان در کانکس درس می‌خوانند. یعنی پس از گذشت ۶ سال از زلزله، هنوز بسیاری از دانش‌آموزان مجبورند در سوله، کانکس، کانتینر و در دمای منفی ۱۵ تا مثبت ۵۰ درجه سانتی‌گراد درس بخوانند.»

● در خردادماه ۱۴۰۱ وزیر آموزش و پرورش گفته بود که ۱۲ هزار مدرسه خشتی، کپری و کانکسی وجود دارد که عمدتاً در استان‌های غربی و جنوبی قرار دارند و برای جمع‌آوری‌شان ۲ هزار میلیارد تومان بودجه تخصیص داده شده است. وعده‌های جمع‌آوری این مدارس را ولی هریار دولتی به دولت بعد از خود می‌سپارد.

سال تحصیلی جدید برای ۱۶ میلیون دانش‌آموز مانند سال‌های گذشته با مشکل کمبود کلاس‌های درس و فضای آموزشی آغاز شد.

روزنامه «هم‌میهن» به نقل از شهیار حیدری، نماینده قصرشیرین، سرپل ذهاب و گیلانغرب در مجلس شورای اسلامی نوشت: «بعد از زلزله سال ۹۶ در کرمانشاه، هنوز بسیاری از مدارس بازسازی نشده و در بسیاری از روستاها دانش‌آموزان در کانکس درس می‌خوانند. یعنی پس از گذشت ۶ سال از زلزله، هنوز بسیاری از دانش‌آموزان مجبورند در سوله، کانکس، کانتینر و در دمای منفی ۱۵ تا مثبت ۵۰ درجه سانتی‌گراد درس بخوانند.»

بسیاری از معلمان و دانش‌آموزان ایرانی هر سال با آغاز سال تحصیلی شاهد وضعیت رقت‌بار صدها کلاس درس با دیوارهای خشتی ترک خورده، سقف‌های نوره و مدرسه‌های کپری در جای جای کشور هستند.

در خردادماه ۱۴۰۱ وزیر آموزش و پرورش گفته بود که ۱۲ هزار مدرسه خشتی، کپری و کانکسی وجود دارد که عمدتاً در استان‌های غربی و جنوبی قرار دارند و برای جمع‌آوری‌شان ۲ هزار میلیارد تومان بودجه تخصیص داده شده است. وعده‌های جمع‌آوری این مدارس را ولی هریار دولتی به دولت بعد از خود می‌سپارد. در این میان، در سیل‌های تابستانی سال گذشته با اینکه مدرسه‌ای تخریب نشده ولی ۵۶۹ مدرسه آسیب دیده بودند و نیاز به بازسازی داشتند.

بر اساس آمارهای اعلام شده تقریباً ۱۹ درصد از مدارس کشور نیاز به تخریب، بازسازی و مقاوم‌سازی دارند و در واقع ۱۰۴ هزار کلاس درس در حال حاضر غیراستاندارد هستند. اینهمه درحالیست که فرسوده یا غیراستاندارد بودن مدارس و کلاس‌های درس تا کنون بارها حادثه آفریده و شماری از دانش‌آموزان جان خود را از دست داده یا مجروح و معلول شده‌اند.

هرچند کمبود کلاس درس در مناطق دورافتاده و استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان بیشتر است اما حتی در کلانشهرها و استان‌های مرکزی کشور هم جمهوری اسلامی نتوانسته کمبود کلاس درس را برطرف کند. از جمله دانش‌آموزان در منطقه دشتیاری استان سیستان و بلوچستان که دارای خطرناک‌ترین جاده‌های کشور است برای رسیدن به کلاس درس از بین گاندوها، رودخانه‌ها و جاده‌های

توافق جمهوری اسلامی و حماس برای ادامه همکاری امتیازگیری از اسرائیل یا تشدید جنگ؟!



راهپیمایی حکومتی در تهران به حمایت از حماس / ۲۱ مهر ۱۴۰۲

اسلامی به دنبال تشدید جنگ علیه اسرائیل است روزنامه «قدس» چاپ تهران در گزارشی با عنوان «حلقه‌های دیپلماسی حول میدان» به نقل از کارشناسان می‌نویسد «پس از آغاز یک هفته از عملیات بزرگ و موفق طوفان الاقصی سفر امیرعبداللهیان به کشورهای مقاومت شامل عراق، سوریه و لبنان سفری مهم و اثرگذار بر آینده تحولات فلسطین خواهد بود.»

در این گزارش اشاره شده مقاومت به دنبال گرفتن امتیاز از اسرائیل از طریق راه حل سیاسی است. همچنین تأکید شده «اولویت مقاومت ادامه جنگ نیست و برای تثبیت شرایط موجود نه تنها نیاز است جبهه مقاومت توان بازدارنده خود را به صورت شفاف مطرح کند، بلکه بتواند جلو فاجعه انسانی از سوی صهیونیست‌ها را بگیرد.»

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی و گروه‌های شبه نظامی وفادار به تهران در حال محک زدن شرایط هستند تا بسنجند کدام گزینه برای منافع آنها اولویت دارد.

اگرچه عملیات تلافی‌جویانه اسرائیل علیه حماس موسوم به «شمشیرهای آهنین» ادامه دارد اما به نظر می‌رسد برخلاف اعلام قبلی اسرائیل هنوز برای وارد کردن ستون‌های زرهی و پیاده ارتش به غزه تصمیم نهایی را نگرفته است. این در شرایطی است که ارتش اسرائیل از ساکنان شمال غزه خواسته بود آن مناطق را به سمت جنوب غزه ترک کنند. همزمان اما مپاران مقرر فرماندهان و تأسیسات حماس همچنان ادامه دارد.

در اسرائیل فشارها علیه بنیامین نتانیاهو نخست وزیر این کشور افزایش پیدا کرده است. او از یک سو به شدت برای پاسخ محکم به حمله تروریستی اخیر زیر فشار قرار دارد و از سوی دیگر تشدید اقدام نظامی مقامات اسرائیلی را با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو کرده است.

روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از چند منبع آگاه با اشاره به نقش اسماعیل قاتنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران در هماهنگی و سازماندهی گروه‌های شبه نظامی می‌نویسد حمله اخیر به اسرائیل از حدود یک سال قبل طراحی شده بود.

در این گزارش آمده حسن نصرالله رهبر حزب‌الله، در ماه مارس سال ۲۰۲۳ در یک نشست آنلاین با گروهی از استراتژیست‌های شبه نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی به آنان گفت که برای جنگ گسترده با اسرائیل از جمله تهاجم زمینی آماده شوند. برخی از افراد آشنا با این عملیات گفتند که حلقه فشرده‌ای از رهبران ایران، حزب‌الله و حماس به برنامه‌ریزی حمله کمک کردند، شبه نظامیان را آموزش دادند و اطلاعات کافی در مورد آن جمع‌آوری کردند. برخی دیگر اما معتقدند ایران در این حمله دخالت داشت اما آنقدرها عمیق نبوده است. علی برکه یکی از مقامات ارشد حماس مستقر در بیروت، گفت: «اجرا این عملیات همه توسط حماس بود، اما ما کمک و حمایت ایران را انکار نمی‌کنیم.»

روزنامه «وطن امروز» چاپ تهران که سابقه طولانی در انتشار گزارش‌های امنیتی دارد در یک گزارش اختصاصی که یکشنبه ۲۳ مهرماه منتشر شد ادعا کرده «حزب‌الله با تعیین ضرب‌الاجل برپا اسرائیل تهدید کرده در صورت ادامه حملات وارد اسرائیل خواهد شد و سرزمین‌هایی را که آزاد می‌کند به پس نخواهد داد.» در این گزارش تأکید شده حملات جدیدی علیه اسرائیل از کرانه باختری سازماندهی شده است.

ارتش اسرائیل اعلام کرده با آغاز حملات راکتی از لبنان عملیات دفاعی ادامه دارد.

«مقاومت به دنبال امتیازگیری و راه حل سیاسی» اما برخلاف آن دیدگاه‌هایی که اشاره می‌کنند جمهوری

حماس در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که امیرعبداللهیان و هنیه بر سر ادامه همکاری خود برای دستیابی به «اهداف حماس» توافق کردند.

یک مقام ارشد اسرائیل گفت جمهوری اسلامی به دنبال باز کردن جبهه دوم جنگ علیه اسرائیل از طریق سوریه است.

روزنامه «وطن امروز» چاپ تهران در یک گزارش اختصاصی ادعا کرده «حزب‌الله با تعیین ضرب‌الاجل برپا اسرائیل تهدید کرده در صورت ادامه حملات وارد اسرائیل خواهد شد و سرزمین‌هایی را که آزاد می‌کند به پس نخواهد داد.»

روزنامه «قدس» چاپ تهران تأکید کرده «اولویت مقاومت ادامه جنگ نیست و برای تثبیت شرایط موجود نه تنها نیاز است جبهه مقاومت توان بازدارنده خود را به صورت شفاف مطرح کند، بلکه بتواند جلو فاجعه انسانی از سوی صهیونیست‌ها را بگیرد.»

ساعاتی پس از دیدار حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی و اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس که شنبه ۲۲ مهرماه در دوحه انجام شد، این گروه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که طرفین بر سر ادامه همکاری خود برای دستیابی به «اهداف حماس» توافق کردند.

همزمان یک مقام ارشد اسرائیل گفت جمهوری اسلامی به دنبال باز کردن جبهه دوم جنگ علیه اسرائیل از طریق سوریه است.

جاشوا زارکا رئیس امور راهبردی وزارت خارجه اسرائیل، در پاسخ به یک توییت نوشت که جمهوری اسلامی در تلاش است تا با استقرار تسلیحات در داخل یا از طریق سوریه، جبهه دوم جنگ را باز کند. وی تأکید کرد، «اسرائیل مصمم هستند از چنین تحولاتی جلوگیری کنند.»

هجوم دوباره ریزگردها به سیستان و بلوچستان ۵۰۰ شهروند راهی بیمارستان شدند



استان به نابودی کشیده شده و روستاهای زیادی نیز از سکنه خالی شده است.

صداوسیماي جمهوری اسلامی به تازگی گزارش داده که شهرستان سیب و سوران داری ۹ هزار هکتار زمین کشاورزی بود که بر اثر خشکسالی و دو هزار و ۵۰۰ هکتار زمین کشاورزی خشک شده و بیش از ده روستا تخلیه شده و ۵۰ چاه کشاورزی خشک شده و سطح آب‌های زیرزمینی از ۳۰ متری زمین در یک بازه زمانی به ۱۵۰ متر عمق رسیده است.

از بین رفتن کشاورزی و دامپروری از جمله عوامل تشدید بیکاری و فقر در این استان است. روستاییان به امید یافتن شغل و درآمد به حاشیه شهرهای این استان از جمله زاهدان مهاجرت کرده اما این شهرها ظرفیت اشتغالزایی برای این حجم از مهاجر را ندارد و در نتیجه پدیده‌ی حاشیه‌نشینی آمیخته با فقر در این شهرها رو به افزایش است.

خشکسالی و شکل‌گیری کانون‌های ریزگرد در سیستان و بلوچستان بر استان کرمان نیز اثر گذاشته و توفان گرد و غبار در این استان زندگی شهروندان را با مشکلاتی روبرو کرده است. بر اساس گزارش‌ها پدیده گرد و غبار از چهارشنبه هفته گذشته، ۱۹ مهرماه، در برخی مناطق استان کرمان آغاز شد و میزان غلظت آلاینده‌ی آن در روز جمعه به بالاترین حد خود رسید. چنانکه به دلیل بروز گرد و غبار، فعالیت مدارس سیرجان صبح شنبه ۲۲ مهر با ۲ ساعت تأخیر آغاز شد. همچنین مدارس شهرستان جیرفت نیز تعطیل شد.

از سوی دیگر به دلیل کاهش شعاع دید ۲ پرواز فرودگاه بین‌المللی کرمان با تأخیر انجام شد. به گفته مدیرکل فرودگاه های استان کرمان، پرواز ایرباس ۳۱۰ شرکت هواپیمایی ماهان به شماره پرواز ۱۰۵۳ که مقرر بود ساعت ۲۳:۴۰ جمعه ۲۱ مهر از تهران به سمت کرمان پرواز کند، انجام نشد و ساعت ۹:۴۷ دقیقه صبح شنبه از فرودگاه مهرآباد به مقصد کرمان انجام شد.

ایستگاه هواشناسی تا ۲۰۰ متر کاهش داد، و غبار حاصل از توفان منطقه سیستان دید افقی را در ایستگاه فرودگاهی زاهدان در شبانه روز گذشته به ۴۰۰ و در ایستگاه هواشناسی خاش به ۵۰۰ متر و در نصرت آباد به هزار و ۵۰۰ متر کاهش داده است.

بادهای ۱۲۰ روزه سیستان و بلوچستان از دو دهه پیش و به ویژه پس از خشک‌شدن تالاب هامون و شکل‌گیری کانون‌های جدید ریزگردها، به عاملی برای تشدید ریزگردها در محدوده شهرهای زابل، زهک، هامون، هیرمند و نیمروز و افزایش بیماری‌های قلبی و تنفسی، تبدیل شده است.

در همین حال تصاویری از شرایط دریاچه و تالاب هامون در استان سیستان و بلوچستان در اوایل مهرماه امسال منتشر شده که نشان می‌دهد این دریاچه و تالاب به بیابانی کویری تبدیل شده و سطح آن را شن و ریگ پوشانده است.

دریاچه هامون سومین دریاچه بزرگ کشور پس از خزر و ارومیه و هفتمین تالاب بین‌المللی جهان و یکی از ذخیره‌گاه‌های زیست محیطی در ایران است که بستر آن کاملاً خشک شده و به کانون خیزش گرد و خاک در شرق کشور تبدیل شده است.

عدم دریافت حقایق رودخانه مرزی هیرمند از افغانستان طی سال‌های گذشته، و سیاست‌های نادرست مدیریت آب در سراسر کشور از جمله در استان سیستان و بلوچستان از اصلی‌ترین دلایل خشکی منابع آب این استان و تشدید ریزگردها در این استان ارزیابی می‌شود.

مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان ششم مهرماه اعلام کرد که بر اساس شاخص‌های هواشناسی ۹۲ درصد از مساحت سیستان و بلوچستان تحت تأثیر «خشکسالی» و «بی‌آبی» قرار دارد.

پدیده ریزگرد تنها یکی از آثار خشکسالی بر استان سیستان و بلوچستان است؛ کشاورزی و دامپروری در این

● استان سیستان و بلوچستان تنها سه هفته پس از توفان گسترده ریزگرد در هفته آخر شهریور، بار دیگر با توفان گرد و خاک و هجوم ریزگرد روبرو شده است.

● شهرستان‌های زابل، زهک، هامون، هیرمند و نیمروز کانون اصلی این توفان بوده و دست‌کم ۵۱۱ شهروند طی دو روز گذشته در این شهرستان‌ها به دلیل مشکلات تنفسی به بیمارستان مراجعه کردند.

● تصاویرمنتشر شده از شرایط دریاچه و تالاب هامون در استان سیستان و بلوچستان نشان می‌دهد این دریاچه و تالاب به بیابانی کویری تبدیل شده و سطح آن را شن و ریگ پوشانده است.

استان سیستان و بلوچستان از روزه‌های گذشته بار دیگر با توفان گرد و خاک و هجوم ریزگردها روبرو شده است. بر اساس آخرین آمارهای رسمی طی دو روز گذشته دست‌کم ۵۱۱ به دلیل مشکلات تنفسی ناشی از ریزگرد به مراکز درمانی مراجعه کرده‌اند.

استان سیستان و بلوچستان تنها سه هفته پس از توفان گسترده ریزگرد در هفته آخر شهریور، بار دیگر با توفان گرد و خاک و هجوم ریزگرد روبرو شده است.

پنج شهرستان زابل، زهک، هامون، هیرمند و نیمروز کانون اصلی این توفان بوده و دست‌کم ۵۱۱ شهروند طی دو روز گذشته در این شهرستان‌ها به دلیل مشکلات تنفسی ناشی از ریزگرد به بیمارستان و مراکز درمانی مراجعه کردند.

مجید محبی مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان با ارائه آمار مراجعه شهروندان به بیمارستان در پی توفان روزه‌های شنبه و یکشنبه در این استان گفته که از این تعداد ۴۸۴ تن با دریافت درمان از بیمارستان‌ها مرخص شده‌اند اما دست‌کم ۲۷ نفر به دلیل شدت عوارض این پدیده همچنان در مراکز درمانی بستری بوده و تحت درمان قرار دارند.

پیشتر در هفته آخر شهریور امسال نیز در پی چند روز توفان گرد و خاک و ریزگرد در این استان حدود ۱۵۰۰ شهروند در این استان به بیمارستان منتقل شدند.

آمارها نشان می‌دهد از آخر مرداد تا اول مهرماه امسال و در یک بازه ۳۵ روزه، بیش از ۳ هزار و ۸۰۰ نفر در پی توفان شن و ریزگردها راهی بیمارستان‌ها شده‌اند. در ماه‌های تیر و مرداد نیز آمارهای مشابهی درباره مراجعه شهروندان در این استان به مراکز درمانی و به علت مشکلات تنفسی ناشی از ریزگردها منتشر شده است.

در همین رابطه محمد خلیلی رئیس اورژانس پیش بیمارستانی زابل شهریورماه امسال گفته بود که «مشکل تنفسی» دلیل اصلی مراجعه بیماران به مراکز درمانی در این منطقه است و پس از آن مشکلات قلبی و چشمی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

علی ملاشاهی رئیس اداره پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات هوای هواشناسی سیستان و بلوچستان روز جمعه ۲۱ مهر ۱۴۰۲ از وزش باد شدید با سرعت ۱۰۸ کیلومتر بر ساعت در شهرستان زابل خبر داد و گفت گرد و غبار حاصل از آن شعاع دید افقی را به ۲۰۰ متر کاهش داد.

علی ملاشاهی افزوده بود که در شهرستان زهک، پیشینه سرعت باد به ۷۶ کیلومتر در ساعت رسید و دید افقی را در

فقر در سیستان و بلوچستان؛ کودکان به جای مدرسه راهی بازار کار و «خانه بخت» می‌شوند



شورای اسلامی که آخر سال گذشته منتشر شد آمده که «۷۰ درصد تارکان تحصیل مربوط به دهک‌های درآمدی پایین یک تا ۵ هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پنج استان سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، تهران، خوزستان و آذربایجان غربی دارای بیشترین فراوانی مطلق بازماندگان از تحصیل‌اند. همچنین استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، خوزستان، آذربایجان غربی و کرمان نیز به ترتیب دارای بیشترین آمار تارکان از تحصیل در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بوده‌اند.»

در مناطق کم‌برخوردار کشور مانند سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویر احمد عدم دسترسی دانش‌آموزان ساکن روستاها به مدرسه، و همچنین کمبود فضای آموزشی برخی دانش‌آموزان را از تحصیل محروم می‌کند.

بازماندگی از تحصیل و کار اجباری برای کمک به معیشت خانوار، یکی از زوایای مشکلات کودکان در این استان است. شمار کودکان بی‌شناسنامه در این استان نیز یکی دیگر از مشکلاتی است که سالهاست با بی‌اعتنایی جمهوری اسلامی، سبب شده این کودکان حتی از ابتدایی‌ترین حقوق نیز به عنوان شهروندان ایرانی برخوردار نباشند.

کمپین فعالان بلوچ زمستان گذشته در گزارشی با اشاره به «فقر و بیکاری شدید» شدید شهروندان استان سیستان و بلوچستان، از وجود بیش از ۵۵ هزار کودک بی‌شناسنامه بلوچ خبر داد.

این کمپین در گزارش سالیانه خود مربوط به سال ۲۰۲۲ میلادی نوشته بود به دلیل نبود سمن‌ها و ارگان‌های مدنی حامی کودکان در سیستان و بلوچستان، گزارش‌های نقض حقوق کودکان و زندانیان در این منطقه به سختی مستند می‌شود.

بر اساس این گزارش، طی سال ۲۰۲۲ میلادی جمعا «۷۵ گزارش» از نقض حقوق کودکان به دست کمپین رسیده؛ «دست‌کم ۳۶ کودک کشته، ۱۲ کودک زخمی، ۴۹ کودک غرق، ۵ کودک بازداشت و همچنین ۸ کودک مورد تجاوز قرار گرفته‌اند.»

می‌چرخاند درباره اجبار فرزندان به کار به «خرآنلاین» گفته که «به جای اینکه پسرکم را برای گردش و تفریح از خانه بیرون ببرم هر روز دستش را می‌گیرم و راهی جاده مرگ می‌کنم. ترس اینکه این بچه فردا جای من نگذارد و اقبالش به سیاهی نکشد مدام توی خواب و بیداری اذیتم می‌کند. کدام پدری را دیدی فرزندش را برای یک لقمه، با خودش همراه جاده هلاکت کند.» او افزوده که «فرزندان کوچکم در بارگیری سوخت کمک حام هستند و بشکه‌های سوخت را در این گرمای طاقت‌فرسا پر می‌کنند و مدام سرفه‌های ناشی از گازهای خروجی گازوئیل و بنزین ریه‌هایشان را درگیر می‌کند. این بار زدن بشکه‌ها تنها فضا برای بازی‌های نوجوانی‌شان است.»

پیش از این نیز گزارش‌های دیگری از وضعیت تکانه‌دهنده کودکان در استان سیستان و بلوچستان منتشر شده است. چهار سال پیش و در خردادماه ۱۳۹۸ فاطمه فاضلی مدیرکل بانوان و خانواده استانداری سیستان و بلوچستان از وجود هزار و ۲۵۷ کودک کار در این استان خبر داده بود. آماری که بدون شک در چهار سال گذشته و با توجه به تشدید تورم و فقر در این استان، افزایش یافته است.

امرداد امسال نیز معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش از بازماندن ۱۶۰ هزار دانش‌آموز دبستانی از تحصیل خبر داده و گفته بود که شمار زیادی از این کودکان ساکن روستاها و در استان‌های محرومی چون سیستان و بلوچستان هستند. روزنامه «خراسان» روز شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲، در گزارشی با عنوان «هولناک مثل آمار ترک تحصیل» با اشاره به آمار اعلام شده از سوی معاون آموزش و پرورش نوشته که «روی دیگر آمار جاماندگان از تحصیل در مقطع ابتدایی، آمارهای دیگری است که در این زمینه وجود دارد؛ آمارهایی با اعداد و ارقامی هولناک که به معنای واقعی کلمه، لرزه به اندام هر ایرانی دلسوز می‌اندازد.»

در این مطلب با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس

● بسیاری از پدر و مادرها در سیستان و بلوچستان برای گذران زندگی روزمره دغدغه زیادی دارند، و گاهی این فشار به حدی است که پسر بچه ۵ ساله یکباره تمام کودکی خود را رها می‌کند و وارد جنگ نان می‌شود.

● مصطفی دشتی استاد دانشگاه در سیستان و بلوچستان: کودکان از مدارس باز می‌مانند تا کمک خرج باشند و دختران از دانشگاه تا به خانه بخت بروند و بار خرجشان از گردنه خانواده‌ها برداشته شود.

در سیستان و بلوچستان بسیاری از خانوارها از پرداخت هزینه تحصیل کودکان حتی در مقطع دبستان ناتوان هستند و مشکلات معیشتی کودکان زیادی را از سنین کودکی راهی بازار کار می‌کند. وبسایت «خرآنلاین» در گزارشی به موضوع کودکان کار در استان سیستان و بلوچستان پرداخته است. در این گزارش آمده که بسیاری از پدر و مادرها در سیستان و بلوچستان برای گذران زندگی روزمره دغدغه زیادی دارند، و گاهی این فشار به حدی است که پسر بچه ۵ ساله یکباره تمام کودکی خود را رها می‌کند و وارد جنگ نان می‌شود.

ناتوانی خانواده‌ها در پرداخت هزینه تحصیل و همچنین مشکلات عمیق معیشتی سبب دور ماندن کودکان زیادی از مدرسه و آموزش شده بطوریکه بر اساس گزارش «خرآنلاین» آموزش در اینجا سال‌هاست دچار مشکلاتی شده و در گوشه‌ای غریب رها شده‌اند.

«قادر» یکی از اهالی شهر خاش درباره وضعیت آموزش در این استان گفته که «فقر و عدم امکانات معیشتی شکافی عمیق بین درس و اهالی اینجا انداخته است که معدود خانواده‌هایی که توان مالی برای تحصیل بچه‌ها دارند اجازه اتمام تحصیلات دبیرستان و دانشگاه را به بچه‌هایشان می‌دهند و الباقی روانه خیابان‌ها و جاده‌ها می‌شوند.»

مصطفی دشتی استاد دانشگاه در سیستان و بلوچستان هم گفته که در این استان «کودکان از مدارس باز می‌مانند تا کمک خرج باشند و دختران از دانشگاه تا به خانه بخت بروند و بار خرجشان از گردنه خانواده‌ها برداشته شود.»

در این میان دختران به دلیل تبعیض جنسیتی شدید، قربانیان اصلی فقر و بازماندگی از تحصیل هستند. فرید شاهرادی استاد دانشگاه و مدیر کارخانه نوآوری زاهدان در اینباره توضیح داده که «جدا از شهر زاهدان که شهری دانشگاهی است، شهرهای دیگر استان با مشکل جدی در تبعیض جنسیتی روبه‌رو هستند. یکی از مهمترین دلایل این اتفاق نبود امکانات و زیرساخت‌های آموزشی به خصوص در مقاطع متوسطه در گستردگی جغرافیایی استان به میزان متناسب است. این باعث می‌شود با فقر تحصیل بویژه در دوره متوسطه ابتدا برای دختران و حتی برای پسران مواجه باشیم.» به گفته فرید شاهرادی «معدود دخترانی که تا دیپلم ادامه تحصیل می‌دهند هم متأسفانه برای ورود به دانشگاه با چالش‌های دست و پا گیر روبرو می‌شوند که مهمترین آن محدودیت‌های خانوادگی، تعصبات قومی و فقر است.»

این استاد دانشگاه تأکید می‌کند: «نبود مهارت‌های فنی و تخصصی که دلیل آن کمبود ساختارهای مهارت‌افزایی در استان است، به دست نیافتن به شغل مناسب دامن زده است که همین موضوع باعث تداوم فقر و استمرار آن در نسل‌ها می‌شود.» عثمان پدر خانواده‌ای ۷ نفره که با سوختن خانوار را

رجزخوانی فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران برای اسرائیل؛ «کاش فرصتی فراهم شود که توانمندی‌های جمهوری اسلامی به کار بیاید!»



به آتش کشیدن پرچم اسرائیل در تجمع حکومتی برای حمایت از حماس / تهران / ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲

● محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح: ادامه حملات اسرائیل «می‌تواند موجب ورود سایر بازیگران به این عرصه» شود.

● عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش: دیری نخواهد پایید که شانه به شانه مسلمانان جهان در قدس نماز می‌خوانیم.

● آنچه مقامات و طرفداران جمهوری اسلامی در مورد حمایت از گروه‌های جهادی فلسطینی و حزب‌الله و «جریان مقاومت» می‌گویند با آنچه مردم در بطن جامعه می‌خواهند تفاوت بسیار دارد.

با ادامه عملیات کشور اسرائیل علیه تروریست‌های حماس، مقامات ارشد نظامی در ایران در اظهاراتی جداگانه برای اسرائیل و آمریکا خط و نشان کشیده و به بیان انگیزه‌های خود برای دخالت احتمالی در این جنگ پرداختند.

محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در گفتگوی تلفنی با سرگئی شایگو وزیر دفاع روسیه و خالد بن محمد العطیه وزیر دفاع قطر خواستار اقدام فوری جامعه جهانی برای توقف حملات اسرائیل شد.

وی از سازمان ملل خواست «با برگزاری نشست فوق‌العاده جنایات اسرائیل را متوقف کند» و تهدید کرده ادامه حملات به غزه و کمک‌های مستقیم برخی از کشورها موجب پیچیده‌تر شدن اوضاع شده و «می‌تواند موجب ورود سایر بازیگران به این عرصه» شود.

پاسدار باقری تأکید کرد: «هیچگونه سکوتی برای مسلمانان قابل توجیه نیست و با تداوم این وحشیگری‌ها، امکان هر واکنشی از سوی گروه‌های مقاومت وجود دارد.»

موسوی: «در قدس نماز خواهیم خواند»

عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی در یک به اصطلاح «دلنوشته» که روابط عمومی ارتش ۲۶ مهرماه منتشر کرد خطاب به فلسطینی‌ها نوشت: «دیری نخواهد پایید ستاره‌های صهیون را زیر پا می‌شکنید و از مدائن شکسته و ترک خورده‌ی ارتش منحوس رژیم اشغالگر، ایوان عبرت می‌سازید... دیری نخواهد پایید که شانه به شانه مسلمانان جهان در قدس شریف نمازمان را به جماعت اقامه خواهیم کرد» و «خاک خرابه‌های شهرک‌های صهیونیستی زیر پای حق‌طلبان، آزادگان» خواهد بود.

عبدالرحیم موسوی فروردین ۱۳۹۷ در یک مصاحبه گفته بود «بزرگترین آرمان و آرزوی من و نابودی رژیم صهیونیستی است.»

کمبود ۱۵ هزار معلم در سیستان و بلوچستان و ترک تحصیل ۵۵۶ هزار کودک و نوجوان در کشور به دلیل فقر

● کمبود آموزگار با وجود سیاست‌های غیراصولی حکومت برای جذب نیروهای «ارزشی» و طلاب در مدارس، و با توجه به بودجه محدود وزارتخانه برای جذب نیرو، به بحرانی جدی تبدیل شده است.

● وزارت آموزش و پرورش شمار زیادی از آموزگاران را طی سال گذشته و پیش از آغاز سال جدید تحصیلی اخراج، معلق و به صورت اجباری بازنشسته کرد.

● بر اساس جدیدترین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران ۵۵۶ هزار دانش‌آموز قبل از ورود به مقطع دبیرستان، به دلایلی که اصلی‌ترین آن فقر و محرومیت عنوان شده ناچار به «ترک تحصیل» شده‌اند.

علمکرد وزارت آموزش و پرورش ابعاد مختلفی از مشکلات و بحران‌ها را در سال تحصیلی جدید به نمایش گذاشته است. از یکسو کمبود آموزگار به موازات جذب نیروهای «ارزشی» و طلاب در مدارس، و از سوی دیگر عدم دسترسی دانش‌آموزان به کتاب درسی و همچنین ترک تحصیل شمار زیادی از دانش‌آموزان به ویژه در مقطع دبستان از جمله این مشکلات هستند. کمبود آموزگار از جمله مشکلات اساسی در آموزش و پرورش است که با وجود سیاست‌های غیراصولی حکومت برای جذب نیروهای «ارزشی» و طلاب در مدارس، و با توجه به بودجه محدود وزارتخانه برای جذب نیرو، به بحرانی جدی تبدیل شده است. اگر چه در سال‌های گذشته کمبود آموزگار تنها در برخی استان‌های محروم وجود داشت اما اکنون حتی تهران نیز با کمبود آموزگار روبروست.

بر اساس گزارشی که اوایل مهرماه از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منتشر شد در پایتخت ۴ هزار کمبود معلم وجود دارد که به گفته این مرکز «کمبود معلم عملاً موجب تعطیلی مدارس شده است؛ همچنین به گفته مسئولان، سهمیه تهران در آزمون آموزگاری ۲۳۰۰ نفر بود که مشخص نیست تمام آن تکمیل شود.»

آمار کمبود آموزگار در استان سیستان و بلوچستان نیز به ۱۵ هزار آموزگار می‌رسد. معین‌الدین سعیدی نماینده استان سیستان و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی در اینباره گفته که «ما در استان سیستان و بلوچستان ۱۵ هزار کمبود معلم داریم؛ متأسفانه رویکردها به گونه‌ای بوده که با قانون جوانی جمعیت، به راحتی معلمان فعلی انتقالی می‌گیرند و از شهر می‌روند. این موضوع از لحاظ بحث‌های اداری یک چالش بسیار بزرگ برای استان سیستان و بلوچستان ایجاد کرده و استان از مشوق‌های آن بی‌بهره است. مجموعه

و وحیدی: آمریکا شریک اسرائیل است

شماری از مقامات نظامی در ایران در اظهارات خود به تبعیت از مواضع علی خامنه‌ای آمریکا را مسئول ادامه عملیات علیه حماس خواندند. در همین مورد پاسدار احمدی وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی به خبرنگاران گفت: «آمریکا با آوردن ناوهای جنگی خود عملاً اداره امور جنگی را به دست گرفت و شریک اسرائیل است.»

وی می‌گوید: «رزمندگان مقاومت همانطور که اعلام کردند با قدرت ادامه خواهند... همانطور که رهبر انقلاب اشاره کردند نتیجه عملی این جنایت آن شد که جریان‌های اسلامی و غیراسلامی به مقابله با رژیم بلند شدند و این نوید نابودی رژیم صهیونیستی را می‌دهد.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۲۵ مهرماه در یک سخنرانی ادعا کرد که «آمریکایی‌ها سیاست جاری این روزها، یعنی همین هفته‌ی اخیر داخل اسرائیل را تنظیم می‌کنند و این کارهایی که دارد انجام می‌گیرد سیاست آمریکایی‌ها است. آمریکایی‌ها مسئولیت خودشان را مورد توجه قرار بدهند؛ مسئولند.» پس از آن مقامات حکومتی تهدیدات و رجزخوانی‌هایی خود را علاوه بر اسرائیل شامل آمریکانیز کردند.

فدوی: «صهیونیست‌ها محو شدنی‌اند»

علی فدوی معاون فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در یک سخنرانی تلویحاً آرزوی جنگ کرده و گفته «امیدواریم فرصتی فراهم شود که توانمندی‌های جمهوری اسلامی به کار بیاید تا وعده الهی مبنی بر اینکه جبهه باطل محو شدنی محقق شود؛ بنابراین صهیونیست‌ها محو شدنی هستند.»

اما آنچه مقامات و طرفداران جمهوری اسلامی در مورد حمایت از گروه‌های جهادی فلسطینی و حزب‌الله و «جریان مقاومت» می‌گویند با آنچه مردم در بطن جامعه می‌خواهند تفاوت بسیار دارد. حدود ۱۰ روز از آغاز جنگ میان حماس و اسرائیل گذشته و با وجود تمام محدودیت‌ها مردم به ویژه جوانان از هر فرصتی استفاده کردند تا اعلام کنند نظرشان با آنچه حکومت می‌گوید متفاوت است. در استادیوم‌ها جوانان پرچم فلسطین را حواله بسیجی‌ها کردند؛ در مدارس دانش‌آموزان زیر بار تکرار شعار «مرگ بر اسرائیل» رفتند و حتا در مراسم تدفین داریوش مهرجویی و همسرش که به بطور مشکوکی به قتل رسیدند، مرضیه برومند را به دلیل تکرار سیاست‌های جمهوری اسلامی و حمایت از فلسطین «هو» کردند.



دانش‌آموزی کشور دارد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» اما با استناد به آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان داده که «فقر» سبب کاهش تعداد دانش‌آموزان و افزایش «ترک تحصیل» در کشور شده و به همین دلیل تعداد دانش‌آموزان نیز کاهش یافته است. این گزارش افزوده که مرکز آمار ایران درباره نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان اعلام کرده که در سال تحصیلی ۱۴۰۲ در دوره متوسطه حدود یک میلیون ترک تحصیل داشتیم. به عبارتی از هر پنج دانش‌آموز یک دانش‌آموز در ایران ترک تحصیل کرده است. از سوی دیگر آمار دانشجویان در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵، چهار میلیون و ۷۳ هزار و ۸۲۷ نفر بوده که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به سه میلیون و ۱۷۳ هزار و ۷۷۹ نفر کاهش یافته است. در ادامه آمده که امسال هم تعداد شرکت‌کنندگان نسبت به سال گذشته، ۲۴ درصد کاهش داشته است. نه تنها کنکور کارشناسی، کنکور ارشد هم با ریزش ۱۲۷ هزار نفری در مقایسه با شرکت‌کنندگان سال پیش مواجه شده است. در همین حال مسوولان از یک میلیون صندلی خالی در دانشگاه‌ها خبر می‌دهند.

عبدالرسول عمادی، رئیس سابق مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش، کم‌شدن شرکت‌کنندگان آموزش عالی را ریشه در شرایط و بحران‌های اقتصادی و تحریم‌ها و فقر می‌داند. ریشه‌هایی که بررسی آنها ضروری است، چرا که آینده ایران در گرو تصمیم‌گیری‌های امروز است. همچنین منصور کبکانیان، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی چندی پیش آمارهایی از سهم مدارس و دهک‌های اجتماعی در رتبه‌های زیر ۳ هزار کنکور منتشر کرد که نشان از عمق نابرابری آموزشی در ایران دارد. این آمارها می‌گوید: دهک اول، دوم و سوم که از آنها به عنوان کم‌برخوردار یاد می‌شود، تنها ۲ درصد از صندلی دانشگاه‌های معتبر را به خودشان اختصاص دادند و دهک ۸، ۹ و ۱۰ که برخوردارترین هستند، توانستند ۸۰ درصد از ۳ هزار رتبه اول کشور در کنکور را داشته باشند. در این میان سهم دانش‌آموزان مدارس غیردولتی ۸۰ درصد بود.

پیشتر نیز انجمن صنفی معلمان استان فارس نیز روز اول مهر در پیامی با عنوان «مهرماه و جاماندگان از مهر»، نوشته بود: بازگشایی مدارس را در حالی آغاز می‌کنیم که «چندین هزار کودک به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده‌اند و کودکان کار به عنوان «فرزندان کوچک فقر»، از جمله آثار این بازماندگان از تحصیل هستند.

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش افزوده که «یک سری از دانش‌آموزان هم ثبت‌نام خود را انجام داده‌اند اما ثبت سفارش کتاب را موفق نشدند که انجام دهند بنابراین این افرادی که با تاخیر انجام دادند، کتاب هم با تاخیر بدست آنها می‌رسد.

علی لطیفی همچنین گفته که «بخشی دیگر مدرسی هستند که در ثبت کد مدرسه مشکل دارند، یعنی یا مدرسه تغییر کرده یا کد جدید برای آنها اختصاص داده نشده است. همچنین دسته دیگر دانش‌آموزانی هستند که ثبت سفارش آنها به صورت موقت انجام شده و اکنون برای ثبت سفارش قطعی شاهد تغییر در وضعیت هستند که چیزی حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار دانش‌آموز را شامل می‌شود.»

در این میان «فقر» به عاملی برای عدم درخواست کتاب درسی و حتی ثبت‌نام نکردن دانش‌آموزان در مدارس تبدیل شده است. بر اساس جدیدترین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران ۵۵۶ هزار دانش‌آموز قبل از ورود به مقطع دبیرستان، به دلایلی که اصلی‌ترین آن فقر و محرومیت عنوان شده ناچار به «ترک تحصیل» شده‌اند.

این آمار نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بیش از ۵۵۶ هزار کودک در سن ۱۵ تا ۱۷ سال از تحصیل بازماندند که ۲۹۵ هزار تن، پسر و ۲۶۱ هزار تن، دختر هستند. گزارش مرکز آمار ایران همچنین نشان می‌دهد «نرخ ترک تحصیل» دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۵-۹۶، ۹۹٪ درصد بوده اما پس از پنج سال، در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ به ۱/۲ درصد رسیده و در دوره متوسطه اول نیز ۴/۱۱ درصد بوده که به مرور به ۵/۴۷ درصد رسیده که سیری صعودی را ثبت نشان می‌دهد. روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز در گزارشی با عنوان «دانشگاه در محاصره فقر» به کاهش آمار ورود به دانشگاه‌ها به دلیل فقر اشاره کرده و نوشته که «دانشگاه زمانی امید بسیاری از مردم از طبقه فرودست تا طبقه متوسط بود برای ارتقای زندگی و رسیدن به چشم‌اندازی روشن. اکنون پس از چهاردهه آموزش عالی دچار چالش جدی شده است. تازه‌ترین آمار وزارت آموزش و پرورش نشان می‌دهد، حدود یک میلیون دانش‌آموز حتی فرم شرکت در کنکور را دریافت نمی‌کنند.»

رضا نقی‌زاده مدیر کل برنامه‌ریزی آموزش عالی در گفتگو با «دنیای اقتصاد» کاهش تقاضا برای ورود به دانشگاه به دلایلی از جمله فقر را رد کرده و گفته که «ما با کاهش روبه‌رو نبوده‌ایم. هر کسی که دیپلم گرفته در کنکور شرکت کرده است. کاهش شرکت‌کنندگان کنکور ربط مستقیم به جمعیت

این موضوعات با برنامه‌ریزی غلط و نگاه سازمان امور اداری و استخدامی که نگاه منفی به استان سیستان و بلوچستان دارد، وضعیت کمبود معلم در استان را به مرحله فاجعه رسانده است.»

معین‌الدین سعیدی گفته که «دلایل متعددی طی سال‌های اخیر بر کمبود آموزگار در استان موثر بوده و در یک زمان کوتاه هم اتفاق نیفتاده است. بعد از قانون جوانی جمعیت شاهد خروج معلمین بوده‌ایم، اما از طرف دیگر شرایط استان نیز بر این موضوع تأثیر داشته است.»

اردیبهشت امسال نیز حمیدرضا حاجی‌بابایی رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس شورای اسلامی تعداد کمبود آموزگار در ایران را ۳۰۰ هزار نفر عنوان کرده و گفته بود که «اگر می‌خواهیم یک آموزش و پرورش بانشاط داشته باشیم باید از طریق دانشگاه فرهنگیان ۳۰۰ هزار معلم تربیت کرده و راهی کلاس‌های درس کنیم. حتما دانشجویی که در دانشگاه تربیت معلم درس خوانده، می‌تواند بهتر تدریس کند.»

همزمان در اردیبهشت‌ماه رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش بدون اعتنا به کمبود ۳۰۰ هزار آموزگار در این وزارتخانه، ابراز امیدواری کرده بود که با جذب ۲۷ هزار نیروی پرورشی بخشی از کمبود نیروی آموزگار جبران شود!

معلمان پرورشی که بخش قابل توجهی از آنها دانش‌آموختگان حوزه علمیه هستند، پروپاگانداي ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در مدارس را پیش برده و حتی در نقش «مخبر» و خبرچین‌های نهادهای امنیتی فعالیت می‌کنند. در حالی که برای بسیاری دروس مهم در برخی مدارس معلم وجود ندارد، سرپرست وزارت آموزش و پرورش فعالیت‌های پرورشی را از اولویت‌های اصلی این وزارتخانه خوانده است. همچنین وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌ای با عنوان «طرح امین» اقدام به استخدام آخوندهای تحصیلکرده در حوزه علمیه در آموزش و پرورش کرده است. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

اینهمه در حالیست که حذف آموزگاران از آموزش و پرورش پس از اعتراضات جنبش ملی و از سال گذشته افزایش یافته است. وزارت آموزش و پرورش شمار زیادی از آموزگاران را طی سال گذشته و پیش از آغاز سال جدید تحصیلی اخراج، معلق و به صورت اجباری بازنشسته کرد. این آموزگاران از اعتراضات مردمی و فعالیت جنبش دانش‌آموزی در جریان اعتراضات جنبش ملی حمایت کرده، و یا از جمله فعالان صنفی بوده‌اند. این اقدام وزارت آموزش و پرورش سبب شد شماری از آموزگاران متعهد و با سابقه نیز در شرایط کمبود شدید آموزگار خانه‌نشین شوند.

کمبود آموزگار تنها بخشی از مشکلات موجود در وزارت آموزش و پرورش است. این وزارتخانه امسال حتی نتوانسته تأمین کتاب‌های درسی دانش‌آموزان را نیز مدیریت کند بطوری که ۴۰ تا ۵۰ هزار دانش‌آموز با گذشته سه هفته از آغاز سال تحصیلی کتاب دریافت نکرده‌اند.

مقامات آموزش و پرورش اما معتقدند که «کمبود کتاب درسی» وجود ندارد و دلایل دیگری را برای عدم دریافت کتاب درسی اعلام کردند.

علی لطیفی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش در اینباره توضیح داده که «در آموزش و پرورش با توجه به اینکه حجم و تعداد دانش‌آموزان بسیار زیاد است، همیشه درصدهایی را داریم که به دلایل متعدد کتاب‌های درسی را با تأخیر دریافت می‌کنند. ثبت‌نام یک سری از دانش‌آموزان به هر دلیلی انجام نشده است، بنابراین کتاب هم با تأخیر به دست آنها می‌رسد البته وقتی این افراد به ما مراجعه می‌کنند و باید کمک کنیم که ثبت‌نام آنها قطعی شود.»



عکس هفته | شهبانو در ۲۲ مهر ۱۴۰۲ هشتاد و پنج ساله شد